

صحیح فضائل اعمال

از دیدگاه اهل سنت

مؤلف: ابو عبدالله ضياء الدين
مترجم: حامد فيروزى


بسم الله الرحمن الرحيم





صحیح فضایل اعمال

ابوعبدالله ضیاءالدین محمد بن عبدالواحد بن احمد مقدسی

تحقیق و ترجمه

حامد فیروزی





ضیاءالدین مقدسی، محمد بن عبدالواحد، ٥٦٩-٦٤٣
صحیح الاعمال / ابوعبدالله ضیاءالدین، حامد فیروزی
تهران: نشراحسان، ۱۳۹۱
۲٥٦ ص. ISBN: 978-964-356-829-0
فیپا
موضوع: احادیث -- قرن ۷ق
شناسه افزوده: فیروزی، حامد.
۱۳۹۱ ٤١٠٦ف۹ض/BP۱۳۲
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۲
کتابخانه ملی ایران ۲٤٠١٢٤٠



صحیح فضایل اعمال

✦مؤلف: ضیاءالدین مقدسی
✦تحقیق و ترجمه: حامد فیروزی
✦ناشر: نشر احسان
✦تیراژ: ۲۰۰۰ جلد
✦چاپخانه: مهارت
✦نوبت چاپ: اول ـ ۱۳۹۱

✦شابک: ۰-۸۲۹-۳۵۶-۹۶۴-۹۷۸



فروشگاه :
تهران ـ خ انقلاب ـ روبروی دانشگاه،
مجتمع فروزنده ـ شماره ۴۰۶
تلفن : ۶۶۹۵۴۴۰۴

فهرست



مقدمه مترجم

برای آگاهان از اسلام و مسلمانی از آغاز تا بحال این واقعیت از روز روشن‌تر است که یکی از مؤثرترین و کار آمدترین نقشه‌های شوم دشمنان شکست خورده اسلام، تحریف دین بوسیله‌ی روایات جعلی و ساختگی است. از آن جایی که خداوند متعال در کتاب خود وعده داده که دین‌اش را حفاظت کند، می‌بینم که علی رغم مؤثر واقع شدن دروغ سازی بنام پیامبر، باز هم همواره در طول تاریخ خداوند متعال به بندگان نیک و صالح خود توفیق داده که از دین پیامبر دفاع کنند و روایات جعلی و ساختگی را با قواعد بر گرفته از قرآن و سنت؛ بشناسند و به مسلمانان معرفی کنند. با این حال باز دشمن از راه‌های مختلف برای تخریب عقاید، باورها و اعمال مسلمانان بوسیله‌ی روایات ضعیف و بی اساس ادامه می‌دهد؛ بنابراین وظیفه همه‌ی علمای مسلمان و آگاهان در این فن است که همواره مراقب باشند در نوشته‌ها، سخن‌ها، فتواها و سخنرانی‌های خود حقایق را بیان کنند و روایات ضعیف و جعلی را به مردم معرفی و آن‌ها را از عمل به این‌ها برحذر دارند. تردیدی نیست که اگر روایات ضعیف و جعلی را از تفاسیر و کتاب‌های فقهی حذف کنیم و عموم مسلمانان به مرحله‌ای از رشد و توجه به دین برسند که به حدیث به شرط صحت و ثابت بودن آن عمل کنند و با این شرط حدیث را بپذیرند، بسیاری از اختلافات از بین می‌رود و مشکلات و فاصله‌ها کم می‌گردد.

هر کس تاریخ تحولات در زندگی اعتقادی و عملی مسلمانان را از همان آغاز بررسی نماید قطعاً این واقعیت برایش روشن خواهد شد که مذاهب، گروه‌ها،

فرقه‌ها و شاخه‌های مختلفی که از حقیقت اسلام و مسلمانان جدا شده‌اند و با ادعای مسلمانی اما گمراه هستند، دو عامل اساسی موجب آن گردیده است:

۱- روایات جعلی و بی‌اساس ۲- فهم غلط از آیات و روایات.

اگر روایات ضعیف را از کتاب‌های فقهی حذف کنیم نتیجه این خواهد شد که به عنوان مثال رسول‌الله فقط به یک صورت نماز خوانده است نه به صورت‌ها و روش‌های مختلف!!؟ و نیز روایات با هم تناقض نخواهد داشت، چون اسلامِ پیامبر، دین هماهنگی و وحدتِ بر حق و همه‌اش خیر و سعادت است. نه اختلاف، تفرقه، تنفر، درگیری و...

یکی از زمینه‌های پذیرش و پخش روایات ضعیف و حتی جعلی، بخش بیان ثواب اعمال و تشوق به امور دینی است، لذا وقتی در این علم مطالعه می‌کنیم و روایات جعلی و ضعیف را مورد بررسی قرار دهیم برای ما روشن می‌شود که بسیاری از حدیث سازان صوفی بوده‌اند و به هدف کشاندن مسلمانان به عبادت بیشتر، جعل حدیث کرده‌اند؛ بنابراین شایسته است که همه‌ی روایات را بویژه روایات در بحث فضایل و ثواب اعمال را بعد از اثبات صحت آن‌ها بپذیریم و یا به دیگران بگوییم.

فضایل اعمال مقدسی از کتاب‌هایی است که در موضوع خود کتاب ارزشمندی به شمار می‌رود لذا برای تحقیق و فقط ترجمه‌ی احادیث صحیح آن، این کتاب را انتخاب نمودم. این کتاب علی رغم مختصر بودن، تقریباً همه ابواب اصلی زندگی روز مره را شامل می‌شود، مؤلف تلاش کرده از منابع اصلی حدیثی مانند: صحیحین، سنن اربعه، مؤطای امام مالک، مسند احمد؛ سنن دارمی و دیگر کتاب‌های اصلی حدیثی؛ نقل حدیث نماید و پس از ذکر هر حدیث آن را به منبع اصلی آن نسبت داده است و در مقدمه‌ی کوتاهی که در اول کتاب دارد، می‌نویسد: حدیثی که در صحیحین بوده از ذکر دیگر منابع خودداری کردم و حدیثی هم که در دیگر کتاب‌ها بوده را فقط به صورت محدود، یک یا دو منبع را ذکر می‌کند و عموماً روایاتی را که از سنن ترمذی نقل می‌کند، با ذکر حکمی که

ترمذی بر حدیث داده می‌آورد و احادیث را بدون ذکر سند فقط با ذکر نام صحابه‌ای که حدیث را روایت کرده‌اند، آورده است.

کارهایی که بنده در این کتاب انجام داده‌ام:

۱- کتابی که داشتم شماره گذاری نبود، لذا اول شماره گذاری کردم.

۲- احادیث ضعیف، ضعیف جداً و جعلی – که تعداد کمی وجود داشت- را از کتاب جدا کردم.

۳- حکم هر حدیث و منبع اصلی که حدیث از آن گرفته شده را در پاورقی ذکر کردم.

۴- در هنگام تحقیق احادیث گرچه کتاب‌ها و تحقیقات شیخ آلبانی برایم مهم و خمیرمایه‌ی کار بود اما از نظریه دیگر محدثین از قدیم تا بحال بدون محدودیت بهره جستم و در برخی جاها که احساس کردم نیاز هست به نام ذکر کردم.

۵- در تطبیق روایتی که مؤلف آورده با مرجعی که ارجاع داده بود، نهایت دقت و تلاشم را به کار گرفتم، به همین خاطر گاهی برای پیدا کردن متن دقیق روایتی که مؤلف آورده، مجبور بودم به منابع مختلف مراجعه کنم و گاهی برایم روشن می‌شد که بطور مثال متنی که مؤلف آورده و به صحیح مسلم نسبت داده، در صحیح مسلم با اندک تفاوتی در کلمات و الفاظ وجود دارد. اما اصل آن متن به طور مثال در مسند احمد یا یکی از سنن است و در تمام کارهایی که انجام دادم از روش محدثین قدیم و جدید –در حد توان- استفاده کردم و از اصول و روش کار آن‌ها در حد توان خارج نشدم.

۶- به ندرت مؤلف دو حدیث را پشت سرهم آورده و نام صحابه‌ای که آن حدیث روایت کرده حذف نموده است که به ظاهر یک حدیث تصور می‌شود، بنابراین سعی کردم که مشخص کنم دو حدیث هستند.

۷- تفاوت‌های اندک در الفاظ و متون حدیثی را که در برخی جاها مؤلف تذکر داده بود، ذکر کردم و در برخی جاها هم که مؤلف سکوت کرده بود، بنده تذکر دادم.

۸- به ندرت اتفاق افتاده که مؤلف حدیثی را به کتابی که نسبت می‌دهد در آن نباشد، لذا این موارد را هم تذکر دادم.

۹- هر حکمی که برای هر حدیث ذکر شده، همان حکمی است که محدثین داده‌اند.

۱۰- مبنای احکام داده شده برای احادیث بعد از بخاری و مسلم، نظریات شیخ آلبانی است، بجز در موارد محدودی که از نظر دیگر محدثین استفاده شده است.

انگیزه : مؤلف فضایل اعمال در مقدمه‌ی خود می‌نویسد: هر حدیث را به کتاب‌های پیشوایان حدیث نسبت دادم، اگر صحیحین یا یکی از آن دو بود به آن‌ها نسبت داده‌ام، در چنین مواردی حدیث را به منبع دیگری آدرس نداده‌ام، اما اگر در سنن بود به سنن نسبت دادم، **چون هدف شناخت صحت حدیث بود نه کثرت راویان!**

بنده از این حرف مؤلف متوجه شدم که ایشان همان‌طور که کتاب حدیثی بنام «الاحادیث المختاره» دارد و تلاش کرده احادیث صحیح را در آن بیاورد. در این جا هم می‌خواسته احادیث صحیح در فضایل اعمال را بیاورد؛ بنابراین کتاب را برای تحقیق ترجمه انتخاب نمودم و به توفیق الله در ظرف مدت یک سال تحصیلی در کنار تدریس، احادیث را تخریج، تحقیق و فقط احادیث صحیح را ترجمه کردم و اکنون هم که برای چاپ آماده می‌شود در فرصتی که در اختیار داشتم دوباره حکم و شماره‌ی تک تک احادیث را بررسی کردم و تعداد محدودی از احادیثی که قبلاً صحیح و یا ضعیف دریافته بودم، در این مرحله همان حکم جدیدی که از طرف صاحب نظران مطرح شده بود را ثبت کردم. بویژه از کتاب: تراجعات شیخ البانی و کتاب «مختصر کتاب (الإعلام بآخر أحکام الألبانی الإمام)» بهره بردم.

در ضمن در این اواخر به کتاب فضایل اعمال با تحقیق غسّان عیسی محمد هرماس در انترنت دست یافتم که رساله‌ی فوق لیسانس بود، البته در برخی موارد نتایج بدست آمده متفاوت بود و کار تحقیق آن برادر گر چه از خیلی جهات ارزشمند و حتی علمی است اما در روش حکم دادن به حدیث تساهل دارد و بلکه فقط بر اسناد حدیث حکم می‌دهد، به این صورت که مثلاً می‌گوید: صحیح‌الاسناد و یا ضعیف الاسناد که از نگاه علمی خالی از ایراد نیست، چون ممکن است

حدیثی إسناد آن صحیح باشد اما متن آن ایراد داشته باشد؛ و هر حدیث ممکن است از سه جا ضعف یا ایراد داشته باشد:

۱- سند ۲- متن ۳- هم سند و هم متن آن

به این ترتیب گفتن صحیح الاسناد مرحله‌ی نهایی حکم حدیث نیست، و از آن‌جایی که مخاطب این کتاب عموماً عوام هستند، لذا باید حکم واضح و صریحی که علما به حدیث داده‌اند، نوشته شود تا مومنانِ به حقیقت قرآن و سنت صحیح، سرگردان نشوند.

لازم به ذکر است که در کتاب فضایل اعمالی که بنده در اختیار داشتم ۱۱۸ روایت ضعیف و ۱۶ روایت «ضعیف جدا» و ۱۱ روایت «موضوع» و بقیه صحیح بود که فقط روایات صحیح را ترجمه کردم. اما آقای غسان عیسی در مقدمه کتاب می‌گوید: به سه نسخه خطی دست یافته ولی درباره‌ی اختلاف شمار روایات در نسخه‌های چیزی نگفته اما برایم روشن شد که مجموع روایات نسخه‌ی چاپ دار الکتاب العربی ۷۸۶ و در نسخه‌ی چاپی با تحقیق آقای غسان عیسی ۷۷۸ روایت ثبت شده است.



آشنایی با مؤلف

مؤلف فضایل الاعمال ابوعبدالله ضیاءالدین، محمد بن عبدالواحد، مقدسی[1]، سعدی و صالحی است که در سال (۵۶۹ ه) متولد شده است. وی از محدثین دمشق، بغداد، اصفهان، نیشابور و هرات حدیث شنیده است و بیش از پانصد استاد داشته که از آن‌ها حدیث نوشته است، کتاب تصنیف کرده و احادیث را صحیح و ضعیف کرده است و راویان را جرح، تعدیل و توثیق نموده است. شاگردش عمربن حاجب می‌گوید: استاد ما ابوعبدالله شیخ دوران خود بود که در علم حدیث نظیر نداشت، در عبادت کوشا بود. حافظ مزّی[مؤلف کتاب گران‌بهای رجالیِ تهذیب الکمال] درباره‌ی وی می‌گوید: حافظ ضیاءالدین مقدسی از حافظ عبدالغنی مقدسی در علم حدیث و رجال تبحر بیشتری داشت. حافظ ابن نقطه، ابن نجار، برزلی و عمر بن حاجب از او حدیث روایت کرده‌اند.

وی در سال(۶۴۳ ه) وفات کرده و در بیشتر علوم کتاب تصنیف کرده است، اما مهم‌ترین کتاب‌هایش در علم حدیث است، از جمله کتاب مشهور وی «الأحادیث المختاره» است که در آن احادیث صحیحی را گرد آوری کرده که قبل از وی کسی گردآوری نکرده است.

غسّان هرماس در مقدمه‌ای که بر فضایل اعمال نوشته ۴۳ تا از تألیفات مؤلف را از منابع مختلف ذکر کرده است که «فضائل القرآن» و «فضائل الجهاد» و

---

[1]. لازم به ذکر است که آقای غسان عیسی هرماس در مقدمه‌ی تحقیق کتاب فضایل اعمال مقدسی زندگی نامه‌ی ایشان را به صورت مفصل از منابع مختلف نوشته و اساتید، شاگردان و دیدگاه علما و صاحب‌نظران را درباره‌ی وی با ذکر منبع و مأخذ نوشته است.

«فضائل‌الشام» فقط در مورد فضایل است.[1] و علما صحت نظریه‌ی وی را پذیرفته‌اند. تا جایی که ابن‌تیمیه و زرکشی می‌گویند: تصحیح ضیاءالدین مقدسی از تصحیح حاکم ارزشمندتر است و به تصحیح ترمذی و ابن حبان نزدیک می‌باشد.

یکی از تألیفات این دانشمند بزرگوار در علم حدیث همین کتاب «فضایل‌الاعمال» است که در نوع خود کتاب ارزشمندی است که الله بوسیله آن به بندگانش نفع رسانده است، امید است که الله به مؤلف، مطالعه کننده و عمل کننده‌اش پاداش دهد. انشاءالله!

کسانی که در فضائل الاعمال کتاب نوشته‌اند:

از همان آغاز شروع کارهای علمی در میدان تألیف و تصنیف علما به نوشتن فضایل و ثواب یا ترغیب و ترهیب از قرآن و سنت توجه داشته‌اند. البته بیشتر به نوشتن و گرد آوری فضایل موضوع خاص مانند: فضایل جهاد، فضایل قرآن و فضایل صحابه و یا فضایل اماکن خاص مانند: فضایل مکه، مدینه و بیت المقدس و ... و حتی در مورد فضایل ماه‌ها و روزه‌های خاص مانند: فضایل رمضان و... کتاب‌هایی تألیف کرده‌اند. از طرفی محدثین در کتاب‌های حدیثی خود مانند: صحیحین، سنن اربعه و... از ذکر فضایل غافل نبوده‌اند و با عنوان فضایل و مناقب به نقل روایات ثواب و فضیلت اعمال و فضیلت اشخاص پرداخته‌اند. علاوه بر این برخی از علما کتاب‌هایی را تحت عنوان «فضایل اعمال» یا «الترغیب و الترهیب» تألیف کرده‌اند. از کسانی که در این مورد کتاب تألیف کرده‌اند، افراد ذیل را می‌توان نام برد:

۱- حمید بن مخلد بن قتیبه معروف به ابن زنجویه ت۲۴۸ نام کتاب‌اش « فضائل‌الاعمال » است.[2]

---

[1]. نگا: مقدمه‌ی فضائل الاعمال از ص۴۶ تا ۵۰

[2]. زندگی‌نامه اش را در طبقات الحنابله ۱/۱۵۰ و تذکره الحفاظ ۲/۵۵۰ و ... نوشته‌اند.

۲- ابن شاهین عمر بن احمد بن عثمان بغدادی ابو حفص ت ۳۸۵ [۱] کتاب‌اش « الترغیب فی فضائل‌الاعمال و ثواب ذلک» نام دارد.

۳- ابو القاسم بن محمد بن فضیل قرشی اصفهانی ملقب به قوام الدین ت ۲۵۵ [۲]

۴- زکی الدین عبدالعظیم بن عبدالقوی منذری ت۶۵۶ کتاب الترغیب و الترهیب را تألیف کرده است که بارەها در جاهای مختلف چاپ و توسط شیخ آلبانی و دیگر علما تحقیق شده است.

۵- ابوالشیخ عبد الله بن محمد بن جعفر بن حیان [۳] اصفهانی ت۳۶۹ه کتابی تحت عنوان «ثواب الاعمال» دارد.

۶- ابو البرکات عبدالله بن احمد نسفی [۴] ت ۷۰۱ ه کتابی تحت عنوان « فضائل‌الاعمال » دارد.

۷- ابو محمد شرف الدین بن خلف دمیاطی [۵] ت۷۰۵ ه کتابی تحت عنوان «المتجر الرابح فی ثواب العمل الصالح» دارد.

۸- فاضل حنفی افندی [۶] کتابی تحت عنوان « فضائل‌الاعمال » دارد.

۹- حافظ ضیاء الدین محمد بن عبد الواحد بن احمد مقدسی رحمه‌الله‌تعالی ت۵۶۹ ه م ۶۴۶ ه که مؤلف همین کتاب است و این احادیث را از همین کتاب پس از تحقیق و جدا کردن روایات ضعیف فقط احادیث صحیح یا حسن را ترجمه کردم.

چرا فقط احادیث صحیح؟

یک سوال در این جا مطرح است و آن این که چرا فقط احادیث صحیح، مگر عمل به روایات ضعیف جایز نیست؟

---

[۱]. زندگی‌نامه اش را در تذکره الحفاظ ۳/۹۸۷ و الرسالة المستطرفه/۵۷ نوشته‌اند.

[۲]. زندگی‌نامه اش را در اخبار أصبهان ۲/۹۰ و النجوم الزاهره ۴/۱۳۶ و... نوشته‌اند.

[۳]. زندگی‌نامه اش را در تذکره الحفاظ ۴/۱۲۷۷ و.. نوشته‌اند.

[۴]. زندگی‌نامه اش را در تذکره الحفاظ الدررالکامنه۲/۳۵۲ ، الاعلام ۴/۶۷ و.. نوشته‌اند.

[۵]. تذکرة الحفاظ ۴/۱۴۷۷ و حسن المناظره۱/۳۵۷ این کتاب بدون تحقیق چاپ شده است.

[۶]. ایضاح المکنون ۴/۱۹۵

در پاسخ باید بگوییم که: بر خلاف آن‌چه متأسفانه در بین متأخرین شایع شده عمل به حدیث ضعیف جایز نیست و عمل به حدیث ضعیف بر خلاف قرآن، سنت و عمل صحابه، علمای سلف و محدثین است.

و اینک پاسخ با اندکی تفصیل:

اول: شایسته است که بدانیم فضائل جمع فضیلت و به معنای پاداش، ثواب و میزان ارزش تعیین شده‌ی عمل از جانب الله و با ابلاغ پیامبر است. به این ترتیب برای همه روشن است که ثواب اعمال را الله و یا رسول الله برای ما مشخص کرده‌اند. در نتیجه امری غیبی است و عمل به روایات ضعیف به این معناست که از رسول الله ثابت نیستند یا در ثبوت آن‌ها شک وجود دارد، **به همین دلیل محدثین آن‌ها را در کتاب‌های حدیثی نوشته‌اند که اگر بعدا با سندهای دیگر تقویت شوند و صحت آن‌ها به ثبوت برسد آن‌ها را جزو روایات معتبر و صحیح قرار دهند.** وقتی روایات ضعیف از رسول الله نیست و ما بگوییم عمل به حدیث ضعیف جایز است در واقع این نظریه با این که الله دین را کامل کرده و رسول الله آن را ابلاغ نموده است، زیر سوال می‌رود و این با آیات و احادیث ذیل تناقض دارد:

۱- خداوند متعال می‌فرماید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلامَ دِيناً»: (امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آئین (شما پسندیدم). «مائده ۳»

۲- و می‌فرماید: «أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ»: (آیا مگر برای این‌ها کافی نیست که بر تو کتابی نازل نمودیم تا برای‌شان تلاوت شود). «عنکبوت۵۱»

۳- و می‌فرماید: «وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الكِتَابَ تِبْيَاناً لِكُلِ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَه وَ بُشْرى لِلمُسْلمِين»: (و ما این کتاب [آسمانی] را بر تو نازل کرده‌ایم که بیانگر همه چیز [امور دین مورد نیاز مردم] و وسیله هدایت و مایه رحمت و مژده‌ای [همیشگی برای] مسلمانان است). «نحل۸۹» و دیگر آیات...

گفتنی است که در قرآن بیش از چهل آیه‌ی وجود دارد که به پیروی از رسول الله دستور می‌دهد.

و از پیامبر در این باره احادیث متعددی ثابت است از جمله:

۱- ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «کفی بالمَرء کَذباً أنْ یُحَدِّثَ بکُلِّ ما سمع»:[1] (برای اثبات دروغ گو بودن فرد همین کافی است که هرچه را که شنیده است، (برای مردم) بازگو کند).

۲- و می‌فرماید: «إنَ کَذِبًا عَلَیَّ لَیسَ کَکَذب عَلَی أحَد، مَنْ کَذَبَ عَلَیَّ مُتَعَمِّدًا فَلْیَتَبَوَّأ مَقْعَدَهُ منَ النَار»:[2] (نسبت دادن سخن دروغ به من، مانند نسبت دادن دروغ به هیچ کسی دیگر، نیست. هر کس، قصداً سخن دروغی را به من نسبت دهد، باید جایش را در دوزخ، آماده نماید).

۳- و می‌فرماید: «من کذب عليّ متعمدا فلیتبوأ مقعده من النّار»[3]: (هر کس از روی عمد بر من دروغ بندد، باید جایگاهش در دوزخ آماده نماید آتش برگزیند).

۴- و می‌فرماید: «الْحَلالُ بَیِّنٌ وَالْحَرَامُ بَیِّنٌ، وبَیْنَهُمَا أُمُورٌ مُشْتَبِهَةٌ...»: (حلال واضح و روشن، و حرام واضح روشن است، و بین آن دو اموری متشابه وجود دارد...).

بدون تردید پیروی از احادیث صحیح از همان بخش حلال‌های واضح و حرام‌های واضح است. اما پیروی از روایات ضعیف چه جایگاهی می‌تواند داشته باشد؟؟!!

در این جا لازم می‌دانم یک نکته‌ی مهم و اساسی اعتقادی که شاید بسیاری به آن توجه نکرده باشند را به عنوان تذکر برای کسانی که در مساجد، منابر و... از قول رسول الله به مردم حدیث می‌خوانند، ذکر کنم و آن این که:

ملا علی قاری که از علمای بزرگ احناف به شمار می‌رود در کتاب «الموضوعات الکبیر» چاپ پاکستان (میر محمد کتب خانه آرام باغ کراچی) صفحه‌ی ۱۲ درباره‌ی حدیث: «مَنْ کَذَبَ عَلَیَّ مُتَعَمِّدًا... » از قول سیوطی می‌نویسد: این حدیث را بیش از صد نفر از صحابه روایت کرده‌اند و از قول ابن

---

[1]. صحیح مسلم/۵
[2]. صحیح: متفق علیه: بخاری/۱۲۲۹ و مسلم/۴
[3]. متفق علیه

جوزی از محمد بن احمد بن عبدالوهاب اسفرایینی می‌نویسد: این حدیث تنها حدیثی است که آن را عشره‌ی مبشره روایت کرده‌اند!! بعد از این تحت عنوان «فائده» می‌نویسد: استاد اساتید ما حافظ جلال‌الدین سیوطی می‌گوید: **هیچ گناه کبیره‌ای را سراغ ندارم که اهل سنت بگویند با ارتکاب آن فرد کافر می‌شود، جز دروغ گفتن به نام رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم.**

و شیخ ابومحمد جوینی از اصحاب شافعی که پدر امام حرمین است، می‌گوید: هر کس قصدا به نام رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم دروغ بگوید، کافر و از دین خارج می‌گردد و گروهی از جمله امام ناصر الدین بن منیر از پیشوایان مالکی همین نظریه را دارند و این نظریه را آن حدیث رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم که می‌فرماید: «مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا...» تأیید می‌کند. و نیز دستور به کشتن و سوزاندن کسانی که بعد از وفات ایشان به نام وی دروغ بگویند، مؤید این نظریه است، چون دروغ به نام رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم دروغ به نام الله تعالی است.[1]

حال سوال ما از کسانی که روایات جعلی را باز هم به مردم می‌خوانند این است که اگر نقل روایت جعلی و ضعیف نقل دروغ آگاهانه به نام ایشان نیست. پس دروغ به نام ایشان چیست؟

---

[1]. الموضوعات الکبیر ملا علی قاری ص ۱۲و۱۳ در چاپی که در پاورقی آن تذکرة الموضوعات مقدسی را چاپ کرده‌اند.



مقدمه‌ی مؤلف

شیخ، امام، عالم، حافظ، ضیاء الدین، ابومحمد بن عبدالواحد بن احمد مقدسی می گوید:

الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد أشرف المرسلین.

اما بعد: این(فضائل الأعمال) کتابی است که با حذف سندها گرد آوری کرده‌ام و هر یک از احادیث آن را به کتاب‌های ائمه‌ی حدیث نسبت داده‌ام، اما هر یک از این احادیث که در صحیحین یا یکی از آن دو است، غالبا به کتابی دیگر نسبت ندادم. البته حدیثی که در سنن (ابوداود، ترمذی، و....) است به منابع مختلف آن نسبت دادم، **چرا که هدف شناخت صحت حدیث است نه بیان کثرت محدثینی که آن را روایت کرده‌اند.**

امید است که الله تعالی این کتاب را برای ما و هر کس احادیث این را بنویسد یا بشنود... مفید واقع گرداند.

حسبنا الله و نعم الوکیل

کتاب فضایل وضو و نماز[1]

فضیلت وضو

۱- عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِﷺ «مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ خَرَجَتْ خَطَايَاهُ مِنْ جَسَدِهِ حَتَّى تَخْرُجَ مِنْ تَحْتِ أَظْفَارِهِ»:[2]

عثمان بن عفانﷺ می‌گوید، رسول خداﷺ فرمودند: (هرکس به نحو احسن وضو گیرد گناهان او، از بدنش، حتی از زیر ناخن‌هایش بیرون می‌شود).

۲- عَنْ أَبِي‌هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِﷺ قَالَ «إِذَا تَوَضَّأَ الْعَبْدُ الْمُسْلِمُ - أَوِ الْمُؤْمِنُ - فَغَسَلَ وَجْهَهُ خَرَجَ مِنْ وَجْهِهِ كُلُّ خَطِيئَةٍ نَظَرَ إِلَيْهَا بِعَيْنَيْهِ مَعَ الْمَاءِ - أَوْ مَعَ آخِرِ قَطْرِ الْمَاءِ - فَإِذَا غَسَلَ يَدَيْهِ خَرَجَ مِنْ يَدَيْهِ كُلُّ خَطِيئَةٍ كَانَ بَطَشَتْهَا يَدَاهُ مَعَ الْمَاءِ - أَوْ مَعَ آخِرِ قَطْرِ الْمَاءِ - فَإِذَا غَسَلَ رِجْلَيْهِ خَرَجَتْ كُلُّ خَطِيئَةٍ مَشَتْهَا رِجْلاَهُ مَعَ الْمَاءِ - أَوْ مَعَ آخِرِ قَطْرِ الْمَاءِ - حَتَّى يَخْرُجَ نَقِيًّا مِنَ الذُّنُوبِ»:[3]

ابوهریره می‌گوید، رسول خداﷺ فرمودند: (هر گاه بنده‌ی مسلمان یا مؤمن وضو گیرد، چون صورتش را بشوید هر گناهی که با چشمانش انجام داده با آب یا با آخرین قطره‌ی آب از آن بیرون می‌شود، و چون دست‌هایش را بشوید هر گناهی که با دست‌هایش انجام داده است با آب یا با آخرین قطرات آب بیرون می‌شود، هرگاه پاهایش را بشوید، هر گناهی که بوسیله‌ی پا انجام شده با آب یا همراه آخرین قطرات آب بیرون می‌شود تا این که از گناهانش پاک می‌شود).

---

[1]. این عنوان از مترجم است.
[2]. صحیح: صحیح مسلم/۶۰۱
[3]. صحیح: صحیح مسلم/۶۰۰

۳- عن عَمْرُو بْنُ عَبَسَةَ عن النبی قال: «مَا مِنْكُمْ رَجُلٌ يُقَرِّبُ وَضُوءَهُ فَيَتَمَضْمَضُ وَيَسْتَنْشِقُ فَيَنْتَثِرُ إِلاَّ خَرَتْ خَطَايَا وَجْهِهِ وَفِيهِ وَخَيَاشِيمِهِ ثُمَّ إِذَا غَسَلَ وَجْهَهُ كَمَا أَمَرَهُ اللَّهُ إِلاَّ خَرَتْ خَطَايَا وَجْهِهِ مِنْ أَطْرَافِ لِحْيَتِهِ مَعَ الْمَاءِ ثُمَّ يَغْسِلُ يَدَيْهِ إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ إِلاَّ خَرَتْ خَطَايَا يَدَيْهِ مِنْ أَنَامِلِهِ مَعَ الْمَاءِ ثُمَّ يَمْسَحُ رَأْسَهُ إِلاَّ خَرَتْ خَطَايَا رَأْسِهِ مِنْ أَطْرَافِ شَعْرِهِ مَعَ الْمَاءِ ثُمَّ يَغْسِلُ قَدَمَيْهِ إِلَى الْكَعْبَيْنِ إِلاَّ خَرَتْ خَطَايَا رِجْلَيْهِ مِنْ أَنَامِلِهِ مَعَ الْمَاءِ فَإِنْ هُوَ قَامَ فَصَلَّى فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَمَجَّدَهُ بِالَّذِى هُوَ لَهُ أَهْلٌ وَفَرَّغَ قَلْبَهُ لِلَّهِ إِلاَّ انْصَرَفَ مِنْ خَطِيئَتِهِ كَهَيْئَتِهِ يَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ».[1]

عمروبن عبسه می گوید، پیامبر ﷺ فرمود: (هیچ یک از شما نیست که آب وضویش را بردارد و دهان و بینی‌اش را بشوید، مگر این که گناهان چهره، دهان و بینی‌اش بیرون می‌شود. سپس وقتی که صورت خود را آن‌طور که الله دستور داده، بشوید. گناهان او از دو طرف صورتش همراه با آب می‌ریزد، سپس با شستن دو دستش تا آرنج‌ها گناهان دست‌هایش از سر انگشتانش می‌ریزد، سپس با مسح سر گناهان آن از اطراف موهایش با (مسح) می‌ریزد و با شستن دو پا با قوزک‌ها گناهان پاهایش از سر انگشتانش با آب می‌ریزد. پس از این اگر بر خیزد و نماز بخواند وحمد، ثنا و تمجید الله را آن گونه که شایسته‌ی اوست، در نماز بگوید و قلبش را فقط برای الله فارغ کند، هم‌چون روز تولد از مادر، از گناهان پاک می‌شود).

فضیلت وضوی در سرما و گرمای شدید

۴- عَنْ أَبِى هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ «أَلاَ أَدُلُّكُمْ عَلَى مَا يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْخَطَايَا وَيَرْفَعُ بِهِ الدَّرَجَاتِ». قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ «إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ عَلَى الْمَكَارِهِ وَكَثْرَةُ الْخُطَا إِلَى الْمَسَاجِدِ وَانْتِظَارُ الصَّلاَةِ بَعْدَ الصَّلاَةِ فَذَلِكُمُ الرِّبَاطُ».[2]

---

[1] صحیح: صحیح. مسلم/۱۹۶۷

[2]. صحیح: صحیح مسلم/۵۱

ابوهریره می گوید، پیامبرﷺ فرمود: (آیا شما را به چیزی راهنمایی نکنم که الله به وسیله‌ی آن گناهان را محو می کند و درجات را بالا می‌برد؟ گفتند: بله یا رسول الله. فرمودند: کامل وضوگرفتن به هنگام سختی‌ها(مانند: گرمای سخت، سرمای سخت و...) کثرت قدم‌ها(رفتن) به سوی مساجد، و انتظار کشیدن از نمازی تا نماز دیگر، این است مرز بانی، این است مرزبانی).

فضیلت گفتن شهادتین بعد از وضو

۵- عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّاب قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِﷺ «مَنْ تَوَضَأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ ثُمَّ قَالَ أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيکَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَهُمَّ اجْعَلْنِى مِنَ التَوَّابِينَ وَاجْعَلْنِى مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ فُتِحَتْ لَهُ ثَمَانِيَةُ أَبْوَابِ الْجَنَةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ»[1]:

عمر بن‌خطاب می گوید، رسول‌اللهﷺ فرمودند: هر کس به نحوه احسن وضو گیرد و سپس بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيکَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَهُمَّ اجْعَلْنِى مِنَ التَوَّابِينَ وَاجْعَلْنِى مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ»: (گواهی می‌دهم که معبود بحقی جز الله نیست، یکتاست، شریکی ندارد، ومحمد بنده و فرستاده‌ی اوست، الهی! مرا از توبه کنندگان و پاکان قرار بده). دروازه‌های هشت‌گانه بهشت برای وی باز می‌شود تا از هرکدام بخواهد، وارد شود).

فضیلت أذان و آنچه شنونده به همراه وی تکرار می‌کند

۶- عن أبى‌سَعيد الْخُدْرىَّ عن النبىﷺ قَالَ: «لاَ يَسْمَعُ مَدَى صَوْتِ الْمُؤَذِّنِ جِنٌّ ولاَ إِنْسٌ ولاَ شَىْءٌ إِلاَّ شَهِدَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»[2]:

از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که پیامبرﷺ فرمودند: (هر انسان، جن یا چیزی دیگر صدای مؤذن را بشنود، روز قیامت برایش گواهی خواهد داد).

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۵۵۳ و ترمذی/۵۵

[2]. صحیح: صحیح بخاری/۶۰۹

۷- عَنْ أَبی هُرَیْرَةَ أَنَ رَسُولَ اللهِ ﷺ قَالَ «لَوْ یَعْلَمُ النَاسُ مَا فی النِّدَاءِ وَالصَّفِّ الأوَّل، ثُمَّ لَمْ یَجِدُوا إلاَ أَنْ یَسْتَهِمُوا عَلَیْه لاَسْتَهَمُوا، وَلَوْ یَعْلَمُونَ مَا فِی التَهْجِیرِ لاَسْتَبَقُوا إلَیْه، وَلَوْ یَعْلَمُونَ مَا فِی الْعَتَمَةِ وَالصُّبْحِ لأتَوْهُمَا وَلَوْ حَبْوًا»:[۱]

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: اگر مردم (ثواب) اذان دادن و صف اول را می‌دانستند، سپس راهی جز از قرعه‌کشی نمی‌یافتند، برای آن قرعه‌کشی می‌کردند. و اگر ثواب خواندن نماز ظهر در اول وقت را می‌دانستند، بطرف آن سبقت می‌گرفتند و اگر ثواب شرکت در نماز عشاء و صبح را می‌دانستند حتی با خزیدن بصورت چهار دست و پا می‌آمدند).

۸- عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللهِ أَنَ رَسُولَ اللهِ ﷺ قَالَ «مَنْ قَالَ حِینَ یَسْمَعُ النِّدَاءَ اللَهُمَّ رَبَّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ وَالصَّلاَةِ الْقَائِمَةِ آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِیلَةَ وَالْفَضِیلَةَ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِی وَعَدْتَهُ، حَلَتْ لَهُ شَفَاعَتِی یَوْمَ الْقِیَامَةِ»:[۲]

جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمودند: (هر کس پس از شنیدن اذان بگوید: «اللهم ربّ هذه الدعوة التامة والصلاة القائمة آت محمدا الوسیلة و الفضیلة وابعثه مقاما محمودا الذی وعدته»: (بارالها! ای پروردگار صاحب این دعوت کامل و نماز برپا شده، به محمد وسیله و فضیله (نام دو مقام در بهشت است) را عطا کن و او را به مقام محمودی که وعده داده‌ای برگزین)، شفاعت من در روز قیامت برایش محقق می‌شود).

۹- عن عَمْرِو بْنِ الْعَاصی یَقُولُ إنَهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَهِ ﷺ یَقُولُ «إذَا سَمِعْتُمْ مُؤَذِّناً فَقُولُوا مِثْلَ مَا یَقُولُ ثُمَّ صَلُّوا عَلَیَّ فَإنَهُ مَنْ صَلَی عَلَیَّ صَلاَةً صَلَی اللَهُ عَلَیْهِ بِهَا عَشْراً ثُمَّ سَلُوا لِیَ الْوَسِیلَةَ فَإنَهَا مَنْزِلَةٌ فِی الْجَنَةِ لاَ تَنْبَغِی إلاَ لِعَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ وَأَرْجُو أَنْ أَکُونَ أَنَا هُوَ فَمَنْ سَأَلَ لِیَ الْوَسِیلَةَ حَلَتْ عَلَیْهِ الشَفَاعَةُ»:[۳]

عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنه می‌گوید، از پیامبر ﷺ شنیدم که فرمودند: (هرگاه صدای مؤذن را شنیدید مثل آنچه می‌گوید، بگویید، و بر من درود

---

[۱]. صحیح: صحیح بخاری/۶۱۵
[۲]. صحیح: صحیح بخاری/۶۱۴
[۳]. صحیح: صحیح مسلم ش/۵۷۷ مسند احمد/۶۷۲۵

بفرستید؛ زیرا هر کس یک درود بر من بفرستد، خداوند در عوض ده درود بر او می‌فرستد. سپس از خداوند برای من وسیله را بخواهید؛ زیرا آن مقامی در بهشت است که شایسته‌ی یک نفر از بندگان خدا است، امید دارم که آن (بنده) من باشم. لذا هر کس از الله برای من وسیله را طلب کند، شفاعت من نصیب او خواهد شد).

۱۰- عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «إِذَا قَالَ الْمُؤَذِّنُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. فَقَالَ أَحَدُكُمُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. ثُمَّ قَالَ أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ. قَالَ أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ ثُمَّ قَالَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ. قَالَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ. ثُمَّ قَالَ حَيَّ عَلَى الصَّلاَةِ. قَالَ لاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ. ثُمَّ قَالَ حَيَّ عَلَى الْفَلاَحِ. قَالَ لاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ. ثُمَّ قَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. قَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ. ثُمَّ قَالَ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ. قَالَ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ. مِنْ قَلْبِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ».[1]

از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت است که رسول‌الله ﷺ فرمودند: (هرگاه یکی از شما با الله أکبر، الله أکبر، گفتن مؤذن بگوید: الله أکبر، الله أکبر، و با أشهد أن لا إله إلا الله مؤذن بگوید: أشهد أن لا إله إلا الله، و با أشهد أن محمدا رسول الله مؤذن بگوید: أشهد أن محمدا رسول الله و با حی علی الصلاه مؤذن بگوید: لا حول ولا قوه إلا بالله و با حی علی الفلاح مؤذن بگوید: لا حول ولا قوه إلا بالله و با الله أکبر مؤذن بگوید: الله أکبر و با لا إله إلا الله او از ته قلب بگوید: لا إله إلا الله، وارد بهشت می‌شود).

۱۱- عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي وَقَّاصٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ «مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ الْمُؤَذِّنَ وَ أَنَا أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولاً وَبِالإِسْلاَمِ دِينًا. غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ».[2]

از سعد بن أبی وقاص رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: (هر کس پس از شنیدن اذان بگوید: و من نیز گواهی می‌دهم که معبود برحقی جز الله نیست، یکتاست، شریکی ندارد و محمد بنده و فرستاده‌ی اوست، خشنودم که الله پروردگارم، محمد پیامبرم و اسلام دین من است، گناهانش بخشیده می‌شود).

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۸۷۶

[2]. صحیح: صحیح مسلم/۸۷۷

۱۲- عن مُعَاوِيَةُ قال سَمِعْتُ رَسُولَ اللَه ﷺ يَقُولُ «الْمُؤَذِّنون أَطْولُ النَاس أَعْنَاقًا يَوْمَ الْقِيَامَة»:[۱]

معاویه بن ابی سفیان رضی الله عنه می گوید، از رسول الله ﷺ شنیدم که فرمودند: (گردن افرادی که مؤذن هستند، در روز قیامت از همه بلندتر است).

۱۳- عَنْ أَبِی هُرَيْرَةَ عَن النَبِیِّ صلی الله علیه وسلم قَالَ «الْمُؤَذِّنُ يُغْفَرُ لَهُ مَدَى صَوْته وَيَشْهَدُ لَهُ كُلُّ رَطْبٍ وَيَابِسٍ وَشَاهِدُ الصَّلاَةِ يُكْتَبُ لَهُ خَمْسٌ وَعِشْرُونَ صَلاَةً وَيُكَفَّرُ عَنْهُ مَا بَيْنَهُمَا»:[۲]

ابوهریره رضی الله عنه می گوید، پیامبر ﷺ فرمود: (تا جایی که صدای مؤذن می رسد، مورد مغفرت قرار می گیرد و هر تر و خشکی برایش گواهی می‌دهد و برای کسی که در نماز شرکت می کند (ثواب) بیست و پنج نماز نوشته می‌شود و گناهان بین دو نمازش بخشیده می‌شود).

۱۴- عَن ابْن عُمَرَ أَنَ رَسُولَ اللَه ﷺ قَالَ «مَنْ أَذَنَ ثنْتَیْ عَشْرَةَ سَنَةً وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَةُ وَكُتبَ لَهُ بتَأْذينه فی كُلِّ يَوْم ستُّونَ حَسَنَةً ولكُلِّ إقَامَة ثَلاَثُونَ حَسَنَةً»:[۳]

ابن عمر رضی الله عنه می گوید، رسول الله ﷺ فرمود: (هر کس دوازده سال اذان گوید بهشت بر او واجب می گردد. و در برابر اذان هر روز شصت نیکی و برای هر اقامه‌ای سی نیکی برای وی نوشته می‌شود).

۱۵- عن أَبیهُرَيْرَةَ قال كُنا مَعَ رَسُول اللَه ﷺ فَقَامَ بلاَلٌ يُنَادي فَلَمَّا سَكَتَ قَالَ رَسُولُ اللَه ﷺ «مَنْ قَالَ مثْلَ هَذَا يَقينًا دَخَلَ الْجَنَةَ»:[۴]

ابوهریره می گوید: همراه رسول الله ﷺ بودیم که بلال برخواست و اذان داد، اذان که تمام شد. رسول الله فرمود: هر کس با یقین آنچه را این گفت بگوید، وارد بهشت می‌شود).

---

[۱]. صحیح: صحیح مسلم/۸۷۸

[۲]. صحیح: صحیح سنن أبی داود ابوداود/۵۱۵

[۳]. صحیح: صحیح ابن ماجه/۷۲۸ و صحیح، المشکاة (۶۷۸)، الصحیحة (۴۲)، صحیح الترغیب والترهیب (۲۴۲)

[۴]. حسن: صحیح سنن نسائی/۶۸۲ و التعلیق الرغیب (۱ / ۱۱۳)

فضیلت دعای بین أذان و إقامه

۱۶– عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِک قَالَ قَالَ رَسُولُاللَّهِﷺ «لاَ یُرَدُّ الدُّعَاءُ بَیْنَ الأَذَانِ وَالإِقَامَة»:[1]

انس بن مالک می‌گوید، رسول‌اللهﷺ فرمود: (دعای بین اذان و اقامه رد نمی‌شود).

فضیلت مسجد سازی

۱۷–عن عُثْمَانَ بْنَ عَفَّانَ قال سَمِعْتُ النَبیَّﷺ یَقُولُ: «مَنْ بَنَی مَسْجِدًا یَبْتَغِی بِهِ وَجْهَ اللَه، بَنَی اللَهُ لَهُ مِثْلَهُ فی الْجَنَة»:[2]

عثمان بن عفانؓ می‌گوید، شنیدم رسول‌اللهﷺ می‌فرمود: هر کس مسجدی را صرفا جهت رضای الله بسازد، الله در بهشت برایش خانه‌ای همانند آن می‌سازد).

۱۸– عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَاب قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَهِﷺ یَقُولُ «مَنْ بَنَی مَسْجِدًا یُذْکَرُ فِیه اسْمُ اللَه بَنَی اللَهُ لَهُ بَیْتًا فی الْجَنَة»:[3]

عمر بن خطابؓ می‌گوید، از رسول‌اللهﷺ شنیدم که فرمود: هر کس مسجدی بسازد که درآن الله عبادت شود، الله در بهشت برایش منزلی می‌سازد).

۱۹– عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْد اللَه أَنَ رَسُولَ اللَهِﷺ قَالَ: «مَنْ بَنَی مَسْجِدًا لِلَهِ کَمَفْحَصِ قَطَاة أَوْ أَصْغَرَ بَنَی اللَهُ لَهُ بَیْتًا فی الْجَنَة»:[4]

از جابر بنً عبداللهؓ روایت است که رسول‌اللهﷺ فرمودند: (هرکس در ساخت مسجدی به اندازه‌ی لانه‌ی پرنده‌ی قطاة (مرغ سنگ خوار) و یا کوچک‌تر از آن شرکت داشته باشد، الله در بهشت برایش منزلی بنا می‌کند).

---

[1]. صحیح: صحیح سنن ابوداود/۵۲۱
[2]. صحیح: صحیح بخاری/۴۵۰ و تحفة/۹۸۲۵
[3]. صحیح: صحیح سنن أبی داود/۵۲۱ و صحیح سنن ابن ماجه/۷۸۴
[4]. صحیح: صحیح سنن ابن ماجة /۷۸۷، الروض النضیر (۸۸۳ و ۹۵۳)، التعلیق الرغیب (۱ / ۱۱۷)

فضیلت به نماز رفتن و فضیلت نماز جماعت

۲۰- عن أَبیهُرَیْرَةَ یَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ «صَلاَةُ الرَجُل فی الْجَمَاعَة تُضَعَّفُ عَلَی صَلاَته فی بَیْته وَفی سُوقه خَمْسًا وَعَشْرینَ ضعْفًا، وَذَلکَ أَنَهُ إذَا تَوَضَأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ، ثُمَّ خَرَجَ إلَی الْمَسْجد لاَ یُخْرجُهُ إلاَ الصَّلاَةُ، لَمْ یَخْطُ خَطْوَةً إلاَ رُفعَتْ لَهُ بهَا دَرَجَةٌ، وَحُطَ عَنْهُ بهَا خَطیئَةٌ، فَإذَا صَلَی لَمْ تَزَل الْمَلاَئکَةُ تُصَلِّی عَلَیْه مَا دَامَ فی مُصَلاَهُ اللهُمَّ صَلِّ عَلَیْه، اللهُمَّ ارْحَمْهُ. وَلاَ یَزَالُ أَحَدُکُمْ فی صَلاَة مَا انْتَظَرَ الصَّلاَةَ»:[۱]

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول‌الله ﷺ فرمودند: ([ثواب] نماز مرد در جماعت ۲۵ برابر [با ثواب] نماز او در منزل یا بازار است، به شرطی که به نحو احسن وضو گیرد. سپس به مسجد رود و فقط نماز او را از منزل بیرون کرده باشد، در این حال هر قدمی که بر می‌دارد، در برابر آن به او درجه‌ای افزوده و گناهی از او کم می‌شود. سپس هر گاه نماز بخواند تا زمانی که در محل نمازش بماند ملائکه بر او درود می‌فرستند و می گویند: بار الها! بر او درود بفرست، بارالها! او را مورد رحمت قرار بده، و تا زمانی که هر یک از شما به انتظار نماز باشد، در نماز است».

۲۱- عَنْ عَبْد اللَه بْن عُمَرَ أَنَ رَسُولَ اللَهِ ﷺ قَالَ: «صَلاَةُ الْجَمَاعَة أَفْضَلُ منْ صَلاَة الْفَذِّ بسَبْع وَعشْرینَ دَرَجَةً»:[۲]

از عبدالله بن‌عمر روایت است که رسول‌الله ﷺ فرمودند: (نماز جماعت از نمازی که تنها خوانده شود ۲۷ درجه افضل است[بیشتر ثواب دارد]).

۲۲- عَنْ أَبیمُوسَی قَالَ قَالَ النَبیُّ ﷺ «أَعْظَمُ النَاس أَجْرًا فی الصَّلاَة أَبْعَدُهُمْ فَأَبْعَدُهُمْ مَمْشًی، وَالَذی یَنْتَظرُ الصَّلاَةَ حَتَی یُصَلِّیَهَا مَعَ الإمَام أَعْظَمُ أَجْرًا منَ الَذی یُصَلِّی ثُمَّ یَنَامُ»:[۳]

---

[۱]. صحیح: صحیح بخاری/۶۴۷
[۲]. صحیح: صحیح مسلم/۶۵۰ و در صحیح بخاری/۶۴۵ با لفظ: «تفضل» به جای «افضل»
[۳]. صحیح: صحیح بخاری/۶۵۱

از ابوموسی ﷺ روایت است که رسول‌الله ﷺ فرمود: (بیشترین پاداش نماز از آن کسانی است که راه‌شان – از مسجد– دورتر است و کسی که در انتظار نماز باشد تا آن را با امام بخواند، پاداش او بیشتر از کسی است که نمازش را (تنها) می‌خواند و می‌خوابد).

۲۳– عن عُثْمَانُ بْنُ عَفَانَ قال سَمِعْتُ رَسُولَ اللَه ﷺ يَقُولُ «مَنْ صَلَى الْعِشَاءَ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَمَا قَامَ نِصْفَ اللَيْلِ وَمَنْ صَلَى الصُّبْحَ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَمَا صَلَى اللَيْلَ كُلَهُ»:[1]

عثمان بن‌عفان ﷺ گوید، از رسول‌الله ﷺ شنیدم که فرمود: (هر کس نماز عشا را با جماعت بخواند گویا نصف شب را در نماز بوده و هر کس نماز صبح را با جماعت بخواند گویا همه‌ی شب را در نماز بوده است).

۲۴– عَنْ أُبَيٍّ بْن كَعْب قَالَ كَانَ رَجُلٌ لاَ أَعْلَمُ رَجُلاً أَبْعَدَ منَ الْمَسْجد منْهُ وَكَانَ لاَ تُخْطئُهُ صَلاَةٌ – قَالَ – فَقِيلَ لَهُ أَوْ قُلْتُ لَهُ لَو اشْتَرَيْتَ حمَارًا تَرْكَبُهُ فِي الظَلْمَاء وَفي الرَمْضَاء. قَالَ مَا يَسُرُنِي أَنَ مَنْزِلي إِلَي جَنْب الْمَسْجد إِنِي أُرِيدُ أَنْ يُكْتَبَ لِي مَمْشَايَ إِلَى الْمَسْجد وَرُجُوعِي إِذَا رَجَعْتُ إِلَي أَهْلِي. فَقَالَ رَسُولُ اللَه ﷺ« قَدْ جَمَعَ اللَهُ لَكَ ذَلكَ كُلَهُ»:[2]

أُبَیٍّ بن کعب ﷺ گوید: مردی خانه‌اش از مسجد دور بود (تا جایی) که من دورتر از او کسی را سراغ نداشتم با این حال هیچ نماز جماعتی از وی (با پیامبر) فوت نمی‌شد لذا به او گفتند، –یا من به او گفتم:– اگر الاغی می‌خریدی تا در تاریکی و گرما سوار شوی بهتر بود. گفت: دوست ندارم منزلم کنار مسجد باشد؛ زیرا می‌خواهم ثواب قدم‌هایم بسوی مسجد و نیز– قدم‌هایم در حال– برگشتن به نزد خانواده‌ام، برایم نوشته شود. رسول‌الله ﷺ فرمودند: بدون شک الله برایت ثواب همه‌ی آن‌ها را جمع کرده است).

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۱۵۲۳

[2]. صحیح: صحیح مسلم/۱۵۴۶

۲۵– عن جَابرَ بْنَ عَبْد اللَه قَالَ كَانَتْ ديَارُنَا نَائيَةً عَن الْمَسْجد فَأَرَدْنَا أَنْ نَبيعَ بُيُوتَنَا فَنَقْتَربَ منَ الْمَسْجدَ فَنَهَانَا رَسُولُ اللَهَ ﷺ فَقَالَ «إنَ لَكُمْ بكُلِّ خُطْوَة دَرَجَةً»:[۱]

از جابر بن عبدالله رضي الله عنه روایت است که گفت: (خانه‌های ما از مسجد دور بود، خواستیم آن‌ها را بفروشیم تا به مسجد نزدیک شویم، رسول‌الله ما را از این کار منع کرد و فرمود: بدون شک با هر قدمی که برمی‌دارید، برای شما درجه‌ای داده می‌شود).

۲۶– عَنْ أَبیهُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَهِ ﷺ «مَنْ تَطَهَّرَ فی بَیْته ثُمَّ مَشَی إلَی بَیْت منْ بُیُوت اللَه لیَقْضیَ فَریضَةً منْ فَرَائض اللَه كَانَتْ خَطْوَتَاهُ إحْدَاهُمَا تَحُطُّ خَطیئَةً وَالأُخْرَى تَرْفَعُ دَرَجَةً»:[۲]

از ابوهریره روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: (هر کس در خانه‌اش وضو گیرد سپس بسوی یکی از خانه‌های الله برود تا یکی از فرائض الهی را بجا آورد، با برداشتن هر قدمش گناهی از او محو می‌شود و با برداشتن قدم دیگرش موجب می‌شود، درجه‌ای بالا رود).

۲۷– عَنْ أَبیهُرَیْرَةَ عَنِ النَبیِّ ﷺ قَالَ «مَنْ غَدَا إلَی الْمَسْجد وَرَاحَ أَعَدَّ اللَهُ لَهُ نُزُلَهُ منَ الْجَنَة كُلَمَا غَدَا أَوْ رَاحَ»:[۳]

از ابوهریره رضي الله عنه روایت است که رسول‌الله ﷺ فرمودند: (هر کس به مسجد رفت و آمد نماید، الله در بهشت، برایش در برابر هر رفت و برگشتی، جایگاه مهمانی (پذیرایی) را آماده می‌کند).

۲۸– عَنْ أَبیأُمَامَةَ أَنَ رَسُولَاللَه ﷺ قَالَ «مَنْ خَرَجَ منْ بَیْته مُتَطَهِّراً إلَی صَلاَة مَكْتُوبَة فَأَجْرُهُ كَأَجْر الْحَاجِّ الْمُحْرم وَمَنْ خَرَجَ إلَی تَسْبیح الضُّحَی لاَ یُنْصبُهُ إلاَ إیَّاهُ فَأَجْرُهُ كَأَجْرِ الْمُعْتَمرِ وَصَلاَةٌ عَلَی أَثَرِ صَلاَة لاَ لَغْوَ بَیْنَهُمَا كتَابٌ فی علِّیِّینَ»:[۴]

---

[۱]. صحیح: صحیح مسلم/۱۵۵۰
[۲]. صحیح: صحیح مسلم/۱۵۵۳
[۳]. صحیح: صحیح بخاری/۶۶۲
[۴]. حسن: صحیح سنن ابوداود/۵۵۸

از ابوامامه رضی الله عنه روایت است که رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: (هر کس با وضو از خانه‌اش برای نماز فرضی بیرون شود، پاداشش هم‌چون اجر حاجی در حال احرام است و هر کس فقط به خاطر نماز ضحی(چاشت) بیرون شود، پاداشش هم چون اجر عمره گذار است، و نماز مداوم و پشت سر نماز [ثوابش] در علیین ثبت می گردد).

۲۹- عَنْ بُرَيْدَةَ بن الحُصيب الأسلمی عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه وسلم قَالَ «بَشِّرِ الْمَشَّائِينَ فِی الظُّلَمِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ التَّامِّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»:[1]

از بریده بن حصیب اسلمی روایت است که رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: (کسانی را که همواره در تاریکی‌ها به مساجد می‌روند، به روشنایی کاملی در روز قیامت مژده بده).

۳۰- عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ السَّاعِدِیِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وسلم «لِيَبْشَرِ الْمَشَّاءُونَ فِی الظُّلَمِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِنُورٍ تَامٍّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»:[2]

از سهل بن سعد روایت است که رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: (کسانی را که همواره در تاریکی‌ها به مساجد می‌روند، به نور کاملی در روز قیامت مژده باد!).

فضیلت صف أول

۳۱- عَنْ أُبَیِّ بْنِ كَعْبٍ قَالَ صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وسلم يَوْمًا الصُّبْحَ فَقَالَ «أَشَاهِدٌ فُلاَنٌ». قَالُوا لاَ. قَالَ «أَشَاهِدٌ فُلاَنٌ». قَالُوا لاَ. قَالَ «إِنَّ هَاتَيْنِ الصَّلاَتَيْنِ أَثْقَلُ الصَّلَوَاتِ عَلَى الْمُنَافِقِينَ وَلَوْ تَعْلَمُونَ مَا فِيهِمَا لأَتَيْتُمُوهُمَا وَلَوْ حَبْوًا عَلَى الرُّكَبِ وَإِنَّ الصَّفَّ الأَوَّلَ عَلَى مِثْلِ صَفِّ الْمَلاَئِكَةِ وَلَوْ عَلِمْتُمْ مَا فَضِيلَتُهُ لاَبْتَدَرْتُمُوهُ وَإِنَّ صَلاَةَ الرَّجُلِ مَعَ الرَّجُلِ أَزْكَى مِنْ صَلاَتِهِ وَحْدَهُ وَصَلاَتُهُ مَعَ الرَّجُلَيْنِ أَزْكَى مِنْ صَلاَتِهِ مَعَ الرَّجُلِ وَمَا كَثُرَ فَهُوَ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى»:[3]

---

[1]. صحیح: صحیح سنن ابوداود/۵۶۱
[2]. صحیح: صحیح سنن ابن ماجه/۸۲۹ و صحیح سنن أبی داود (۵۷۰)
[3]. حسن: صحیح سنن ابوداود/۵۵۴

ابی بن کعب‌ﷺ گوید: (روزی رسول‌الله نماز صبح را با ما خواند و گفت: آیا فلانی حاضر است، گفتند: خیر، گفت: آیا فلانی حاضر است؟ گفتند: خیر، فرمودند: این دو نماز سخت‌ترین نمازها بر منافقین است، اگر آنچه در این‌ها است می‌دانستید، حتماً برای شرکت در این دو نماز حتی با چهار دست و پا می‌خزیدید و می‌آمدید، قطعاً صف اول همانند صف ملائکه است و اگر فضیلت آن را می‌دانستید به آن مبادرت می‌ورزیدید، یقیناً نماز فرد با یک نفر دیگر بهتر از نماز تنهای اوست، و نمازش با دو نفر بهتر از نمازش با یک نفر است، و هر چه جمعیت نماز گزاران بیشتر باشد، نزد الله محبوب‌تر است.

۳۲- عَنْ أَبِی‌هُرَیْرَةَ عَنِ النَّبِیِّ ﷺ قَالَ «لَوْ تَعْلَمُونَ مَا فِی الصَّفِّ الْمُقَدَّمِ لَكَانَتْ قُرْعَةً»:[1]

از ابوهریره‌ﷺ روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: (اگر از ثوابی که در صف اول است، آگاه می‌بودید، منجر به قرعه کشی می‌شد).

۳۳- عَنْ أَبِی‌هُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ‌اللَّه ﷺ «خَیْرُ صُفُوفِ الرِّجَالِ أَوَّلُهَا وَشَرُّهَا آخِرُهَا وَخَیْرُ صُفُوفِ النِّسَاءِ آخِرُهَا وَشَرُّهَا أَوَّلُهَا»:[2]

از ابوهریره روایت است که رسول الله فرمودند: «برای مردان بهترین صف‌ها، صف اول و بدترین صف‌ها، صف آخر و برای زنان بهترین صف‌ها صف آخر، و بدترین صف‌ها، صف اول است).

۳۴- عَنْ عَبْدِاللَّه بن مسعود عَنِ النَّبِیِّ ﷺ قَالَ «صَلاَةُ الْمَرْأَةِ فِی بَیْتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلاَتِهَا فِی حُجْرَتِهَا وَصَلاَتُهَا فِی مَخْدَعِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلاَتِهَا فِی بَیْتِهَا»:[3]

از عبدالله بن مسعود‌ﷺ روایت است که رسول‌الله ﷺ فرمودند: نماز زن در اتاق مخصوص وی از نماز در منزلش بهتر است و نماز در خلوت‌گاهش بهتر از نماز در اتاق وی است).

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۶۶۳
[2]. صحیح: صحیح مسلم/۹۸۴ و مسند احمد/۱۰۱۳
[3]. صحیح: صحیح سنن ابوداود/۵۷۰

فضیلت آمین گفتن در نماز

۳۵- عَنْ أَبِی‌هُرَیْرَةَ أَنَّ النَّبِیَّ ﷺ قَالَ «إِذَا أَمَّنَ الإِمَامُ فَأَمِّنُوا فَإِنَّهُ مَنْ وَافَقَ تَأْمِینُهُ تَأْمِینَ الْمَلاَئِکَةِ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». وَقَالَ ابْنُ شِهَابٍ وَکَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ یَقُولُ «آمِینَ».[1]

از ابوهریره روایت است که رسول‌الله فرمودند: هرگاه امام آمین گفت، آمین بگویید؛ زیرا آمین هر کس با آمین ملائکه هماهنگ شود، گناهان گذشته‌اش بخشیده می‌شود. ابن شهاب می گوید: رسول‌الله ﷺ همواره آمین می گفت.

(توضیح: از آن جایی که آمین گفتن همراه امام به معنای آمین گفتن همراه با ملائکه است و آمین دعا بشمار می‌رود لذا دعایی که با دعای فرشتگان هماهنگ گردد قبول می‌شود، و این سنت فضیلت و ثواب بزرگی دارد).

فضیلت «سمع الله لمن حمده و ربنا ولک الحمد» گفتن

۳۶- عَنْ أَبِی‌هُرَیْرَةَ رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ «إِذَا قَالَ الإِمَامُ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ. فَقُولُوا اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَکَ الْحَمْدُ. فَإِنَّهُ مَنْ وَافَقَ قَوْلُهُ قَوْلَ الْمَلاَئِکَةِ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ»[2]:

از ابوهریره روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: (هرگاه امام گفت: سمع الله لمن حمده، بگویید: اللهم ربنا و لک الحمد، زیرا قول هر کس با قول ملائکه هماهنگ شود، گناهان گذشته‌اش بخشیده می‌شود).

فضیلت نمازهای پنج‌گانه

۳۷- عَنْ أَبِی‌هُرَیْرَةَ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ یَقُولُ «أَرَأَیْتُمْ لَوْ أَنَّ نَهَرًا بِبَابِ أَحَدِکُمْ، یَغْتَسِلُ فِیهِ کُلَّ یَوْمٍ خَمْسًا، مَا تَقُولُ ذَلِکَ یُبْقِی مِنْ دَرَنِهِ». قَالُوا لاَ یُبْقِی مِنْ دَرَنِهِ شَیْئًا. قَالَ «فَذَلِکَ مِثْلُ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ، یَمْحُو اللَّهُ بِهَا الْخَطَایَا»[3]:

---

[1]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۷۸۰، و صحیح مسلم/۴۰۹
[2]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۷۹۶ و صحیح مسلم/۴۰۹ و ابوداود، ترمذی، نسائی و الترغیب/۷۰۴
[3]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۵۲۸ صحیح مسلم/۱۰۷۱

ابوهریره ﷺ گوید، شنیدم رسول‌الله ﷺ می‌فرماید: «اگر بر درب منزل یکی از شما جوی آبی باشد که هر روز پنج بار غسل کند، چه می گویید، آیا از چرک بدنش چیزی باقی می‌ماند؟ گفتند: چیزی از چرکش باقی نمی‌ماند، فرمود: چنان است، مثال نمازهای پنج گانه که الله با آن‌ها گناهان را محو می کند).

۳۸- عَنْ أَبِی‌هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَقُولُ «الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ وَالْجُمُعَةُ إِلَى الْجُمُعَةِ وَرَمَضَانُ إِلَى رَمَضَانَ مُكَفِّرَاتٌ مَا بَيْنَهُنَّ إِذَا اجْتَنَبَ الْكَبَائِرَ»:[۱]

از ابوهریره ﷺ روایت است که رسول‌الله ﷺ فرمود: «نمازهای پنج گانه و جمعه تا جمعه و رمضان تا رمضان، محو کننده‌ی گناهانی است که در این فاصله‌ها انجام می گیرد، در صورتی که از گناهان کبیره اجتناب شود).

۳۹- عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ «مَنْ تَوَضَّأَ لِلصَّلاَةِ فَأَسْبَغَ الْوُضُوءَ ثُمَّ مَشَى إِلَى الصَّلاَةِ الْمَكْتُوبَةِ فَصَلاَّهَا مَعَ النَّاسِ أَوْ مَعَ الْجَمَاعَةِ أَوْ فِى الْمَسْجِدِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ»:[۲]

عثمان بن عفان می گوید، از رسول‌الله شنیدم که می‌فرمود: (هر کس برای نماز به نحو احسن وضو گیرد، سپس برای ادای نماز فرض برود و آن را با مردم یا با جماعت یا در مسجد بخواند، الله گناهان او را مغفرت می کند).

۴۰- عن عُثْمَانَ بْنَ عَفَّانَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَنْ أَتَمَّ الْوُضُوءَ كَمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى فَالصَّلَوَاتُ الْمَكْتُوبَاتُ كَفَّارَاتٌ لِمَا بَيْنَهُنَّ»:[۳]

عثمان بن‌عفان گوید، رسول‌الله فرمود: (هر کس کامل، به آن صورتی که الله دستور داده وضو گیرد، نمازهای فرض کفاره‌ی گناهانی است که در میان‌شان انجام گرفته است).

۴۱- عن أَبِی‌أُمَامَةَ يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَخْطُبُ فِى حَجَّةِ الْوَدَاعِ فَقَالَ «اتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ وَصَلُّوا خَمْسَكُمْ وَصُومُوا شَهْرَكُمْ وَأَدُّوا زَكَاةَ أَمْوَالِكُمْ وَأَطِيعُوا ذَا أَمْرِكُمْ تَدْخُلُوا جَنَّةَ رَبِّكُمْ»:[۱]

---

[۱] صحیح: صحیح مسلم/۳۴۴
[۲] صحیح: صحیح مسلم/۵۷۱
[۳] صحیح: صحیح مسلم/۵۶۹ و نسائی/۱۴۵

ابوامامه رضی الله عنه گوید: از رسول‌الله ﷺ در خطبه حجه الوداع شنیدم که می‌فرمود: (از الله بترسید و نمازهای پنجگانه‌ی‌تان را بخوانید، ماه رمضان‌تان را روزه گیرید، زکات اموال‌تان را بدهید و از امیرتان اطاعت کنید، تا وارد بهشت پروردگارتان شوید).

فضیلت روز جمعه و فضیلت رفتن به نماز جمعه و لحظه‌ی اجابت دعا در این روز

۴۲- عَنْ أَبِی‌هُرَیْرَةَ أَنَّ النَّبِیَّ ﷺ قَالَ «خَیْرُ یَوْمٍ طَلَعَتْ عَلَیْهِ الشَّمْسُ یَوْمُ الْجُمُعَةِ فِیهِ خُلِقَ آدَمُ وَفِیهِ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ وَفِیهِ أُخْرِجَ مِنْهَا وَلاَ تَقُومُ السَّاعَةُ إِلاَّ فِی یَوْمِ الْجُمُعَةِ»:[2]

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول‌الله ﷺ فرمود: (بهترین روزی، که خورشید بر آن طلوع کرده، روز جمعه است، در آن آدم آفریده و به بهشت برده شد، سپس از آن بیرون کرده شد و روز قیامت برپا نمی‌شود؛ مگر در روز جمعه!).

۴۳- عَنْ أَوْسِ بْنِ أَوْسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «إِنَّ مِنْ أَفْضَلِ أَیَّامِکُمْ یَوْمَ الْجُمُعَةِ فِیهِ خُلِقَ آدَمُ وَفِیهِ قُبِضَ وَفِیهِ النَّفْخَةُ وَفِیهِ الصَّعْقَةُ فَأَکْثِرُوا عَلَیَّ مِنَ الصَّلاَةِ فِیهِ فَإِنَّ صَلاَتَکُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَیَّ». قَالَ قَالُوا یَا رَسُولَ اللَّهِ وَکَیْفَ تُعْرَضُ صَلاَتُنَا عَلَیْکَ وَقَدْ أَرِمْتَ یَقُولُونَ بَلِیتَ. فَقَالَ «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَرَّمَ عَلَى الأَرْضِ أَجْسَادَ الأَنْبِیَاءِ»:[3]

وَقَالَ بعضهم: «أَنْ تَأْکُلَ أَجْسَادَ الأَنْبِیَاءِ عَلَیْهِمُ‌السَّلاَمُ».[4]

أوس‌بن أوس می‌گوید، رسول‌الله ﷺ فرمود: (یقینا روز جمعه از برترین روزهای‌تان است، که در آن آدم آفریده شده و وفات کرده است، صُور در همین

[1]. صحیح: سنن ترمذی/۶۱۹، صحیح سنن ترمذی/۶۱۶ و ترمذی گوید: «حَسَنٌ صَحِیحٌ» است. و الصحیحة/۸۶۷

[2]. صحیح: صحیح مسلم/۲۰۱۴ و مسند احمد/۹۰۴۱

[3]. صحیح: سنن ابوداود/۱۰۴۹ و سنن ابن ماجه/۱۰۸۵و صحیح الجامع/۲۲۰۸

[4]. حسن لغیره: أبحاث غیر مکتملة فی التراجعات/۱۹، صحیح الترغیب ۱۶۷۲: نسائی ش/۱۳۸۵، ابن ماجه/۱۱۳۸ و ۱۷۰۵ و۱۷۰۶، مسند احمد/۱۶۵۹۲، دارمی/۱۶۲۴ و بیهقی/۶۲۰۶

روز دمیده می‌شود که همه‌ی موجودات بی‌هوش می‌شوند. در این روز بر من به کثرت درود بفرستید چون درود شما بر من عرضه خواهد شد. گوید: گفتند: ای رسول خدا! چگونه درود ما برشما عرضه می‌شود در حالی که بدن شما به خاک تبدیل شده (یعنی: پس از مرگ مانند دیگر مردگان می‌پوسد و به خاک تبدیل می‌شود) فرمود: می گویند به خاک تبدیل شدی! و فرمود: خداوند متعال بر زمین حرام کرده که بدن انبیا را نابود کند).

در روایت برخی راویان آمده: (این که بدن انبیا را بخورد).

۴۴- عَنْ سَلْمَانَ الْفَارسيِّ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ «لاَ يَغْتَسلُ رَجُلٌ يَوْمَ الْجُمُعَة، وَيَتَطَهَّرُ مَا اسْتَطَاعَ منْ طُهْر، وَيَدَّهنُ منْ دُهْنه، أَوْ يَمَسُّ منْ طيب بَيْته ثُمَّ يَخْرُجُ، فَلاَ يُفَرِّقُ بَيْنَ اثْنَيْن، ثُمَّ يُصَلِّى مَا كُتبَ لَهُ، ثُمَّ يُنْصِتُ إِذَا تَكَلَّمَ الإِمَامُ، إِلاَّ غُفرَ لَهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجُمُعَة الأُخْرَى»:[1]

از سلمان فارسی رضی الله عنه روایت است که رسول‌الله ﷺ فرمود: «هر مردی که روز جمعه غسل کند و خودش را به اندازه‌ی توان پاکیزه نماید و از روغن (کرمْ) و خوشبویی خانه‌اش استفاده کند، سپس بیرون شود و به نماز برود و بین دو نفر جدایی نیندازد و هر چه برایش مقدر شده نماز [مستحبی] بخواند و با شروع سخنرانی امام سکوت کند، گناهان این جمعه تا جمعه‌ی دیگرش بخشیده می‌شود).

۴۵- عَنْ أَبِى هُرَيْرَةَ رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّه ﷺ قَالَ «مَن اغْتَسَلَ يَوْمَ الْجُمُعَة غُسْلَ الْجَنَابَة ثُمَّ رَاحَ فَكَأَنَّمَا قَرَّبَ بَدَنَةً، وَمَنْ رَاحَ فى السَّاعَة الثَّانيَة فَكَأَنَّمَا قَرَّبَ بَقَرَةً، وَمَنْ رَاحَ فى السَّاعَة الثَّالثَة فَكَأَنَّمَا قَرَّبَ كَبْشًا أَقْرَنَ، وَمَنْ رَاحَ فى السَّاعَة الرَّابعَة فَكَأَنَّمَا قَرَّبَ دَجَاجَةً، وَمَنْ رَاحَ فى السَّاعَة الْخَامسَة فَكَأَنَّمَا قَرَّبَ بَيْضَةً، فَإِذَا خَرَجَ الإِمَامُ حَضَرَت الْمَلاَئكَةُ يَسْتَمعُونَ الذِّكْرَ»:[2]

از ابوهریره روایت است که پیامبر فرمود: (هر کس در روز جمعه غسل جنابت کند- و زود به مسجد برود- گویا شتری صدقه کرده و هر کس کمی دیرتر به مسجد برود گویا گاوی صدقه کرده و هر کس در ساعت سوم برود گویا قوچی

---

[1]. صحیح: صحیح بخاری/۸۸۳

[2]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۸۸۱ صحیح مسلم/۱۴۰۳

شاخ‌دار صدقه کرده و هر کس در مرحله‌ی چهارم برود گویا مرغی صدقه کرده و هر کس بعد از این‌ها برود گویا تخم مرغی صدقه کرده است، آن گاه که امام روی منبر قرار گیرد ملائکه [دفتر ثبت ثوابِ زود آمدن نمازگزاران جمعه را می‌بندند و] به خطبه گوش می‌دهند).

۴۶- عَنْ أَبِی‌هُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ ثُمَّ أَتَى الْجُمُعَةَ فَاسْتَمَعَ وَأَنْصَتَ غُفِرَ لَهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجُمُعَةِ وَزِيَادَةُ ثَلاَثَةِ أَيَّامٍ وَمَنْ مَسَّ الْحَصَى فَقَدْ لَغَا»:[1]

از ابوهریره روایت است که پیامبر فرمود: هر کس به نحو احسن وضو گیرد، سپس به نماز جمعه بیاید و به خطبه گوش و سکوت کند، گناهان جمعه تا جمعه‌اش و سه روز افزون بر آن بخشیده می‌شود و هر کس شن‌های جلویش را برابر و صاف کند، کار لغوی کرده است).

۴۷- عن أَوْسُ بْنُ أَوْس الثَّقَفِیُّ قال سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ «مَنْ غَسَّلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَاغْتَسَلَ ثُمَّ بَكَّرَ وَابْتَكَرَ وَمَشَى وَلَمْ يَرْكَبْ وَدَنَا مِنَ الإِمَامِ فَاسْتَمَعَ وَلَمْ يَلْغُ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ عَمَلُ سَنَةٍ أَجْرُ صِيَامِهَا وَقِيَامِهَا»:[2]

وفی روایة: «وَمَشَى وَلَمْ يَرْكَبْ».[3]

اوس بن اوس ثقفی روایت می‌کند که شنیدم رسول الله ﷺ می‌فرماید: (هر کس ـ در روز جمعه- غسل کند و همسرش را [با همبستری] به غسل وادارد، زود و اول وقت به مسجد برود و نزدیک امام بنشیند، کار لغوی انجام ندهد با هر قدمی که به طرف مسجد بر می‌دارد، ثواب یک سال برایش نوشته می‌شود که روزها را روزه بوده و شب‌ها را عبادت کرده است).

در روایتی دیگر آمده: ([بشرطی که] پیاده برود و سوار نشود).

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۲۰۲۵ و ابوداود/۱۰۵۰

[2]. صحیح: صحیح سنن ابوداود/۳۴۵ و ابن ماجه/۱۰۸۷

[3]. صحیح: صحیح سنن نسائی/۱۳۹۵، صحیح سنن ابن ماجة المشكاة (۱۳۸۸)، صحیح أبی داود (۳۷۲)، التعلیق الرغیب (۱ / ۲۴۷)

۴۸- عَنْ أَبی‌هُرَیْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللّهِ ﷺ ذَکَرَ یَوْمَ الْجُمُعَةِ فَقَالَ «فیه سَاعَةٌ لاَ یُوَافِقُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ، وَهُوَ قَائِمٌ یُصَلِّی، یَسْأَلُ اللّهَ تَعَالَی شَیْئًا إِلاَّ أَعْطَاهُ إِیَّاهُ. وَأَشَارَ بِیَدِه یُقَلِّلُهَا»:[1]

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید، رسول خدا ﷺ سخن از روز جمعه به میان آورد، سپس فرمود: (در روز جمعه لحظه‌ای وجود دارد که هیچ مسلمانی نیست که در آن ایستاده و از خداوند طلب خیر می‌کند، مگر این که به او می‌دهد و با اشاره‌ی دستش کوتاه بودن آن لحظه را به ما فهماند).

۴۹- عَنْ جَابِر بْن عَبْدِاللّه عَنْ رَسُول اللّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ «یَوْمُ الْجُمُعَة ثِنْتَا عَشْرَةَ». یُرِیدُ سَاعَةً «لاَ یُوجَدُ مُسْلِمٌ یَسْأَلُ اللّهَ عَزَّ وَجَلَّ شَیْئًا إِلاَّ آتَاهُ اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَالْتَمِسُوهَا آخِرَ سَاعَة بَعْدَ الْعَصْر»:[2]

جابر بن عبدالله روایت می‌کند که رسول‌الله ﷺ فرمود: (روز جمعه ۱۲ ساعت است، هیچ بنده‌ی مسلمانی نیست که در آن از الله چیزی بخواهد، مگر این که به او می‌دهد، لذا آن را در ساعت آخر بعد از عصر جستجو کنید).

فضیلت دو رکعت سنت فجر و دیگر سنت‌ها

۵۰- عَنْ عَائِشَةَ عَنِ النَّبِیِّ ﷺ قَالَ «رَکْعَتَا الْفَجْرِ خَیْرٌ مِنَ الدُّنْیَا وَمَا فِیهَا»:[3]

عایشه می‌گوید، پیامبر ﷺ فرمود: (دو رکعت [سنت] صبح از دنیا و آن‌چه در آن است، بهتر است).

۵۱- عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ‌اللّهِ ﷺ «مَنْ ثَابَرَ عَلَی ثِنْتَیْ عَشْرَةَ رَکْعَةً مِنَ السُّنَّة بَنَی اللّهُ لَهُ بَیْتًا فی الْجَنَّة أَرْبَع رَکَعَات قَبْلَ الظُّهْر وَرَکْعَتَیْنِ بَعْدَهَا وَرَکْعَتَیْنِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ وَرَکْعَتَیْنِ بَعْدَ الْعِشَاءِ وَرَکْعَتَیْنِ قَبْلَ الْفَجْر»:[4]

---

[1]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۹۳۵ و صحیح مسلم۱۴۰۶

[2]. صحیح: صحیح سنن ابوداود/۱۰۵۰

[3]. صحیح: صحیح مسلم/۱۷۲۱

[4]. صحیح: صحیح ترمذی/۴۱۴ و صحیح الترغیب/۵۷۹ و سنن ابن ماجه/۱۱۹۴

عایشه می گوید، پیامبرﷺ فرمود: (هر کس بر دوازده رکعت [سنت] در شبانه روز پایبندی کند، الله برایش در بهشت خانه‌ای می‌سازد، [که آن دوازده رکعت عبارتند از:] چهار رکعت قبل از ظهر دو رکعت بعد از آن، دو رکعت بعد از مغرب، دو رکعت بعد از عشا و دو رکعت قبل از صبح).

۵۲- عن أُمِّ حَبِيبَةَ زَوْجُ النَّبِيِّﷺ قَالَ رَسُولُ‌اللَّهِ: «مَنْ حَافَظَ عَلَى أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ قَبْلَ الظُّهْرِ وَأَرْبَعٍ بَعْدَهَا حَرُمَ عَلَى النَّارِ»:[۱]

ام حبیبه همسر پیامبرﷺ می گوید، رسول‌اللهﷺ فرمود: (هر کس بر چهار رکعت قبل از فرض ظهر و چهار رکعت بعد از آن محافظت کند، [عذاب وی] بر آتش [دوزخ] حرام می‌شود).

فضیلت وتر و سفارش به آن

۵۳- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: أَوْصَانِي خَلِيلِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِثَلَاثٍ بِصِيَامِ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ وَرَكْعَتَيْ الضُّحَى وَأَنْ أُوتِرَ قَبْلَ أَنْ أَرْقُدَ»:[۲]

ابوهریرهؓ می گوید: (دوستم مرا به سه چیز سفارش کرد: به روزه گرفتن سه روز در هر ماه، خواندن دو رکعت چاشت و این که قبل از خوابیدن نماز وتر را بخوانم).

۵۴- عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنِ النَّبِيِّﷺ أَنَّهُ قَالَ «يُصْبِحُ عَلَى كُلِّ سُلَامَى مِنْ أَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ فَكُلُّ تَسْبِيحَةٍ صَدَقَةٌ وَكُلُّ تَحْمِيدَةٍ صَدَقَةٌ وَكُلُّ تَهْلِيلَةٍ صَدَقَةٌ وَكُلُّ تَكْبِيرَةٍ صَدَقَةٌ وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةٌ وَنَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ وَيُجْزِئُ مِنْ ذَلِكَ رَكْعَتَانِ يَرْكَعُهُمَا مِنَ الضُّحَى»:[۳]

ابوذرؓ گوید، پیامبرﷺ فرمود: (در هر روز بر هر بند و مفصل از اعضای بدن صدقه‌ای لازم است، لذا هر سبحان الله، هر الحمد لله، هر لاإله إلا الله، هر الله اکبر،

---

[۱]. صحیح: صحیح ابوداود/۱۲۷۱

[۲]. صحیح: متفق علیه: صحیح مسلم/۷۲۱ و صحیح بخاری/۱۹۸۱ با متن :«بِثَلَاثٍ صِيَامِ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ وَرَكْعَتَيْ الضُّحَى وَأَنْ أُوتِرَ قَبْلَ أَنْ أَنَامَ» که به همین معناست.

[۳]. صحیح: صحیح مسلم/۱۷۰۴

هر امر بمعروف و نهی از منکر صدقه محسوب می‌شود و خواندن دو رکعت چاشت بجای همه‌ی این‌ها کافی است).

۵۵- عَنْ أَبِي‌الدَّرْدَاء قَالَ أَوْصَانِي حَبِيبِي ﷺ بِثَلاَث لَنْ أَدَعَهُنَّ مَا عِشْتُ بِصِيَامِ ثَلاَثَة أَيَّام مِنْ كُلِّ شَهْر وَصَلاَةَ الضُّحَى وَبِأَنْ لاَ أَنَامَ حَتَّى أُوتِر»:[۱]

ابودرداء رضی الله عنه می گوید: (دوستم مرا به سه چیز سفارش کرد که تا زنده‌ام ترک نکنم: روزه‌ی سه روز از هر ماه، نماز چاشت و این که تا وتر نخواندم، نخوابم).

۵۶- عَنْ أُمِّ حَبِيبَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ أَنَّهَا قَالَتْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ «مَا مِنْ عَبْد مُسْلِم يُصَلِّي لِلَّه كُلَّ يَوْم ثِنْتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً تَطَوُّعًا غَيْرَ فَرِيضَة إِلاَّ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّة أَوْ إِلاَّ بُنِيَ لَهُ بَيْتٌ فِي الْجَنَّة»:[۲]

ام‌حبیبه، همسر پیامبر می گوید، شنیدم رسول خدا ﷺ می‌فرمود: (هیچ بنده‌ی مسلمانی نیست که در هر روز دوازده رکعت نماز مستحبی غیر از نمازهای فرض بخواند، مگر این که خداوند برایش در بهشت خانه‌ای می‌سازد یا در بهشت برایش خانه‌ای ساخته می‌شود).

از فضایل نماز چاشت

۵۷- عَنْ نُعَيْمِ بْنِ هَمَّار قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ «يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَا ابْنَ آدَمَ لاَ تُعْجِزْنِي مِنْ أَرْبَعِ رَكَعَات فِي أَوَّلِ نَهَارِكَ أَكْفِكَ آخِرَهُ»:[۳]

نعیم بن همار می گوید، شنیدم رسول خدا ﷺ می‌فرمود: (خداوند متعال می‌فرماید: ای فرزند آدم، از خواندن چهار رکعت نمازی که در اول روز بخوانی که تا آخر آن تو را کفایت کند، ناتوان مباش).

فضیلت چهار رکعت قبل از عصر

۵۸- عَنِ ابْنِ عُمَرَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً صَلَّى قَبْلَ الْعَصْرِ أَرْبَعًا»:[۱]

---

[۱]. صحیح: صحیح مسلم/۱۷۰۸ صحیح سنن أبی داود (۱۲۸۶)

[۲]. صحیح: صحیح مسلم/۱۷۲۹

[۳]. صحیح: ابوداود/۱۲۹۱ ابوداود ش/۱۲۸۹ باب صلاة الضحی

ابن عمرﷺ می گوید، پیامبرﷺ فرمود: (الله به کسی که قبل از عصر چهار رکعت نماز مستحبی بخواند، رحم کند).[1]

فضیلت سجده برای معبود یکتا(الله)

۵۹- عن مَعْدَانُ بْنُ أَبِی‌طَلْحَةَ الْيَعْمَرِیُّ قَالَ لَقِيتُ ثَوْبَانَ مَوْلَى رَسُولِ اللَّهِﷺ فَقُلْتُ أَخْبِرْنِی بِعَمَلٍ أَعْمَلُهُ يُدْخِلُنِی اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ. أَوْ قَالَ قُلْتُ بِأَحَبِّ الأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ. فَسَكَتَ ثُمَّ سَأَلْتُهُ فَسَكَتَ ثُمَّ سَأَلْتُهُ الثَّالِثَةَ فَقَالَ سَأَلْتُ عَنْ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِﷺ فَقَالَ «عَلَيْكَ بِكَثْرَةِ السُّجُودِ لِلَّهِ فَإِنَّكَ لاَ تَسْجُدُ لِلَّهِ سَجْدَةً إِلاَّ رَفَعَكَ اللَّهُ بِهَا دَرَجَةً وَحَطَّ عَنْكَ بِهَا خَطِيئَةً». قَالَ مَعْدَانُ ثُمَّ لَقِيتُ أَبَا الدَّرْدَاءِ فَسَأَلْتُهُ فَقَالَ لِی مِثْلَ مَا قَالَ لِی ثَوْبَانُ».[2]

از معدان بن ابوطلحه‌ی یعمری روایت است که با ثوبان مولای رسول الله ملاقات کردم و گفتم: به من عملی معرفی کن که با انجام دادن آن الله مرا به بهشت داخل گرداند، یا گفت: گفتم محبوب‌ترین اعمال نزد الله چه عملی است؟ سکوت کرد، دوباره پرسیدم، سکوت کرد! بار سوّم سوال کردم، گفت: همین را از رسول الله سوال کردم، فرمود: برتوست که به کثرت سجده کنی، چون تو هیچ سجده‌ای برای الله نمی کنی مگر این که تو را با آن درجه‌ای بالا می‌برد و گناهی از تو محو می کند، معدان گوید: سپس با ابودردا ملاقات کردم، از او هم سوال کردم او نیز برایم مثل حرف‌های ثوبان را گفت.

۶۰- عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِﷺ يَقُولُ «مَا مِنْ عَبْدٍ يَسْجُدُ لِلَّهِ سَجْدَةً إِلاَّ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا حَسَنَةً وَمَحَا عَنْهُ بِهَا سَيِّئَةً وَرَفَعَ لَهُ بِهَا دَرَجَةً فَاسْتَكْثِرُوا مِنَ السُّجُودِ».[3]

از عباده بن صامت روایت است که شنیدم رسول‌اللهﷺ می‌فرماید: هیچ بنده‌ی مسلمانی نیست که برای خداوند سجده‌ای می کند مگر این که الله برایش حسنه‌ای

---

[1]. حسن: ترمذی/۴۳۲ و گوید: «حسن غریب» ترمذی ش/۴۳۰ مشکاة/۱۱۷۰ و صحیح ابوداود/۱۱۵۴
[2]. صحیح: صحیح مسلم/۱۱۲۱
[3]. صحیح: صحیح سنن ابن ماجه/۱۴۹۰ و ابن ماجة (۱۴۲۴)

می‌نویسد و از او گناهی محو می‌کند، و او را درجه‌ای بالا می‌برد، پس بسیار سجده کنید).

۶۱- عن رَبِيعَةَ بْن كَعْب الأَسْلَمِيُّ قَالَ كُنْتُ أَبِيتُ مَعَ رَسُول اللَّه ﷺ فَأَتَيْتُهُ بوَضُوئه وَحَاجَته فَقَالَ لى «سَلْ». فَقُلْتُ أَسْأَلُكَ مُرَافَقَتَكَ فى الْجَنَّة. قَالَ «أَوَغَيْرَ ذَلكَ». قُلْتُ هُوَ ذَاكَ. قَالَ «فَأَعنِّى عَلَى نَفْسكَ بكَثْرَة السُّجُود».[1]

از ربیعه بن کعب اسلمی روایت است که شبی با پیامبر ﷺ بودم، که آب وضو و چیزهای مورد نیازش را آوردم، به من گفت: (هر چه دوست داری از من بخواه، گفتم: می‌خواهم در بهشت هم‌راه تو باشم، فرمود: دیگر چه می‌خواهی، گفتم: فقط همین را می‌خواهم، فرمود: پس با کثرت سجود مرا یاری کن).

۶۲- عن أَبى فَاطمَةَ قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّه أَخْبرْنى بعَمَل أَسْتَقيمُ عَلَيْه وَأَعْمَلُهُ. قَالَ «عَلَيْكَ بالسُّجُود فَإِنَّكَ لاَ تَسْجُدُ للَّه سَجْدَةً إِلاَّ رَفَعَكَ اللَّهُ بهَا دَرَجَةً وَحَطَّ بهَا عَنْكَ خَطيئَةً».[2]

از ابوفاطمه روایت است که گفتم: (ای رسول خدا به من عملی معرفی کن که آن را انجام دهم و همواره برآن پایبندی نمایم. فرمود: برتوست که بسیار سجده کنی، چون هیچ سجده‌ای برای الله بجا نمی‌آوری مگر این که الله تو را درجه‌ای بالا می‌برد و گناهی از تو محو می‌کند).

فضیلت شب زنده داری در ماه رمضان

۶۳- عَنْ أَبى هُرَيْرَةَ رضي الله عنه عَن النَّبِىِّ ﷺ قَالَ «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتسَابًا غُفرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ منْ ذَنْبه، وَمَنْ قَامَ لَيْلَةَ الْقَدْر إِيمَانًا وَاحْتسَابًا غُفرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ منْ ذَنْبه».[3]

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۱۱۲۲

[2]. صحیح: صحیح ابن ماجه/۱۴۸۷ و السلسلة الصحیحة المختصرة ش ۱۴۸۸

[3]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۲۰۱۴ و صحیح مسلم/۱۲۶۸

ابوهره روایت می کند که رسول‌اللهﷺ فرمود: هر کس ماه رمضان را با ایمان و نیت ثواب روزه گیرد، گناهان گذشته‌اش بخشیده می‌شود، و هر کس شب قدر را با ایمان و نیت ثواب عبادت کند، گناهان گذشته‌اش بخشیده می‌شود).

فضیلت شب زنده داری(نماز خواندن) با امام در ماه رمضان

۶۴- عَنْ أَبِی‌ذَرٍّ قَالَ صُمْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِﷺ رَمَضَانَ فَلَمْ يَقُمْ بِنَا شَيْئًا مِنَ الشَّهْرِ حَتَّى بَقِيَ سَبْعٌ فَقَامَ بِنَا حَتَّى ذَهَبَ ثُلُثُ اللَّيْلِ فَلَمَّا كَانَتِ السَّادِسَةُ لَمْ يَقُمْ بِنَا فَلَمَّا كَانَتِ الْخَامِسَةُ قَامَ بِنَا حَتَّى ذَهَبَ شَطْرُ اللَّيْلِ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْ نَفَّلْتَنَا قِيَامَ هَذِهِ اللَّيْلَةِ. قَالَ فَقَالَ «إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا صَلَّى مَعَ الإِمَامِ حَتَّى يَنْصَرِفَ حُسِبَ لَهُ قِيَامُ لَيْلَةٍ». قَالَ فَلَمَّا كَانَتِ الرَّابِعَةُ لَمْ يَقُمْ فَلَمَّا كَانَتِ الثَّالِثَةُ جَمَعَ أَهْلَهُ وَنِسَاءَهُ وَالنَّاسَ فَقَامَ بِنَا حَتَّى خَشِينَا أَنْ يَفُوتَنَا الْفَلاَحُ. قَالَ قُلْتُ مَا الْفَلاَحُ قَالَ السُّحُورُ ثُمَّ لَمْ يَقُمْ بِنَا بَقِيَّةَ الشَّهْرِ».[1]

ابوذر رضی الله عنه می گوید: با رسول الله روزه گرفتیم، هیچ شبی از این ماه را به عبادت و نماز با ما به شب زنده داری نپرداخت تا این که فقط هفت شب از رمضان باقی ماند، آن وقت با ما در مسجد شب زنده داری نمود تا این که یک سوم شب رفت، شب بعدی را که شش شب باقی مانده بود، به شب زنده داری نپرداخت، شب پنجم باقی مانده را با ما به عبادت پرداخت تا این که نصف شب گذشت، گفتم: ای رسول خدا چه می‌شد که این شب را با ما شب زنده داری می کردی؟ گوید: فرمود: وقتی کسی با امام باشد تا نماز امام تمام شود، قیام آن شب برایش کافی است. گوید: شب چهارم باقی مانده با ما قیام نکرد، شب سوم باقی مانده خانواده، زنانش و مردم را جمع کرد و شب را به عبادت پرداخت تا جایی که ترسیدیم خوردن سحری از دست ما برود، پس از آن باقی مانده‌ی ماه را با ما به عبادت و شب زنده داری نپرداخت).

---

[1]. صحیح: صحیح سنن ابوداود/۱۳۷۷

فضیلت خواندن نمازهای سنت در خانه

۶۵- عَنْ زَيْد بْن ثَابت قَالَ احْتَجَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حُجَيْرَةً مُخَصَّفَةً أَوْ حَصيراً، فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُصَلِّي فيهَا، فَتَتَبَّعَ إِلَيْه رِجَالٌ وَجَاءُوا يُصَلُّونَ بِصَلاَته، ثُمَّ جَاءُوا لَيْلَةً فَحَضَرُوا وَأَبْطَأَ رَسُولُ اللَّه عَنْهُمْ. فَلَمْ يَخْرُجْ إِلَيْهِمْ فَرَفَعُوا أَصْوَاتَهُمْ وَحَصَبُوا الْبَابَ، فَخَرَجَ إِلَيْهِمْ مُغْضَبًا فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَا زَالَ بِكُمْ صَنِيعُكُمْ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُكْتَبُ عَلَيْكُمْ. فَعَلَيْكُمْ بِالصَّلاَةِ فِي بُيُوتِكُمْ، فَإِنَّ خَيْرَ صَلاَةِ الْمَرْءِ فِي بَيْتِه، إِلاَّ الصَّلاَةَ الْمَكْتُوبَةَ»:[1]

از زید بن ثابت روایت است که رسول الله ﷺ (در مسجد) حجره‌ای از برگ خرما یا حصیر زد که در آن نماز می‌خواند، گوید: عده‌ای پی در پی نزد ایشان آمدند(با اقتدا به ایشان) همراه او نماز می‌خواندند. گوید: [وضعیت به همین صورت بود] تا این که در یکی از شب‌ها آمدند اما پیامبر تأخیر کرد و نیامد، آن‌ها صدای خود را بلند کردند و با سنگ ریزه به درب خانه‌ی ایشان زدند، لذا پیامبر با ناراحتی بیرون آمد و خطاب به آن‌ها گفت: همواره به این کارتان (خواندن نماز سنت با پیامبر) ادامه دادید که گمان کردم (اگر به این صورت ادامه دهید این عمل) بر شما فرض خواهد شد، اگر فرض شود، شما نمی‌توانید به آن پایبندی کنید. لذا نمازهای سنت را در خانه‌های‌تان بخوانید که بهترین نماز شخص، نماز در خانه‌اش است، بجز نمازهای فرض).

۶۶- عَنْ جَابر قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «إِذَا قَضَى أَحَدُكُمُ الصَّلاَةَ فِي مَسْجِدِه فَلْيَجْعَلْ لِبَيْتِه نَصِيبًا مِنْ صَلاَتِه فَإِنَّ اللَّهَ جَاعِلٌ فِي بَيْتِه مِنْ صَلاَتِه خَيْرًا»:[2]

از جابر بن عبدالله روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: وقتی در مسجد نماز(فرض)تان را خواندید برای خانه‌های‌تان حصه‌ای از نمازتان[نمازهای سنت] را در نظر بگیرید؛ چرا که خداوند برای نماز در خانه خیر قرار داده است).

---

[1]. صحیح: صحیح بخاری/۶۱۱۳

[2]. صحیح: صحیح مسلم/۱۸۵۸

فضیلت نماز شب

۶۷- عَنْ أَبی هُرَیْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِﷺ قَالَ «یَعْقِدُ الشَّیْطَانُ عَلَی قَافِیَةِ رَأْسِ أَحَدِکُمْ إِذَا هُوَ نَامَ ثَلاَثَ عُقَد، یَضْرِبُ کُلَّ عُقْدَةَ عَلَیْکَ لَیْلٌ طَوِیلٌ فَارْقُدْ، فَإِنِ اسْتَیْقَظَ فَذَکَرَ اللَّهَ انْحلَّتْ عُقْدَةٌ، فَإِنْ تَوَضَّأَ انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ، فَإِنْ صَلَّی انْحَلَّتْ عُقْدَةٌ فَأَصْبَحَ نَشیطًا طَیِّبَ النَّفْس، وَإِلاَّ أَصْبَحَ خَبیثَ النَّفْس کَسْلاَنَ»:[1]

ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند که رسول‌اللهﷺ فرمود: هنگامی که می‌خوابید، شیطان پشت گردن هر یک از شما سه گره می‌زند و می گوید: شبی طولانی داشته باشی، بخواب. اگر از خواب بیدار شود و ذکر خدا را به زبان آورد، یکی از آن گره‌ها باز می‌شود، اگر وضو گیرد گره‌ی دوّم باز می‌شود. اگر نماز بخواند گره‌ی دیگر نیز باز می‌شود. بعد از این صبح سرحال و با نشاط است و گر نه، صبح بد حال و تنبل(افسرده) از خواب بیدار می‌شود).

۶۸- عَنْ أَبیهُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّه «رَحمَ اللَّهُ رَجُلاً قَامَ منَ اللَّیْلِ فَصَلَّی وَأَیْقَظَ امْرَأَتَهُ فَصَلَّتْ فَإِنْ أَبَتْ نَضَحَ فِی وَجْهِهَا الْمَاءَ رَحمَ اللَّهُ امْرَأَةً قَامَتْ منَ اللَّیْلِ فَصَلَّتْ وَأَیْقَظَتْ زَوْجَهَا فَإِنْ أَبَی نَضَحَتْ فِی وَجْهِه الْمَاءَ»:[2]

ابوهریره روایت می کند که رسول الله فرمود: خداوند مردی را رحمت کند که شب (برای نماز تهجد) بیدار می‌شود و نماز می‌خواند و زنش را نیز برای نماز(تهجد) بیدار می کند، اگر بیدار نشود. به صورتش آب می‌پاشد (تا بیدار شود) وخداوند زنی را رحمت کند که شب (برای نماز تهجد) بیدار می‌شود، نماز می‌خواند و شوهرش را نیز برای نماز بیدار می کند؛ اگر بیدار نشود به صورتش آب می‌پاشد.

۶۹- عَن عبدالله بن عمر قَالَ کَانَ الرَّجُلُ فی حَیَاة النَّبِیِّ إِذَا رَأَی رُؤْیَا قَصَّهَا عَلَی رَسُول اللَّه فَتَمَنَّیْتُ أَنْ أَرَی رُؤْیَا فَأَقُصَّهَا عَلَی رَسُول اللَّه وَکُنْتُ غُلاَمًا شَابًّا، وَکُنْتُ أَنَامُ فِی الْمَسْجِدِ عَلَی عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ فَرَأَیْتُ فِی النَّوْمِ کَأَنَّ مَلَکَیْنِ أَخَذَانی

---

[1]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۱۱۴۲ صحیح مسلم/۱۲۹۵

[2]. حسن صحیح: صحیح سنن ابوداود/۱۳۰۸ و مسند أحمد (۲/۲۵۰، ش ۷۴۰۴)

فَذَهَبَا بِی إِلَی النَّار فَإِذَا هِیَ مَطْوِیَّةٌ كَطَیِّ الْبِئْر، وَإِذَا لَهَا قَرْنَان، وَإِذَا فِیهَا أُنَاسٌ قَدْ عَرَفْتُهُمْ فَجَعَلْتُ أَقُولُ أَعُوذُ بِاللَّه مِنَ النَّار - قَالَ - فَلَقِینَا مَلَكٌ آخَرُ فَقَالَ لِی لَمْ تُرَعْ. فَقَصَصْتُهَا عَلَى حَفْصَةَ فَقَصَّتْهَا حَفْصَةُ عَلَى رَسُول اللَّهِ ﷺ فَقَالَ «نِعْمَ الرَّجُلُ عَبْدُ اللَّه، لَوْ كَانَ یُصَلِّی مِنَ اللَّیْل» فَكَانَ بَعْدُ لاَ یَنَامُ مِنَ اللَّیْل إِلاَّ قَلِیلاً»:[1]

عبدالله بن عمر روایت می کند: (در زمان رسول الله هر کس خوابی می‌دید آن را به پیامبر تعریف می کرد، من که درآن زمان نوجوانی بودم آروز می کردم خوابی ببینم تا آن را به پیامبر تعریف کنم، در زمان رسول الله در مسجد می‌خوابیدم، (شبی) خواب دیدم که گویا دو فرشته مرا گرفتند به طرف آتش(دوزخ) بردند، دوزخ بصورت چاهی بود که دو شاخ داشت و در آن کسانی بود که می‌شناختم. و می گفتم: از آتش(دوزخ) به الله پناه می‌برم! گوید: به فرشته‌ای دیگر برخوردیم که به من گفت: نترس. عبدالله گوید: خوابم را به حفصه(خواهرم) تعریف کردم، او خوابم را به پیامبر گفت، رسول‌الله ﷺ فرمود: عبدالله مرد خوبی است، اگر نماز شب را بخواند! گوید: بعد از آن فقط اندکی از شب را می‌خوابید).

۷۰- عَنْ عَبْدِاللَّه بْن سَلاَم قَالَ لَمَّا قَدمَ رَسُولُاللَّه الْمَدِینَةَ انْجَفَلَ النَّاسُ إِلَیْه. وَقِیلَ قَدمَ رَسُولُاللَّه فَجِئْتُ فِی النَّاس لأَنْظُرَ إِلَیْه فَلَمَّا اسْتَبَنْتُ وَجْهَ رَسُولِاللَّه ﷺ عَرَفْتُ أَنَّ وَجْهَهُ لَیْسَ بِوَجْه كَذَّاب فَكَانَ أَوَّلَ شَیْء تَكَلَّمَ بِه أَنْ قَالَ «یَا أَیُّهَا النَّاسُ أَفْشُوا السَّلاَمَ وَأَطْعِمُوا الطَّعَامَ وَصَلُّوا بِاللَّیْل وَالنَّاسُ نِیَامٌ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلاَم»:[2]

عبدالله بن سلام می گوید، بعد از این که رسول الله به مدینه آمد مردم به دورش جمع شدند و نیز گفته شده: رسول الله به مدینه آمد من هم با مردم آمدم که او را ببینم، صورتش را که به دقت نگاه کردم، یقین کردم، چهره‌ی فردی دروغ‌گو نیست، اولین چیزی که گفت، این بود که فرمود: ای مردم سلام را در میان خود رواج دهید و به(نیازمندان) غذا بدهید و شب زمانی که مردم خوابند، نماز بخوانید(اگر این کارها را بکنید) با سلامتی وارد بهشت می‌شوید.

---

[1]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۱۱۲۱ و۱۱۲۲ و صحیح مسلم/۴۵۲۸

[2]. صحیح: صحیح سنن ابن ماجه/۱۳۹۵ و ترمذی/۲۴۸۵، صحیح الترغیب والترهیب (۶۱۲) و الصحیحة (۵۶۹)

۷۱- عَنْ أَبِی‌هُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ‌اللَّهِ ﷺ «أَفْضَلُ الصِّيَامِ بَعْدَ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ الْمُحَرَّمُ وَأَفْضَلُ الصَّلاَةِ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ صَلاَةُ اللَّيْلِ»:[۱]

ابوهریره روایت می کند که رسول‌الله ﷺ فرمود: بهترین روزه بعد از ماه رمضان روزه‌ی ماه خدا محرم است و بهترین نماز بعد از نمازهای فرض، نماز تهجد است).

فضیلت نمازهای مستحبی بین مغرب و عشاء

۷۲- عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِک فِی هَذِهِ الآیَةِ (تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ)[۲] قَالَ: كَانُوا يَتَيَقَّظُونَ مَا بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ يُصَلُّونَ وَكَانَ الْحَسَنُ يَقُولُ: قِيَامُ اللَّيْلِ»:[۳]

انس ابن مالك در مورد مصداق آیه‌ی «تتجافی جنوبهم عن المضاجع یدعون ربهم خوفا و طمعا و مما رزقناهم ینفقون»: (پهلوهای‌شان از بسترهای خواب فاصله دارد و با ترس و امید پروردگارشان را می‌خوانند(عبادت می کنند) و از آن چه روزی‌شان داده‌ایم، در راه الله انفاق می کنند). می گوید: افراد مورد نظر در این آیه بین مغرب وعشاء بیدارند و نماز می‌خواندند. حسن بصری می گفت: منظور از این آیه کسانی هستند که نماز تهجد می‌خوانند).

فضیلت قیام طولانی در نماز

۷۳- عَنْ جَابِرٍ قَالَ سُئِلَ رَسُولُ‌اللَّهِ ﷺ أَیُّ الصَّلاَةِ أَفْضَلُ قَالَ «طُولُ الْقُنُوتِ»:[۴]

از جابر بن عبدالله روایت است، از رسول‌الله پرسیدند، چه نمازی فضیلت بیشتری دارد؟ فرمود: نمازی که قیامش طولانی باشد.

[۱]. صحیح: صحیح مسلم/۲۸۱۲
[۲]. سجده/۱۶
[۳]. صحیح: صحیح ابوداود/۱۳۲۱
[۴]. صحیح: صحیح مسلم/۱۸۰۵

۷۴- عَنْ عَبْدِاللَّهِ بْنِ حُبْشِيٍّ الْخَثْعَمِيِّ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ سُئِلَ أَيُّ الأَعْمَالِ أَفْضَلُ قَالَ «طُولُ الْقِيَامِ»:[1]

عبدالله بن حبشی خثعمی می گوید: از رسول‌الله ﷺ سوال کردند چه عملی فضیلت بیشتری دارد؟ فرمود: (نمازی که قیام آن طولانی باشد)

[مؤلف می گوید:] برخی از علما گفته‌اند: منظور از قیام طولانی، قیام در نماز شب است. اما در روز کثرت سجود، قیام است و این معنا از نماز شب پیامبر ﷺ گرفته شده است.

فضیلت خواندن نماز وتر در آخر شب

۷۵- عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَنْ خَافَ أَنْ لاَ يَقُومَ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ فَلْيُوتِرْ أَوَّلَهُ وَمَنْ طَمِعَ أَنْ يَقُومَ آخِرَهُ فَلْيُوتِرْ آخِرَ اللَّيْلِ فَإِنَّ صَلاَةَ آخِرِ اللَّيْلِ مَشْهُودَةٌ وَذَلِكَ أَفْضَلُ»:[2]

جابر بن‌عبدالله روایت می کند که رسول‌الله ﷺ فرمود: (هر کس بیم آن دارد که در آخر شب بیدار نشود، باید اول شب نماز وتر خود را بخواند اما هر کس امید بیدار شدن را دارد، در آخر شب وتر بخواند، چون در قسمت آخر شب فرشتگان حضور دارند لذا فضیلت نماز در آن وقت بیشتر است).

برخی از فضایل اذکار بعد از نمازهای فرض

۷۶- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ فُقَرَاءَ الْمُهَاجِرِينَ أَتَوْا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالُوا ذَهَبَ أَهْلُ الدُّثُورِ بِالدَّرَجَاتِ الْعُلَى وَالنَّعِيمِ الْمُقِيمِ. فَقَالَ «وَمَا ذَاكَ». قَالُوا يُصَلُّونَ كَمَا نُصَلِّي وَيَصُومُونَ كَمَا نَصُومُ وَيَتَصَدَّقُونَ وَلاَ نَتَصَدَّقُ وَيُعْتِقُونَ وَلاَ نُعْتِقُ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «أَفَلاَ أُعَلِّمُكُمْ شَيْئًا تُدْرِكُونَ بِهِ مَنْ سَبَقَكُمْ وَتَسْبِقُونَ بِهِ مَنْ بَعْدَكُمْ

---

[1]. سنن ابوداود/۱۴۵۱ و در ش۱۲۳۷ در ابوداود با متنی طولانی‌تر تکرار شده است. و شیخ آلبانی در صحیح وضعیف سنن أبی داود/۱۳۲۵ می‌نویسد: با لفظ «أي الصلاة»: (چه نمازی؟) صحیح است.

[2]. صحیح: صحیح مسلم/۱۸۰۲

وَلاَ يَكُونُ أَحَدٌ أَفْضَلَ مِنْكُمْ إِلاَّ مَنْ صَنَعَ مِثْلَ مَا صَنَعْتُمْ». قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَاللَّه. قَالَ «تُسَبِّحُونَ وَتُكَبِّرُونَ وَتَحْمَدُونَ دُبُرَ كُلِّ صَلاَةٍ ثَلاَثًا وَثَلاَثِينَ مَرَّةً». قَالَ أَبُو صَالِحٍ فَرَجَعَ فُقَرَاءُ الْمُهَاجِرِينَ إِلَى رَسُولِاللَّه فَقَالُوا سَمِعَ إِخْوَانُنَا أَهْلُ الأَمْوَالِ بِمَا فَعَلْنَا فَفَعَلُوا مِثْلَهُ. فَقَالَ رَسُولُاللَّهِ ﷺ «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ».[1]

ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند که فقرای مهاجرین خدمت پیامبر ﷺ آمدند و گفتند: (ای رسول خدا ثروتمندان و پول‌داران به درجات بلند و نعمت‌های همیشگی دست یافتند، پرسید: جریان چیست؟ گفتند: مانند ما نماز می‌خوانند و مانند ما روزه می گیرند (علاوه بر این) صدقه می‌دهند و برده و کنیز آزاد می کنند، حال آن که ما نمی‌توانیم این کارها را بکنیم. رسول‌الله ﷺ فرمود: به شما چیزی بیاموزم که با آن، به کسانی که از شما پیش گرفته‌اند، برسید و از کسانی که بعد از شما خواهند آمد، پیشی گیرید و کسی از شما فضیلت بیشتری نخواهد داشت، مگر این که همین عمل شما را انجام دهد؟ گفتند: آری، ای رسول خدا! فرمود: بعد از هر نماز/۳۳ بار سبحان‌الله /۳۳ بار الحمدلله/۳۳ بار الله اکبر بگویید. راوی گوید: (بعد از مدتی) فقرای مهاجرین دوباره پیش پیامبر آمدند و گفتند: برادران ثروتمند ما (از این دستوری که به ما دادید) باخبر شده‌اند لذا مانند ما بعد از نماز تسبیحات مذکور را می‌خوانند. پیامبر فرمود: این فضیلتی است که الله به هر کس بخواهد می‌دهد).

۷۷- عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ قَالَ أُمِرْنَا أَنْ نُسَبِّحَ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلاَةٍ ثَلاَثاً وَثَلاَثِينَ تَسْبِيحَةً وَنَحْمَدَ ثَلاَثاً وَثَلاَثِينَ تَحْمِيدَةً وَنُكَبِّرَ أَرْبَعاً وَثَلاَثِينَ تَكْبِيرَةً - قَالَ - فَرَأَى رَجُلٌ فِي الْمَنَامِ فَقَالَ أُمِرْتُمْ بِثَلاَثٍ وَثَلاَثِينَ تَسْبِيحَةً وَثَلاَثٍ وَثَلاَثِينَ تَحْمِيدَةً وَأَرْبَعٍ وَثَلاَثِينَ تَكْبِيرَةً فَلَوْ جَعَلْتُمْ فِيهَا التَّهْلِيلَ فَجَعَلْتُمُوهَا خَمْساً وَعِشْرِينَ. فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ ﷺ قَالَ «قَدْ رَأَيْتُمْ فَافْعَلُوا». أَوْ نَحْوَ ذَلِكَ».[2]

زیدبن ثابت گوید: به ما دستور داده شده که بعد از هر نماز ۳۳ بار سبحان‌الله ۳۳ بار الحمدلله و ۳۴ بار الله اکبر بگوییم. گوید: مردی در خواب دید که به او گفتند: به شما دستور داده شده ۳۳ بار سبحان‌الله و ۳۳ بار الحمدلله و ۳۴ بر الله اکبر

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۱۳۷۵

[2]. صحیح: مسند احمد/۲۲۲۸۴ و سنن نسائی/۱۴۰۵

بگویید، کاش هر یک را ۲۵ بار می گفتید! آن صحابه گوید: خوابم را به پیامبرﷺ تعریف کردم فرمود: حال که [خواب] دیدید، انجام دهید! یا مانند این را گفت.

۷۸- عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِﷺ «مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ فِی دُبُرِ كُلِّ صَلاَةٍ ثَلاَثًا وَثَلاَثِینَ وَحَمِدَ اللَّهَ ثَلاَثًا وَثَلاَثِینَ وَكَبَّرَ اللَّهَ ثَلاَثًا وَثَلاَثِینَ فَتِلْكَ تِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ وَقَالَ تَمَامَ الْمِائَةِ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِیكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ غُفِرَتْ خَطَایَاهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ»:[1]

از ابوهریره روایت است که رسول اللهﷺ فرمود: (هر کس بعد از هر نماز ۳۳بار سبحان الله ۳۳بار الحمدلله و۳۳بار الله اکبر بگوید: که در مجموع/۹۹ بار می‌شود و برای کامل نمودن صدمین بار بگوید: «لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد و هو علی کل شیئ قدیر» گناهانش بخشیده می‌شود، اگر چه به اندازه کف دریا باشد).

۷۹- عَنْ عَبْدِاللَّهِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ قَالَ رَسُولُ‌اللَّهِﷺ «خَصْلَتَانِ لاَ یُحْصِیهِمَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ إِلاَّ دَخَلَ الْجَنَّةَ وَهُمَا یَسِیرٌ وَمَنْ یَعْمَلُ بِهِمَا قَلِیلٌ یُسَبِّحُ اللَّهَ فِی دُبُرِ كُلِّ صَلاَةٍ عَشْرًا وَیُكَبِّرُ عَشْرًا وَیَحْمَدُهُ عَشْرًا». فَرَأَیْتُ رَسُولَ‌اللَّهِﷺ یَعْقِدُهَا بِیَدِهِ «فَذَلِكَ خَمْسُونَ وَمِائَةٌ بِاللِّسَانِ وَأَلْفٌ وَخَمْسُمِائَةٍ فِی الْمِیزَانِ وَإِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ سَبَّحَ وَحَمِدَ وَكَبَّرَ مِائَةً فَتِلْكَ مِائَةٌ بِاللِّسَانِ وَأَلْفٌ فِی الْمِیزَانِ فَأَیُّكُمْ یَعْمَلُ فِی الْیَوْمِ أَلْفَیْنِ وَخَمْسَمِائَةِ سَیِّئَةٍ». قَالُوا وَكَیْفَ لاَ یُحْصِیهِمَا قَالَ «یَأْتِی أَحَدَكُمُ الشَّیْطَانُ وَهُوَ فِی الصَّلاَةِ فَیَقُولُ اذْكُرْ كَذَا وَكَذَا حَتَّى یَنْفَكَّ الْعَبْدُ لاَ یَعْقِلُ وَیَأْتِیهِ وَهُوَ فِی مَضْجَعِهِ فَلاَ یَزَالُ یُنَوِّمُهُ حَتَّى یَنَامَ»:[2]

عبدالله بن‌عمر می گوید، رسول‌اللهﷺ فرمود: دو ذکر است که هیچ مسلمانی نمی‌گوید مگر این که به خاطر آن وارد بهشت می‌شود، آن دو ذکر آسان است و هر کس به آن عمل کند، عمل کمی است، بعد از هر نماز/۱۰بار سبحان الله/۱۰بار الحمدلله و/۱۰بار الله اکبر بگوید. عبدالله گفت: من خودم دیدم رسول الله این

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۱۳۸۰

[2]. صحیح: صحیح ابن ماجه/۹۷۹

تسبیحات را با دستش می‌شمارد و گفت: این‌ها ۱۵۰ کلمه‌اند که با زبان گفته می‌شود و در ترازوی اعمال ۱۵۰۰ نیکی به حساب می‌آید وآن گاه که به بستر خواب می‌رود، سبحان الله/۳۳ بار، الحمدلله/۳۳بار و الله اکبر/۳۴ بار بگوید: که صد بار با زبان گفته می‌شود و در ترازوی اعمال هزار نیکی به حساب می‌آید. و گفت: چه کسی از شما در هر روز/۲۵۰۰ گناه می کند؟!

گفتند: (وقتی) نمی‌شمارد چگونه مشخص می‌شود؟ گفت: شیطان در نمازتان می‌آید و می گوید: فلان چیز را بیاد بیاور! و فلان چیز را بیاد بیاور! تا این که بعد از خواندن اعوذ بالله به سمت چپش فُوت می کند. چه بسا که این کار را نکند! و هنگامی که به بستر خواب می‌رود، شیطان می‌آید و او را تشویق به خواب می کند، تا این که می‌خوابد).

فضیلت ذکر هنگام بیدار شدن از خواب

۸۰- عن عُبَادَةُ بْنُ الصَّامت عَن النَّبیﷺ قَالَ «مَنْ تَعَارَّ منَ اللَّیْل فَقَالَ لاَ إلَـهَ إلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَریکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ. الْحَمْدُ للَّه، وَسُبْحَانَ اللَّه، وَلاَ إلَهَ إلاَّ اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إلاَّ باللَّـه. ثُمَّ قَالَ اَللَّهُمَّ اغْفرْ لي. أَوْ دَعَا اسْتُجیبَ، فَإِنْ تَوَضَّأَ وَصَلَّى قُبلَتْ صَلاَتُهُ»[1]

عبادة بن صامت می گوید، رسول‌اللهﷺ فرمود: هر کس در شب بیدار شود و بگوید: «لا اله الا الله وحده لا شریک، له الملک و له الحمد و هو علی کل شیء قدیر، الحمدلله و سبحان‌الله و الله‌اکبر و لا اله الا الله و لا حول ولا قوة الا بالله» و سپس بگوید: خداوندا! مرا مغفرت کن! یا دعایی دیگری نماید، دعایش اجابت می‌شود، اگر وضو گیرد و نماز بخواند، نمازش قبول می‌شود.[2]

از فضایل ذکر در تمام اوقات

۸۱- عَنْ أَبیهُرَیْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهﷺ قَالَ «مَنْ قَالَ لاَ إلَـهَ إلاَّ اللَّـهُ وَحْـدَهُ لاَ شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ. فِی یَوْمٍ مائَةَ مَرَّةٍ. كَانَتْ

[1]. صحیح: صحیح بخاری/۱۱۵۴
[2]. صحیح: صحیح بخاری ش/۱۱۵۴

لَهُ عَدْلَ عَشْرِ رِقَابٍ وَكُتِبَتْ لَهُ مِائَةُ حَسَنَةٍ وَمُحِيَتْ عَنْهُ مِائَةُ سَيِّئَةٍ وَكَانَتْ لَهُ حِرْزًا مِنَ الشَّيْطَانِ يَوْمَهُ ذَلِكَ حَتَّى يُمْسِيَ وَلَمْ يَأْتِ أَحَدٌ أَفْضَلَ مِمَّا جَاءَ بِهِ إِلاَّ أَحَدٌ عَمِلَ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ. وَمَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ فِي يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ حُطَّتْ خَطَايَاهُ وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ»:[1]

از ابوهریره روایت است که رسول‌اللهﷺ فرمود: (هرکس در هر روز صد بار بگوید: «لا اله الا الله وحده لا شریک له، له الملک و له الحمد و هو علی کل شیء قدیر» برایش ثواب آزاد کردن ده برده و (صد ۱۰۰) حسنه نوشته می‌شود و صد گناه از او بخشیده می‌شود و این ذکر برایش در آن روز تا شب حفاظتی است از شیطان و هیچ کس عملی بهتر از عمل این فرد انجام نداده مگر این که این ذکر را بیشتر خوانده باشد. و هرکس در روز صد بار بگوید: «سبحان الله وبحمده» گناهانش بخشیده می‌شود هر چند به اندازه کف دریا باشد).

۸۲- عن أَبِي أَيُّوبَ الأَنْصَارِيِّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِﷺ قال: «مَنْ قَالَ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ عَشْرَ مِرَارٍ كَانَ كَمَنْ أَعْتَقَ أَرْبَعَةَ أَنْفُسٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ»:[2]

ابوایوب انصاری روایت می‌کند که پیامبرﷺ فرمود: (هرکس/۱۰بار بگوید: «لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» مانند کسی است که چهار نفر از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده است).

۸۳- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّﷺ قَالَ «كَلِمَتَانِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ، ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ، حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ»:[3]

ابوهریره روایت می‌کند که رسول اللهﷺ فرمود: (دو کلمه هست که بر زبان سبک و در ترازوی اعمال سنگین و نزد خداوند رحمان محبوب‌اند: «سبحان الله العظیم و سبحان الله وبحمده»).

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۷۰۱۸
[2]. صحیح: صحیح متفق علیه: بخاری/۷۰۲۰ و مسلم/۶۷۸۳
[3]. صحیح: صحیح بخاری/۶۴۰۶

۸۴- عَنْ أَبِیهُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُاللَّهﷺ «مَنْ قَالَ حِینَ یُصْبِحُ وَحِینَ یُمْسِی سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ مِائَةَ مَرَّةٍ. لَمْ یَأْتِ أَحَدٌ یَوْمَ الْقِیَامَةِ بِأَفْضَلَ مِمَّا جَاءَ بِهِ إِلاَّ أَحَدٌ قَالَ مِثْلَ مَا قَالَ أَوْ زَادَ عَلَیْهِ»:[1]

ابوهریره روایت می کند که رسولاللهﷺ فرمود: هر کس صبح وشام صد بار بگوید: سبحان الله و بحمده، در روز قیامت با بهترین اعمال می‌آید و هیچ کس ثواب اعمالش را نخواهد داشت، مگر کسی که مانند او صبح و شام به همین اندازه یا بیشتر، این ذکر را خوانده باشد).

۸۵- عَنْ أَبِیهُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُاللَّهﷺ «لأَنْ أَقُولَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَاللَّهُ أَکْبَرُ أَحَبُّ إِلَیَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَیْهِ الشَّمْسُ»:[2]

از ابوهریره روایت است که رسولاللهﷺ فرمود: (اگر بگویم سبحان الله والحمدلله و لا اله الا الله و الله اکبر، برایم از آنچه خورشید بر آن طلوع می کند، محبوب‌تر است).

۸۶- عن سَعْد بن ابیوقاص قَالَ کُنَّا عِنْدَ رَسُولِاللَّهﷺ فَقَالَ «أَیَعْجِزُ أَحَدُکُمْ أَنْ یَکْسِبَ کُلَّ یَوْمٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ». فَسَأَلَهُ سَائِلٌ مِنْ جُلَسَائِهِ کَیْفَ یَکْسِبُ أَحَدُنَا أَلْفَ حَسَنَةٍ قَالَ «یُسَبِّحُ مِائَةَ تَسْبِیحَةٍ فَیُکْتَبُ لَهُ أَلْفُ حَسَنَةٍ أَوْ یُحَطُّ عَنْهُ أَلْفُ خَطِیئَةٍ»:[3]

سعد ابن ابی وقاص می گوید: خدمت پیامبرﷺ بودیم که فرمود: آیا نمی‌توانید در هر روز هزار نیکی انجام دهید؟ یکی از اهل مجلس پرسید: چگونه یکی از ما می‌تواند هزار نیکی بدست آورد؟ فرمود: هزار بار سبحان الله بگوید، برایش هزار نیکی نوشته می‌شود یا هزار گناه از او بخشیده می‌شود).

محبوب‌ترین سخن نزد خداوند متعال

۸۷- عَنْ سَمُرَةَ بْنِ جُنْدَبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُاللَّهﷺ «أَحَبُّ الْکَلاَمِ إِلَی اللَّهِ تَبَارَکَ وَتَعَالَی أَرْبَعٌ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَاللَّهُ أَکْبَرُ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ لاَ یَضُرُّکَ بِأَیِّهِنَّ بَدَأْتَ»:[1]

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۷۰۱۹

[2]. صحیح: صحیح مسلم/۷۰۲۲

[3]. صحیح: صحیح مسلم/۷۰۲۷ و مسند أحمد/۱۵۲۶

از سمره بن جندب روایت است که رسول‌اللهﷺ فرمود: محبوب‌ترین سخن نزد خداوند متعال «سبحان الله و الحمدلله ولاإله إلا الله والله اکبر» است، از هر یک شروع کنی ایرادی ندارد).

۸۸- عَنْ أَبِی‌ذَرٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ‌اللَّهِﷺ «إِنَّ أَحَبَّ الْكَلاَمِ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ»:[۲]

از ابوذر روایت است که رسول‌اللهﷺ فرمود: (محبوب‌ترین سخن نزد خداوند متعال [ذکر] «سبحان الله وبحمده» است).

۸۹- وفي رواية: «سُئِلَ أَىُّ الْكَلاَمِ أَفْضَلُ قَالَ: مَا اصْطَفَى اللَّهُ لِمَلاَئِكَتِهِ أَوْ لِعِبَادِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ»:[۳]

در روایتی دیگر آمده: پرسیدند چه سخنی افضل است؟ فرمود: همان سخنی که خداوند برای فرشتگان یا بندگانش برگزیده، وآن ذکر «سبحان الله و بحمده» است).

۹۰- عن جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ رضی‌الله عنهما يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ «أَفْضَلُ الذِّكْرِ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَأَفْضَلُ الدُّعَاءِ الْحَمْدُ لِلَّهِ»:[۴]

جابربن‌عبدالله می گوید، شنیدم رسول‌الله می‌فرماید: بهترین ذکر «لااله‌الاالله» و بهترین دعا «الحمدلله» است.

برخی از فضایل ذکر

۹۱- عَنْ أَبِی‌ذَرٍّ أَنَّ نَاسًا مِنْ أَصْحَابِ النَّبِىِّ قَالُوا لِلنَّبِىِّ يَا رَسُولَ اللَّهِ ذَهَبَ أَهْلُ الدُّثُورِ بِالأُجُورِ يُصَلُّونَ كَمَا نُصَلِّى وَيَصُومُونَ كَمَا نَصُومُ وَيَتَصَدَّقُونَ بِفُضُولِ أَمْوَالِهِمْ. قَالَ «أَوَلَيْسَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ مَا تَصَّدَّقُونَ إِنَّ بِكُلِّ تَسْبِيحَةٍ صَدَقَةً وَكُلِّ تَكْبِيرَةٍ صَدَقَةٌ وَكُلِّ تَحْمِيدَةٍ صَدَقَةٌ وَكُلِّ تَهْلِيلَةٍ صَدَقَةٌ وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةٌ وَنَهْىٌ

---

[۱]. صحیح: صحیح مسلم ۵۵۶۶ مسند احمد/ ۲۰۶۴۰
[۲]. صحیح: صحیح مسلم/۷۱۰۲
[۳]. صحیح: صحیح مسلم/۷۱۰۱
[۴]. حسن: صحیح سنن ترمذی/۳۳۸۳ صحیح سنن ابن ماجه/۳۸۰۰

عَنْ مُنْكَر صَدَقَةٌ وَفِی بُضْعِ أَحَدكُمْ صَدَقَةٌ». قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّه أَيَأتِی أَحَدُنَا شَهْوَتَهُ وَيَكُونُ لَهُ فيهَا أَجْرٌ قَالَ «أَرَأَيْتُمْ لَوْ وَضَعَهَا فِی حَرَامٍ أَكَانَ عَلَيْهِ فِيهَا وِزْرٌ فَكَذَلِکَ إِذَا وَضَعَهَا فِی الْحَلَالِ كَانَ لَهُ أَجْرٌ»:[1]

ابوذر می‌گوید: گروهی از اصحاب به پیامبرﷺ گفتند: (ای رسول خدا، ثروتمندان پاداش‌ها کسب کردند. مانند ما نماز می‌خوانند و روزه می‌گیرند و از مال‌های اضافی‌شان صدقه می‌دهند. فرمود: مگر نه این است که خداوند برای شما زمینه‌ای فراهم کرده که صدقه بدهید و آن این است که هر سبحان اللّه، الحمدللّه، اللّه اکبر و هر لا اله إلا اللّه گفتن برای شما صدقه است، امر به معروف صدقه است، نهی از منکر صدقه است، در آلت تناسلی هر یک از شما صدقه است. گفتند: ای رسول خدا آیا وقتی شهوت‌مان را برآورده می‌کنیم، برای ما پاداش داده می‌شود؟ فرمود: به من بگویید آیا اگر شهوت‌اش را از راه حرام برآورده کند، برایش گناه نوشته می‌شود، به همین صورت وقتی کسی از راه حلال برآورده کند، برایش پاداش داده می‌شود).

۹۲- عن عَائشَةَ تَقُولُ إنَّ رَسُولَ اللَّهﷺ قَالَ «إنَّهُ خُلقَ كُلُّ إنْسَان منْ بَنِی آدَمَ عَلَى ستِّينَ وَثَلَاثَمَائَة مَفْصل فَمَنْ كَبَّرَ اللَّهَ وَحَمدَ اللَّهَ وَهَلَّلَ اللَّهَ وَسَبَّحَ اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ اللَّهَ وَعَزَلَ حَجَراً عَنْ طَرِيقِ النَّاسِ أَوْ شَوْكَةً أَوْ عَظْمًا عَنْ طَرِيقِ النَّاسِ وَأَمَرَ بِمَعْرُوف أَوْ نَهَى عَنْ مُنْكَر عَدَدَ تلْكَ السِّتِّينَ وَالثَّلَاثمائَة السُّلَامَى فَإِنَّهُ يَمْشِی يَوْمَئذ وَقَدْ زَحْزَحَ نَفْسَهُ عَنِ النَّار»:[2]

از عایشه روایت است که رسول‌اللّهﷺ فرمود: (در بدن هر انسان سیصد و شصت بند آفریده شده است، هر کس در هر روز اللّه اکبر، لاإله إلااللّه، سبحان‌اللّه و أستغفراللّه بگوید و سنگ، خار یا استخوانی که مزاحم راه مردم است، از سر راه دور کند، به تعداد آن سیصد و شصت بند، امر به معروف و نهی از منکر نماید، برای او نیکی به حساب می‌آید و در آن روز در حالی راه می‌رود که خودش را از آتش جهنّم نجات داده است).

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۲۳۷۶

[2]. صحیح: صحیح مسلم/۲۳۲۷

۹۳- عَنْ أَنَس بْن مَالک قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّه ﷺ «إنَّ اللَّهَ لَيَرْضَى عَنِ الْعَبْدِ أَنْ يَأْكُلَ الأَكْلَةَ فَيَحْمَدَهُ عَلَيْهَا أَوْ يَشْرَبَ الشَّرْبَةَ فَيَحْمَدَهُ عَلَيْهَا»:[1]

از انس روایت است که رسول‌الله ﷺ فرمود: (خداوند از بنده‌ای که بعد از هر خوردن و نوشیدن، خداوند را سپاس می گوید، خشنود می‌شود).

۹۴- عَنْ أَنَس قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّه ﷺ «مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْد نعْمَةً فَقَالَ الْحَمْدُ للَّه. إلاَّ كَانَ الَّذى أَعْطَاهُ أَفْضَلَ ممَّا أَخَذَ»:[2]

از انس روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: (خداوند به هیچ بنده‌ای نعمتی نمی‌دهد که بعد از آن می گوید: الحمدلله، مگر این که چیزی که داده بهتر از چیزی است که گرفته است).

۹۵- عَنْ أَبىهُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّه ﷺ مَرَّ به وَهُوَ يَغْرسُ غَرْسًا فَقَالَ «يَا أَبَا هُرَيْرَةَ مَا الَّذى تَغْرسُ». قُلْتُ غرَاسًا لى. قَالَ « أَلاَ أَدُلُّكَ عَلَى غرَاس خَيْر لَكَ منْ هَذَا». قَالَ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّه. قَالَ «قُلْ سُبْحَانَ اللَّه وَالْحَمْدُ للَّه وَلاَ إلَهَ إلاَّ اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ يُغْرَسْ لَكَ بكُلٍّ واحدَةَ شَجَرَةٌ فى الْجَنَّة»:[3]

ابوهریره روایت می کند که: (رسول الله ﷺ در حالی از کنار وی گذر می کرد که داشت نهالی می کاشت. فرمود: ای ابوهریره چه می کاری؟ گوید: گفتم: نهالی دارم، آن را می کارم. فرمود: تو را بر کاشت نهالی بهتر از این راهنمایی نکنم؟ گفتم: چرا. ای رسول خدا! فرمود: بگو: «سبحان الله والحمدلله و لا اله الا الله و الله اکبر» در برابر هر یک درختی برایت در بهشت کاشته می‌شود).

۹۶- عَنِ النُّعْمَانِ بْنِ بَشير قَالَ قَالَ رَسُولُاللَّه ﷺ «إنَّ ممَّا تَذْكُرُونَ منْ جَلاَل اللَّه التَّسْبيحَ وَالتَّهْليلَ وَالتَّحْميدَ يَنْعَطفْنَ حَوْلَ الْعَرْش لَهُنَّ دَوىٌّ كَدَوىِّ النَّحْلِ تُذَكِّرُ بصَاحبِهَا أَمَا يُحبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَكُونَ لَهُ - أَوْ لاَ يَزَالَ لَهُ - مَنْ يُذَكِّرُ به»:[4]

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/ ۲۷۳۴ و أحمد (۳/ ۱۰۰، ش ۱۱۹۹۲)، و ترمذی (۴/ ۲۶۵، ش ۱۸۱۶)
[2]. حسن: الضعیفة در ضمن حدیث (۲۰۱۱) صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/ ۳۸۰۵
[3]. صحیح: صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۳۸۰۷ و التعلیق الرغیب (۲ /۲۴۴)
[4]. صحیح: صحیح سنن ابن ماجه/۳۹۴۱ و السلسلة الصحیحة - مختصرة (۳۳۵۸)

از نعمان بن بشیر روایت است که رسول‌اللهﷺ فرمود: از آنچه با آن می‌توانید بزرگواری الله را دریابید این است که «سبحان الله، لا اله الله و الحمدالله» بگویید، این‌ها به دور عرش حلقه می‌زنند و صدایی هم‌چون آواز زنبور عسل دارند و ذکر کننده‌ی‌شان را به یاد می‌آورند، آیا شما دوست ندارید چنین مقامی داشته باشید، یا همواره مقامی داشته باشید که (در اطراف عرش) او را یاد کنند).

۹۷- عَنْ عَبْداللَّه بْن بُسْر أَنَّ أَعْرَابِيًّا قَالَ لرَسُول‌اللَّهﷺ إنَّ شَرَائعَ الإسْلاَم قَدْ كَثُرَتْ عَلَيَّ فَأَنْبِئْنِي مِنْهَا بِشَيْءٍ أَتَشَبَّثُ بِهِ. قَالَ «لاَ يَزَالُ لِسَانُكَ رَطْبًا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»:[۱]

عبدالله بن بُسْر می‌گوید، مردی گفت: ای رسول خدا! قوانین و برنامه‌های عبادی برایم زیاد شده است، به من عملی بیاموز که به آن پایبندی کنم. فرمود: همواره زبانت مشغول ذکر الله باشد).

۹۸- عن أَبي هُرَيْرَةَ وَأَبي‌سَعيدالْخُدْرِيِّ أَنَّهُمَا شَهدَا عَلَى رَسُول‌اللَّهﷺ أَنَّهُ قَالَ «مَا منْ قَوْمٍ يَذْكُرُونَ اللَّهَ إلاَّ حَفَّتْ بهمُ الْمَلاَئكَةُ وَغَشيَتْهُمُ الرَّحْمَةُ وَنَزَلَتْ عَلَيْهِمِ السَّكينَةُ وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فيمَنْ عنْدَهُ»:[۲]

از ابوهریره و ابوسعید خدری روایت است که هر دو گواهی دادند که رسول اللهﷺ فرمود: (هیچ قومی نیست که الله را ذکر کنند، مگر این که ملائکه به دورشان حلقه می‌زنند و در پوششی از رحمت الهی قرار می‌گیرند، و آرامش بر آنان فرود می‌آید و الله آن‌ها را در میان کسانی که نزد او هستند یاد می‌کند).

فضیلت ذکرهایی که ثواب چند برابر دارند

۹۹- عَنْ جُوَيْرِيَةَ أَنَّ النَّبِيَّﷺ خَرَجَ منْ عنْدهَا بُكْرَةً حينَ صَلَّى الصُّبْحَ وَهيَ في مَسْجدهَا ثُمَّ رَجَعَ بَعْدَ أَنْ أَضْحَى وَهيَ جَالسَةٌ فَقَالَ «مَا زلْت عَلَى الْحَال الَّتي فَارَقْتُكِ عَلَيْهَا». قَالَتْ نَعَمْ. قَالَ النَّبِيُّﷺ «لَقَدْ قُلْتُ بَعْدَكِ أَرْبَعَ كَلمَاتٍ ثَلاَثَ مَرَّاتٍ

---

۱. صحیح: صحیح سنن ابن ماجه/۳۹۲۵ صحیح وضعیف سنن الترمذی/۳۳۷۵
۲. صحیح: صحیح سنن ترمذی/۳۷۰۵ و ترمذی می‌گوید: حَسَنٌ صَحِيحٌ.

لَوْ وُزِنَتْ بِمَا قُلْت مُنْذُ الْيَوْمِ لَوَزَنَتْهُنَّ سُبْحَانَ اللَّه وَبِحَمْدِه عَدَدَ خَلْقِه وَرِضَا نَفْسِه وَزِنَةَ عَرْشِه وَمِدَادَ كَلِمَاتِه»[1]

و فی رِوَايَة: «سُبْحَانَ اللَّه عَدَدَ خَلْقِه سُبْحَانَ اللَّه رِضَا نَفْسِه سُبْحَانَ اللَّه زِنَةَ عَرْشِه سُبْحَانَ اللَّه مِدَادَ كَلِمَاتِه»[2]

جویریه روایت می‌کند که در هنگام نماز صبح یا بعد از این که نماز صبح را خوانده بودم، در جایی که نماز می‌خواندم، نشسته بودم که رسول اللهﷺ از آن جا رفت. سپس بعد از نماز چاشت برگشت، دید نشسته‌ام. فرمود: از همان وقتی که من رفتم تا به حال همین جا نشسته‌ای؟ گفتم: آری، پیامبرﷺ فرمود: بعد از آن من چهار کلمه را سه بار گفتم که اگر با آن‌چه تو گفتی وزن شود، برابر است (آن کلمات عبارتند از:) «سبحان الله و بحمده عدد خلقه رضی نفسه وزنه عرشه، و مداد کلماته».

و در روایت دیگر آمده: «سبحانه الله عدده خلقه سبحانه الله رضی نفسه، وزنة عرشه سبحانه الله مداده کلماته»

۱۰۰- عَنْ أَبِيْ أُمَامَةَ البَاهِلِيّ أَنَّ رَسُوْلُ الله صلی‌الله علیه وسلم مَرَّ بِه وَهُوَ يُحَرِّكُ شَفَتَيْه فَقَالَ: (مَاذَا تَقُوْلُ يَا أَبَا أُمَامَةَ؟) قَالَ: أَذْكُرُ رَبِّيْ قَالَ: (أَلَا أُخْبِرُكَ بِأَكْثَرَ أَوْ أَفْضَلَ مِنْ ذِكْرِكَ اَللَيْلَ مَعَ النهار وَ اَلنَهَارْ مَعَ اللَيْل؟ أَنْ تَقُوْلَ: سُبْحَانَ الله عَدَد مَا خَلَقَ، وَسُبْحَانَ الله ملء مَا خَلَقَ، وَسُبْحَانَ الله عَدَد مَا فِي الأَرْض وَالسَّمَاء، وَسُبْحَانَ الله ملْءَ مَا فِي الأَرْض وَالسَّمَاء، وَ سُبْحَانَ الله عَدَدَ مَا أَحْصَى كِتَابه وَسُبْحَانَ الله عَدَدَ كُلّ شَيْءٍ وَسُبْحَانَ الله مِلءَ كُلّ شَيْءٍ وَتَقُوْلُ: اَلْحَمْدُ لله مِثْلَ ذَلِكَ»[3]

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۷۰۸۸ و أبوداود (۱۵۰۳)
[2]. صحیح: صحیح مسلم/ ۷۰۸۸ و ابن ماجه/ ۳۹۴۰
[3]. حسن: شعیب الأرنؤوط می‌گوید: إسناد این حدیث حسن است. صحیح بن حبان۱۱۱/۳ ش۸۳۰ سنن کبری نسائی ش/۹۹۹۴ ج۶/۵۰ و در روضة المحدثین/۴۹۶۸ و در نتائج الأفکار ۱/۸۱ می‌گوید: حسن است. و حمدی عبدالمجید سلفی۱/۸۲ می‌گوید: طبرانی در الکبیر «۷۹۳۰، ۷۹۸۷، ۸۱۲۲» و حافظ المنذری در الترغیب/ ۲۴۸ إسناد أخیر را حسن دانسته است. أحمد ۵ / ۲۴۹ و حاکم ۱ / ۵۱۳ و بر شرط شیخین صحیح دانسته و ذهبی او را تأیید کرده است و بیهقی در الدعوات الکبیر ص ۲۳

ابوامامه‌ی باهلی می گوید، رسول الله در حالی از کنار من گذشت که لب‌هایم تکان می‌خورد، فرمود: ابوامامه! چه می گویی؟ گفتم: پروردگارم را ذکر می گویم. فرمود: آیا تو را از ذکری با خبر نکنم که از ذکر شب و روز یا روز و شب، بیشتر و با فضیلت‌تر باشد؟ آن این است که بگویی: سبحان الله عدد ما خلق، سبحان الله ملأ ما خلق، سبحان الله عدد ما فی الارض والسماء، سبحان الله ملأ ما فی الارض و السماء، سبحان الله عدد ما أحصی کتابه، سبحان الله عدد کل شئ، سبحان الله ملأ کل شئ و مانند: این‌ها الحمد لله، لا إله إلا الله و الله اکبر، بگوید.

فضیلت «لا اله الا الله» گفتن در بازار

۱۰۱– عن عُمَرَ بن خطاب أَنَّ رَسُولَ‌اللَّهِ ﷺ قَالَ «مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَقَالَ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لاَ يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَمَحَا عَنْهُ أَلْفَ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَهُ أَلْفَ أَلْفِ دَرَجَةٍ»[1]

عمربن خطاب روایت می کند که رسول الله ﷺ فرمود: هر کسی وارد بازار شود و بگوید: «لاإله إلا الله وحده لا شریک له، له الملك و له الحمد یحیی و یموت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شی قدیر»: (معبود بر حقی جز الله نیست، یکتاست، شریکی ندارد، پادشاهی ازآن اوست، سپاس و ستایش شایسته‌ی اوست که زنده می کند و می‌میراند، او زنده است نمی‌میرد، خیر بدست اوست و او برهر چیز تواناست) خداوند هزار هزار حسنه برایش ثبت می کند و هزار هزار گناه از او می‌بخشد و هزار هزار درجه او را بالا می‌برد).

تذکر: باید توجه داشت که عرب‌ها وقتی بخواهند بسیار زیاد بودن چیزی را بیان کنند، می گویند: «أَلْفَ أَلْفِ»: (هزار هزار) [مترجم]

[1]. حسن: صحیح سنن ابن ماجه/۲۲۳۵ ترمذی/۳۷۵۶ صحیح وضعیف سنن الترمذی

ذکر هنگام برخواستن از مجلس

۱۰۲- عَنْ أَبِی‌هُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ‌اللَّهِﷺ «مَنْ جَلَسَ فِی مَجْلِسٍ فَكَثُرَ فِیهِ لَغَطُهُ فَقَالَ قَبْلَ أَنْ یَقُومَ مِنْ مَجْلِسِهِ ذَلِکَ سُبْحَانَکَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِکَ أَشْهَدُ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ أَسْتَغْفِرُکَ وَأَتُوبُ إِلَیْکَ. إِلاَّ غُفِرَ لَهُ مَا كَانَ فِی مَجْلِسِهِ ذَلِکَ»:[1]

ابوهریرهؓ روایت می‌کند که رسول اللهﷺ فرمود: هر کس در مجلسی بنشیند که در آن حرف‌های زیادی گفته شود و پیش از بلند شدن بگوید: «سبحانک اللهم و بحمدك أشهد أن لا إله إلا أنت أستغفرك وأتوب إليك»: (خداوندا! پاك و منزهی تو را سپاس می‌گویم، گواهی می‌دهم که معبود بر حقی جز تو نیست از تو طلب مغفرت می‌کنم و به سوی تو برمی‌گردم و توبه می‌کنم).

فضیلت استغفار نمودن

۱۰۳- عن شَدَّادُ بْنُ أَوْسٍ عَنِ النَّبِیِّﷺ «سَیِّدُ الاسْتِغْفَارِ أَنْ تَقُولَ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّی، لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ، خَلَقْتَنِی وَأَنَا عَبْدُکَ، وَأَنَا عَلَى عَهْدِکَ وَوَعْدِکَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ، أَبُوءُ لَکَ بِنِعْمَتِکَ عَلَیَّ وَأَبُوءُ بِذَنْبِی، فَاغْفِرْ لِی، فَإِنَّهُ لاَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاَّ أَنْتَ». قَالَ «وَمَنْ قَالَهَا مِنَ النَّهَارِ مُوقِنًا بِهَا، فَمَاتَ مِنْ یَوْمِهِ قَبْلَ أَنْ یُمْسِیَ، فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَمَنْ قَالَهَا مِنَ اللَّیْلِ وَهْوَ مُوقِنٌ بِهَا، فَمَاتَ قَبْلَ أَنْ یُصْبِحَ، فَهْوَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ»:[2]

شداد بن أوس روایت می‌کند که رسول اللهﷺ فرمود: (بهترین استغفار این است که بگویی: «اللهم أنت ربی لا إله إلا أنت، خلقتنی و أنا عبدك، وأنا علی عهدك و وعدك ما استطعت أعوذبك من شر ما صنعت ابوء لك بنعمتك عليّ وابوء بذنبی فاغفرلی إنه لایغفر الذنوب إلا أنت»: (خداوندا! تو پروردگار منی، به جز تو معبودی وجود ندارد، تو مرا آفریده‌ای و من بنده‌ی تویم و برپیمانی که با تو

---

[1]. صحیح: صحیح سنن ترمذی/۳۷۶۲، ترمذی و می‌گوید: «حسن صحیح غریب» و المشکاة ۲۴۳۳

[2]. صحیح: صحیح بخاری/۶۳۰۶ و نووی در الاذکار ش/۳۴۳۳ و نسائی ۲۷۹/۸ و در عمل الیوم و اللیله شماره‌های ۱۹-۴۶۴-۵۸۰ و احمد در مسند۱۲۲/۴ -۱۲۵، لازم به ذکر است که مؤلف حدیثی را به همین معنا با اندک تفاوتی در الفاظ آورده بود، اما حدیث فوق دقیقا متن صحیح بخاری است. مترجم

بسته‌ام تا حد توان، استوارم و به وعده‌ای که داده‌ای یقین دارم. و از بدی کارهایی که انجام داده‌ام، به تو پناه می‌برم، به نعمت‌هایی که به من ارزانی داشته‌ای و گناهانی که انجام داده‌ام، اعتراف می‌کنم. پس (گناهان) مرا ببخش که کسی جز تو گناهان را نمی‌بخشد). هر کس این دعا را در شب بخواند و در همان شب بمیرد وارد بهشت می‌شود و هر کس در روز این دعا را بخواند و در همان روز بمیرد وارد بهشت می‌شود.

۱۰۴- عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ إِنْ كُنَّا لَنَعُدُّ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي الْمَجْلِسِ الْوَاحِدِ مِائَةَ مَرَّةٍ «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الْغَفُورُ»:[1]

از عبدالله بن عمر روایت است که ما می‌شمردیم رسول الله ﷺ در یک مجلس قبل از بلند شدن صد بار می‌گفت: «رب اغفرلی وتب علیّ إنك أنت التواب الغفور»: (پروردگارا! مرا مغفرت کن و توبه‌ام را بپذیر که تو توبه پذیر و آمرزنده‌ای).

۱۰۵- عن عَبْدَاللَّهِ بْنَ بُسْرٍ يَقُولُ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ «طُوبَى لِمَنْ وَجَدَ فِي صَحِيفَتِهِ اسْتِغْفَارًا كَثِيرًا»:[2]

عبدالله بن بسر روایت می‌کند که رسول‌الله ﷺ فرمود: (خوشا به حال کسی که در نامه اعمال خود استغفار زیاد می‌بینند!).

۱۰۶- عَنِ الأَغَرِّ الْمُزَنِيِّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ «إِنَّهُ لَيُغَانُ عَلَى قَلْبِي وَإِنِّي لأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي الْيَوْمِ مِائَةَ مَرَّةٍ»:[3]

أغَرّ مزنی روایت می‌کند که رسول‌الله ﷺ فرمود: (گاهی فراموشی[از ذکر] دلم را فرا می‌گیرد لذا من در هر روز صد بار استغفار می‌کنم).

---

[1]. صحیح: سنن ترمذی/ ۳۴۳۴، و الصحیحه المختصره/۵۵۶، صحیح سنن ابوداود/۱۵۱۸، تذکر: در سنن ابوداود با لفظ التواب الرحیم آمده اما مؤلف با لفظ التواب الغفور به ابوداود نسبت داده است

[2]. صحیح: صحیح سنن ابن ماجه/۳۹۵۰ ابن ماجه ش /۳۸۱۸ و النسائی در عمل یوم و اللیلة ش۴۵۵ و بوصیری در زوائد می‌گوید: اسناد این روایت صحیح و رجال آن ثقة است. صحیح الجامع ش/۳۸۲۴، تخریج المشکاة ش/۲۳۵۶ و تخریج الترغیب ۲/۴۱۸

[3]. صحیح: صحیح مسلم/۷۰۳۳ و مسند أحمد (۴/۲۱۱ ، ش۱۷۸۸۱) ، وعبد بن حمید (ص ۱۴۲ ، ش ۳۶۴)، وأبو داود (۲/۸۴ ، ش ۱۵۱۷)

۱۰۷- عن زَیْد مَوْلَی النَّبیﷺ حَدَّثَنی أَبی عَنْ جَدِّی سَمعَ النَّبیَّ یَقُولُ «مَنْ قَالَ أَسْتَغْفرُ اللَّهَ الْعَظیمَ أَلَّذی لاَ إِلَهَ إِلاَّ هُوَ الْحَیَّ الْقَیُّومَ وَأَتُوبُ إِلَیْه. غُفرَ لَهُ وَإِنْ کَانَ فَرَّ منَ الزَّحْف»:[1]

زید مولای پیامبرﷺ روایت می کند که شنیدم پیامبرﷺ مـیفرمایـد: هـر کـس بگوید: «أستغفرالله الذی لا إله إلاهوالحی القیوم وأتوب إلیه»: (از خداوندی که معبود برحقی جز او نیست، زنده و پایدار است، طلب مغفرت می کنم و به پیشگاه او توبه می‌نمایم). گناهانش بخشیده می‌شود، حتی اگر از میدان جهاد فرار کرده باشد.

۱۰۸- عن أَبُوبَکْر أَنَّهُ قَالَ سَمعْتُ رَسُولَ اللَّهﷺ یَقُولُ «مَا منْ عَبْد یُذْنبُ ذَنْبًا فَیُحْسنُ الطُّهُورَ ثُمَّ یَقُومُ فَیُصَلِّی رَکْعَتَیْن ثُمَّ یَسْتَغْفرُ اللَّهَ إِلاَّ غَفرَ اللَّهُ لَـهُ ». ثُـمَّ قَـرَأَ هَذه الآیَةَ (وَالَّذینَ إِذَا فَعَلُوا فَاحشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَکَرُوا اللَّهَ) إِلَی آخر الآیَة»:[2]

ابوبکر صدیقﷺ می گوید، شنیدم رسول‌اللهﷺ می‌فرماید: هـیچ بنـده‌ای نیـست که مرتکب گناهی شود، سپس به نحو احسن وضو گیرد و دو رکعت نماز بخوانـد سپس استغفار کند مگر این که الله او را مورد مغفرت قرار می‌دهـد و ایـن آیـه: (و آنان که چون کار زشتی کنند، یا بر خود ستم روا دارند، الله را بیاد می‌آورند...)[3] را تلاوت کرد.

فضیلت گفتن لاحول ولاقوة إلابالله

۱۰۹- عَنْ أَبیمُوسَی قَالَ کُنَّا مَعَ النَّبیﷺ فی سَفَر فَقَالَ «یَا عَبْدَ اللَّه بْنَ قَـیْس أَلاَ أَدُلُّکَ عَلَی کَنْزٍ منْ کُنُوز الْجَنَّة. قال قلت بلی یا رسول الله قال قـل: «لاَ حَـوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ باللَّه»:[4]

---

[1]. حسن: ابوداود/۱۵۱۹ ترمذی/۳۹۲۶، تصحیح حاکم ۱۱۸/۲ و تأییـد ذهبـی، نـووی در الاذکـار/۱۲۷۶ و مشکاة/۲۳۵۳ البته در صحیح وضعیف سنن الترمذی/۳۵۷۷ التعلیق الرغیب (۲۶۹/۲)، صحیح سنن أبی داود (۱۳۵۸) صحیح دانسته است.

[2]. صـحیح: صـحیح و ضـعیف سنن ابـوداود ۱۵۲۱، ترمـذی ۴۰۶، نـسائی در عمـل یـوم و الیلـه ۴۱۷، ابـن ماجه/۱۳۹۵ و ابن حبان ۶۲۲ و ترغیب و ترهیب/۲۴۱۳

[3]. آل عمران/۱۳۵

[4]. صحیح: صحیح مسلم/۲۷۰۴ و به همین معنـا در صـحیح بخـاری ش۲۹۹۲ و در الجهـاد و در المغـازی ش ۴۲۰۵ و ... احادیثی آورده است.

ابوموسی روایت می‌کند که: در سفری با پیامبرﷺ بودیم که به من گفت: ای عبدالله بن قیس آیا (می‌خواهی)تو را به یکی از گنج‌های بهشت راهنمایی کنم؟ گفتم: آری ای رسول خدا، فرمود: بگو: «لاحول ولاقوة إلابالله».

۱۱۰- عن قیس بن سَعْد قال، قَالَ النَّبِیُّﷺ «أَلاَ أَدُلُّکَ عَلَی بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ». قُلْتُ بَلَی. قَالَ «لاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّه»:[1]

قیس بن سعد روایت می‌کند که رسول‌اللهﷺ فرمود: (آیا (می‌خواهی) تو را به دربی از درب‌های بهشت راهنمایی کنم؟ گفتم: آری. فرمود: بگو: «لاحول ولاقوة إلابالله»).

۱۱۱- عَنْ حَازِمِ بْنِ حَرْمَلَةَ قَالَ مَرَرْتُ بِالنَّبِیِّﷺ فَقَالَ لِی «یَا حَازِمُ أَکْثِرْ مِنْ قَوْلِ لاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّه فَإِنَّهَا مِنْ کُنُوزِ الْجَنَّةِ»:[2]

حازم بن حرمله اسلمی گوید، از کنار پیامبر عبور کردم، خطاب به من فرمود: (ای حازم! به کثرت «لاحول ولاقوة إلابالله» بگو که از گنج‌های بهشت است).

فضیلت درود فرستادن به رسول‌الله

۱۱۲- عَنْ أَبِی‌هُرَیْرَةَ أَنَّ رَسُولَ‌اللَّهِﷺ قَالَ «مَنْ صَلَّی عَلَیَّ وَاحِدَةً صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ عَشْراً»:[3]

ابوهریره روایت می‌کند که پیامبرﷺ فرمود: (هرکس بر من یک درود بفرستد الله به او ده درود می‌فرستد).

۱۱۳- عن أَبِی‌طَلْحَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِﷺ جَاءَ ذَاتَ یَوْمٍ وَالْبُشْرَی فِی وَجْهِهِ فَقُلْنَا إِنَّا لَنَرَی الْبُشْرَی فِی وَجْهِکَ. فَقَالَ « إِنَّهُ أَتَانِی الْمَلَکُ فَقَالَ یَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّکَ یَقُولُ أَمَا یُرْضِیکَ أَنَّهُ لاَ یُصَلِّی عَلَیْکَ أَحَدٌ إِلاَّ صَلَّیْتُ عَلَیْهِ عَشْراً وَلاَ یُسَلِّمُ عَلَیْکَ أَحَدٌ إِلاَّ سَلَّمْتُ عَلَیْهِ عَشْراً»:[4]

---

[1]. صحیح: صحیح ترمذی/۳۹۳۰ صحیح: صحیح الترمذی/۳۵۸۱ و الصحیحه/۱۷۴۶

[2]. صحیح: صحیح سنن ابن ماجه/۳۹۵۸ ابن ماجه/۳۸۵۶، صحیح الجامع ش/۷۷۸۴ و المشکاة ش/۲۳۱۹

[3]. صحیح: صحیح مسلم/۹۳۹، ترمذی ش/۴۸۵، ابوداود/۱۵۳۰ و نسائی/۱۲۷۹

[4]. حسن: نسائی/(۱۲۹۱-۱۲۹۲) ش احمد۴/۲۹ و ۳۰ و نسائی در عمل الیوم و الیلة/۶۰ و ابن حبان/۹۱۵ و منذری الترغیب و الترهیب ش/۲۴۷۱

ابوطلحه روایت می کند: روزی رسول‌الله ﷺ در حالی آمد که خوشحالی در چهره‌اش دیده می‌شد. گفتیم: ما خوشحالی را در چهره‌ی شما می‌بینیم! فرمود: فرشته‌ای نزد من آمد و گفت: ای‌محمد! پروردگارت می گوید: آیا تو را خشنود نمی کند که هر کس یک درود بر تو بفرستد؛ من ده درود به او می‌فرستم و هر کس به تو یک سلام بفرستد، ده سلام به او می‌فرستم).

۱۱۴- عن أَنَسُ بْنُ مَالک قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلاَةً وَاحِدَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْرَ صَلَوَاتٍ وَحُطَّتْ عَنْهُ عَشْرُ خَطِيئَاتٍ وَرُفِعَتْ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ»:[1]

انسً بن مالك روایت می کند که رسول‌الله ﷺ فرمود: (هر کس بر من یک درود بفرستد، الله به او ده درود می‌فرستد و ده گناه از او بخشیده می‌شود و او را ده درجه بالا می‌برند).

فضیلت گفتن: «لاإله إلا الله» هنگام مرگ

۱۱۵- عن أَبِی‌سَعِيدٍ و ابی‌هریره قالا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «لَقِّنُوا مَوْتَاكُمْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ»:[2]

ابوسعید و ابوهریره روایت می کنند که رسول‌الله ﷺ فرمود: (به مردگان‌تان که در حال احتضار مرگ هستند «لا إله إلا الله» تلقین کنید).

۱۱۶- عَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَنْ كَانَ آخِرُ كَلاَمِهِ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ»:[3]

معاذبن جبل روایت می کند که رسول‌الله فرمود: (هر کس آخرین سخنش «لا إله إلا الله» باشد، وارد بهشت می‌شود).

[1]. صحیح: صحیح سنن نسائی/۱۳۰۵(نسائی/۱۲۹۴) و مسند احمد ش /۱۳۷۵۶ ج۴/۵۲۱ و صحیح ادب المفرد ش/۶۴۳ و مسند احمد در نسخه محقق (توسط گروهی از محققان) می گوید: این حدیث صحیح است.
[2]. صحیح: صحیح مسلم/۲۱۲۰) و ابن ماجه ۱۴۴۴ و ۱۴۴۵
[3]. صحیح: سنن ابوداود/۳۱۱۸، صحیح أبوداود/۲۶۷۳ و احمد (۲۴۷/۵، ش۲۲۱۸۰)

کتاب (بخش) جنائز و...

فضیلت نماز خواندن بر میت و تشییع جنازه

۱۱۷- عن أَبی‌هُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ‌اللَّهِﷺ «مَنْ شَهِدَ الْجَنَازَةَ حَتَّى يُصَلَّى عَلَيْهَا فَلَهُ قِيرَاطٌ وَمَنْ شَهِدَهَا حَتَّى تُدْفَنَ فَلَهُ قِيرَاطَانِ». قِيلَ وَمَا الْقِيرَاطَانِ قَالَ «مِثْلُ الْجَبَلَيْنِ الْعَظِيمَيْنِ».[1]

از ابوهریره روایت است که رسول الله فرمود: (هر کس به تشییع جنازه‌ای تا خواندن نماز بر آن شرکت کند، به او یک قیراط اجر داده می‌شود و هر کس تا دفن میت حضور داشته باشد، دو قیراط اجر دارد، سوال شد؛ دو قیراط چقدر است؟ فرمود: به اندازه دو کوه بزرگ).

۱۱۸- عَنْ ثَوْبَانَ مَوْلَى رَسُولِ اللَّهِﷺ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِﷺ قَالَ «مَنْ صَلَّى عَلَى جَنَازَةٍ فَلَهُ قِيرَاطٌ فَإِنْ شَهِدَ دَفْنَهَا فَلَهُ قِيرَاطَانِ الْقِيرَاطُ مِثْلُ أُحُدٍ».[2]

ثوبان مولای رسول‌الله روایت می‌کند که پیامبرﷺ فرمود: (هرکس بر جنازه‌ای نماز بخواند یک قیراط اجر دارد و اگر تا دفن میت حضور داشته باشد، دو قیراط پاداش دارد و هر قیراط به اندازه کوه احد است).

---

[1]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری ش/۱۲۴۰ صحیح مسلم/۲۱۸۶ و نسائی ش/۱۹۹۱

[2]. صحیح: صحیح مسلم/ ۲۲۳۹ و (مسلم/۹۴۵- ۵۳-۲/۶۵۳) و صحیح ابن ماجه/۶۳۵۵

فضیلت دعای برای میت و از وی به نیکی یاد کردن

۱۱۹- عَنْ عَائشَةَ عَنِ النَّبیﷺ قَالَ «مَا منْ مَیِّت یُصَلِّی عَلَیْه أُمَّةٌ منَ الْمُسْلمینَ یَبْلُغُونَ مائَةً كُلُّهُمْ یَشْفَعُونَ لَهُ إلاَّ شُفِّعُوا فیه»:[۱]

عایشه رضی‌الله‌عنها می گوید، پیامبر فرمود: (هر میتی که گروهی صد نفره از مسلمانان بر او نماز جنازه بخوانند و برایش طلب شفاعت(دعا) کنند؛ دعا و شفاعت‌شان در حق او پذیرفته می‌شود).

۱۲۰- عَنْ عَبْدِاللَّه بْنِ عباس قال سَمعْتُ رَسُولَ‌اللَّهﷺ یَقُولُ: «مَا منْ رَجُل مُسْلم یَمُوتُ فَیَقُومُ عَلَی جَنَازَته أَرْبَعُونَ رَجُلاً لاَ یُشْركُونَ باللَّه شَیْئًا إلاَّ شَفَّعَهُمُ اللَّهُ فیه»:[۲]

عبدالله بن عباس روایت می کند که شنیدم پیامبرﷺ می‌فرماید: (هر مسلمانی بمیرد و چهل نفر مسلمانی که به الله شرک نورزیده باشند، بر جنازه‌اش نماز بخوانند، خداوند شفاعت(دعا) آن‌ها را در حق او اجابت خواهد نمود).

۱۲۱- عَنْ أَبیهُرَیْرَةَ عَنِ النَّبیﷺ قَالَ: «مَنْ صَلَّی عَلَیْه مائَةٌ منَ الْمُسْلمینَ غُفرَ لَهُ»:[۳]

ابوهریره روایت می کند که رسول الله فرمود: (بر هر کس صد نفر مسلمان نماز جنازه بخوانند، گناهانش مغفرت خواهد شد).

۱۲۲- عَنْ أَنَس بْن مَالک قَالَ مُرَّ بجَنَازَة فَأُثْنیَ عَلَیْهَا خَیْرٌ فَقَالَ نَبیُّ اللَّهﷺ «وَجَبَتْ وَجَبَتْ وَجَبَتْ». وَمُرَّ بجَنَازَة فَأُثْنیَ عَلَیْهَا شَرٌّ فَقَالَ نَبیُّ اللَّه «وَجَبَتْ وَجَبَتْ وَجَبَتْ». قَالَ عُمَرُ فدًی لَكَ أَبی وَأُمِّی مُرَّ بجَنَازَة فَأُثْنیَ عَلَیْهَا خَیْرًا فَقُلْتَ وَجَبَتْ وَجَبَتْ وَجَبَتْ. وَمُرَّ بجَنَازَة فَأُثْنیَ عَلَیْهَا شَرٌّ فَقُلْتَ وَجَبَتْ وَجَبَتْ وَجَبَتْ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهﷺ «مَنْ أَثْنَیْتُمْ عَلَیْه خَیْرًا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَمَنْ أَثْنَیْتُمْ عَلَیْه شَرًّا وَجَبَتْ لَهُ النَّارُ

---

[۱]. صحیح: صحیح مسلم/۹۴۷ صحیح نسائی/۱۸۸۱ و صحیح سنن ترمذی/۱۰۳۴

[۲]. صحیح: صحیح مسلم/۲۲۴۲ الصحیحه/۲۲۶۷، ترمذی(۱۰۳۴/۲۴۷/۴)

[۳]. صحیح: صحیح سنن ابن ماجه/۱۵۵۵ (ابن ماجه/۱۴۸۸)، صحیح: صحیح الجامع/۶۲۳۲

أَنْتُمْ شُهَدَاءُ اللَّهِ فِي الأَرْضِ أَنْتُمْ شُهَدَاءُ اللَّهِ فِي الأَرْضِ أَنْتُمْ شُهَدَاءُ اللَّهِ فِي الأَرْضِ»:[1]

انس بن مالک روایت می‌کند که: (جنازه‌ای را از کنار رسول خدا بردند، مردم از او به نیکی یاد کردند پیامبر فرمود: «واجب شد!»، «واجب شد!» «واجب شد!» و جنازه‌ی دیگری از کنار ایشان بردند، مردم او را نکوهش کردند. پیامبر فرمود: «واجب شد!»، «واجب شد!»، «واجب شد!» عمر بن خطاب گفت: پدر و مادرم فدایت! جنازه اول را که بردند و مردم از او به نیکی یاد کردند، شما فرمودید: «واجب شد!»، «واجب شد!»، «واجب شد!» و جنازه دیگر را نیز که بردند مردم او را نکوهش کردند، باز هم شما فرمودید: «واجب شد!»، «واجب شد!»، «واجب شد!» پیامبر فرمود: از آن کسی که به نیکی یاد کردید، بهشت بر او واجب شد وآن کسی را هم که به بدی یاد کردید، جهنم بر او واجب شد. «شما شاهدان خداوند در زمین هستید، شما شاهدان خداوند در زمین هستید»).

پاداش کسی که برخی از فرزندانش در زمان کوچکی وفات کرده‌اند

۱۲۳- عَنْ أَنَس قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا مِنَ النَّاسِ مِنْ مُسْلِمٍ يُتَوَفَّى لَهُ ثَلَاثٌ لَمْ يَبْلُغُوا الْحِنْثَ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِفَضْلِ رَحْمَتِهِ إِيَّاهُمْ»:[2]

انس بن مالک روایت می‌کند که رسول الله فرمود: (هیچ کس از مسلمانان نیست که سه تا از فرزندانش را که به سن بلوغ نرسیده‌اند، از دست بدهد، مگر این که خداوند متعال با فضل و رحمتی که نسبت به آن فرزندان دارد، او را وارد بهشت می‌گرداند).

۱۲۴- عَنْ أَبِي سَعِيد الْخُدْرِيِّ قَالَتْ النِّسَاءُ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ غَلَبَنَا عَلَيْكَ الرِّجَالُ فَاجْعَلْ لَنَا يَوْمًا مِنْ نَفْسِكَ فَوَعَدَهُنَّ يَوْمًا لَقِيَهُنَّ فِيهِ فَوَعَظَهُنَّ

[1]. صحیح: متفق علیه: صحیح مسلم/۲۲۴۳ و در صحیح بخاری ش/۱۳۶۷ به همین معنا.
[2]. صحیح: صحیح البخاری/۱۲۴۸

وَأَمَرَهُنَّ فَكَانَ فِيمَا قَالَ لَهُنَّ «مَا مِنْكُنَّ امْرَأَةٌ تُقَدِّمُ ثَلَاثَةً مِنْ وَلَدِهَا إِلَّا كَانَ لَهَا حِجَابًا مِنْ النَّارِ فَقَالَتْ امْرَأَةٌ وَاثْنَتَيْنِ فَقَالَ وَاثْنَتَيْنِ»:[1]

ابوسعید خدری روایت می‌کند که زنان به پیامبر گفتند: روزی را جهت (پند و نصیحت) برای ما مقرر کن که مردان برما غلبه کرده‌اند (و تمام وقت شما را گرفته‌اند) پیامبر برای آن‌ها روزی را تعیین کرد و درآن روز آمد و برای‌شان سخنرانی کرد و برای آن‌ها مسایلی بیان کرد و گفت: هیچ زنی نیست که سه تا از فرزندانش را پیش فرستد (یعنی: در کوچکی از دست بدهد) مگر این که برایش مانعی از رفتن به دوزخ خواهند بود، زنی گفت: یا رسول الله دو فرزند؟ و دو بار سوال خود را تکرار کرد. پیامبرﷺ فرمود: (و دو فرزند هم!).

۱۲۵-عَن عُتْبَةُ بْنُ عَبْد السُّلَمِيُّ فَقَالَ سَمِعْتُ رَسُولَاللَّهِﷺ يَقُولُ «مَا مِنْ مُسْلِم يَمُوتُ لَهُ ثَلاَثَةٌ مِنَ الْوَلَدِ لَمْ يَبْلُغُوا الْحِنْثَ إِلاَّ تَلَقَّوْهُ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةِ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ دَخَلَ»:[2]

عتبه بن عبد سلمی می‌گوید، شنیدم پیامبرﷺ می‌فرماید: هیچ مسلمانی نیست که سه تا از فرزندانش را قبل از بلوغ، از دست بدهد، مگر این که او را از دروازه‌های هشت گانه‌ی بهشت ملاقات می‌کنند، تا از هر دری که بخواهد وارد بهشت شود).

ثواب مادری که جنین خود را با سقط از دست بدهد

۱۲۶- عَنْ مُعَاذ بْنِ جَبَل عَنِ النَّبِيِّﷺ قَالَ «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ السِّقْطَ لَيَجُرُّ أُمَّهُ بِسَرَرِهِ إِلَى الْجَنَّةِ إِذَا احْتَسَبَتْهُ»:[3]

معاذ بن جبل روایت می‌کند که رسول اللهﷺ فرمود: سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست! که جنین سقط شده لباس مادرش را [اگر بهشتی نباشد] می‌گیرد

---

[1]. صحیح: صحیح بخاری/۱۰۱ مؤلف(مقدسی) می‌گوید: در صحیحین به همین معنا آورده‌اند.
[2]. حسن: سنن ابن ماجه/۱۶۰۴ صحیح الجامع ش/۵۶۴۸ و تخریج الترغیب ش ۸۹/۳ و زوائد السنن ش/۳۱۱۵
[3]. صحیح لغیره: ابن ماجه/۱۶۰۹ احمد، طبرانی و ألبانی در صحیح الترغیب می‌گوید: صحیح لغیره

و کشان‌کشان به طرف بهشت می‌برد، مشروط به آن که از دست دادن او را ثواب بداند).

فضیلت گفتن: «إنا لله و إنا الیه راجعون» در مصیبت‌ها

۱۲۷- عن أُمِّ سَلَمَةَ زَوْجَ النَّبِیِّ تَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ‌اللَّهِ ﷺ یَقُولُ «مَا مِنْ عَبْدٍ تُصِیبُهُ مُصِیبَةٌ فَیَقُولُ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ اللَّهُمَّ أْجُرْنِی فِی مُصِیبَتِی وَأَخْلِفْ لِی خَیْرًا مِنْهَا إِلاَّ أَجَرَهُ اللَّهُ فِی مُصِیبَتِهِ وَأَخْلَفَ لَهُ خَیْرًا مِنْهَا». قَالَتْ فَلَمَّا تُوُفِّیَ أَبُوسَلَمَةَ قُلْتُ کَمَا أَمَرَنِی رَسُولُ‌اللَّهِ فَأَخْلَفَ اللَّهُ لِی خَیْرًا مِنْهُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ».[1]

ام سلمه روایت می‌کند که شنیدم رسول الله ﷺ می‌فرماید: هیچ بنده‌ای نیست که به مصیبتی گرفتار شود و بگوید: إنا لله و إنا الیه راجعون، خداوندا! مرا در این مصیبت مأجور گردان و بهتر از آن را برایم جای‌گزین فرما! مگر این که خداوند او را در آن مصیبت مأجور می‌گرداند و بهتر از چیزی که از دست داده برایش می‌دهد. أم‌سلمه می‌گوید: ابوسلمه که وفات کرد، همان‌طور که پیامبر گفته بود، گفتم. خداوند هم بهتر از او (ابوسلمه) یعنی: پیامبر را برایم جای‌گزین کرد.

۱۲۸- عَنْ أَبِی‌أُمَامَةَ عَنِ النَّبِیِّ ﷺ قَالَ «یَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ ابْنَ آدَمَ إِنْ صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ عِنْدَ الصَّدْمَةِ الأُولَی لَمْ أَرْضَ لَکَ ثَوَابًا دُونَ الْجَنَّةِ».[2]

ابوامامه روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود: (خداوند متعال می‌فرماید: ای فرزند آدم! اگر در آغاز مصیبت صبر پیشه کنی و امید پاداش داشته باشی، پاداشی جز بهشت برایت نمی‌پسندم).

فضیلت عیادت مریض

۱۲۹- عَنْ عَلِیٍّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ‌اللَّهِ ﷺ یَقُولُ «مَنْ أَتَی أَخَاهُ الْمُسْلِمَ عَائِدًا مَشَی فِی خِرَافَةِ الْجَنَّةِ حَتَّی یَجْلِسَ فَإِذَا جَلَسَ غَمَرَتْهُ الرَّحْمَةُ فَإِنْ کَانَ غُدْوَةً صَلَّی

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۲۱۲۴ و۹۱۸/۶۳۱/۲) و ابن ماجه/۵۷۶۴ مسند احمد/۲۵۴۱۷

[2]. حسن: سنن ابن ماجه/۱۵۹۷، زوائدالسنن/۲۹۹۵ و صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۱۵۹۷ و المشکاة (۱۷۵۸)

عَلَيْه سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَك حَتَّى يُمْسِيَ وَإِنْ كَانَ مَسَاءً صَلَّى عَلَيْه سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَك حَتَّى يُصْبِحَ»:[1]

رواه الترمذی بنحوه، و لم یذکر أوله و زاد «وَكَانَ لَهُ خَرِيفٌ فِي الْجَنَّة[2]»

علی رضی‌الله‌عنه می گوید، شنیدم که رسول‌الله ﷺ می‌فرماید: (هرکس به نیت عیادت برادر مسلمانش برود (در مسیر راه) در باغ‌های بهشت است تا آن که بنشیند، وقتی بنشیند رحمت خداوند او را فرا می گیرد. اگر صبح باشد تا شب هفتاد هزار فرشته برایش درود می‌فرستند و اگر شب باشد تا صبح هفتاد هزار فرشته برایش درود می‌فرستند).

مولف گوید: ترمذی این حدیث را به همین معنا روایت کرده است اما اول روایت در ترمذی نیست و در آخر روایتش آمده: و برایش باغی در بهشت داده خواهد شد.

۱۳۰- عَنْ ثَوْبَانَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ «إِذَا عَادَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ لَمْ يَزَلْ فِي خُرْفَة الْجَنَّة حَتَّى يَرْجِعَ»:[3]

ثوبان روایت می کند که پیامبر ﷺ فرمود: (هرگاه مسلمانی به عیادت برادر مسلمانش برود؛ تا برگردد، در باغ‌های بهشت بسر می‌برد).

۱۳۱- عَنْ جَابر بْن عَبْدالله قَالَ قَالَ رَسُولُ‌الله ﷺ «مَنْ عَادَ مَرِيضاً لَمْ يَزَلْ يَخُوضُ فِي الرَّحْمَة حَتَّى يَجْلسَ فَإِذَا جَلَسَ اغْتَمَسَ فِيهَا»:[4]

جابر روایت می کند که رسول‌الله ﷺ فرمود: (هرکس بیماری را عیادت کند، همواره در رحمت خداوند است تا بنشیند وقتی می‌نشیند غرق رحمت می‌شود).

---

[1]. صحیح: صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۱۴۴۲ و الروض النضیر (۱۱۵۵)، الصحیحة (۱۳۶۷)

[2]. صحیح: صحیح وضعیف سنن الترمذی/۹۶۹

[3]. صحیح: صحیح مسلم (۴/۱۹۸۹، ش۲۵۶۸)، صحیح سنن ترمذی/۹۸۲ و أحمد (۵/۲۸۳، ش۲۲۴۹۷)،

[4]. صحیح لغیره: مسند احمد/۱۴۶۳۱ (أحمد مسند/۱۴۳۱۰) و در نسخه شیخ الارناؤط/۱۴۲۶ و اسناد احمد به دلیل اضطراب ضعیف است. ابن ابی شیبه ۳/۲۳۴، ابن حبان ۲۹۵۶، حاکم۱/۳۵۰، بیهقی سنن ۳/۳۸۰ و در شعب الایمان ۹۱۷۹، ابن عبد البر در تمهید۲۴/۲۷۴ و در الصحیحة مختصره می گوید: صحیح است.

فضیلت (یا ثواب) بیماری‌ها

۱۳۲- عَنْ صُهَیْب قَالَ قَالَ رَسُولُاللَّهِ ﷺ «عَجَبًا لأَمْر الْمُؤْمن إنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ خَیْرٌ وَلَیْسَ ذَاکَ لأَحَد إلاَّ للْمُؤْمن إنْ أَصَابَتْهُ سَرَّاءُ شَكَرَ فَكَانَ خَیْراً لَهُ وَإنْ أَصَابَتْهُ ضَرَّاءُ صَبَرَ فَكَانَ خَیْراً لَهُ»:[1]

صهیب روایت می کند که رسول‌الله ﷺ فرمود: وضعیت مؤمن شگفت انگیز است که تمام حالت‌ها برایش خیر است، اگر شادی به او برسد، الله را سپاس می گوید، برایش خیر است و اگر به مصیبتی گرفتار شود، صبر پیشه می کند، باز هم برایش خیر است، این مزیت را کسی جز مؤمن ندارد).

۱۳۳- عن سَعْد بنْ أَبی وقاص قَالَ قُلْتُ یَا رَسُولَاللَّه أَیُّ النَّاس أَشَدُّ بَلاَءً قَالَ «الأَنْبیَاءُ ثُمَّ الصَّالحُونَ ثُمَّ الأَمْثَلُ فَالأَمْثَلُ منَ النَّاس یُبْتَلَى الرَّجُلُ عَلَى حَسَب دینه فَإنْ كَانَ فی دینه صَلاَبَةٌ زیدَ فی بَلاَئه وَإنَ كَانَ فی دینه رقَّةٌ خُفِّفَ عَنْهُ وَمَا یَزَالُ الْبَلاَءُ بِالْعَبْد حَتَّى یَمْشیَ عَلَى ظَهْر الأَرْض لَیْسَ عَلَیْه خَطیئَةٌ»:[2]

از سعد بن ابی وقاص روایت است که گفتم: ای رسول خدا چه کسانی از همه‌ی مردم بیشتر به سختی‌ها گرفتار می‌شوند. فرمود: پیامبران، سپس نیکوکاران و سپس به ترتیب نیکوکاری، افراد به سختی‌ها و مصیبت‌ها گرفتار می‌شوند و هر فرد به میزان دینداری‌اش به سختی‌ها مبتلا می‌شود، اگر در دینداریش استوار و محکم باشد به سختی‌هایش افزوده می‌شود اما اگر در دینداری‌اش ضعف داشته باشد از سختی‌هایش کاسته خواهد شد و بنده‌ی (مؤمن) همواره به سختی‌ها و مصیبت‌ها مبتلا می‌شود تا آن که بدون کوچک‌ترین گناهی روی زمین راه می‌رود).

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۷۶۹۲، بیهقی و مسند احمد و شیخ آلبانی در احکام الجنائز

[2]. حسن صحیح: ترمذی به همین معنا/۲۳۹۸ و می‌گوید: حسن صحیح، مشکاة/۱۵۶۲، ابن ماجه/۱۳۳۴ - ۴۰۲۳ و سنن دارمی۲/۴۱۲ و مسند احمد ۱/۱۷۲ و شیخ آلبانی در تحقیق مشکاة/۱۴۹۸ می‌گوید: إسناد أن حسن است و الصحیحة (۱۴۳)

۱۳۴- عَنْ أَبِي سَعِيدالْخُدْرِيِّ وَعَنْ أَبِي‌هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ «مَا يُصِيبُ الْمُسْلِمَ مِنْ نَصَبٍ وَلاَ وَصَبٍ وَلاَ هَمٍّ وَلاَ حُزْنٍ وَلاَ أَذًى وَلاَ غَمٍّ حَتَّى الشَّوْكَةِ يُشَاكُهَا، إِلاَّ كَفَّرَ اللَّهُ بِهَا مِنْ خَطَايَاهُ»:[1]

ابوسعید خدری روایت می‌کند که رسول‌الله ﷺ فرمود: (مؤمن دچار هیچ گونه بیماری، خستگی، ناراحتی، نگرانی و غمی نمی‌شود، مگر این که خداوند گناهانش را می‌بخشد، حتی خاری که به پایش فرو می‌رود).

۱۳۵- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «لَا يَزَالُ الْبَلَاءُ بِالْمُؤْمِنِ وَالْمُؤْمِنَةِ فِي جَسَدِهِ وَوَلَدِهِ وَمَالِهِ حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ وَمَا عَلَيْهِ خَطِيئَةٌ»:[2]

ابوهریره روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمود: (همواره مرد یا زن مؤمن در بدن، مال و فرزندان خود با مشکلات و سختی‌هایی روبروست تا آن که بدون گناه به ملاقات الله می‌رود).

۱۳۶- عن جَابِرُ بْنُ عَبْدِاللَّهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ دَخَلَ عَلَى أُمِّ السَّائِبِ أَوْ أُمِّ الْمُسَيَّبِ فَقَالَ «مَا لَكِ يَا أُمَّ السَّائِبِ أَوْ يَا أُمَّ الْمُسَيَّبِ تُزَفْزِفِينَ». قَالَتِ الْحُمَّى لاَ بَارَكَ اللَّهُ فِيهَا. فَقَالَ «لاَ تَسُبِّي الْحُمَّى فَإِنَّهَا تُذْهِبُ خَطَايَا بَنِي آدَمَ كَمَا يُذْهِبُ الْكِيرُ خَبَثَ الْحَدِيدِ»:[3]

جابر روایت می‌کند که پیامبر بر ام سائب یا ام مسیب وارد شد، در حالی که از شدت تب به خود می‌پیچید، پرسید: ام سائب یا ام مسیب به خود می‌پیچی؟ گفت: تب دارم، خدا در آن برکت ندهد! فرمود: تب را دشنام نده، زیرا همان طور که دم آهنگر ناخالصی آهن را دور می‌کند، تب گناهان انسان را محو و نابود می‌گرداند).

---

[1]. صحیح: صحیح بخاری ش ۱۹۲۶-۵۶۴۱، و در صحیح مسلم/۲۵۷۳ به همین معنا است

[2]. حسن: مسند أحمد/۹۸۱۰ و در سنن ترمذی/۲۳۹۹ با متن «مَا يَزَالُ الْبَلَاءُ بِالْمُؤْمِنِ وَالْمُؤْمِنَةِ فِی نَفْسِهِ» و می‌گوید: «حسن صحیح» مسند احمد/۸۰۷۸ با متن «لا يزال» و آلبانی در صَحیح المَشَکاة ش/۱۵۶۷ می‌گوید: إسناد آن حسن است در الصحیحه می‌گوید: صحیح است و حاکم ۳۴۶/۱ و صحیح دانسته وذهبی تایید کرده است.

[3]. صحیح: صحیح مسلم/۲۵۷۵-۵۳ و الاذکار نووی/۱۱۴۲ و المشکاة/۱۵۴۳

۱۳۷- عَنْ عَائشَةَ قَالَتْ إنَّ رَسُولَاللَّهﷺ قَالَ: «مَا منْ مُسْلمٍ يُشَاكُ شَوْكَةً فَمَا فَوْقَهَا إلاَّ رَفَعَهُ اللَّهُ بهَا دَرَجَةً وَحَطَّ عَنْهُ بهَا خَطيئَةً»[1]:

عایشه می گوید، پیامبرﷺ فرمود: هیچ مسلمانی نیست که خاری یا بزرگ‌تر از آن به بدنش بخلد، مگر این که خداوند به خاطر آن او را درجه‌ای بالا می‌برد و گناهی از گناهانش را می‌بخشد).

۱۳۸- عَنْ أَبی هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبیِّ أَنَّهُ عَادَ مَرِيضًا وَمَعَهُ أَبُوهُرَيْرَةَ منْ وَعْک کَانَ به فَقَالَ رَسُولُاللَّه «أَبْشرْ فَإنَّ اللَّهَ يَقُولُ هيَ نَارِی أُسَلِّطُهَا عَلَی عَبْدیَ الْمُؤْمنِ فی الدُّنْيَا لتَكُونَ حَظَّهُ منَ النَّار فی الآخرَة»[2]:

ابوهریره می گوید: پیامبرﷺ بیماری را عیادت کرد و خطاب به او گفت: (تو را مژده می‌دهم که خداوند متعال می‌فرماید: این [تب] آتش من است که بر بنده‌ی مومنم در دنیا مسلط می گردانم تا بهره‌اش از آتش روز قیامت[دوزخ] باشد).

۱۳۹- عن عَطَاءُ بْنُ أَبیرَبَاح قَالَ قَالَ لی ابْنُ عَبَّاس أَلاَ أُرِيکَ امْرَأَةً منْ أَهْل الْجَنَّة قُلْتُ بَلَی. قَالَ هَذه الْمَرْأَةُ السَّوْدَاءُ أَتَت النَّبیَّ فَقَالَتْ إنِّی أُصْرَعُ، وَإنِّی أَتَكَشَّفُ فَادْعُ اللَّهَ لی. قَالَ «إنْ شئْت صَبَرْت وَلَکَ الْجَنَّةُ وَإنْ شئْت دَعَوْتُ اللَّهَ أَنْ يُعَافيَکَ». فَقَالَتْ أَصْبرُ. فَقَالَتْ إنِّی أَتَكَشَّفُ فَادْعُ اللَّهَ أَنْ لاَ أَتَكَشَّفَ، فَدَعَا لَهَا»[3]:

عطاء بن ابورباح گوید، ابن عباس به من گفت: (آیا می‌خواهی زنی بهشتی به تو نشان دهم؟ گوید: گفتم: آری. گفت: این زن سیاه پوست است. وی خدمت پیامبر آمد و گفت: ای رسول خدا! من بیهوش می‌شوم و بدنم را برهنه می کنم، برایم دعا کن! فرمود: بخواهی صبر پیشه کنی در عوض به تو بهشت داده خواهد شد. و اگر بخواهی دعا می کنم، الله تو را شفا دهد؟ گفت: صبر پیشه می کنم، اما

[1]. صحیح: مسند احمد/۲۶۱۴۵ و در صحیح مسلم که مؤلف ارجاع داده بود الفاظ حدیث متفاوت اما به همین معناست. نگا: صحیح الجامع/۵۶۳۴ و الروض/۸۱۹

[2]. صحیح: ابن ماجه/۳۵۹۹ (ابن ماجه/۳۴۷۰) نگا: صحیح الجامع/۳۲ و الصحیحه/۵۵۷، حاکم۱/۳۴۵ و گوید: صحیح الإسناد و ذهبی وی را تایید کرده است و مشکاة ش/۱۵۸۴، احمد و بیهقی در شعب الإیمان۱/۳۴۵

[3]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۵۶۵۲ و صحیح مسلم/۴۶۷۳ و مسند احمد/۳۰۷۰

در هنگام بیهوشی خودم را عریان می کنم، دعا کن خودم را برهنه نکنم، پیامبر برایش دعا کرد).

پاداش کسی که چشمانش را از دست بدهد و بخاطر دریافت ثواب صبر پیشه کند

۱۴۰- عَنْ أَنَس بْنِ مَالِك رضی الله عنه قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ «إِنَّ اللَّهَ قَالَ إِذَا ابْتَلَيْتُ عَبْدِي بِحَبِيبَتَيْهِ فَصَبَرَ عَوَّضْتُهُ مِنْهُمَا الْجَنَّةَ». يُرِيدُ عَيْنَيْهِ»:[1]

انس بن مالك می گوید، پیامبر می‌فرماید: (هر گاه خداوند بنده‌اش را با گرفتن بینایی چشمانش آزمایش کند و او صبر نماید، در عوض خداوند بهشت را به او می‌دهد).

آن‌چه از اعمال نیک برای فرد بیمار ثبت می‌شود

۱۴۱- عَنْ أَبِي مُوسَى قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ غَيْرَ مَرَّةٍ وَلاَ مَرَّتَيْنِ يَقُولُ «إِذَا كَانَ الْعَبْدُ يَعْمَلُ عَمَلاً صَالِحًا فَشَغَلَهُ عَنْهُ مَرَضٌ أَوْ سَفَرٌ كُتِبَ لَهُ كَصَالِحِ مَا كَانَ يَعْمَلُ وَهُوَ صَحِيحٌ مُقِيمٌ».[2]

ابوموسی رضی الله عنه می گوید، بارها شنیدم پیامبر ﷺ می‌فرمود: (هر کس همواره پایبند به عبادتی باشد، وقتی بیماری یا سفر مانع آن شود، پاداش آن عمل صالحش که در زمان سلامتی و اقامت انجام می‌داده برایش ثبت می‌شود).

---

[1]. صحیح: صحیح بخاری/۵۶۵۳ و صحیح الترغیب والترهیب/۳۴۴۸

[2]. حسن: صحیح ابوداود/۳۰۹۳ کتاب الجنائز صحیح وضعیف سنن أبی داود/۳۰۹۱ و الإرواء (۵۶۰)

کتاب فضایل روزه:

فضیلت روزه

۱۴۲- عَنْ أَبِی‌هُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ‌اللَّهِﷺ «کُلُّ عَمَلِ ابْنِ آدَمَ یُضَاعَفُ الْحَسَنَةُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا إِلَی سَبْعمائَة ضعْف قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلاَّ الصَّوْمَ فَإِنَّهُ لِی وَأَنَا أَجْزِی بِه یَدَعُ شَهْوَتَهُ وَطَعَامَهُ مِنْ أَجْلِی لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ فَرْحَةٌ عِنْدَ فِطْرِهِ وَفَرْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّه. وَلَخُلُوفُ فِیهِ أَطْیَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِیحِ الْمِسْکِ».[1]

ابوهریره می‌گوید، پیامبر فرمود: (هر عمل نیکی که انسان انجام می‌دهد برایش ز ده نیکی تا هفتصد نیکی نوشته می‌شود و خداوند می‌فرماید: (تمام اعمال نیک ه همین صورت است) بجز روزه که برای من است، خودم شخصا پاداش آن را می‌دهم، (چون بنده‌ام) شهوت، و غذایش را به خاطر من ترک می‌کند و روزه دار دو خوشحالی دارد، که یکی هنگام افطار و دیگری هنگام ملاقات با پروردگار است و بدبویی دهن روزه دار نزد الله از بوی مشک و عنبر خوش‌تر است).

۱۴۳- و فی روایة قَالَ: «الصِّیَامُ جُنَّةٌ فَإِذَا کَانَ یَوْمُ صَوْمِ أَحَدِکُمْ فَلاَ یَرْفُثْ یَوْمَئِذ وَلاَ یَسْخَبْ فَإِنْ سَابَّهُ أَحَدٌ أَوْ قَاتَلَهُ فَلْیَقُلْ إِنِّی امْرُؤٌ صَائِمٌ».[2]

در روایتی دیگر می‌فرماید: (روزه سپر است، هرگاه کسی از شما روزه گرفت سخن زشت نگوید، جدال و سر و صدا نکند، اگر کسی او را دشنام داد یا با او درگیر شد، بگوید: روزه هستم!).

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۲۷۶۳ أحمد (۴۷۷/۲، ش۱۰۱۷۸)، ابن ماجه (۵۲۵/۱، ش ۱۶۳۸)، و نسائی (۱۶۴/۴، ش ۲۲۱۸).

[2]. صحیح: صحیح مسلم/۲۷۶۲

۱۴۴- عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْد قَالَ قَالَ رَسُولُاللَّهِ ﷺ «إِنَّ فِی الْجَنَّةِ بَابًا يُقَالُ لَهُ الرَّيَّانُ يَدْخُلُ مِنْهُ الصَّائِمُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لاَ يَدْخُلُ مَعَهُمْ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ يُقَالُ أَيْنَ الصَّائِمُونَ فَيَدْخُلُونَ مِنْهُ فَإِذَا دَخَلَ آخِرُهُمْ أُغْلِقَ فَلَمْ يَدْخُلْ مِنْهُ أَحَدٌ».[1]

سهل‌بن‌سعد می گوید، پیامبر فرمود: (بهشت دروازه ای دارد که به آن «ریّان» می گویند. روز قیامت فقط روزه داران از آن وارد «بهشت» می‌شوند، کسی جز آن‌ها از آن نمی‌تواند وارد شود. می گویند: روزه داران کجایند؟ [روزه داران بلند می‌شوند و] از آن وارد می‌شوند، بعد از این که آخرین روزه دار وارد می‌شود، آن درب قفل می‌شود، کسی دیگر از آن وارد نمی‌شود).

۱۴۵- عَنْ أَبِی‌أُمَامَةَ قَالَ أَتَيْتُ رَسُولَاللَّهِ ﷺ فَقُلْتُ مُرْنِی بِأَمْرٍ آخُذُهُ عَنْکَ. قَالَ «عَلَيْکَ بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ لاَ مِثْلَ لَهُ».[2]

ابوامامه می گوید: (خدمت پیامبر آمدم و گفتم: به من عملی معرفی کن که به پیروی از دستور، آن را انجام دهم. فرمود روزه بگیر که هیچ عبادتی همانند آن نیست).

۱۴۶- عَنْ أَبِی‌هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَاللَّهِ ﷺ قَالَ «مَنْ أَنْفَقَ زَوْجَيْنِ فِی سَبِيلِ اللَّهِ نُودِیَ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ يَا عَبْدَ اللَّهِ، هَذَا خَيْرٌ. فَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الصَّلاَةِ دُعِیَ مِنْ بَابِ الصَّلاَةِ، وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجِهَادِ دُعِیَ مِنْ بَابِ الْجِهَادِ، وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الصِّيَامِ دُعِیَ مِنْ بَابِ الرَّيَّانِ، وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقَةِ دُعِیَ مِنْ بَابِ الصَّدَقَةِ ». فَقَالَ أَبُو بَكْررضی‌الله‌عنه بِأَبِی أَنْتَ وَأُمِّی يَا رَسُولَاللَّهِ، مَا عَلَى مَنْ دُعِیَ مِنْ تِلْکَ الأَبْوَابِ مِنْ ضَرُورَةٍ، فَهَلْ يُدْعَى أَحَدٌ مِنْ تِلْکَ الأَبْوَابِ كُلِّهَا قَالَ «نَعَمْ. وَأَرْجُو أَنْ تَكُونَ مِنْهُمْ».[3]

ابوهریره می گوید، پیامبر فرمود: (هر کس در راه خدا دو نوع انفاق نماید، از دروازه‌های بهشت صدا زده می شود: ای بنده خدا! این است نتیجه کار خیر. پس

---

[1]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۱۷۶۳ صحیح مسلم/۲۷۶۶

[2]. صحیح: صحیح سنن نسائی/۲۲۳۲ و الصحیحة (۱۹۳۷) ، التعلیق علی ابن خزیمة (۱۸۹۳) التعلیق الرغیب (۲/۹۴)، صحیح الجامع (۴۰۴۴)

[3]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۱۸۹۷ و صحیح مسلم/ ۲۳۶۸ و...

هر کس اهل نماز بوده او را از دروازه نماز و هر کس اهل جهاد بوده او را از دروازه جهاد، و هر کس اهل روزه بوده او را از دروازه ریان و هر کس اهل صدقه بوده، او را از دروازه صدقه صدا می‌زنند. ابوبکر گفت: ای رسول خدا پدر و مادرم فدایت! وقتی کسی از یک دروازه صدا زده می‌شود، چه نیازی دارد او را از دروازه‌های دیگر صدا زنند؟ و گفت: آیا کسی هست که از همه دروازه‌ها صدا زده شود؟ فرمود: آری، امیدوارم تو از آن‌ها باشی!).

فضیلت ماه مبارک رمضان و روزه‌ی این ماه

۱۴۷- عن أبی‌هُرَیْرَةَ یَقُولُ قَالَ رَسُولُ‌اللَّه ﷺ «إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ فُتِّحَتْ أَبْوَابُ السَّمَاء وَغُلِّقَتْ أَبْوَابُ جَهَنَّمَ وَسُلْسِلَتْ الشَّیَاطِینُ».[1] و قال مسلم: «فُتِّحَتْ أَبْوَابُ الْجَنَّة»[2]:

ابوهریره می‌گوید، پیامبر فرمود: وقتی رمضان از راه می‌رسد، دروازه‌های آسمان گشوده، و درب‌های جهنم بسته می‌شود و شیاطین به زنجیر کشیده می‌شوند. و در روایت مسلم آمده: (درب‌های بهشت باز می‌شود).

۱۴۸- عَنْ أَبِی‌هُرَیْرَةَ عَنْ رَسُولِ‌اللَّه ﷺ قَالَ «إِذَا كَانَتْ أَوَّلُ لَیْلَة مِنْ رَمَضَانَ صُفِّدَت الشَّیَاطِینُ وَمَرَدَةُ الْجِنِّ وَغُلِّقَتْ أَبْوَابُ النَّار فَلَمْ یُفْتَحْ مِنْهَا بَابٌ وَفُتِّحَتْ أَبْوَابُ الْجَنَّة فَلَمْ یُغْلَقْ مِنْهَا بَابٌ وَنَادَى مُنَاد یَا بَاغِیَ الْخَیْرِ أَقْبِلْ وَیَا بَاغِیَ الشَّرِّ أَقْصِرْ وَللَّه عُتَقَاءُ [مِنَ النَّار] وَذَلِكَ فِی كُلِّ لَیْلَة»:[3]

ابوهریره ؓ می‌گوید، پیامبر ﷺ فرمود: (در اولین شب رمضان شیاطین و جن‌های سرکش به زنجیر کشیده می‌شوند، درهای جهنم بسته می‌شود، هیچ دری از آن‌ها را باز نمی‌کنند و درهای بهشت را باز می‌کنند و هیچ دری از آن قفل نخواهد شد و ندا دهنده‌ای، ندا سر می‌دهد؛ ای خواهان خیر بیا! و ای خواهان شر نیا! خداوند در شب‌های ماه رمضان آزادشدگانی از جهنم دارد).

---

[1]. صحیح: صحیح بخاری/ ۱۸۰۰

[2]. صحیح: صحیح مسلم ۳/۱۲۱

[3]. صحیح: صحیح المسند الجامع/۱۳۳۹۸ ابن ماجة (۱۶۴۲). التِّرمذی (۶۸۲). ابن خزیمة (۱۸۸۳) وابن حِبَّان (۳۴۳۵)

۱۴۹- عَنْ أَبِی‌هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِیﷺ قَالَ «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِه»: [1]

ابوهریره می‌گوید، پیامبر فرمود: (هر کس با ایمان و امید به کسب ثواب، ماه رمضان را روزه بگیرد، گناهان (صغیره‌ی) گذشته‌اش بخشیده می‌شود).

۱۵۰- عَنْ أَبِی هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِﷺ «أَتَاكُمْ رَمَضَانُ شَهْرٌ مُبَارَكٌ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْكُمْ صِيَامَهُ تُفْتَحُ فِيهِ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَتُغْلَقُ فِيهِ أَبْوَابُ الْجَحِيمِ وَتُغَلُّ فِيهِ مَرَدَةُ الشَّيَاطِينِ لِلَّهِ فِيهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ مَنْ حُرِمَ خَيْرَهَا فَقَدْ حُرِمَ». [2]

ابوهریره می‌گوید، پیامبر فرمود: «ماه مبارکی برای‌تان فرا رسیده که خداوند روزه گرفتن را در این ماه برای‌تان فرض کرده است، دروازه‌های آسمان در این ماه گشوده می‌شود و دروازه‌های جهنم در این ماه بسته می‌شود، شیاطین سر کش در آن به زنجیر کشیده می‌شوند. خداوند در این ماه شبی دارد که از هزار ماه بهتر است و هر کس از خیر این شب محروم شود، قطعا محروم است.

۱۵۱- عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِک قَالَ دَخَلَ رَمَضَانُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِﷺ «إِنَّ هَذَا الشَّهْرَ قَدْ حَضَرَكُمْ وَفِيهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ مَنْ حُرِمَهَا فَقَدْ حُرِمَ الْخَيْرَ كُلَّهُ وَلاَ يُحْرَمُ خَيْرَهَا إِلاَّ كلُ مَحْرُومٍ»: [3]

انس بن مالک می‌گوید، ماه رمضان فرا رسید، پیامبرﷺ فرمود: (این ماه فرا رسیده، در این ماه شبی است که از هزار ماه بهتر است، هر کس ازآن شب محروم شود از تمام خیرها محروم شده است و از خیر این کسی جز محرومان حقیقی، محروم نمی‌شوند).

فضیلت سحری خوردن و تاخیر آن و فضیلت افطار و عجله در آن

۱۵۲- عن أَنَسَ بْنَ مَالِکٍﷺ قَالَ قَالَ النَّبِیُّ ﷺ «تَسَحَّرُوا فَإِنَّ فِی السَّحُورِ بَرَكَةً». [1]

---

[1]. صحیح: متفق علیه صحیح بخاری/۳۸ و ۲۰۱۴ و صحیح مسلم/۷۶۰

[2]. صحیح: صحیح سنن النسائی/۲۱۰۶، التعلیق الرغیب (۲ / ۶۹)، المشکاة (۱۹۶۲) و صحیح الجامع (۵۵)

[3]. حسن صحیح: صحیح سنن ابن ماجه/۱۶۴۴، التعلیق الرغیب (۲ / ۶۹)، صحیح الترغیب والترهیب (۹۸۹ و ۹۹۰)

انس بن مالک می گوید، پیامبر ﷺ می‌فرماید: (سحری بخورید که در خوردن سحری برکت (نهفته) است).

۱۵۳- عَنْ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ أَنَّ رَسُولَ‌اللَّهِ ﷺ قَالَ «فَصْلُ مَا بَيْنَ صِيَامِنَا وَصِيَامِ أَهْلِ الْكِتَابِ أَكْلَةُ السَّحَرِ».[۲]

عمرو بن عاص می گوید، پیامبر فرمود: (فرق بین روزه ما و روزه اهل کتاب، خوردن سحری است).

۱۵۴- عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ أَنَّ رَسُولَ‌اللَّهِ ﷺ قَالَ «لاَ يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا عَجَّلُوا الْفِطْرَ».[۳]

سهل بن سعد می گوید، پیامبر فرمود: (تا زمانی که مردم در افطار نمودن عجله نمایند، در خیر هستند). [یعنی: بعد از غروب خورشید افطار کنند].

۱۵۵- عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَهُوَ يَتَسَحَّرُ فَقَالَ «إِنَّهَا بَرَكَةٌ أَعْطَاكُمُ اللَّهُ إِيَّاهَا فَلاَ تَدَعُوهُ».[۴]

مردی از اصحاب پیامبر ﷺ می گوید: ([وقتی سحر] بر پیامبر وارد شدم، سحری می‌خورد [خطاب به من] فرمود: این برکتی است که خداوند به شما عنایت کرده است، آن را ترک نکنید).

۱۵۶- عَنْ أَبِي عَطِيَّةَ قَالَ دَخَلْتُ أَنَا وَمَسْرُوقٌ عَلَى عَائِشَةَ فَقُلْنَا يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ رَجُلاَنِ مِنْ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ ﷺ أَحَدُهُمَا يُعَجِّلُ الإِفْطَارَ وَيُعَجِّلُ الصَّلاَةَ وَالآخَرُ يُؤَخِّرُ الإِفْطَارَ وَيُؤَخِّرُ الصَّلاَةَ. قَالَتْ أَيُّهُمَا الَّذِى يُعَجِّلُ الإِفْطَارَ وَيُعَجِّلُ الصَّلاَةَ قَالَ قُلْنَا عَبْدُ اللَّهِ يَعْنِى ابْنَ مَسْعُود. قَالَتْ كَذَلِکَ كَانَ يَصْنَعُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ.[۵]

ابوعطیه می گوید: (با مسروق به خانه ام المومنین عائشه رفتیم، گفتیم ای مادر مومنان دو نفر از اصحاب پیامبر هستند که یکی‌شان در افطار کردن و نماز

---

[۱]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۱۷۸۹ صحیح مسلم/۱۹۲۳ و(۲۵۴۴)
[۲]. صحیح: صحیح مسلم/۱۰۹۶، أحمد (۱۹۷/۴ ، ش۱۷۷۹۷)، وأبوداود (۳۰۲/۲ ، ش ۲۳۴۳)
[۳]. صحیح: صحیح بخاری/۱۹۵۷ و صحیح مسلم/۱۰۹۸
[۴]. صحیح: صحیح سنن نسائی/۲۱۵۹ و مسند أحمد ۳۶۷/۵ (ش۲۳۵۰۱)
[۵]. صحیح: صحیح مسلم/۲۶۱۰ و صحیح سنن أبوداود (ش۲۰۳۹)

خواندن(در اول وقت) عجله می کند و دیگری در افطار کردن و نماز خواندن تاخیر می کند، پرسید: آن یکی که در خوردن افطار و خواندن نماز عجله می کند کیست؟ گفتیم: عبدالله ابن مسعود. گفت: پیامبر همین گونه افطار می کرد و نماز می‌خواند). [یعنی مانند: عبدالله در افطار کردن و نماز خواندن عجله می کرد]

۱۵۷- عَنْ أَبِی‌هُرَیْرَةَ عَنِ النَّبیﷺ قَالَ «لاَ یَزَالُ الدِّینُ ظَاهِراً مَا عَجَّلَ النَّاسُ الْفِطْرَ لأَنَّ الْیَهُودَ وَالنَّصَارَى یُؤَخِّرُونَ».[۱]

ابوهریره می گوید، پیامبر فرمود: (تا زمانی که مردم در افطار کردن عجله کنند، دین آشکار(و غالب) است، چون یهود و نصارا دیر افطار می کنند).

روزه‌ی داود علیه‌السلام با فضیلت‌ترین روزه(ی نفلی) است.

۱۵۸- عن عَبْدَاللَّه بْنَ عَمْرو قَالَ أُخْبِرَ رَسُولُاللَّهﷺ أَنِّی أَقُولُ وَاللَّه لأَصُومَنَّ النَّهَارَ وَلأَقُومَنَّ اللَّیْلَ مَا عِشْتُ. فَقُلْتُ لَهُ قَدْ قُلْتُهُ بِأَبِی أَنْتَ وَأُمِّی قَالَ «إِنَّکَ لاَ تَسْتَطِیعُ ذَلِکَ، فَصُمْ وَأَفْطِرْ، وَقُمْ وَنَمْ، وَصُمْ مِنَ الشَّهْرِ ثَلاَثَةَ أَیَّام، فَإِنَّ الْحَسَنَةَ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا، وَذَلِکَ مِثْلُ صِیَامِ الدَّهْرِ». فَقُلْتُ إِنِّی أُطِیقُ أَفْضَلَ مِنْ ذَلِکَ یَا رَسُولَ اللَّه. قَالَ «فَصُمْ یَوْمًا وَأَفْطِرْ یَوْمَیْنِ». قَالَ قُلْتُ إِنِّی أُطِیقُ أَفْضَلَ مِنْ ذَلِکَ. قَالَ «فَصُمْ یَوْمًا وَأَفْطِرْ یَوْمًا، وَذَلِکَ صِیَامُ دَاوُدَ، وَهْوَ عَدْلُ الصِّیَامِ». قُلْتُ إِنِّی أُطِیقُ أَفْضَلَ مِنْهُ یَا رَسُولَ اللَّه. قَالَ «لاَ أَفْضَلَ مِنْ ذَلِکَ».[۲]

عبدالله ابن‌عمرو می گوید: (به پیامبر خبر دادند که من (عبدالله ابن‌عمرو) گفتم: باید تا زنده‌ام روزها را روزه گیرم و شب‌ها را عبادت کنم [پیامبر از من پرسید آیا تو چنین حرفی زده‌ای؟] گفتم: پدر و مادرم فدایت باد! من این را گفته‌ام، فرمود: تو نمی‌توانی [پیاپی روزها روزه بگیری و شب‌ها عبادت کنی] لذا گاهی روزه بگیر و گاهی افطار کن، قسمتی از شب را بخواب و قسمت دیگر آن را عبادت کن و از هر ماه سه روز، روزه بگیر که هر نیکی ده برابر می‌شود. در چنین صورتی گویا

---

[۱]. حسن: صحیح سنن ابوداود/۲۳۵۵ و صحیح الترغیب/۱۰۵۷ و صحیح الجامع/۷۶۸۹

[۲]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۳۴۱۸ و صحیح مسلم/۱۹۶۲

تمام سال را روزه گرفتی، گفتم: من بیشتر از این توان دارم. فرمود: یک روز رو بگیر و دو روز افطار کن، گفتم: من بیشتر از این توان دارم. روزی را روزه بگیر روز دیگر را افطار کن (یک روز در میان روزه گیر) که این روزه داود علیه‌السـ است و از همه روزها(ی نفلی) فضیلت بیشتری دارد، گفتم: از این هم توان بیشتر دارم. فرمود، هیچ روزه‌ای از این فضیلت بیشتری ندارد).

این حدیث را بخاری و مسلم روایت کرده‌اند. با این تفاوت که در مسلم بجـ لفظ «أَفْضَلَ الصِّيَامِ»، «أَعْدَلُ الصِّيَامِ» آمده است.[۱]

۱۵۹- و فی روایة لمسلم قال: «صُمْ أَفْضَلَ الصِّيَامِ عِنْدَ اللَّهِ صَوْمَ دَاوُدَ - عَ السَّلاَمُ - كَانَ يَصُومُ يَوْمًا وَيُفْطِرُ يَوْمًا».[۲]

و در روایتی دیگر در مسلم، پیامبر فرمود: (یک روز را روزه بگیر و یک ر را افطار کن و این روزه‌ی داود عَلَيْهِالسَّلاَمُ است و این بهترین روزه است).

۱۶۰- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِي أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ «أَحَبُّ الصـ إِلَى اللَّهِ صِيَامُ دَاوُدَ كَانَ يَصُومُ نِصْفَ الدَّهْرِ وَأَحَبُّ الصَّلاَةِ إِلَى اللَّهِ صَلاَةُ دَاوُدَ يَرْقُدُ شَطْرَ اللَّيْلِ ثُمَّ يَقُومُ ثُمَّ يَرْقُدُ آخِرَهُ ثُمَّ يَقُومُ ثُلُثَ اللَّيْلِ بَعْدَ شَطْرِهِ».[۳]

عبدالله بن‌عمرو بن‌عاص می‌گوید، پیامبر ﷺ فرمود: (محبوب‌ترین روزه نـ خداوند، روزه داود است که نصف روزها را روزه می‌گرفت و محبوب‌ترین نـ نزد خداوند نماز داوُد است که در قسمتی از شب می‌خوابید و در قسمت دیگر عبادت می‌کرد. بعد از نیمه‌های شب، یک سوم (آخر) آن را عبادت می‌کرد).

فضیلت روزه‌ی ماه محرم

۱۶۱- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی‌الله‌عنه قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «أَفْضَلُ الصِّيَامِ بَـ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ الْمُحَرَّمُ وَأَفْضَلُ الصَّلاَةِ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ صَلاَةُ اللَّيْلِ».[۴]

---

۱. شایان ذکر است که لفظ: «أَعْدَلُ الصِّيَامِ» در صحیح بخاری/۳۴۱۸ وجود دارد.
۲. صحیح: صحیح مسلم/۲۷۹۹
۳. صحیح: صحیح مسند احمد/۷۱۰۰
۴. صحیح: صحیح مسلم/۲۸۱۲ مسند احمد/ ۸۵۱۵ و نسائی

ابوهریره می گوید، پیامبر ﷺ فرمود: (بهترین روزه بعد از رمضان، روزه‌ی ماه خداوند محرم است و بهترین نماز بعد از نمازهای فرض، نماز شب است).

فضیلت روزه‌ی شش روز از شوال

۱۶۲- عَنْ أَبِی أَیُّوبَ الأَنْصَارِیِّ أَنَّهُ حَدَّثَهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ ثُمَّ أَتْبَعَهُ سِتًّا مِنْ شَوَّالٍ كَانَ كَصِيَامِ الدَّهْرِ».[1]

ابوایوب انصاری می گوید، پیامبر فرمود: هر کس ماه رمضان را روزه بگیرد و به دنبال آن شش روز از ماه شوال را روزه بگیرد، مانند این است که تمام روزهای سال را روزه گرفته باشد.

۱۶۳- عَنْ ثَوْبَانَ مَوْلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ «مَنْ صَامَ سِتَّةَ أَيَّامٍ بَعْدَ الْفِطْرِ كَانَ تَمَامَ السَّنَةِ (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا)»:[2]

ثوبانً غلام آزاد شده‌ی پیامبر می گوید، پیامبر ﷺ فرمود: هر کس بعد از (عید) فطر شش روز، روزه بگیرد مانند این است که تمام سال را روزه گرفته باشد، و هر کس کار نیکی انجام دهد، به او ده برابر پاداش داده خواهد شد.

فضیلت روزه‌ی در راه خدا (جهاد)

۱۶۴- عَنْ أَبِی سَعِيدٍ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِیَّ ﷺ يَقُولُ «مَنْ صَامَ يَوْمًا فِی سَبِيلِ اللَّهِ بَعَّدَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَنِ النَّارِ سَبْعِينَ خَرِيفًا»:[3]

ابوسعید خدری می گوید، پیامبر فرمود: (هر کس یک روز در راه خدا(جهاد) روزه گیرد خداوند او را هفتاد سال از جهنم دور می کند).

۱۶۵- عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ «مَنْ صَامَ يَوْمًا فِی سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بَاعَدَ اللَّهُ مِنْهُ جَهَنَّمَ مَسِيرَةَ مِائَةِ عَامٍ»:[1]

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۲۸۱۵ أحمد (۴۱۷/۵ ش۲۳۵۸۰) ، وعبد بن حمید (ص ۱۰۴ ، ش ۲۲۸)

[2]. صحیح: صحیح ابن ماجه/۱۷۱۵ و الإرواء (۴ / ۱۰۷)، الروض النضیر (۹۱۱) ، التعلیق الرغیب (۲ / ۷۵) ، تعلیقی علی ابن خزیمة (۲۱۱۵)

[3]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۲۸۴۰ و صحیح مسلم/ ۱۱۵۳

عقبه بن عامر می‌گوید، پیامبرﷺ فرمود: (هر کس یک روز در راه خدا روزه
د خداوند او را به اندازه مسیر صد سال راه از جهنم دور می‌گرداند).

یلت روزه‌ی روز دوشنبه و پنج‌شنبه

۱۶۶- عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللّهِﷺ قَالَ «تُعْرَضُ الأَعْمَالُ یَوْمَ الاِثْنَیْنِ خَمِیسِ فَأُحِبُّ أَنْ یُعْرَضَ عَمَلِی وَأَنَا صَائِمٌ»:[۲]

ابوهریره می‌گوید، پیامبر فرمود: در روزهای دوشنبه و پنج شنبه اعمال (بندگان پیشگاه خداوند متعال) عرضه می‌شود، لذا من دوست دارم در حالی اعمال من ضه شود که روزه باشم.

۱۶۷- عن عَائِشَةَ قَالَتْ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِﷺ «کَانَ یَتَحَرَّى صِیَامَ الاِثْنَیْنِ خَمِیسِ»:[۳]

امّ‌المومنین عائشه می‌گوید: پیامبر سعی می‌کرد روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه را زه بگیرد.

۱۶۸- عَنْ حَفْصَةَ قَالَتْ: «کَانَ رَسُولُ اللَّهِﷺ یَصُومُ ثَلاَثَةَ أَیَّامٍ مِنَ الشَّهْرِ ثْنَیْنِ وَالْخَمِیسِ وَالاِثْنَیْنِ مِنَ الْجُمُعَةِ الأُخْرَى»:[۴]

ام المومنین حفصه می‌گوید: (پیامبر از هر ماه سه روز به این صورت که دوشنبه پنج شنبه (از هفته‌ی اول) و دوشنبه‌ی هفته دوم را روزه می‌گرفت).

۱۶۹- عن أُسَامَةُ بْنُ زَیْد قَالَ قُلْتُ یَا رَسُولَ اللّه إِنَّکَ تَصُومُ حَتَّى لاَ تَکَادَ طِرُ وَتُفْطِرُ حَتَّى لاَ تَکَادَ أَنْ تَصُومَ إِلاَّ یَوْمَیْنِ إِنْ دَخَلاَ فِی صِیَامِکَ وَإِلاَّ صُمْتَهُمَا. لَ «أَیُّ یَوْمَیْنِ». قُلْتُ یَوْمَ الاِثْنَیْنِ وَیَوْمَ الْخَمِیسِ. قَالَ «ذَانِکَ یَوْمَانِ تُعْرَضُ فِیهِمَا أَعْمَالُ عَلَى رَبِّ الْعَالَمِینَ فَأُحِبُّ أَنْ یُعْرَضَ عَمَلِی وَأَنَا صَائِمٌ»:[۵]

حسن: صحیح وضعیف سنن النسائی/۲۲۵۴، الصحیحة (۲۵۶۵) صحیح الجامع (۶۳۳۰)، أبو لی/۱۷۶۷) والطبرانی/۹۲۷)
صحیح: صحیح سنن الترمذی/۷۵۲، صحیح تخریج المشکاة / التحقیق الثانی (۲۰۵۶) و الإرواء (۹۴۹)
صحیح: صحیح وضعیف سنن النسائی/۲۱۸۶ ابن ماجة (۱۶۴۸ - ۱۶۴۹ و ۱۷۳۹)
حسن: صحیح و ضعیف سنن ابوداود/۲۴۵۱
حسن صحیح: صحیح سنن نسائی/۲۳۷۰، التعلیق علی ابن خزیمة (۲۱۱۹)، التعلیق الرغیب (۲ / ۸۵)، صحیح أبی داود (۲۱۰۵)

اسامه بن زید می‌گوید: (به پیامبر گفتم شما چنان پیاپی روزه می‌گیرید ک نزدیک است (بگویم) افطار نمی‌کنی و (گاهی) چنان از روزه گرفتن به استثنا دو روز که همواره روزه می‌گیری خودداری می‌کنی (که می‌گوییم) رو نمی‌گیری، فرمود: کدام دو روز؟ گفتم دوشنبه و پنج شنبه. فرمود:آن دو رو روزهایی است که اعمال (بندگان به پیشگاه) پروردگار جهانیان عرضه می‌شود. ه دوست دارم در حالی اعمالم عرضه شود که روزه باشم).

فضیلت روزه‌ی سه روز از هر ماه و سفارش به آن

۱۷۰- عن عَبْدَاللَّهِ بْنَ عَمْرِو بْنِالْعَاصِ قَالَ قَالَ النَّبِیُّ ﷺ «صَوْمُ ثَلاَثَةِ أَیَّـ صَوْمُ الدَّهْرِ كُلِّه»:[1]

عبدالله بن عمرو بن عاص می‌گوید، پیامبر فرمود: روزه سه روز از هر ماه برابر روزه تمام روزهای سال است.

۱۷۱- عَنْ أَبِی هُرَيْرَةَ قَالَ أَوْصَانِی خَلِيلِی بِثَلاَث لاَ أَدَعُهُنَّ حَتَّى أَمُوتَ صَو ثَلاَثَة أَيَّام مِنْ كُلِّ شَهْرٍ، وَصَلاَةِ الضُّحَى، وَنَوْمٍ عَلَى وِتْرٍ»:[2] و حديث أَبِـ الدَّرْدَاء»:[3]

ابوهریره می‌گوید: (دوستم به من سه سفارش کرده که (انشاءالله) هرگز آنه را تا بمیرم ترک نخواهم کرد؛ از هر ماه سه روز، روزه بگیرم، نماز چاشت ، بخوانم و پیش از خوابیدن نماز وتر را بخوانم). و روایت ابودرداء...

۱۷۲- عَنْ أَبِی ذَرٍّ قَالَ: أَوْصَانِی حَبِيبِی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِثَلَاثَة لَـا أَدَعُهُـ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى أَبَدًا أَوْصَانِی بِصَلَاةِ الضُّحَى وَبِالْوِتْرِ قَبْلَ النَّوْمِ وَبِصِيَامٍ ثَلَاثَة أَيَّـا مِنْ كُلِّ شَهْرٍ»:[4]

---

[1]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۱۹۷۹ و صحیح مسلم/۱۸۷۰و۱۱۵۹ در اصل این همان روایت طولا: عبدالله بن عمرو بن عاص است که در صحیحین با اندک تفاوت در الفاظ آورده‌اند و پیش‌تر تخریج آن ذک گردید. مترجم

[2]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۱۱۷۸ صحیح مسلم/۱۱۸۲

[3]. صحیح مسلم/۱۱۸۳ در شماره‌ی ۵۵ ذکر گردید.

[4]. صحیح: سنن النسائی/۲۳۶۲

وذر می‌گوید: (دوستم به من سه سفارش کرده که (انشاءالله) هرگز آن‌ها را نخواهم کرد؛ نماز چاشت را بخوانم، و پیش از خوابیدن نماز وتر را بخوانم ر ماه سه روز روزه بگیرم).

۱۷- عن أبی‌ذرٍّ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ «مَنْ صَامَ ثَلاَثَةَ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ فَقَدْ تَمَّ صَوْمُ الشَّهْرِ أَوْ فَلَهُ صَوْمُ الشَّهْرِ»:[1]

وذر می‌گوید، شنیدم که پیامبر می‌فرمود: (هرکس از هر ماه سه روز روزه ، ماه را کامل روزه گرفته است یا او روزه هر ماه را [در اعمالش] دارد).

۱۷- عن عُثْمَانَ بْنَ أَبِي‌الْعَاصِ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ «صِيَامٌ حَسَنٌ أَيَّام مِنَ الشَّهْرِ»:[2]

ثمانً بن ابی‌العاص می‌گوید، شنیدم که پیامبر می‌فرماید: (روزه گرفتن سه ز هر ماه، - روزه‌ی خوبی است).

۱۷- عن قُرَّةُ بنُ إياس عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ صِيَامِ ثَلاَثَةِ أَيَّامٍ مِنَ الشَّهْرِ «صَوْمُ وَإِفْطَارُهُ»:[3]

ه بن إیاس می‌گوید، پیامبر فرمود: (روزه‌ی سه روز از هر ماه، روزه تمام سال و روزه نگرفتن آن (به معنای) نگرفتن روزه تمام روزهای سال است).

ت روزه‌ی روزهای بیض[4] (۱۵،۱۴،۱۳) از هر ماه

۱۷- عَنْ جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ «صِيَامُ ثَلاَثَةِ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ الدَّهْرِ وَأَيَّامُ الْبِيضِ صَبِيحَةَ ثَلاَثَ عَشْرَةَ وَأَرْبَعَ عَشْرَةَ وَخَمْسَ عَشْرَةَ»:[5]

ریر بن عبدالله می‌گوید، پیامبر ﷺ فرمود: روزه‌ی سه روز از هر ماه روزه‌ی وزهای سال است و آن روزها ایام بیض یعنی: سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم ماه است.

ح: سنن نسائی/۲۴۲۲ صحیح الترغیب والترهیب/:۱۰۳۵
ح: سنن نسائی/۲۴۲۳ و مسند احمد/ ۱۷۴۴۳
ح: مسند احمد/۱۵۹۸۹ و صحیح الترغیب والترهیب/۱۰۳۱
وزها را بخاطر روشنی و مهتابی بودن شب‌های آن که روشن‌ترین شب‌های ماه است، «بیض» ند.
: صحیح و ضعیف نسائی/۲۴۳۲

۱۷۷- عَنْ أَبِی‌ذَرٍّ قَالَ أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِﷺ أَنْ نَصُومَ مِنَ الشَّهْرِ ثَلاَثَةَ أَيَّـ الْبِيضِ ثَلاَثَ عَشْرَةَ وَأَرْبَعَ عَشْرَةَ وَخَمْسَ عَشْرَةَ»:[۱]

ابوذر می‌گوید: پیامبر به ما دستور داد که از هر ماه سه روز روزه بگیریم و آ روزها، ایام بیض (سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم) از هر ماه است.

۱۷۸- عَنِ قتادة (و فی نسخة نسائی عن قدامة) ابْنِ مِلْحَانَ قَالَ كَانَ رَسُو اللَّهِﷺ يَأْمُرُنَا أَنْ نَصُومَ الْبِيضَ ثَلاَثَ عَشْرَةَ وَأَرْبَعَ عَشْرَةَ وَخَمْسَ عَشْرَةَ»:[۲]

قتاده بن ملحان می‌گوید: رسول الله به ما دستور می‌داد ایام بیض (سیزده چهاردهم و پانزدهم از هر ماه) را روزه بگیریم.

فضلیت روزهای دهه‌ی اول ذیحجه و عبادت در این روزها

۱۷۹- عَنِ ابْنِ عَبَّاس قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِﷺ «مَا مِنْ أَيَّامِ الْعَمَلُ الصَّالِحُ فِيهَ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ هَذِهِ الأَيَّامِ». يَعْنِى أَيَّامَ الْعَشْرِ. قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَلاَ الْجِهَادُ فِـ سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ «وَلاَ الْجِهَادُ فِى سَبِيلِ اللَّهِ إِلاَّ رَجُلٌ خَرَجَ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ فَلَمْ يَرْجِعْ مِـ ذَلِكَ بِشَىْءٍ»:[۳]

ابن‌عباسؓ می‌گوید، رسول‌الله فرمود: (در هیچ روزی انجام عمل صالح اندازه‌ی این روزها (یعنی: دهه اول ذیحجه) نزد الله پسندیده نیست، گفتند: حت جهاد در راه الله؟ فرمود: حتی جهاد در راه الله! به استثنای کسی که با مال خود به جهاد برود و هیچ چیز از این‌ها برنگردد).

---

[۱]. حسن: صحیح و ضعیف نسائی/۲۴۲۰ و الصحیحة (۱۵۶۷) صحیح الجامع (۶۷۳)، ریاض الصال (۱۲۷۰)

[۲]. صحیح: صحیح ابوداود/۲۴۵۱ و نسائی در سنن کبری البته: با افزوده‌ی: «قَالَ وَقَالَ هُنَّ كَهَيْئَةِ الدَّهْرِ» یع راوی گوید: و فرمود: روزه‌ی این روزها مانند: روزه گرفتن تمام سال است. مترجم

[۳]. صحیح: سنن ترمذی/۲۴۴۰، الإرواء (۹۵۳) ، الروض النضیر (۴۵۵ و ۴۵۶)، صحیح أبی داود (۱۰۷' در صحیح بخاری/۹۶۹ به همین معنا آورده است.

فضلیت روزه‌ی ماه شعبان

۱۸۰- عن أُسَامَةُ بْنُ زَيْد قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّـه لَـمْ أَركَ تَـصُومُ شَـهْراً مـ الشُّهُور مَا تَصُومُ منْ شَعْبَانَ. قَالَ «ذَلکَ شَهْرٌ يَغْفُلُ النَّاسُ عَنْهُ بَيْنَ رَجَب وَرَمَـضَا وَهُوَ شَهْرٌ تُرْفَعُ فيه الأَعْمَالُ إِلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ فَأُحبُّ أَنْ يُرْفَعَ عَمَلي وَأَنَا صَائمٌ»:[۱]

اسامه بن زید گوید، گفتم: ای رسول خدا! شما را ندیـدم کـه بـه انـدازه‌ی مـ شعبان در هیچ ماهی روزه بگیری؟ فرمود: این ماهی است کـه مـردم از آن غفلـ می‌ورزند و بین ماه رجب و رمضان قـرار دارد. در ایـن مـاه اعمـال نـزد پروردگـ جهانیان برده می‌شود، لذا من دوست دارم در حالی اعمالم نـزد الله بـرده شـود کـ روزه باشم.

شایسته است در هنگام روزه از سخنان بیهوده و باطل پرهیز شود

۱۸۱- عَنْ أَبِيهُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِﷺ«مَنْ لَمْ يَدَعْ قَوْلَ الزُّورِ وَالْعَمَلَ بِ فَلَيْسَ للَّه حَاجَةٌ فِي أَنْ يَدَعَ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ»:[۲]

ابوهریره می گوید، رسول الله فرمود: (هر کس سـخنان باطـل و عمـل بـه آن ترک نکند، الله نیازی به خود داریِ او از خوردن و آشامیدن ندارد).

فضلیت کسی که روزه داری را افطار دهد

۱۸۲-عَنْ زَيْد بْن خَالد الْجُهَنيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِﷺ «مَنْ فَطَّرَ صَائمًا كَانَ مثْلُ أَجْرِهِمْ منْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ منْ أُجُورِهِمْ شَيْئًا»:[۳]

زید بن خالد جهنی می گوید، پیامبر فرمـود: (هـر کـس روزه داری را افطـار دهد، برایش ثـوابی هماننـد: ثـواب روزه دار، داده خواهـد شـد، بـدون ایـن کـه پاداش‌شان کم شود).

---

[۱]. حسن: نسائی/۲۳۶۹ و الترغيب و الترهيب/۱۵۱۱

[۲]. صحیح: صحیح بخاری/۱۹۰۳ و مسند أحمد ۲/۴۵۲(۹۸۳۸)

[۳]. صحیح: صحیح ابن ماجه/۱۷۴۶

این حدیث را ترمذی روایت کرده است و در آخر آن آمده: «غَيْرَ أَنَّهُ لَا
ـقُصُ مِنْ أَجْرِ الصَّائِمِ شَيْئًا»:[۱] (بدون این که از ثواب روزه دار چیزی کم شود).

ـضیلت و اهمیت دعای روزه دار

۱۸۳- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِﷺ«ثَلَاثَةٌ لاَ تُرَدُّ دَعْوَتُهُمُ الإِمَامُ
ـعَادِلُ وَالصَّائِمُ حَتَّى يُفْطِرَ وَدَعْوَةُ الْمَظْلُومِ يَرْفَعُهَا اللَّهُ دُونَ الْغَمَامِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَتُفْتَحُ
ـا أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَيَقُولُ بِعِزَّتِي لأَنْصُرَنَّكَ وَلَوْ بَعْدَ حِينٍ»:[۲]
ابوهریره می گوید، پیامبر فرمود: (دعای سه نفر رد نمی‌شود، پیشوا (حاکم)
ـادل، روزه‌دار تا وقتی که افطار کند و دعای مظلوم که خداوند آن را از ابرها
ـلاتر می‌برد، تا قیامت که درب‌های آسمان برایش گشوده خواهد شد و خداوند متعال
ـی‌فرماید: سوگند به عزتم که تو را یاری خواهم کرد هر چند بعد از مدتی باشد.

ـطار با چه چیزی مستحب است

۱۸۴ -عن أَنَسَ بْنَ مَالِك يَقُولُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِﷺ يُفْطِرُ عَلَى رُطَبَات قَبْلَ أَنْ
ـصَلِّيَ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ رُطَبَاتٌ فَعَلَى تَمَرَات فَإِنْ لَمْ تَكُنْ حَسَا حَسَوَات مِنْ مَاءٍ»:[۳]
انس بن مالک می گوید: (پیامبر پیش از نماز(مغرب) با چند خرمایی افطار
ـی کرد، اگر خرمایی نبود، با نوشیدن چند جرعه آب افطار می کرد).

ـضیلت شب قدر و باید چه زمانی برای پیدا کردن آن تلاش کنیم

۱۸۵- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّﷺ قَالَ «مَنْ قَامَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا
ـفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ»:[۴]

صحیح: سنن ترمذی/۸۰۷
ابن ماجه/۱۸۲۴ و در صحیح وضعیف سنن الترمذی/۳۵۹۸ می‌گوید: ضعیف است. لیکن ، قسمت اول آن
لفظ: «... المسافر» بجای «الإمام العادل» ، و در روایتی «الوالد» صحیح است. و ابن ماجة (۱۷۵۲)
حسن صحیح: صحیح ابوداود/۲۰۴۰ صحیح وضعیف سنن الترمذی/۶۹۶، الإرواء (۹۲۲) و بیهقی/۸۳۸۹
صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۱۹۰۱ و صحیح مسلم/۷۶۰

بوهریره می گوید، پیامبرﷺ فرمود: (هر کس با ایمان و امید به کسب ثواب
قدر را عبادت کند، گناهان (صغیره) گذشته‌اش بخشیده می‌شود).

۱۸۶- عَن ابْنِ عُمَرَ أَنَّ رِجَالاً مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّﷺ أُرُوا لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي الْمَنَامِ
لسَّبْعِ الأَوَاخِرِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «أَرَى رُؤْيَاكُمْ قَدْ تَوَاطَأَتْ فِي السَّبْعِ
خِرِ، فَمَنْ كَانَ مُتَحَرِّيهَا فَلْيَتَحَرَّهَا فِي السَّبْعِ الأَوَاخِرِ»:[1]

بن عمرؓ می گوید: چند تن از اصحاب پیامبر در خواب دیدند که شب قدر،
نفت شب آخر رمضان است. پیامبر فرمود: (می‌بینم که خواب‌های شما در این
شب قدر در هفت شب آخر رمضان باشد، با هم موافق است، لذا هر کس در
د یافتن شب قدر است، آن را در هفت شب آخر رمضان جستجوی نماید).

۱۸۷- عن أَبِي سَعِيدٍ قَالَ اعْتَكَفْنَا مَعَ النَّبِيِّﷺ الْعَشْرَ الأَوْسَطَ مِنْ رَمَضَانَ،
جَ صَبِيحَةَ عِشْرِينَ، فَخَطَبَنَا وَقَالَ «إِنِّي أُرِيتُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، ثُمَّ أُنْسِيتُهَا أَوْ نُسِّيتُهَا،
سُوهَا فِي الْعَشْرِ الأَوَاخِرِ فِي الْوَتْرِ»:[2]

بوسعید خدریؓ می گوید: (با پیامبر در ده شب میانه رمضان (دهه‌ی دوم) به
کاف نشستیم، صبح روز بیستم آمد و سخنرانی کرد و گفت: شب قدر در
ب به من نشان داده شد، سپس آن را فراموش کردم یا از یادم بردند. آن را در
،های فرد ده شب آخر رمضان جستجوی کنید).

۱۸۸- عَنْ عَائِشَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِﷺ قَالَ «تَحَرَّوْا لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي الْوَتْرِ مِنَ الْعَشْرِ
اخِرِ مِنْ رَمَضَانَ»:[3]

عائشه می گوید، پیامبر فرمود: (شب قدر را در شب‌های فرد ده شب آخر
مان جستجوی کنید).

۱۸۹- عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ قَالَ خَرَجَ النَّبِيُّﷺ لِيُخْبِرَنَا بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ، فَتَلاَحَى
لاَنِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، فَقَالَ «خَرَجْتُ لأُخْبِرَكُمْ بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ، فَتَلاَحَى فُلاَنٌ وَفُلاَنٌ،
نتْ، وَعَسَى أَنْ يَكُونَ خَيْرًا لَكُمْ، فَالْتَمِسُوهَا فِي التَّاسِعَةِ وَالسَّابِعَةِ وَالْخَامِسَةِ»:[1]

حیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۲۰۱۵ و صحیح مسلم/۱۱۶۵
حیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۲۰۱۶ و صحیح مسلم/۱۱۶۷ به همین معنا با اندک تفاوتی در الفاظ
حیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۲۰۱۷ و صحیح مسلم/۱۱۶۹

عبادت بن صامت می گوید: (پیامبر آمد که شب قدر را معرفی کند، دو نفر از مسلمانان با هم جرو بحث کردند. فرمود: آمده بودم که شب قدر را به شما معرفی کنم فلانی و فلانی با هم جروبحث کردند لذا از ذهنم رفت، امید است برای تان خیر باشد، آن را در نه، هفت و پنج شب مانده به آخر رمضان جستجو کنید).

عبادت در ده‌ی آخر رمضان و اعتکاف در آن

۱۹۰- عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: «كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا دَخَلَ الْعَشْرُ شَدَّ مِئْزَرَهُ، وَأَحْيَا لَيْلَهُ وَأَيْقَظَ أَهْلَهُ»:[۲]

عائشه می گوید: (دهه‌ی آخر رمضان که فرا می‌رسید، پیامبر کمرش را محکم می‌بست و شب‌ها تا صبح بیدار بود و عبادت می‌کرد و خانواده‌اش را هم برای عبادت بیدار می‌نمود).

۱۹۱- عَنْ عَبْدِاللَّهِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَعْتَكِفُ الْعَشْرَ الأَوَاخِرَ مِنْ رَمَضَانَ»:[۳]

عبدالله بن عمر رضی الله عنه می گوید: (پیامبر در دهه‌ی آخر رمضان به اعتکاف می‌نشست).

۱۹۲- عَنْ عَائِشَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ «كَانَ يَعْتَكِفُ الْعَشْرَ الأَوَاخِرَ مِنْ رَمَضَانَ حَتَّى تَوَفَّاهُ اللَّهُ، ثُمَّ اعْتَكَفَ أَزْوَاجُهُ مِنْ بَعْدِهِ»:[۴]

عائشه می گوید: (پیامبر ﷺ در دهه‌ی آخر رمضان به اعتکاف می‌نشست تا این که وفات کرد. پس از آن زنانش این دهه‌ی را به اعتکاف می‌نشستند).

---

[۱]. صحیح: صحیح بخاری/۲۰۲۳ نسائی در الکبری/۳۳۹۴
[۲]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۲۰۲۴ و صحیح مسلم/۱۱۷۴
[۳]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۲۰۲۵ و صحیح مسلم/۱۱۷۱
[۴]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۲۰۲۶ و صحیح مسلم/۱۱۷۲

کتاب فضایل زکات و دیگر انواع صدقات

فضیلت ادای زکات

۱۹۳- عَنْ أَبِی‌أَیُّوبَ رضي الله عنه أَنَّ رَجُلاً قَالَ لِلنَّبِیِّ ﷺ أَخْبِرْنِی بِعَمَلٍ یُدْخِلُنِی الْجَنَّـ وَیُبَاعِدُنِی مِنْ النَّارِ قَالُوا: مَا لَهُ مَا لَهُ وَقَالَ النَّبِیُّ ﷺ «أَرَبٌ مَالَهُ، تَعْبُدُ اللَّهَ، وَ تُشْرِکُ بِهِ شَیْئًا، وَتُقِیمُ الصَّلاَةَ، وَتُؤْتِی الزَّکَاةَ، وَتَصِلُ الرَّحِمَ»:[1]

ابوایوب انصاری می‌گوید: (شخصی به پیامبر گفت: به من عملی معرفی کـ که مرا وارد بهشت سازد و از جهنم دور گرداند، گفتند: چه می‌خواهد؟! پیام فرمود: نیازی دارد، چه می‌خواهد؟ (و خطاب به آن مرد گفت:) خدا را عبادت کـ و چیزی (یا کسی) را با وی شریک قرار مده، نماز بخوان زکات بده و حـ خویشاوندان را رعایت کن).

۱۹۴- عَنْ أَبِی‌هُرَیْرَةَ رضي الله عنه أَنَّ أَعْرَابِیًّا أَتَی النَّبِیَّ ﷺ فَقَالَ دُلَّنِی عَلَی عَمَـلٍ عَمِلْتُهُ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ. قَالَ «تَعْبُدُ اللَّهَ لاَ تُشْرِکُ بِهِ شَیْئًا، وَتُقِیمُ الصَّلاَةَ الْمَکْتُوبَـ وَتُؤَدِّی الزَّکَاةَ الْمَفْرُوضَةَ، وَتَصُومُ رَمَضَانَ». قَالَ وَالَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ لاَ أَزِیدُ عَلَـ هَذَا. فَلَمَّا وَلَّی قَالَ النَّبِیُّ ﷺ «مَنْ سَرَّهُ أَنْ یَنْظُرَ إِلَی رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَلْیَنْظُرْ إِ هَذَا»:[2]

---

[1]. صحیح: صحیح بخاری/۱۳۹۶ و صحیح مسلم/۱۳ در کتاب الایمان این متن بخاری است اما بدون جمل «وَیُبَاعِدُنِی مِنْ النَّارِ» و در بخاری با لفظ: « قَالَ: مَا لَهُ مَا لَهُ » است و در صحیح مسلم الفاظ آن مقـ متفاوت و طولانی‌تر است.

[2]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۱۳۹۷ و صحیح مسلم/۱۴ در کتاب الایمان این متن بخاری است ـ صحیح مسلم با افزوده‌ی: «شَیْئًا أَبَدًا وَلَا أَنْقُصُ مِنْهُ»

ابوهریره می گوید: (صحرا نشینی خدمت پیامبر آمد و گفت: به من عملی رفی کن که با آن وارد بهشت شوم. فرمود: خدا را عبادت کن و هیچ چیز (یا سی) را شریکش قرار نده، نمازهای فرض را اقامه کن، زکات‌هایی که بر تو ض است، ادا کن و ماه رمضان را روزه بگیر. (راوی می گوید:) اعرابی گفت: گند به ذاتی که جانم در دست اوست! بر این‌ها اضافه نخواهم کرد. بعد از که رفت، پیامبر فرمود: هر کس از نگاه کردن به مردی بهشتی خوشحال شود، به این مرد نگاه کند).

۱۹۵- عَن عبد الله ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّه ﷺ «بُنِيَ الإِسْلاَمُ عَلَى خَمْس ادَةِ أَنْ لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّـهِ، وَإِقَامِ الصَّلاَةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، حَجِّ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ».[1]

عبدالله ابن عمر رضی الله عنه می گوید، پیامبر ﷺ فرمود: (اسلام بر پنج رکن بنا شده ت: گواهی دادن به این که معبود بر حقی جز الله نیست و محمد رسول خداست، داشتن نماز، دادن زکات، حج خانه خدا و روزه‌ی ماه رمضان).

یلت انفاق از مال حلال

۱۹۶- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّه ﷺ «مَنْ تَصَدَّقَ بِعَدْلِ تَمْرَةٍ مِنْ كَسْب ب - وَلاَ يَقْبَلُ اللَّهُ إِلاَّ الطَّيِّبَ - وَإِنَّ اللَّهَ يَتَقَبَّلُهَا [2] بِيَمِينِهِ، ثُمَّ يُرَبِّيهَا لِصَاحِبِهِ كَمَا ى أَحَدُكُمْ فَلُوَّهُ حَتَّى تَكُونَ مِثْلَ الْجَبَلِ».[3]

ابوهریره رضی الله عنه می گوید، پیامبر ﷺ فرمود: (هر کس به اندازه دانه‌ی خرمایی از حلال صدقه دهد — و خداوند فقط از مال حلال صدقه قبول می کند- خداوند را با دست راست خود می گیرد. سپس آن را برای صاحبش پرورش می‌دهد تا که به اندازه کوهی برسد، هم چنان که هر یک از شما کُره اسبش را پرورش .هد).

---

[1] حیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۸ و صحیح مسلم/۱۱۳و۱۶

[2] متنی که مؤلف آورده بود با لفظ: «یقبلها» است که در صحیح بخاری یافت نشد، شاید در هنگام نسخه ی این تغییر بوجود آمده باشد.

[3] حیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۱۴۱۰ و صحیح مسلم/۲۳۳۹ به همین معنا

۱۹۷- عَنْ عَدیٍّ بْن حَاتم سمعتُ رَسُولُ اللَّهﷺ يقول: «اتَّقُوا النَّـارَ وَلَـوْ بِـ
تَمْرَة فَإنْ لَمْ تَجدُوا فَبكَلمَة طَيِّبَة».[1]

عَدی بن حاتم می گوید، از پیامبر شنیدم که فرمود: خودتـان را ازآتـش جهـ
دور نگه دارید. هر چند با صدقه دادن نیمی خرما باشد، اگر این هم برای‌تان مقد
نشد با سخنی نیکو خودتان را از آتش نجات دهید.

۱۹۸- عَنْ أَبی‌هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهﷺ: «أَيُّهَا النَّاسُ إنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ لاَ يَـ
إلاَّ طَيِّبًا وَإنَّ اللَّهَ أَمَرَ الْمُؤْمنينَ بمَا أَمَرَ به الْمُرْسَلينَ فَقَالَ (يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُـوا مـ
الطَّيِّبَات وَاعْمَلُوا صَالحًا إنِّی بمَا تَعْمَلُونَ عَليمٌ) وَقَالَ (يَا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا كُلُوا مـ
طَيِّبَات مَا رَزَقْنَاكُمْ)». ثُمَّ ذَكَرَ الرَّجُلَ يُطيلُ السَّفَرَ أَشْعَثَ أَغْبَرَ يَمُدُّ يَدَيْه إلَى السَّـ
يَا رَبِّ يَا رَبِّ وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ وَمَشْرَبُهُ حَرَامٌ وَمَلْبَسُهُ حَـرَامٌ وَغُـذِیَ بِـالْحَرَامِ فَـأَ
يُسْتَجَابُ لذَلکَ».[2]

ابـوهریره مـی گویـد، پیـامبر فرمـود: (ای مـردم! خداونـد پـاک اسـت و بجـ
(صدقه‌ی) پاک و حلال را قبول نمی کند. خداوند مومنان را به چیزی دستور دا
کـه رسـولان را دسـتور داده بـود. خداونـد متعـال مـی‌فرمایـد: (ای پیـامبران
(روزی‌های) پاک و حلال بخورید و عمل نیکو انجام دهید، که من از آن‌چه شـ
انجام می‌دهید، آگاهم).

و می‌فرماید: (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از [روزی‌های] حلال و پاکی
به شما دادیم، بخورید).

سپس مردی را یادآور شد که مسیر سفری طولانی را طی می کند تـا ایـن کـه
مویی ژولیده و بدنی غبار آلود دست‌هـایش را بـه سـوی آسـمان بلنـد مـی کنـد
می گوید: یا رب! یا رب! در حالی کـه خـوراکش، نوشـیدنی‌هـایش (و پـولش)
حـرام اسـت و بـا حـرام تغذیـه کـرده اسـت! چگونـه دعـای چنـین فـردی اجابـ
می‌شود؟)

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/ ۲۳۹۶ و در صحیح بخاری/۶۵۳۹ به همین معنا
[2]. صحیح: صحیح مسلم/۲۳۹۳، ترمذی/۲۹۸۹، مسند احمد/ ۸۳۳۰ و دارمی/۲۷۱۷

۱۹۹- عن أَبی‌هُرَیْرَةَ﵁ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبیِّﷺ فَقَالَ یَا رَسُولَ اللَّه أَیُّ الصَّدَقَةِ أَعْظَمُ أَجْرًا قَالَ «أَنْ تَصَدَّقَ وَأَنْتَ صَحِیحٌ شَحِیحٌ، تَخْشَى الْفَقْرَ وَتَأْمُلُ الْغِنَى، وَلاَ تُمْهِلُ حَتَّى إِذَا بَلَغَت الْحُلْقُومَ قُلْتَ لِفُلاَنٍ كَذَا، وَلِفُلاَنٍ كَذَا، وَقَدْ كَانَ لِفُلاَنٍ»:[۱]

ابوهریره می‌گوید، مردی نزد پیامبر آمد و گفت: (ای رسول خدا! چه نوع صدقه‌ای اجر بیشتری دارد؟ فرمود: صدقه‌ای که آن را در حال سلامتی و هنگامی که حرص جمع آوری مال را داری و از فقر می‌ترسی و امیدواری ثروتمند شوی، بدهی. نه این که منتظر بمانی تا لحظات مرگ فرا رسد، آن‌گاه بگویی: به فلانی این قدر بدهید و به فلانی فلان قدر بدهید! در حالی که در آن وقت اموالت به دیگران می‌رسد. (و دیگر از تو نخواهد بود)

۲۰۰- عَنْ أَبی‌هُرَیْرَةَ عَن النَّبیِّﷺ قَالَ «سَبْعَةٌ یُظِلُّهُمُ اللَّهُ تَعَالَى فی ظِلِّه یَوْمَ لاَ ظِلَّ إِلاَّ ظِلُّهُ إِمَامٌ عَدْلٌ، وَشَابٌّ نَشَأَ فی عِبَادَةِ اللَّه، وَرَجُلٌ قَلْبُهُ مُعَلَّقٌ فی الْمَسَاجِد، وَرَجُلاَنِ تَحَابَّا فی اللَّه اجْتَمَعَا عَلَیْه وَتَفَرَّقَا عَلَیْه، وَرَجُلٌ دَعَتْهُ امْرَأَةٌ ذَاتُ مَنْصِب وَجَمَال فَقَالَ إِنِّی أَخَافُ اللَّهَ، وَرَجُلٌ تَصَدَّقَ بِصَدَقَة فَأَخْفَاهَا حَتَّى لاَ تَعْلَمَ شِمَالُهُ مَا تُنْفِقُ یَمِینُهُ، وَرَجُلٌ ذَكَرَ اللَّهَ خَالِیًا فَفَاضَتْ عَیْنَاهُ»[۲]

ابوهریره می‌گوید، پیامبر فرمود: (هفت گروه هستند که خداوند آنها را در روزی که سایه‌ای جز سایه‌ی (عرش) او نیست، زیر سایه‌ی (عرش خود) قرار می‌دهد، (که عبارتند از:) حاکم عادل، جوانی که با عبادت خداوند بزرگ شده باشد، مردی که قلبش وابسته به مساجد است، دو نفری که فقط به خاطر خداوند با هم دوست شده‌اند، به خاطر او دوست می‌کنند، و به خاطر او از یک‌دیگر جدا می‌شوند، مردی که زنی با نسب و زیبا او را دعوت (به انجام عمل زشت زنا) می‌کند و او می‌گوید: من از خدا می‌ترسم، و مردی که پنهانی صدقه می‌دهد طوری که دست چپش از صدقه دادن دست راستش بی خبر است و مردی که در تنهایی الله را ذکر کند و چشمانش پر از اشک شود).

---

[۱]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۱۴۱۹ و صحیح مسلم/۲۳۷۹

[۲]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۱۴۲۳ و صحیح مسلم/۱۰۳۱و۲۳۷۷ با اندک تفاوتی در الفاظ

۲۰۱- عَنِ ابْنِ مَسْعُود قَالَ سَمِعْتُ النَّبِیَّ ﷺ یَقُولُ «لاَ حَسَدَ إلاَّ فِی اثْنَتَیْنِ رَجُلٌ اللَّهُ مَالاً فَسَلَّطَهُ عَلَی هَلَکَتِه فِی الْحَقِّ، وَرَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ حِکْمَةً فَهُوَ یَقْضِی بِهَا لِّمُهَا»[۱]

عبدالله بن مسعود می گوید، شنیدم پیامبر می‌فرمود: (حسد ورزیدن درست ت مگر در دو چیز: مردی که خدا به او مالی داده و او را بر آن مسلط نموده آن مال را) در راه حق خرج کند و مردی که به او علم و دانش داده و او با آن میان مردم قضاوت می کند و آن را به دیگران آموزش می‌دهد).

رین صدقه آن است که از روی بی نیازی باشد

۲۰۲- عَنْ حَکِیم بْن حزاَم عَنِ النَّبِیِّ ﷺ قَالَ «الْیَدُ الْعُلْیَا خَیْرٌ منَ الْیَد السُّفْلَی، ـأ بِمَنْ تَعُولُ، وَخَیْرُ الصَّدَقَةِ عَنْ ظَهْرِ غِنًی، وَمَنْ یَسْتَعْفِفْ یُعِفَّهُ اللَّهُ، وَمَنْ یَسْتَغْنِ ، اللَّهُ»[۲]

حکیم بن حزام می گوید، پیامبر فرمود: (دست بالا (صدقه دهنده) از دست ن (صدقه گیرنده) بهتر است، نخست صدقه دادن را از افراد تحت سرپرستی د شروع کنید. بهترین صدقه آن است که از روی بی نیازی باشد و هر کس از ک گرفتن از دیگران خود داری کند، الله هم او را از محتاج شدن دور نگه دارد و هر کس خودش را بی نیاز بداند، خداوند هم او را بی نیاز می گردند).

۲۰۳- عن أبی‌هُرَیْرَةَ عَنِ النَّبِیِّ ﷺ قَالَ «خَیْرُ الصَّدَقَةِ مَا کَانَ عَنْ ظَهْرِ غِنًی، ـأ بِمَنْ تَعُولُ»[۳]

ابوهریره می گوید، پیامبر فرمود: (بهترین صدقه آن است که از روی بی نیازی د، و(در صدقه دادن) از خانواده‌ی خودت شروع کن).

حیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۱۴۰۹ و صحیح مسلم/۸۱۶

حیح: صحیح بخاری/۱۴۲۷، أحمد (۴۳۴/۳ ، ش ۱۵۶۱۶). و طبرانی (۱۹۲/۳ ، ش ۳۰۹۲).

ـحیح: صحیح بخاری/۱۴۲۶ و أبوداود (۱۲۹/۲، ش ۱۶۷۶) ، نسائی (۶۹/۵ ، ش ۲۵۴۴)، أحمد ۴۰۲ ، ش ۹۲۱۲) و ابن خزیمة (۹۷/۴ ، ش ۲۴۳۹).

۲۰۴- عَنْ جَابِر قَالَ: أَعْتَقَ رَجُلٌ مِنْ بَنِی عُذْرَةَ عَبْدًا لَهُ عَنْ دُبُر فَبَلَغَ ذَلِکَ رَسُولَ اللَّه ﷺ فَقَالَ «أَلَکَ مَالٌ غَیْرُهُ». فَقَالَ لاَ. فَقَالَ «مَنْ یَشْتَرِیه مِنِّی». فَاشْتَ نُعَیْمُ بْنُ عَبْد اللَّه الْعَدَوِیُّ بِثَمَانمائَة دِرْهَم فَجَاءَ بِهَا رَسُولَ اللَّه ﷺ فَدَفَعَهَا إِلَیْه ثُمَّ قَ «ابْدَأْ بِنَفْسکَ فَتَصَدَّقْ عَلَیْهَا فَإِنْ فَضَلَ شَیْءٌ فَلأَهْلکَ فَإِنْ فَضَلَ عَنْ أَهْلکَ شَیْ فَلذی قَرَابَتکَ فَإِنْ فَضَلَ عَنْ ذی قَرَابَتکَ شَیْءٌ فَهَکَذَا وَهَکَذَا». یَقُولُ فَبَیْنَ یَدَیْکَ وَعَنْ یَمینکَ وَعَنْ شمَالکَ.[1]

جابر می‌گوید: (مردی از بنی عذره برده‌ای را مدبر[2] کرد، این خبر به رسو خدا رسید. (خطاب به آن مرد) گفت: آیا مالی غیر از این برده داری؟ گفت: خ رسول خدا اعلان کرد؛ چه کسی این برده را از من می‌خرد؟ نعیم بن عبدالله عدو آن را به هشت صد درهم خرید، رسول‌الله آن پول را آورد و به آن مرد داد. سپ خطاب به وی گفت: (در صدقه دادن) اول از خودت شروع کن، اگر از تو چیز اضافه شد به خانواده‌ات بده، اگر از خانواده‌ات اضافه شد به خویشاوندانت بده).

۲۰۵- عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ‌اللَّه ﷺ «تَصَدَّقُوا». فَقَالَ رَجُلٌ یَا رَسُو اللَّه عنْدی دینَارٌ. قَالَ «تَصَدَّقْ به عَلَی نَفْسکَ». قَالَ عنْدی آخَرُ. قَالَ «تَصَدَّقْ ب عَلَی زَوْجَتکَ». قَالَ عنْدی آخَرُ. قَالَ «تَصَدَّقْ به عَلَی وَلَدکَ». قَالَ عنْدی آخَرُ. قَ «تَصَدَّقْ به عَلَی خَادمکَ». قَالَ عنْدی آخَرُ. قَالَ «أَنْتَ أَبْصَرُ».[3]

ابوهریره می گوید، پیامبر ﷺ فرمود: (صدقه بدهید! مردی گفت: من یک دی دارم؟ فرمود: آن را برای خودت مصرف کن. گفت: دینار دیگری دارم؟ گف آن را به همسرت خرج کن، گفت: دینار دیگری دارم؟ گفت: آن را به پدرت مادرت بده. گفت: دینار دیگری دارم؟ گفت: آن را به خدمت‌کارت بده. گف دینار دیگری دارم؟ گفت: تو خودت بهتر می‌دانی که آن را به چه کسی صد بدهی).

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۲۳۶۰، صحیح وضعیف سنن النسائی/۲۵۴۶ صحیح ، الإرواء (۸۳۳)، مختصر م (۸۸۳) و صحیح الجامع الصغیر (۲۸)

[2]. مدبر به برده‌ای گفته می‌شود که صاحبش به او می‌گوید تو پس از مرگ من آزادی.

[3]. حسن: ابوداود/۲۵۴۷ (و چاپی دیگر۱۶۹۱) و در صحیح وضعیف سنن النسائی/۲۵۳۵ می‌نویسد: ح صحیح ، المشکاة (۱۹۴۰)، صحیح أبی داود (۱۴۸۴)

فضیلت انفاق در راه خدا

۲۰۶- عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ﷛ أَنَّ النَّبِیَّ ﷺ قَالَ «مَا مِنْ یَوْمٍ یُصْبِحُ الْعِبَادُ فِیهِ إِلاَّ مَلَکَانِ یَنْزِلاَنِ فَیَقُولُ أَحَدُهُمَا اللَّهُمَّ أَعْطِ مُنْفِقًا خَلَفًا، وَیَقُولُ الآخَرُ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُمْسِکًا تَلَفًا»:[1]

ابوهریره می گوید، پیامبر فرمود: (روزی نیست که بندگان صبح می کنند، مگر این که دو فرشته از آسمان فرود می آیند و یکی می گوید: خداوندا! به کسی که (در راه تو) انفاق می کند، عوض بده. و دیگری می گوید: خداوندا! به کسی که از انفاق (در راه تو) خود داری می کند، ضرر بده).

۲۰۷- عن أَبِی هُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «إِنَّ اللَّهَ قَالَ لِی أَنْفِقْ أُنْفِقْ عَلَیْکَ». وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «یَمِینُ اللَّهِ مَلأَى لاَ یَغِیضُهَا نَفَقَةٌ سَحَّاءُ اللَّیْلَ وَالنَّهَارَ أَرَأَیْتُمْ مَا أَنْفَقَ مُذْ خَلَقَ السَّمَاءَ وَالأَرْضَ فَإِنَّهُ لَمْ یَغِضْ مَا فِی یَمِینِهِ». قَالَ «وَعَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ وَبِیَدِهِ الأُخْرَى الْقَبْضُ یَرْفَعُ وَیَخْفِضُ».[2]

ابوهریره می گوید، پیامبر فرمود: (خداوند متعال به من فرمود: بر خودت انفاق کن تا بر تو انفاق شود و رسول الله فرمود: دست راست خداوند (و هر دو دست خداوند راست است) پر است و نفقه کردن شب و روز از آن چیزی کم نمی کند، به من بگویید از زمانی که آسمان و زمین را آفریده، چقدر انفاق کرده است؟ (تمام آن چه در این مدت طولانی انفاق کرده است) چیزی از آن چه در دست او تعالی است کم نشده است و گفت: عرش خداوند روی آب است و با دست دیگرش می گیرد و ترازو در دست اوست (رزق را) کم و زیاد می کند).

۲۰۸- عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ قَالَ ضَرَبَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَثَلَ الْبَخِیلِ وَالْمُتَصَدِّقِ، کَمَثَلِ رَجُلَیْنِ عَلَیْهِمَا جُبَّتَانِ مِنْ حَدِیدٍ، قَدِ اضْطُرَّتْ أَیْدِیهِمَا إِلَى ثُدِیِّهِمَا وَتَرَاقِیهِمَا، فَجَعَلَ الْمُتَصَدِّقُ کُلَّمَا تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ انْبَسَطَتْ عَنْهُ حَتَّى تَغْشَى أَنَامِلَهُ وَتَعْفُوَ أَثَرَهُ، وَجَعَلَ

---

[1]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۱۴۴۲ و صحیح مسلم (۲/۷۰۰، ش۱۰۱۰)
[2]. صحیح: صحیح مسلم/۲۳۵۶ و در صحیح بخاری/۴۶۸۶ به همین معنا

الْبَخيلُ كُلَّمَا هَمَّ بِصَدَقَة قَلَصَتْ، وَأَخَذَتْ كُلُّ حَلْقَة بِمَكَانِهَا. قَالَ أَبُوهُرَيْرَةَ فَأَنَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ بِإِصْبَعِه هَكَذَا فِي جَيْبِه، فَلَوْ رَأَيْتَهُ يُوَسِّعُهَا وَلاَ تَتَوَسَّعُ»[1]

ابوهریره می گوید: (پیامبر مثال بخیل و صدقه دهنده را به دو مردی تشبیه نمود که زره آهنی بر تن دارند و از سینه تا گلوی آن دو را در بر گرفته است که هر گاه صدقه می‌دهند، آن زره گشاده می‌شود تا این که تمام بدنش را در بر می گیرد تا جایی که نه تنها انگشتانش را می‌پوشاند بلکه ردپایش را نیز از بین می‌برد (گناهانش را محو می کند) ولی بخیل هر گاه می‌خواهد چیزی صدقه بدهد، حلقه‌های آن زره در جای خود محکم می‌چسبند! گوید: دیدم پیامبر با گذاشتن انگشتانش در جیب که هر چه سعی می کرد گشاد شود و جا باز کند، گشاد نمی‌شد. این موضوع را توضیح می‌داد).

۲۰۹- عَنْ أَسْمَاءَ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «انْفَحِي أَوْ انْضَحِي أَوْ أَنْفِقِي وَلَا تُحْصِي فَيُحْصِيَ اللَّهُ عَلَيْکِ وَلَا تُوعِي فَيُوعِيَ اللَّهُ عَلَيْکِ».[2]

اسماء دختر ابوبکر گوید، پیامبر فرمود: انفاق کن، در راه خدا هر چه می‌توانی انفاق کن، هر چند کم باشد و حساب نکن که (آن چه خداوند به تو داده) برایت حساب خواهد شد و مالت را نگه ندار (یعنی: از انفاق کردن خودداری نکن) که خداوند با تو نیز چنین خواهد کرد. (یعنی: از اعطای الهی محروم می‌شوی)

۲۱۰- عن أَبِي‌موسى عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ «عَلَى كُلِّ مُسْلِم صَدَقَةٌ». فَقَالُوا يَا نَبِيَّ اللَّه فَمَنْ لَمْ يَجِدْ قَالَ «يَعْمَلُ بِيَدِه فَيَنْفَعُ نَفْسَهُ وَيَتَصَدَّقُ». قَالُوا فَإِنْ لَمْ يَجِدْ قَالَ «يُعِينُ ذَا الْحَاجَة الْمَلْهُوفَ». قَالُوا فَإِنْ لَمْ يَجِدْ. قَالَ «فَلْيَعْمَلْ بِالْمَعْرُوف، وَلْيُمْسِکْ عَنِ الشَّرِّ فَإِنَّهَا لَهُ صَدَقَةٌ»:[3]

---

[1]. صحیح: صحیح بخاری/۵۷۹۷ و مسلم/۱۰۲۱ با اندک تفاوتی در الفاظ.

[2]. صحیح: صحیح مسلم/۲۴۲۳ و در صحیح بخاری/۱۴۳۳ بدون لفظ «لاتوعی...» البته در جاهای دیگر بخاری با الفاظ شبیه روایت کرده‌اند.

[3]. صحیح: صحیح بخاری/۱۴۴۵ و این متن بخاری است و مسلم/۱۰۰۸ در الزکاة و أحمد (۴/۳۹۵، ش۱۹۵۴۹) و نسائی در الکبری با اندک تفاوتی با در الفاظ

ابوموسی می گوید، پیامبر فرمود: (صدقه بر هر مسلمان فرض است. گفتند: ای رسول خدا! اگر کسی چیزی (برای صدقه دادن) نداشت، چه کند؟ پیامبر فرمود: کار کند تا هم به خودش نفع برسد هم به دیگران، صدقه دهد).

۲۱۱– عن أَبِی‌هُرَيْرَةَ قال قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «كُلُّ سُلاَمَى مِنَ النَّاسِ عَلَيْهِ صَدَقَةٌ كُلَّ يَوْمٍ تَطْلُعُ فِيهِ الشَّمْسُ - قَالَ - تَعْدِلُ بَيْنَ الاثْنَيْنِ صَدَقَةٌ وَتُعِينُ الرَّجُلَ فِي دَابَّتِهِ فَتَحْمِلُهُ عَلَيْهَا أَوْ تَرْفَعُ لَهُ عَلَيْهَا مَتَاعَهُ صَدَقَةٌ - قَالَ - وَالْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ وَكُلُّ خَطْوَةٍ تَمْشِيهَا إِلَى الصَّلاَةِ صَدَقَةٌ وَتُمِيطُ الأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ صَدَقَةٌ»[1]

از ابوهریره روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: (بر هر بند از اعضای بدن مردم، در هر روزی که خورشید طلوع می کند، صدقه‌ای لازم است! و فرمود: بین دو نفر به عدالت رفتار کردن صدقه است، کمک کردن به فردی در گذاشتن بار روی سواری‌اش یا کمک کردن به فرد در بلند کردن کالایش صدقه است. فرمود: گفتن سخن نیک صدقه است و هر قدمی که به سوی نماز می‌روی صدقه است، و دور کردن مزاحم از سر راه صدقه است).

فضیلت صدقه(زکات) دادن به خویشاوندان

۲۱۲– عَنْ زَيْنَبَ امْرَأَةِ عَبْدِ اللَّهِ رضی‌الله عنهما قَالَتْ كُنْتُ فِي الْمَسْجِدِ فَرَأَيْتُ النَّبِيَّ ﷺ فَقَالَ «تَصَدَّقْنَ وَلَوْ مِنْ حُلِيِّكُنَّ». وَكَانَتْ زَيْنَبُ تُنْفِقُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ وَأَيْتَامٍ فِي حَجْرِهَا، قَالَ فَقَالَتْ لِعَبْدِ اللَّهِ سَلْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَيَجْزِي عَنِّي أَنْ أُنْفِقَ عَلَيْكَ وَعَلَى أَيْتَامِي فِي حَجْرِي مِنَ الصَّدَقَةِ فَقَالَ سَلِي أَنْتِ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَانْطَلَقْتُ إِلَى النَّبِيِّ فَوَجَدْتُ امْرَأَةً مِنَ الأَنْصَارِ عَلَى الْبَابِ، حَاجَتُهَا مِثْلُ حَاجَتِي، فَمَرَّ عَلَيْنَا بِلاَلٌ فَقُلْنَا سَلِ النَّبِيَّ أَيَجْزِي عَنِّي أَنْ أُنْفِقَ عَلَى زَوْجِي وَأَيْتَامٍ لِي فِي حَجْرِي وَقُلْنَا لاَ تُخْبِرْ بِنَا. فَدَخَلَ فَسَأَلَهُ فَقَالَ «مَنْ هُمَا». قَالَ زَيْنَبُ قَالَ «أَيُّ الزَّيَانِبِ». قَالَ امْرَأَةُ

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۱۰۰۹ و در صحیح بخاری/۲۸۲۷

عَبْدِ اللَّه. قَالَ «نَعَمْ لَهَا أَجْرَانِ أَجْرُ الْقَرَابَةِ وَأَجْرُ الصَّدَقَةِ»[1] و فی مسلم بمعناه و عنده: «أَتَجْزِی الصَّدَقَةُ عَنْهُمَا عَلَی أَزْوَاجِهِمَا وَعَلَی أَيْتَامٍ فِی حُجُورِهِمَا»:[2]

از زینب همسر عبدالله (ابن مسعود) روایت است که در مسجد بودم دیدم پیامبر برای زنان سخنرانی می‌کند و فرمود: شما زنان صدقه بدهید، هر چند از زیور آلات‌تان باشد. –این زن مخارج عبدالله و تعدادی از افرادی که تحت سرپرستی او بودند می‌داد– زینب به عبدالله گفت: از رسول الله سوال کن؛ آیا برایم جایز است که زکات اموالم را به شوهر و کسانی که تحت سرپرستی من هستند، بدهم؟ عبدالله گفت: خودت سوال کن. (زینب) گوید: رفتم که به خانه‌ی پیامبر بروم، زنی از انصار را کنار درب خانه‌ی پیامبر دیدم که سوالی همانند سوال من داشت. گوید: بلال از آن جا رد می‌شد به او گفتیم: از پیامبر سوال کن آیا برای ما جایز است که زکات اموال خود را به شوهر و کسان تحت سرپرستی خود بدهیم؟ و گفتیم: به پیامبر نگو که ما این سوال را مطرح کردیم! گوید: بلال نزد پیامبر رفت و سوال کرد. پیامبر پرسید: آن دو زن کیستند؟ گفت: زینب. فرمود: همسر عبدالله! سپس فرمود: آری، برایش دو اجر داده خواهد شد، اجر(رعایت حق) خویشاوندی و اجر دادن زکات!).

این روایت بخاری است و در روایت مسلم آمده: (آن دو می‌توانند بر شوهران و کسان تحت سرپرستی‌شان صدقه بدهند).

۲۱۳– عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّه أَلِيَ أَجْرٌ أَنْ أُنْفِقَ عَلَی بَنِی أَبِی سَلَمَةَ إِنَّمَا هُمْ بَنِيَّ. فَقَالَ «أَنْفِقِی عَلَيْهِمْ، فَلَكِ أَجْرُ مَا أَنْفَقْتِ عَلَيْهِمْ»:[3]

ام سلمه روایت می‌کند که به رسول الله گفتم: (ای رسول خدا اگر به فرزندان ابوسلمه که فرزندان من نیز هستند، انفاق کنم به من پاداش داده می‌شود؟ فرمود: به آن‌ها انفاق کن که پاداش انفاقی که به آن‌ها می‌کنی به تو داده خواهد شد).

---

[1]. صحیح: صحیح بخاری/۱۴۶۶ و صحیح مسلم/۱۰۰۰ به همین معنا
[2]. صحیح: صحیح مسلم/۲۳۶۵
[3]. صحیح: صحیح بخاری/۱۴۶۷ و در مسلم/۱۰۰۱ به همین معنا

۲۱۴- عَنْ ثَوبَانَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ «أَفْضَلُ دِينَار يُنْفِقُهُ الرَجُلُ دِينَارٌ يُنفِقُهُ عَلَى عِيَالِه وَدِينَارٌ يُنْفِقُهُ الرَجُلُ عَلَى دَابَّتِه فِي سَبِيلِ اللهِ وَدِينَارٌ يُنْفِقُهُ عَلَى أَصْحَابِه فِي سَبِيلِ اللهِ»:[۱]

ثوبان می‌گوید، رسول الله ﷺ فرمود: (بهترین دیناری که انسان انفاق می‌کند دیناری است که بر خانواده‌اش انفاق می‌کند و بعد از آن دیناری است که بر مرکبی که برای جهاد در راه الله پرورش می‌دهد، مصرف می‌کند و بعد از آن دیناری است که برای دوستانش در راه الله انفاق می‌کند).

۲۱۵- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ «دِينَارٌ أَنْفَقْتَهُ فِي سَبِيلِ اللهِ وَدِينَارٌ أَنْفَقْتَهُ فِي رَقَبَة وَدِينَارٌ تَصَدَّقْتَ بِه عَلَى مِسْكِينٍ وَدِينَارٌ أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ أَعْظَمُهَا أَجْرًا الَّذِي أَنْفَقْتَهُ عَلَى أَهْلِكَ»:[۲]

ابوهریره می‌گوید، رسول الله فرمود: از میان دینارهایی که در راه الله انفاق می‌کنی، آزاد کردن برده، انفاق بر افراد مسکین و خانواده‌ات، از همه همان دیناری که برای خانواده‌ات خرج می‌کنی اجر بیشتری دارد).

۲۱۶- عَنْ أَبِي‌مَسْعُود الْبَدْرِيِّ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ «إِنَّ الْمُسْلِمَ إِذَا أَنْفَقَ عَلَى أَهْلِه نَفَقَةً وَهُوَ يَحْتَسِبُهَا كَانَتْ لَهُ صَدَقَةً»:[۳]

ابومسعود بدری می‌گوید، پیامبر ﷺ فرمود: (هرگاه شخص مسلمان به امید کسب ثواب بر خانواده‌اش نفقه کند (آن پول و مالی که خرج کند) برایش صدقه بشمار می‌رود).

۲۱۷- عَنْ مَيْمُونَةَ بِنْت الْحَارِث أَنَّهَا أَعْتَقَتْ وَلِيدَةً فِي زَمَانِ رَسُولِ اللهِ ﷺ فَذَكَرَتْ ذَلِكَ لِرَسُولِ اللهِ ﷺ فَقَالَ «لَوْ أَعْطَيْتِهَا أَخْوَالَكِ كَانَ أَعْظَمَ لأَجْرِكِ»:[۴]

---

[۱]. صحیح: صحیح مسلم/۹۹۴، بخاری در الأدب المفرد (۷۴۸)، ترمذی (۱۹۶۶)، ابن ماجه (۲۷۶۰) و أحمد (۲۸۴/۵)

[۲]. صحیح: صحیح مسلم/۹۹۵ و أحمد/ ۱۰۱۲۳).

[۳]. صحیح: صحیح مسلم/۱۰۰۲ و در صحیح بخاری/۵۰۳۶ با اندک تفاوتی

[۴]. صحیح: صحیح مسلم/۲۳۶۴ و بخاری/۲۴۵۲ با اندکی طولانی‌تر

میمونه دختر حارث می گوید: (در زمان رسول خدا کنیزی داشتم که او را آزاد کردم، این خبر به رسول خداﷺ رسید. فرمود: اگر او را به یکی از خاله‌هایت می‌دادی بیشتر ثواب داشت).

۲۱۸- عَنْ طَارِق الْمُحَارِبِيِّ قَالَ قَدِمْنَا الْمَدِينَةَ فَإِذَا رَسُولُ اللَّهِﷺ قَائِمٌ عَلَى الْمِنْبَرِ يَخْطُبُ النَّاسَ وَهُوَ يَقُولُ «يَدُ الْمُعْطِي الْعُلْيَا وَابْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ أُمَّكَ وَأَبَاكَ وَأُخْتَكَ وَأَخَاكَ ثُمَّ أَدْنَاكَ أَدْنَاكَ»:[1]

طارق محاربی می گوید: (به مدینه آمدیم دیدیم رسول الله روی منبر ایستاده برای مردم سخنرانی می کند. و می‌فرمود: دست(صدقه) دهنده بالاست و (در صدقه دادن) اول از خانواده‌ات شروع کن، از مادرت، پدرت، خواهر و سپس برادرت، پس از این‌ها از کسانی که به ترتیب از نظر خویشاوندی به تو نزدیک‌تر هستند).

۲۱۹- عَنْ سَلْمَانَ بْنِ عَامِرٍ عَنِ النَّبِيِّﷺ قَالَ «إِنَّ الصَّدَقَةَ عَلَى الْمِسْكِينِ صَدَقَةٌ وَعَلَى ذِي الرَّحِمِ اثْنَتَانِ صَدَقَةٌ وَصِلَةٌ»:[2]

سلمان بن عامر می گوید، رسول‌اللهﷺ فرمود: (صدقه دادن بر مسکین یک صدقه بحساب می‌آید اما صدقه دادن به خویشاوندان دو صدقه بشمار می‌رود؛ یکی صدقه و دیگری پیوند خویشاوندی است).

۲۲۰- عن أَنَسَ بْنَ مَالِك رضي‌الله‌عنه يَقُولُ كَانَ أَبُوطَلْحَةَ أَكْثَرَ الأَنْصَارِ بِالْمَدِينَةِ مَالاً، وَكَانَ أَحَبَّ أَمْوَالِهِ إِلَيْهِ بِيْرُ حَاءَ وَكَانَتْ مُسْتَقْبِلَةَ الْمَسْجِدِ، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِﷺ يَدْخُلُهَا وَيَشْرَبُ مِنْ مَاءٍ فِيهَا طَيِّبٍ فَلَمَّا نَزَلَتْ (لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ) قَامَ أَبُوطَلْحَةَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ فِي كِتَابِهِ (لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ) وَإِنَّ أَحَبَّ أَمْوَالِي إِلَيَّ بِيْرُ حَاءَ، وَإِنَّهَا صَدَقَةٌ لِلَّهِ أَرْجُو بِرَّهَا وَذُخْرَهَا عِنْدَ اللَّهِ فَضَعْهَا يَا رَسُولَ اللَّهِ حَيْثُ شِئْتَ،

---

[1]. صحیح: صحیح نسائی/۲۵۴۴، صحیح وضعیف سنن النسائی/ ۲۵۳۲ و الإرواء (۳ / ۳۱۹) صحیح الجامع (۸۰۶۷)

[2]. صحیح: سنن نسائی/۲۵۸۲، صحیح سنن ابن ماجه ش/۱۸۴۴ و سنن ترمذی/۶۵۸ شیخ آلبانی در مشکاة می‌گوید: إسناد این حدیث صحیح است.

فَقَالَ «بَخٍ، ذَلِکَ مَالٌ رَائِحٌ، ذَلِکَ مَالٌ رَائِحٌ. قَدْ سَمِعْتُ مَا قُلْتَ فِيهَا، وَأَرَى أَنْ تَجْعَلَهَا فِي الأَقْرَبِينَ». فَقَسَمَهَا أَبُوطَلْحَةَ فِي أَقَارِبِهِ وَبَنِي عَمِّهِ»[1]

انس بن مالک می گوید: ابوطلحه‌ی انصاری از همه‌ی انصار مدینه، نخل و باغ بیشتری داشت. محبوب‌ترین نخلستان او باغی بنام «بیرحاء» بود که روبروی مسجد پیامبر بود. گاهی پیامبر به این باغ می‌رفت و از آب گوارای آن می‌نوشید. انس گوید: وقتی آیه‌ی: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» نازل شد، ابوطلحه خدمت پیامبر آمد و گفت: ای رسول خدا، خداوند متعال می‌فرماید: «تا محبوب‌ترین اموال‌تان را انفاق نکنید به نیکی(بر) دست نخواهید یافت» باغ «بیرحاء» محبوب‌ترین اموال من است، آن را در راه خدا (وقف و) صدقه می کنم. امیدوارم خداوند ثواب آن را به من عنایت کند! ای رسول‌خدا، هر طور شایسته می‌دانی [در آمد] آن را به مصرف برسان. رسول الله فرمود: بَه! بَه! این مال سودمندی است! این مال سودمندی است! آنچه درباره‌ی آن گفتی شنیدم، اما نظر من این است که [در آمد] آن را بین خویشاوندانت تقسیم کنی». به این ترتیب ابوطلحه آن را بین پسر عموها و خویشاوندانش تقسیم کرد).

پاداش زن، خدمت‌کار(خزانه دار) و برده‌ای که از مال صاحب خانه صدقه می‌دهند

۲۲۱- عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «إِذَا أَنْفَقَتِ الْمَرْأَةُ مِنْ طَعَامِ بَيْتِهَا غَيْرَ مُفْسِدَةٍ كَانَ لَهَا أَجْرُهَا بِمَا أَنْفَقَتْ وَلِزَوْجِهَا أَجْرُهُ بِمَا كَسَبَ، وَلِلْخَازِنِ مِثْلُ ذَلِكَ، لاَ يَنْقُصُ بَعْضُهُمْ أَجْرَ بَعْضٍ شَيْئًا»[2]

عایشه می گوید، رسول‌الله ﷺ فرمود: هرگاه زنی از غذای خانه‌اش - به شرطی که از حد معمول تجاوز نکند- صدقه بدهد، به آن زن ثواب انفاق و به شوهرش ثواب بدست آوردن آن داده خواهد شد و به خزانه دار نیز در صورتی که انفاق کند پاداش داده می‌شود و ثواب هیچ کدام از ثواب دیگری نمی کاهد.

---

[1]. صحیح: صحیح بخاری/۲۳۱۸ و صحیح مسلم/۹۹۸ در الزکاة به همین معنا

[2]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۱۴۲۵ و صحیح مسلم/۱۰۲۴ و أحمد/۲۶۴۱۳

۲۲۲-أَبِی‌مُوسَی عَنِ النَّبِیِّ ﷺ قَالَ «الْخَازِنُ الْمُسْلِمُ الأَمِینُ الَّذِی یُنْفِذُ - وَرُبَّمَا قَالَ یُعْطِی - مَا أُمِرَ بِهِ کَامِلاً مُوَفَّراً طَیِّبٌ بِهِ نَفْسُهُ، فَیَدْفَعُهُ إِلَی الَّذِی أُمِرَ لَهُ بِهِ، أَحَدُ الْمُتَصَدِّقَیْنِ»[1]

ابوموسی می گوید، رسول‌الله ﷺ فرمود: خزانه دار مسلمان امانت داری که مأموریت خود را بطور کامل و با طیب خاطر انجام می‌دهد و صدقه را به کسی که مأمور شده بدهد، او نیز یکی از صدقه دهندگان بشمار می‌رود.

۲۲۳- عن عُمَیْرٍ مَوْلَی آبِی اللَّحْمِ قَالَ أَمَرَنِی مَوْلاَیَ أَنْ أُقَدِّدَ لَحْمًا فَجَاءَنِی مِسْکِینٌ فَأَطْعَمْتُهُ مِنْهُ فَعَلِمَ بِذَلِکَ مَوْلاَیَ فَضَرَبَنِی فَأَتَیْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَذَکَرْتُ ذَلِکَ لَهُ فَدَعَاهُ. فَقَالَ «لِمَ ضَرَبْتَهُ». فَقَالَ یُعْطِی طَعَامِی بِغَیْرِ أَنْ آمُرَهُ. فَقَالَ «الأَجْرُ بَیْنَکُمَا».[2]

و فی روایت کُنْتُ مَمْلُوکًا فَسَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَأَتَصَدَّقُ مِنْ مَالِ مَوَالِیَّ بِشَیْءٍ قَالَ «نَعَمْ وَالأَجْرُ بَیْنَکُمَا نِصْفَانِ».[3]

عُمیر مولای ابولحم گوید: مولایم به من دستور داد گوشتی را خشک کنم، (مشغول بودم که) مسکینی آمد از آن گوشت به او دادم. مولایم خبر شد و مرا کتک زد. من هم نزد پیامبر رفتم و داستان را برایش تعریف کردم. پیامبر او را خواست و خطاب به او گفت: چرا این برده‌ات را کتک زدی؟ گفت: بدون اجازه از غذاهای من به دیگران داده است. فرمود: ثواب آن به هر دوی‌تان می‌رسد.

در روایتی دیگر آمده: برده‌ای بودم که از رسول الله پرسیدم: (آیا می‌توانم از مال مولایم صدقه بدهم؟ فرمود: آری، ثواب آن بصورت مساوی به هر دوی‌تان می‌رسد).

فرموده‌ی پیامبر: (هر عمل نیکی صدقه است)

۲۲۴- عَنْ حُذَیْفَةَ بن‌الیمانَ عَنِ النَّبِیِّ ﷺ قَالَ «کُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ»:[1] (هر عمل نیکی صدقه است).

---

[1]. صحیح: میفق علیه: صحیح بخاری/۱۴۳۸ و صحیح مسلم/۱۰۲۳
[2]. صحیح: صحیح مسلم/۱۰۲۵ و مسند أحمد/۲۴۳۰۲
[3]. صحیح مسلم/۲۴۱۵

۲۲۵–عَنْ أَبی ذَرٍّ قَالَ قَالَ لِیَ النَبِیُّ ﷺ «لاَ تَحقِرَنَ مِنَ الْمَعْرُوف شَیْئًا وَلَوْ أَنْ تَلْقَی أَخَاکَ بوَجْه طَلْق».[۲]

ابوذر می‌گوید، پیامبر فرمود: (هیچ کار نیکی را کوچک مشمارید، هر چند برخورد با خوش‌رویی با برادر مسلمانت باشد).

فضیلت صدقه‌ی از کسب حلال، هر چند اندک باشد

۲۲۶– عَنْ عَبْدالله بْن حُبْشیٍّ الْخَثْعَمیِّ أنَ النَبیَّ ﷺ سُئلَ أیُّ الأعْمَال أَفْضَلُ قَالَ «إیمَانٌ لاَ شَکَّ فیه وَجهَادٌ لاَ غُلُولَ فیه وَحَجَّةٌ مَبْرُورَةٌ». قیلَ فَأَیُّ الصَّلاَة أَفْضَلُ قَالَ «طُولُ الْقُنُوت». قیلَ فَأیُّ الصَّدَقَة أَفْضَلُ قَالَ «جَهْدُ الْمُقلِّ». قیلَ فَأَیُّ الْهجْرَة أَفْضَلُ قَالَ «مَنْ هَجَرَ مَا حَرَمَ اللهُ عَز وَجَلَ». قیلَ فَأیُّ الْجهَاد أَفْضَلُ قَالَ «مَنْ جَاهَدَ الْمُشْرکینَ بمَاله وَنَفْسه». قیلَ فَأَیُّ الْقَتْلِ أَشْرَفُ قَالَ «مَنْ أُهْریقَ دَمُهُ وَعُقرَ جَوَادُهُ».[۳]

عبدالله بن حبشی خثعمی روایت می‌کند که از پیامبر پرسیدند: (چه عملی بیشتر ثواب دارد؟ فرمود: ایمانی که در آن هیچ شکی وجود نداشته باشد، و جهادی که در آن غلول(خیانتی) نباشد و حج مقبول (حجی که مورد قبول الله قرار گیرد) گفتند: چه نمازی بیشتر فضیلت دارد؟ فرمود: نمازی که قیام آن طولانی باشد. گفتند: چه صدقه‌ای بیشتر ثواب دارد؟ فرمود: صدقه‌ای که از کسب خود انسان(و حلال) باشد. گفتند: چه هجرتی بیشتر ثواب دارد؟ فرمود: هجرت از حرام‌های الهی.(ترک آنچه الله تعالی حرام قرار داده است). پرسیدند: چه جهادی بیشتر ثواب دارد؟ فرمود: کسی که با مشرکان با جان مال خود جهاد کند. پرسیدند: چه مرگی ارزشمندتر است؟ فرمود: مرگ کسی که (در راه الله) غرق در خون کشته شود و اسبش نیز (در کنارش) کشته شود).

---

[۱]. صحیح: صحیح مسلم/۲۳۲۵ و در صحیح بخاری/۶۰۲۱ همین حدیث با همین متن از جابر روایت کرده است.

[۲]. صحیح: صحیح مسلم/۲۶۲۶، مسند احمد/۲۱۵۵۹ و صحیح الجامع/۷۱۲۲

[۳]. صحیح نسائی/۲۵۲۸، ابوداود ش/۱۴۴۹ و آلبانی در ضعیف ابوداودش/۳۱۴ می‌گوید: این حدیث با لفظ: «ای الصلاة...» صحیح است و مسند احمد ش/۱۵۴۰۱ محقق مسند احمد گوید: إسناد این حدیث قوی است و مشکوة ش/۳۸۳۲. بیهقی(۹/۳ و ۱۸۰/۴ و ۱۶۴/۴)

۲۲۷- عَنْ أَبِیهُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَهِ ﷺ«سَبَقَ دِرْهَمٌ مِائَةَ أَلْف». قَالُوا یَا رَسُولَ اللَه وَکَیْفَ قَالَ «رَجُلٌ لَهُ دِرْهَمَان فَأَخَذَ أَحَدَهُمَا فَتَصَدَّقَ بِه وَرَجُلٌ لَهُ مَالٌ کَثِیرٌ فَأَخَذَ مِنْ عُرْض مَالِه مِائَةَ أَلْف فَتَصَدَّقَ بِهَا»:[1]

ابوهریره روایت می کند که رسول الله فرمود: (یک درهم از صد درهم پیشی گرفت! گفتند: ای رسول خدا! چگونه؟ فرمود: مردی دو درهم داشت، یکی از آن دو را برداشت و (در راه خدا) صدقه داد و مردی ثروتمند از میان اموال خود صد هزار درهم جدا کرد و صدقه داد).

(به این ترتیب آن یک درهم که در واقع نصف مال آن مرد بود از نگاه ارزش و اخلاصی که آن مرد داشت از صد هزار درهمی که اخلاص فرد این قدر نبود، پیشی گرفت)

۲۲۸- عَنْ أَبِیمَسْعُود قَالَ أُمِرْنَا بِالصَّدَقَة. قَالَ کُنَّا نُحَاملُ - قَالَ - فَتَصَدَّقَ أَبُو عَقِیل بِنِصْف صَاع - قَالَ - وَجَاءَ إِنْسَانٌ بِشَیْء أَکْثَرَ مِنْهُ فَقَالَ الْمُنَافِقُونَ إِنَ اللَهَ لَغَنِیٌّ عَنْ صَدَقَة هَذَا وَمَا فَعَلَ هَذَا الآخَرُ إِلاَ رِیَاءً فَنَزَلَتْ (الَذِینَ یَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِینَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ فِی الصَّدَقَات وَالَذِینَ لاَ یَجِدُونَ إِلاَ جُهْدَهُمْ).[2]

ابومسعود می گوید: (به ما دستور داده شد؛ صدقه بدهیم، لذا ما (داشتیم صدقات خود را به پشت خود حمل می کردیم و می‌آوردیم. ابوعقیل نصف صاع آورد. گوید: برخی بیشتر آوردند. منافقان گفتند: قطعا خداوند از این صدقه (یعنی: نصف صاع ابوعقیل) بی نیاز است و گفتند: آن یکی هم که زیاد آورد ریا کار است! آن جا بود که خداوند متعال این آیه را نازل کرد: «کسانی که صدقه دهنده‌گان مؤمن و کسانی را که چیزی جز مقدار اندکی از دست رنج خود نمی‌یابند صدقه می‌دهند، مسخره می کنند...» «توبه/۷۹» نازل شد).

---

[1]. حسن: صحیح نسائی/۲۵۲۴ ابن خزیمه ش/۲۴۴۳، ابن حبان ش/۳۳۴۷ بیهقی(۱۸۲-۱۸۱/۴)، حاکم(۴۱۶/۱) این حدیث را صحیح دانسته و ذهبی او را تایید کرده است. البته شایان ذکر است که این حدیث را امام بخاری ۳۸/۸ و امام مسلم ۲۲۷/۸ و ابوداود تحت ش/۴۸۶۲ با لفظ: «سبق درهم درهمین...»: (یک درهم از دو درهم پیشی گرفت...) روایت کرده‌اند.

[2]. صحیح: متفق علیه: لؤلؤ مرجان ش/۵۹۸ و بخاری در کتاب التفسیر، سوره‌ی توبه تحت آیه‌ی: «۷۹» و مسلم/۲۴۰۲

۲۲۹- عَنْ أَبِيهُرَيْرَةَ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ إِنِّى مَجْهُودٌ. فَأَرْسَلَ إِلَى بَعْضِ نِسَائِهِ فَقَالَتْ وَالَّذِى بَعَثَكَ بِالْحَقِّ مَا عِنْدِى إِلاَّ مَاءٌ. ثُمَّ أَرْسَلَ إِلَى أُخْرَى فَقَالَتْ مِثْلَ ذَلِكَ حَتَّى قُلْنَ كُلُّهُنَّ مِثْلَ ذَلِكَ لاَ وَالَّذِى بَعَثَكَ بِالْحَقِّ مَا عِنْدِى إِلاَّ مَاءٌ. فَقَالَ «مَنْ يُضِيفُ هَذَا اللَّيْلَةَ رَحِمَهُ اللَّهُ». فَقَامَ رَجُلٌ مِنَ الأَنْصَارِ فَقَالَ أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ. فَانْطَلَقَ بِهِ إِلَى رَحْلِهِ فَقَالَ لاِمْرَأَتِهِ هَلْ عِنْدَكِ شَىْءٌ. قَالَتْ لاَ إِلاَّ قُوتُ صِبْيَانِى. قَالَ فَعَلِّلِيهِمْ بِشَىْءٍ فَإِذَا دَخَلَ ضَيْفُنَا فَأَطْفِئِى السِّرَاجَ وَأَرِيهِ أَنَّا نَأْكُلُ فَإِذَا أَهْوَى لِيَأْكُلَ فَقُومِى إِلَى السِّرَاجِ حَتَّى تُطْفِئِيهِ. قَالَ فَقَعَدُوا وَأَكَلَ الضَّيْفُ. فَلَمَّا أَصْبَحَ غَدَا عَلَى النَّبِىِّ فَقَالَ «قَدْ عَجِبَ اللَّهُ مِنْ صَنِيعِكُمَا بِضَيْفِكُمَا اللَّيْلَةَ». قَالَ - فَنَزَلَتْ هَذِهِ الآيَةُ (وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ) [1]

ابوهریره می‌گوید: (مردی خدمت رسول الله ﷺ آمد و گفت: گرسنه‌ام. پیامبر فردی را به خانه یکی از همسرانش فرستاد که غذایی بیاورد. همسر پیامبر گفت: سوگند به آن ذاتی که تو را به حق مبعوث کرده است! در خانه‌ی من چیزی جز آب وجود ندارد. پس از آن به خانه‌ی یکی دیگر از همسرانش فرستاد، او نیز به همین صورت پاسخ داد (به همین ترتیب) به خانه‌ی همه‌ی همسران خود فرستاد و پاسخ همه همین بود که گفتند: سوگند به آن ذاتی که تو را به حق مبعوث کرده است، چیزی جز آب در خانه‌ی ما نیست! پس از این بود که رسول‌الله فرمود: هر کس امشب از این مرد پذیرایی نماید، خدا او را رحمت کند! مردی از انصار بنام ابوطلحه گفت: ای رسول خدا! من او را مهمان می‌کنم و او را به خانه‌اش برد، به زنش گفت: آیا چیزی برای خوردن داری؟ گفت: چیزی جز مقدار کمی به اندازه‌ی بچه‌ها نداریم. ابوطلحه گفت: آن‌ها را با چیزی سرگرم کن (تا بخوابند) و مهمان که آمد چراغ را خاموش کن و چنان وانمود کنیم که ما هم می‌خوریم، گوید: نشستند و همین کار را کردند، مهمان غذا خورد. صبح که شد، رسول‌الله فرمود: (ابوطلحه) از کار دیشب شما، الله تعجب کرد! (راوی) گوید: آن جا بود که آیه‌ی: «دیگران را بر خود ترجیح می‌دهند، هرچند خودشان به آن نیازمند باشند...» نازل شد).

---

[1]. صحیح: متفق علیه: این لفظ مسلم/۲۰۵۴ است و صحیح بخاری/ ۳۷۹۸ باب مناقب انصار باب «ویؤثرون علی أنفسهم ولو کان بهم خصاصة» و تفسیر سوره‌ی حشر، با اندک تفاوتی در الفاظ

فضیلت(ثواب) کسی که شیر حیوان خود را به نیازمندان می‌بخشد

۲۳۰- عَنْ أَبِی‌هُرَیْرَةَ یَبْلُغُ بِهِ «أَلاَ رَجُلٌ یَمْنَحُ أَهْلَ بَیْتٍ نَاقَةً تَغْدُو بِعُسٍّ وَتَرُوحُ بِعُسٍّ إِنَ أَجْرَهَا لَعَظِیمٌ»:[1]

ابوهریره روایت می‌کند که رسول‌الله ﷺ فرمود: (آیا فردی هست که حیوان شیر دهی (به نیازمندان) ببخشد تا از آن هر صبح و شام ظرفی شیر بدوشند؟! ثواب آن بسیار زیاد و صدقه‌ای بسیار نیکوست!).

۲۳۱- عن أَبِی‌هُرَیْرَةَ عَنِ النَّبِیِّ ﷺ قَالَ «مَنْ مَنَحَ مَنِیحَةً غَدَتْ بِصَدَقَةٍ وَرَاحَتْ بِصَدَقَةٍ صَبُوحِهَا وَغَبُوقِهَا»:[2]

ابوهریره روایت می‌کند که رسول الله فرمود: (هر کس حیوان شیر دهی را به نیازمندان ببخشد که هر صبح و شام از شیر آن بخورند (هر صبح و شام)برایش صدقه نوشته می‌شود).

۲۳۲- عن عَبْدَاللَهِ‌بْنَ‌عَمْرٍو یَقُولُ قَالَ رَسُولُ‌اللَـهِ ﷺ «أَرْبَعُونَ خَصْلَةً أَعْلاَهُنَ مَنِیحَةُ الْعَنْزِ، مَا مِنْ عَامِلٍ یَعْمَلُ بِخَصْلَةٍ مِنْهَا رَجَاءَ ثَوَابِهَا وَتَصْدِیقَ مَوْعُودِهَا إِلاَ أَدْخَلَهُ اللَهُ بِهَا الْجَنَةَ». قَالَ حَسَّانُ فَعَدَدْنَا مَا دُونَ مَنِیحَةِ الْعَنْزِ مِنْ رَدِّ السَّلاَمِ، وَتَشْمِیتِ الْعَاطِسِ، وَإِمَاطَةِ الأَذَى عَنِ الطَرِیقِ وَنَحْوِهِ، فَمَا اسْتَطَعْنَا أَنْ نَبْلُغَ خَمْسَ عَشْرَةَ خَصْلَةً»:[3]

عبدالله بن عمرو روایت می‌کند که رسول‌الله ﷺ فرمود: چهل خصلت نیکو وجود دارد که بهترین آن‌ها، به عاریت دادن بز شیرده است و هر کس یکی از این خصلت‌ها(اعمال نیک) را به امید کسب ثواب و تصدیق آن‌چه وعده داده شده انجام دهد، خداوند او را وارد بهشت خواهد نمود. حسان بن عطیه گوید: بجز صدقه دادن شیر بز شیر ده، جواب سلام، جواب کسی که عطسه می‌زند

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۱۰۱۹ مؤلف حدیثی را با متن: «نعم المنیحة اللقحة تغدو بعساء و تروح بعساء إن اجرها لعظیم» آورده و به مسلم نسبت داده است. اما در صحیح مسلم با این الفاظ یافت نشد. لذا متن فوق را از صحیح مسلم نقل کردم.

[2]. صحیح: صحیح مسلم/۱۰۲۰

[3]. صحیح: صحیح بخاری/۲۶۳۱ و أبوداود/ ۱۶۸۳

(و الحمدلله می‌گوید) دور کردن اشیای مزاحم از سر راه و امثال این‌ها را شمردیم، اما نتوانستیم بیشتر از پانزده عمل نیک را بشماریم.

۲۳۳– عن ابْنَ عَبَّاس أَنَ النَبیَ ﷺ خَرَجَ إِلَی أَرْض تَهْتَزُّ زَرْعًا فَقَالَ «لِمَنْ هَذه». فَقَالُوا اكْتَرَاهَا فُلاَنٌ. فَقَالَ «أَمَا إِنَهُ لَوْ مَنَحَهَا إِيَّاهُ كَانَ خَيْرًا لَهُ مِنْ أَنْ يَأْخُذَ عَلَيْهَا أَجْرًا مَعْلُومًا»:[1]

و قال بعضهم: «خَرْجًا مَعْلُومًا».[2]

ابن عباس می‌گوید: (رسول الله به سمت زمینی رفت که محصول آن سر سبز و خرم بود، پرسید این زمین از کیست؟ گفتند: فلانی آن را اجاره کرده است. فرمود: اگر آن را بطور رایگان در اختیارش قرار می‌داد، برایش بهتر بود تا این که در ازای آن محصول معینی دریافت کند و برخی از روایان گفتند: در ازای آن خراج معینی دریافت کند).

۲۳۴– عن الْبَرَاءَ بْنَ عَازِب يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَهِ ﷺ يَقُولُ «مَنْ مَنَحَ مَنِيحَةَ لَبَن أَوْ وَرِق أَوْ هَدَی زُقَاقًا كَانَ لَهُ مِثْلُ عِتْقِ رَقَبَة»:[3]

براء بن عازب روایت می‌کند که شنیدم، رسول الله می‌فرماید: (هر کس حیوان شیر دهی را در اختیار (برادر مسلمانش) قرار دهد، یا پول نقد یا نان، صدقه بدهد برایش پاداشی همانند: آزاد کردن برده‌ای داده می‌شود).

ترک شر صدقه بشمار می‌رود

۲۳۵– عَنْ أَبِی‌ذَرٍ رضی الله عنه قَالَ سَأَلْتُ النَبِیَ ﷺ أَیُ الْعَمَلِ أَفْضَلُ، قَالَ «إِيمَانٌ بِاللَهِ، وَجِهَادٌ فِی سَبِيلِهِ». قُلْتُ فَأَیُّ الرِّقَابِ أَفْضَلُ قَالَ «أَغْلاَهَا ثَمَنًا، وَأَنْفَسُهَا عِنْدَ أَهْلِهَا». قُلْتُ فَإِنْ لَمْ أَفْعَلْ. قَالَ «تُعِينُ صَانِعًا أَوْ تَصْنَعُ لأَخْرَقَ». قَالَ فَإِنْ لَمْ أَفْعَلْ. قَالَ «تَدَعُ النَاسَ مِنَ الشَرِّ، فَإِنَهَا صَدَقَةٌ تَصَدَّقُ بِهَا عَلَی نَفْسِكَ»:[4]

[1]. صحیح: صحیح بخاری/۲۶۳۴ و ابن ماجة/۲۴۶۲ به همین معنا
[2]. صحیح: صحیح بخاری (۸۲۱/۲، ش۲۲۰۵) صحیح مسلم/۱۵۵۰ در البیوع باب الارض تمنع
[3]. صحیح: صحیح ترمذی/۲۰۸۴ أبوعیسی می‌گوید: این حَدیث «حَسَن، صَحیح وغَریب» است. و در زوائد السنن ش/۶۱۷۸ می‌گوید: صحیح است.
[4]. صحیح: صحیح بخاری/۲۳۸۲ و در صحیح مسلم/۸۴ با اندک تفاوتی در الفاظ

ابوذر می گوید، از رسول الله پرسیدم: (چه عملی بیشتر فضیلت دارد؟ فرمود: ایمان به الله و جهاد در راه او تعالی. گفتم: آزاد کردن چه بردهای فضیلت بیشتری دارد؟ فرمود: بردهای که قیمت آن بیشتر باشد و برای صاحب خود بیشتر ارزش داشته باشد. گوید: پرسیدم، اگر نتوانستم چنین کاری بکنم؟ فرمود: کار گری را یاری ده، یا کسی را که کاری را بلد نیست کمک کن. گفتم: اگر نتوانستم؟ فرمود: در حق مردم بدی نکن، چون این خود صدقهایست که بر خویشتن صدقه می کنی).

فضیلت درختکاری، زراعت و هر چه از محصولات کشاورزی می‌خورند، برای صاحب آن صدقه است

۲۳۶- عَنْ أَنَس رضي الله عنه قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّه ﷺ «مَا مِنْ مُسْلِم يَغْرِسُ غَرْسًا، أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا، فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ، إِلاَ كَانَ لَهُ بِه صَدَقَةٌ»:[1]

انس بن مالك روایت می کند که رسول‌الله ﷺ فرمود: (هیچ مسلمانی نیست که درختی غرس نماید یا بذری بکارد که از آن انسان یا حیوانی بخورد؛ مگر این که برایش صدقه بحساب می‌آید).

۲۳۷- عَنْ جَابِر قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّه ﷺ «مَا مِنْ مُسْلِم يَغْرِسُ غَرْسًا إِلاَ كَانَ مَا أُكِلَ مِنْهُ لَهُ صَدَقَةٌ وَمَا سُرِقَ مِنْهُ لَهُ صَدَقَةٌ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ مِنْهُ فَهُوَ لَهُ صَدَقَةٌ وَمَا أَكَلَتِ الطَّيْرُ فَهُوَ لَهُ صَدَقَةٌ وَلاَ يَرْزَؤُهُ أَحَدٌ إِلاَ كَانَ لَهُ صَدَقَةٌ».

و فی روایة: «لاَ يَغْرِسُ مُسْلِمٌ غَرْسًا وَلاَ يَزْرَعُ زَرْعًا فَيَأْكُلَ مِنْهُ إِنْسَانٌ وَلاَ دَابَّةٌ وَلاَ شَيْءٌ إِلاَ كَانَتْ لَهُ صَدَقَةٌ».[2]

جابربن عبدالله می گوید، رسول‌الله فرمود: (هیچ مسلمانی نیست که درختی می کارد مگر این که آن‌چه از آن خورده می‌شود، برایش صدقه است، آنچه از آن می‌دزدند برایش صدقه است، هر چه حیوانات درنده از آن بخورند، برایش صدقه است، هر چه پرندگان بخورند برایش صدقه است و هر کس درختی بکارد برایش صدقه است).

[1]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/ ۲۳۲۰ و صحیح مسلم/۱۵۵۳
[2]. صحیح: صحیح مسلم/۱۵۵۲ و عبد بن حمید (ص ۳۱۱ ، ش۱۰۱۱)

در روایت مسلم آمده: (هر مسلمانی درختی غرس کند یا بذری بکارد که انسان، حیوان یا چیزی دیگر از آن بخورد، برایش صدقه بحساب می‌آید).

فضیلت پرداخت بموقع قرض

۲۳۸- عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الأَكْوَعِ ﷺ قَالَ كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ إِذْ أُتِيَ بِجَنَازَةٍ، فَقَالُوا صَلِّ عَلَيْهَا. فَقَالَ «هَلْ عَلَيْهِ دَيْنٌ». قَالُوا لاَ. قَالَ «فَهَلْ تَرَكَ شَيْئًا». قَالُوا لاَ. فَصَلَّى عَلَيْهِ ثُمَّ أُتِيَ بِجَنَازَةٍ أُخْرَى، فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ، صَلِّ عَلَيْهَا. قَالَ «هَلْ عَلَيْهِ دَيْنٌ». قِيلَ نَعَمْ. قَالَ «فَهَلْ تَرَكَ شَيْئًا». قَالُوا ثَلاَثَةَ دَنَانِيرَ. فَصَلَّى عَلَيْهَا، ثُمَّ أُتِيَ بِالثَّالِثَةِ، فَقَالُوا صَلِّ عَلَيْهَا. قَالَ «هَلْ تَرَكَ شَيْئًا». قَالُوا لاَ. قَالَ «فَهَلْ عَلَيْهِ دَيْنٌ». قَالُوا ثَلاَثَةُ دَنَانِيرَ. قَالَ «صَلُّوا عَلَى صَاحِبِكُمْ». قَالَ أَبُو قَتَادَةَ صَلِّ عَلَيْهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَعَلَيَّ دَيْنُهُ. فَصَلَّى عَلَيْهِ[1]

سلمه بن اکوع روایت می‌کند که: (نزد پیامبر نشسته بودیم که جنازه‌ای آوردند و گفتند: بر این جنازه نماز بخوان، پرسید: آیا بدهی (قرض) دارد؟ گفتند: خیر. فرمود: آیا مالی از خود بجای گذاشته؟ گفتند: خیر. سپس برآن میت نماز خواند. جنازه‌ی دیگری آوردند و گفتند: ای رسول خدا بر او نماز بخوان. پرسید: آیا بدهی(قرض) دارد؟ گفتند: آری. پرسیدآیا مالی از او مانده؟ گفتند: سه دینار مانده است. بر وی نماز خواند. سپس جنازه‌ی دیگری آوردند و گفتند: بر این جنازه نماز بخوان. پرسید: آیا مالی از خود بجای گذاشته؟ گفتند: خیر. گفت: آیا بدهی (قرض) دارد؟ گفتند: سه دینار بده‌کار است. خطاب به آن‌ها گفت: بر دوست‌تان نماز بخوانید! ابوقتاده گفت: ای رسول خدا بر او نماز بخوان من تعهد می‌کنم که قرض‌اش را بدهم).

۲۳۹- عَنْ جَابِرٍ قَالَ مَاتَ رَجُلٌ فَغَسَّلْنَاهُ وَكَفَّنَاهُ وَحَنَّطْنَاهُ وَوَضَعْنَاهُ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ حَيْثُ تُوضَعُ الْجَنَائِزُ عِنْدَ مَقَامِ جِبْرِيلَ عَلَيْهِ السَّلاَمُ ثُمَّ آذَنَّا رَسُولَ اللَّهِ فِي الصَّلاَةِ عَلَيْهِ فَجَاءَ مَعَنَا خُطًى ثُمَّ قَالَ «لَعَلَّ عَلَى صَاحِبِكُمْ دَيْنًا». قَالُوا نَعَمْ دِينَارَانِ

[1]. صحیح: صحیح بخاری/۲۲۸۹

فَتَخَلَفَ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ منَا يُقَالُ لَهُ أَبُو قَتَادَةَ يَا رَسُولَ اللَه هُمَا عَلَيَّ. فَجَعَلَ رَسُولُ اللَه يَقُولُ «هُمَا عَلَيْكَ وَفي مَالكَ وَحَقُّ الرَجُل عَلَيْكَ وَالْمَيِّتُ منْهُمَا بَرِيءٌ». فَقَالَ نَعَمْ فَصَلَى عَلَيْه فَجَعَلَ رَسُولُ اللَه إذَا لَقيَ أَبَا قَتَادَةَ يَقُولُ «مَا صَنَعْتَ في الدِّينَارَيْن» حَتَى كَانَ آخرَ ذَلكَ قَالَ قَدْ قَضَيْتُهُمَا يَا رَسُولَ اللَه. قَالَ «الآنَ حينَ بَرَدَتْ عَلَيْه جلْدُهُ»:[1]

جابر بن‌عبدالله روایت می‌کند: مردی فوت کرد، او را غسل دادیم، کفن کردیم و خوشبویی زدیم و او را برای پیامبر در جای مخصوص جنازه‌ها، در مقام جبرئیل گذاشتیم. سپس پیامبر را خبر کردیم، چند قدمی با ما آمد و فرمود: آیا این دوست شما بدهی (قرض) دارد؟ گفتند: آری، دو دینار! پیامبر برگشت و یک نفر از ما به نام ابوقتاده گفت: من پرداخت آن دو دینار را به عهده می‌گیرم. پیامبر چند مرتبه فرمود: آیا آن دو دینار بر عهده‌ی توست، از مال تو پرداخت می‌شود، حق آن مرد (طلب کار) برگردن تو است و میت از آن بری است؟ ابوقتاده گفت: آری، پس از آن رسول‌الله بر آن میت نماز خواند و بعدا هرگاه ابوقتاده را می‌دید، می‌فرمود: با آن دو دینار چه کردی؟ تا این که بالاخره (ابوقتاده) گفت : ای رسول خدا! آن دو دینار را پرداخت کردم. فرمود: اکنون راحت شد!).

صدقه دادن از طرف میت و فضیلت وقف چاه آب آشامیدنی

۲۴۰- عَنْ عَائشَةَ أَنَ رَجُلاً قَالَ للنَبيِّ ﷺ إنَ أُمِّي افْتُلتَتْ نَفْسُهَا، وَلَمْ تُوصِ أَظُنُّهَا لَوْ تَكَلَمَتْ تَصَدَقَتْ. فَهَلْ لَهَا أَجْرٌ إنْ تَصَدَقْتُ عَنْهَا قَالَ «نَعَمْ»[2]

عائشه روایت می‌کند که: (مردی خدمت پیامبر آمد و گفت: مادرم ناگهانی وفات کرد، اما (به دادن صدقه) سفارش نکرد، گمان می‌کنم اگر پیش از مرگ فرصت سخن گفتن برایش فراهم می‌شد، صدقه می‌داد. آیا اگر از طرف او صدقه بدهم، ثوابش به او می‌رسد؟ فرمود: آری!).

---

[1]. صحیح: دارقطنی/۳۱۲۹، حاکم (۲/۵۸) و بیهقی (۶/۷۴)

[2]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۱۳۸۸ و مسلم/۱۰۰۴

۲۴۱- عن ابْنُ عَبَّاس أَنَ سَعْدَ بْنَ عُبَادَةَ رضي الله عنه تُوُفِّيَتْ أُمُّهُ وَهْوَ غَائِبٌ عَنْهَا، فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّه إِنَ أُمِّي تُوُفِّيَتْ وَأَنَا غَائِبٌ عَنْهَا، أَيَنْفَعُهَا شَيْءٌ إِنْ تَصَدَّقْتُ بِه عَنْهَا قَالَ «نَعَمْ». قَالَ فَإِنِّي أُشْهِدُكَ أَنَ حَائطِي الْمِخْرَافَ صَدَقَةٌ عَلَيْهَا».[1]

عبدالله بن عباس روایت می کند که: (مادر سعد بن عباده در حالی وفات کرد که خودش حضور نداشت. بعداً خدمت پیامبر آمد و گفت: مادرم در نبود من وفات کرده، اگر من از طرف او صدقه بدهم، آیا برایش نفعی دارد؟ فرمود: آری. گفت: بنابراین من شما را گواه می گیرم که باغ «مخراف» من از طرف او صدقه است).

۲۴۲- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَ رَجُلاً سَأَلَ رَسُولَ اللَّه ﷺ قَالَ إِنَ أَبِي مَاتَ وَتَرَكَ مَالاً وَلَمْ يُوصِ فَهَلْ يُكَفِّرُ عَنْهُ أَنْ تَصَدَّقْتُ عَنْهُ قَالَ «نَعَمْ».[2]

ابوهریره روایت می کند که مردی خدمت پیامبر آمد گفت: (پدرم وفات کرده و مقداری مال از خود بجای گذاشته است، اما (به صدقه دادن) سفارش نکرده است. آیا اگر از طرف او صدقه بدهم، موجب کفاره‌ی گناهانش می‌شود؟ فرمود: آری!)

۲۴۳- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه أَنَ رَسُولَ اللَّه ﷺ قَالَ «بَيْنَا رَجُلٌ يَمْشِي فَاشْتَدَّ عَلَيْهِ الْعَطَشُ، فَنَزَلَ بِئْرًا فَشَرِبَ مِنْهَا، ثُمَّ خَرَجَ فَإِذَا هُوَ بِكَلْبٍ يَلْهَثُ، يَأْكُلُ الثَّرَى مِنَ الْعَطَش، فَقَالَ لَقَدْ بَلَغَ هَذَا مِثْلُ الَّذِي بَلَغَ بِي فَمَلأَ خُفَّهُ ثُمَّ أَمْسَكَهُ بِفِيهِ، ثُمَّ رَقِيَ، فَسَقَى الْكَلْبَ فَشَكَرَ اللَّهُ لَهُ، فَغَفَرَ لَهُ». قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّه، وَإِنَ لَنَا فِي الْبَهَائِمِ أَجْرًا قَالَ «فِي كُلِّ كَبِد رَطْبَة أَجْرٌ».[3]

ابوهریره روایت می کند که پیامبر ﷺ فرمود: مردی به راهی می‌رفت که شدیداً تشنه شده بود، وارد چاهی (که درآن مسیر بود) شد. آب نوشید و سپس بیرون آمد. دید کنار چاه سگی از شدت تشنگی خاک می‌خورد. (با خودش) گفت این حیوان همانند: من شدیداً تشنه است. (دوباره وارد چاه شد) و موزه‌اش را پر آب کرد و (چون راهی نداشت) آن را با دهان خود گرفت، بالا آمد و سگ را آب داد. خداوند از او راضی شد و گناهانش را بخشید). صحابه گفتند: ای رسول خدا!

[1]. صحیح: صحیح بخاری/۲۷۵۶ و مسند احمد ۳۵۰۸
[2]. صحیح: صحیح مسلم/۱۶۳۰ صحیح سنن ابن ماجه/۲۷۱۶
[3]. صحیح: صحیح بخاری/۲۳۶۳ صحیح مسلم/۲۲۴۴ و ابوداود/۲۵۵۰

خداوند برای نیکی به حیوانات هم به ما پاداش می‌دهد؟ رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: «نیکی کردن به هر موجود جان‌داری، ثواب دارد».

۲۴۴- عَنْ سَعْدِ بْنِ عُبَادَةَ أَنَّهُ قَالَ يَا رَسُولَ‌اللَّهِ إِنَّ أُمَّ سَعْدٍ مَاتَتْ فَأَيُّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ قَالَ «الْمَاءُ». قَالَ فَحَفَرَ بِئْرًا وَقَالَ هَذِهِ لأُمِّ سَعْدٍ»:[۱]

و في رواية ابن ماجة: «قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ قَالَ سَقْيُ الْمَاءِ»:[۲]

از سعد بن عباده روایت است که گفت: ای رسول خدا! مادر سعد وفات کرده است، چه صدقه‌ای از طرف او بدهم، بیشتر فضیلت دارد؟ فرمود: صدقه دادن(چاه) آب (آشامیدنی) (راوی) می گوید: سعد چاهی حفر کرد و گفت: ثواب این چاه مال مادر سعد است.

در ابن ماجه آمده «گفتم: ای‌رسول خدا، چه صدقه‌ای افضل است؟ فرمود: آب دادن (به تشنگان)

۲۴۵- عَنْ سُرَاقَةَ بْنِ جُعْشُمٍ قَالَ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَنْ ضَالَّةِ الإِبِلِ تَغْشَى حِيَاضِي قَدْ لُطْتُهَا لإِبِلِي فَهَلْ لِي مِنْ أَجْرٍ إِنْ سَقَيْتُهَا فَقَالَ «نَعَمْ فِي كُلِّ ذَاتِ كَبِدٍ حَرَّى أَجْرٌ»:[۳]

سراقه بن جعشم می گوید، از رسول‌خدا پرسیدم: (آیا شتر گم شده‌ای را که به کنار حوض من می آید، اگر آب بدهم، برایم ثواب می‌رسد، فرمود: آری، در هر حیوان جاندار که از آن آب می‌خورد، به تو اجر داده می‌شود).

آنچه پس از مرگ به میت می‌رسد

۲۴۶- عَنْ أَبِي‌هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ «إِذَا مَاتَ الإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهُ إِلاَّ مِنْ ثَلاَثَةٍ إِلاَّ مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ»:[۴]

---

[۱]. حسن: أبوداود/۱۶۸۱

[۲]. حسن: صحيح وضعيف سنن ابن ماجة/۳۶۸۴ التعليق الرغيب (۲ / ۵۳) ، صحيح أبي داود (۱۴۷۴)

[۳]. صحيح: صحيح ابن ماجه/۳۶۸۶ و مسند احمد/۷۷۲۴

[۴]. صحيح: صحيح مسلم/۱۶۳۱ و ابوداوود/۲۸۸۰

از ابوهریره روایت است که رسول‌الله ﷺ فرمود: (وقتی انسان می‌میرد عملش قطع می‌شود، بجز از سه چیز: صدقه جاریه، علمی که دیگران از آن استفاده ببرند و فرزند صالحی که برایش دعا کند).

۲۴۷- عَنْ أَبِی‌هُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «إِنَ مِمَّا یَلْحَقُ الْمُؤْمِنَ مِنْ عَمَلِهِ وَحَسَنَاتِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ عِلْمًا عَلَّمَهُ وَنَشَرَهُ وَوَلَدًا صَالِحًا تَرَكَهُ وَمُصْحَفًا وَرَّثَهُ أَوْ مَسْجِدًا بَنَاهُ أَوْ بَيْتًا لابْنِ السَّبِيلِ بَنَاهُ أَوْ نَهْرًا أَجْرَاهُ أَوْ صَدَقَةً أَخْرَجَهَا مِنْ مَالِهِ فِی صِحَّتِهِ وَحَيَاتِهِ يَلْحَقُهُ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهِ»:[1]

ابوهریره روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود: آنچه از عمل و کارهای نیک مؤمن بعد از مرگش به او می‌رسد، عبارتند از علمی که آن را به دیگران آموزش داده و منتشر کرده است، فرزند صالحی که بجای گذاشته است، قرآنی که از او به ارث برند، یا مسجدی که ساخته یا خانه‌ای که برای استفاده‌ی مسافران بنا کرده است، یا نهر آبی که(در اختیار نیازمندان) قرار داده و صدقه‌ای که آن را در زندگی و در حال سلامت از مال خود بخشیده است.

برخی از فضایل صدقات و...

۲۴۸- عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ عَنِ النَّبِیِّ ﷺ قَالَ «قَالَ رَجُلٌ لأَتَصَدَّقَنَّ اللَّیْلَةَ بِصَدَقَةٍ فَخَرَجَ بِصَدَقَتِهِ فَوَضَعَهَا فِی یَدِ زَانِیَةٍ فَأَصْبَحُوا یَتَحَدَّثُونَ تُصُدِّقَ اللَّیْلَةَ عَلَى زَانِیَةٍ. قَالَ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلَى زَانِیَةٍ لأَتَصَدَّقَنَّ بِصَدَقَةٍ. فَخَرَجَ بِصَدَقَتِهِ فَوَضَعَهَا فِی یَدِ غَنِیٍّ فَأَصْبَحُوا یَتَحَدَّثُونَ تُصُدِّقَ عَلَى غَنِیٍّ. قَالَ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلَى غَنِیٍّ لأَتَصَدَّقَنَّ بِصَدَقَةٍ. فَخَرَجَ بِصَدَقَتِهِ فَوَضَعَهَا فِی یَدِ سَارِقٍ فَأَصْبَحُوا یَتَحَدَّثُونَ تُصُدِّقَ عَلَى سَارِقٍ. فَقَالَ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلَى زَانِیَةٍ وَعَلَى غَنِیٍّ وَعَلَى سَارِقٍ. فَأُتِیَ فَقِیلَ لَهُ أَمَّا صَدَقَتُکَ فَقَدْ قُبِلَتْ أَمَّا الزَّانِیَةُ فَلَعَلَّهَا تَسْتَعِفُّ بِهَا عَنْ زِنَاهَا وَلَعَلَّ الْغَنِیَّ یَعْتَبِرُ فَیُنْفِقُ مِمَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ وَلَعَلَّ السَّارِقَ یَسْتَعِفُّ بِهَا عَنْ سَرِقَتِهِ».[2]

---

[1]. حسن: ابن ماجه/۲۴۹، صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۲۴۲، الإرواء (۶ / ۲۹) و الروض النضیر (۱۰۱۳)

[2]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری (۲/۵۱۶ ، ش ۱۳۵۵)، صحیح مسلم/۱۰۲۲ و این متن روایت مسلم است. أحمد (۲/۳۲۲ ، ش ۸۲۶۵) و نسائی (۵/۵۵ ، ش۲۵۲۳).

ابوهریره از پیامبر روایت می کند که: (مردی گفت: امشب صدقه می‌دهم. صدقه‌اش را برداشت و بیرون رفت و (در تاریکی شب بدون این که بداند) آن را به زنی زناکار داد. صبح روز بعد، مردم می گفتند: دیشب به زنا کاری صدقه داده‌اند، آن مردم گفت: خداوندا! تو را سپاس می گویم که صدقه‌ام بدست فاحشه‌ای افتاد. دوباره گفت: صدقه‌ای می‌دهم، صدقه‌اش را برداشت و بیرون رفت، آن را به دزدی داد! صبح روز بعد مردم به هم‌دیگر می گفتند: دیشب به دزدی صدقه داده‌اند. گفت: خداوندا! تو را سپاس می گویم، که صدقه‌ام بدست دزدی افتاد. باز گفت: امشب صدقه، می‌دهم. صدقه‌اش را برداشت و بیرون رفت وآن را به ثروتمندی داد، صبح روز بعد مردم می گفتند: به ثروتمندی صدقه داده‌اند. گفت: خداوندا! تو را سپاس می گویم که صدقه‌ام بدست فاحشه، ثروتمند و دزد افتاد. سرانجام شخصی را (در خواب دید) که نزد او آمد و گفت: صدقه‌ات مورد قبول درگاه خداوند واقع شده است، اما صدقه‌ای که به فاحشه دادی موجب شد از عمل زشت زنا دست بر دارد و پاکدامنی پیشه کند. صدقه‌ای که به دزد دادی باعث شد، از دزدی دست بردارد و امید است صدقه‌ات برای فرد ثروتمند موجب عبرت شود و او نیز در راه خدا صدقه بدهد).

۲۴۹- عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَهﷺ «مَنْ أَصْبَحَ مِنْكُمُ الْیَوْمَ صَائِمًا». قَالَ أَبُو بَكْر رضی الله عنه أَنَا. قَالَ «فَمَنْ تَبِعَ مِنْكُمُ الْیَوْمَ جَنَازَةً». قَالَ أَبُو بَكْر أَنَا. قَالَ « فَمَنْ أَطْعَمَ مِنْكُمُ الْیَوْمَ مِسْكِینًا». قَالَ أَبُو بَكْررضی الله عنه أَنَا. قَالَ «فَمَنْ عَادَ مِنْكُمُ الْیَوْمَ مَرِیضًا». قَالَ أَبُو بَكْر رضی الله عنهُ أَنَا. فَقَالَ رَسُولُ اللَهﷺ «مَا اجْتَمَعْنَ فِی امْرِئٍ إِلاَ دَخَلَ الْجَنَّةَ».[1]

ابوهریره روایت می کند که رسول‌الله فرمود: امروز چه کسی از شما روزه گرفته است؟ ابوبکر گفت: من. پرسید: چه کسی از شما امروز جنازه‌ای را تشییع کرده است؟ ابوبکر گفت: من. پرسید: چه کسی از شما امروز مسکینی را طعام داده است؟ ابوبکر گفت: من. پرسید: چه کسی از شما امروز بیماری را عیادت

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۱۰۲۸ و بخاری در أدب المفرد (۵۱۵) نَسائی در الکبری/۸۰۵۳ و ابن خزیمة/۲۱۳۱

کرده است؟ ابوبکر گفت من. رسول‌الله فرمود: این خصلت‌ها در هیچ کس جمع نخواهد شد، مگر این که وارد بهشت می‌شود).

۲۵۰- عن جَرِیرعبدالله قَالَ کُنَا عِنْدَ رَسُولِ اللهﷺ فِی صَدْرِ النَهَارِ قَالَ فَجَاءَهُ قَوْمٌ حُفَاةٌ عُرَاةٌ مُجْتَابِی النِّمَارِ أَوِ الْعَبَاءِ مُتَقَلِّدِی السُّيُوفِ عَامَّتُهُمْ مِنْ مُضَرَ بَلْ كُلُّهُمْ مِنْ مُضَرَ فَتَمَعَّرَ وَجْهُ رَسُولِ اللَّهِ لِمَا رَأَى بِهِمْ مِنَ الْفَاقَةِ فَدَخَلَ ثُمَّ خَرَجَ فَأَمَرَ بِلَالاً فَأَذَّنَ وَأَقَامَ فَصَلَّى ثُمَّ خَطَبَ فَقَالَ «(يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِی خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ) إِلَى آخِرِ الآيَةِ (إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا) وَالآيَةَ الَّتِی فِی الْحَشْرِ (اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ) تَصَدَّقَ رَجُلٌ مِنْ دِينَارِهِ مِنْ دِرْهَمِهِ مِنْ ثَوْبِهِ مِنْ صَاعِ بُرِّهِ مِنْ صَاعِ تَمْرِهِ - حَتَّى قَالَ - وَلَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ». قَالَ فَجَاءَ رَجُلٌ مِنَ الأَنْصَارِ بِصُرَّةٍ كَادَتْ كَفُّهُ تَعْجِزُ عَنْهَا بَلْ قَدْ عَجَزَتْ - قَالَ - ثُمَّ تَتَابَعَ النَّاسُ حَتَّى رَأَيْتُ كَوْمَيْنِ مِنْ طَعَامٍ وَثِيَابٍ حَتَّى رَأَيْتُ وَجْهَ رَسُولِ اللَّهِ يَتَهَلَّلُ كَأَنَّهُ مُذْهَبَةٌ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ «مَنْ سَنَّ فِی الإِسْلاَمِ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا بَعْدَهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَىْءٌ وَمَنْ سَنَّ فِی الإِسْلاَمِ سُنَّةً سَيِّئَةً كَانَ عَلَيْهِ وِزْرُهَا وَوِزْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَىْءٌ».[1]

جریربن عبدالله می‌گوید: (در اوّل روز خدمت پیامبر بودیم که گروهی پای لخت و عریان در حالی که پوست حیوان یا عبا به تن کرده بودند و شمشیرهای‌شان به شانه‌های‌شان بود، آمدند. عموم آن‌ها و حتی تمام آن‌ها از قبیله مضر بودند، با دیدن آن‌ها و حالت فقیرانه و گرسنگی‌شان، چهره‌ی مبارک رسول‌الله تغییر کرد، به خانه‌اش رفت و دوباره آمد. سپس دستور داد بلال اذان گفت: و نماز خواند. سپس سخنرانی نمود و خطاب به مردم گفت: ای مردم! از پروردگارتان که شما را از یک نفس آفرید بترسید... قطعاً خداوند متعال مراقب شماست! و آیه‌ی سوره‌ی حشر را که می‌فرماید: «از خداوند بترسید و هر کس باید مراقب فردایش باشد که برای فردایش چه می‌فرستد، از الله بترسید». گوید: بعد از این (دستور به صدقه داد) و گفت: هر کس از شما دینار، درهم، لباس، گندم و

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۱۰۱۷، ابن ماجه/۲۰۳ و مسند احمد/۱۹۲۰۶

خرمایی که دارد، صدقه بدهد تا جایی که گفت: صدقه بدهید حتی اگر نیمی خرما باشد.

گوید: مردی از انصار کیسه‌ای پر آورد که از آوردن آن ناتوان بود حتی به خوبی نمی‌توانست آن را بیاورد. سپس مردم پیاپی می‌آوردند تا این که دیدم دو مجموعه‌ی بزرگ از غذا و لباس جمع شد. دیدم چهره‌ی مبارک رسول‌الله هم‌چون تکه‌ای طلا می‌درخشید. و فرمود: هرکس در اسلام سنت و روش نیکویی رواج دهد، پاداش آن عمل و پاداش تمام کسانی که به آن عمل کنند، به او می‌رسد، بدون این که از پاداش آنها چیزی کم شود. و هر کس در اسلام راه و روش ناپسندی رواج دهد، گناه آن وگناه تمام کسانی که به آن عمل کنند، به دوش او خواهد بود، بدون این که از گناه عمل کنندگان چیزی کم شود).

۲۵۱- عَنْ أَبِی‌هُرَیْرَةَ عَنِ النَّبِیِّ ﷺ قَالَ «بَیْنَا رَجُلٌ بِفَلاَةٍ مِنَ الأَرْضِ فَسَمِعَ صَوْتًا فِی سَحَابَةٍ اسْقِ حَدِیقَةَ فُلاَنٍ. فَتَنَحَّى ذَلِکَ السَّحَابُ فَأَفْرَغَ مَاءَهُ فِی حَرَّةٍ فَإِذَا شَرْجَةٌ مِنْ تِلْکَ الشِّرَاجِ قَدِ اسْتَوْعَبَتْ ذَلِکَ الْمَاءَ کُلَّهُ فَتَتَبَّعَ الْمَاءَ فَإِذَا رَجُلٌ قَائِمٌ فِی حَدِیقَتِهِ یُحَوِّلُ الْمَاءَ بِمِسْحَاتِهِ فَقَالَ لَهُ یَا عَبْدَ اللَّهِ مَا اسْمُکَ قَالَ فُلاَنٌ. لِلاسْمِ الَّذِی سَمِعَ فِی السَّحَابَةِ فَقَالَ لَهُ یَا عَبْدَ اللَّهِ لِمَ تَسْأَلُنِی عَنِ اسْمِی فَقَالَ إِنِّی سَمِعْتُ صَوْتًا فِی السَّحَابِ الَّذِی هَذَا مَاؤُهُ یَقُولُ اسْقِ حَدِیقَةَ فُلاَنٍ لاِسْمِکَ فَمَا تَصْنَعُ فِیهَا قَالَ أَمَّا إِذَا قُلْتَ هَذَا فَإِنِّی أَنْظُرُ إِلَى مَا یَخْرُجُ مِنْهَا فَأَتَصَدَّقُ بِثُلُثِهِ وَآکُلُ أَنَا وَعِیَالِی ثُلُثًا وَأَرُدُّ فِیهَا ثُلُثَهُ».[1]

فی روایة: «وَأَجْعَلُ ثُلُثَهُ فِی الْمَسَاکِینِ وَالسَّائِلِینَ وَابْنِ السَّبِیلِ».[2]

ابوهریره روایت می‌کند که پیامبر فرمود: مردی در دشتی بود که از ابری صدایی به گوشش رسید که می‌گوید: باغ فلانی را آب بده! آن ابر به سویی رفت آبش را در زمینی که پوشیده از سنگ‌های سیاه بود، بارید و آن آب به رودی از رودهای آن زمین رفت و تمام آن آب باران (همانند: سیلی) براه افتاد و من آن

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۲۹۸۴ و مسنداحمد/۷۹۲۸

[2]. صحیح مسلم/۲۹۸۵

آب را دنبال کردم، رفتم تا این که دیدم مردی بیلی به دست دارد و با همان آب در باغ خود آبیاری می کند، (مردی که آن صدا را از آسمان شنیده بود) گفت: آهای بنده خدا! اسمت چیه؟ گفت: فلانی، همان اسمی که از آسمان شنیده بود! گفت چرا نامم را می‌پرسی؟ گفت: صدایی از ابری شنیدم که این آب از همان ابر است، که می گفت: باغ فلانی را آب بده! نام تو را گفت، تو در این باغ چه کار می کنی؟ گفت: حال که این را گفتی، من منتظر می‌مانم تا محصول این باغ بدست می‌آید؛ یک سوم آن را (به نیازمندان) صدقه می‌دهم، یک سوم آن را به مصرف خود و خانواده‌ام می‌رسانم، یک سوم دیگر آن را دوباره بذر می کنم).

و در روایتی دیگر آمده: (یک سوم آن را به مساکین و نیازمندان و مسافران صدقه می‌دهم).

فضیلت خود داری از گدایی

۲۵۲- عَنْ أَبِي سَعِيد الْخُدْرِيِّ أَنَ نَاسًا مِنَ الأَنْصَارِ سَأَلُوا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَأَعْطَاهُمْ، ثُمَّ سَأَلُوهُ فَأَعْطَاهُمْ، حَتَّى نَفِدَ مَا عِنْدَهُ فَقَالَ «مَا يَكُونُ عِنْدِي مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ أَدَّخِرَهُ عَنْكُمْ، وَمَنْ يَسْتَعْفِفْ يُعِفَّهُ اللَّهُ، وَمَنْ يَسْتَغْنِ يُغْنِهِ اللَّهُ، وَمَنْ يَتَصَبَّرْ يُصَبِّرْهُ اللَّهُ، وَمَا أُعْطِيَ أَحَدٌ عَطَاءً خَيْرًا وَأَوْسَعَ مِنَ الصَّبْرِ»:[1]

ابوسعید خدری روایت می کند که رسول‌الله ﷺ فرمود: (گروهی از انصار، از پیامبر درخواست کمک کردند، پیامبر خواسته‌های‌شان را برآورده کرد. دوباره خواستند به آن‌ها داد تا اموالی که نزد پیامبر بود، تمام شد. آن‌گاه فرمود: (هر چه نزد من باشد بین شما تقسیم می کنم) هرگز آن را ذخیره نمی کنم. ولی هر کس از سوال کردن خوداری کند، خداوند نیازش را برآورده می کند و هر کس خودش را بی‌نیاز بداند، خداوند او را بی‌نیاز می گرداند، و هر کس صبر پیشه سازد، خداوند صبر و شکیبایی نصیبش می کند و به هیچ کس نعمتی بهتر و بزرگ‌تر از صبر داده نشده است).

[1]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۱۴۶۹ و صحیح مسلم/۱۰۵۳ و ابوداوود/۱۶۴۴

۲۵۳- عَنْ أَبی‌هُرَیْرَةَأَنَ رَسُولَ‌اللّهِﷺ قَالَ «وَالَّذی نَفْسی بِیَده لأَنْ یَأْخُذَ أَحَدُکُمْ حَبْلَهُ فَیَحْتَطِبَ عَلَی ظَهْرِه خَیْرٌ لَهُ منْ أَنْ یَأْتیَ رَجُلاً، فَیَسْأَلَهُ، أَعْطَاهُ أَوْ مَنَعَهُ»:[۱]

ابوهریره روایت می‌کند که پیامبرﷺ فرمود: (سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، اگر یکی از شما طنابش را بر دارد و به پشتش هیزم بیاورد (و آن را بفروشد و از این راه امرار معاش کند) برایش بهتر از این است که پیش کسی برود و دست نیاز دراز کند، آن هم معلوم نیست بدهد یا ندهد).

۲۵۴- و فی روایه مسلم: «لأَنْ یَغْدُوَ أَحَدُکُمْ فَیَحْطبَ عَلَی ظَهْرِه فَیَتَصَدَّقَ بِه وَیَسْتَغْنیَ بِه منَ النَاسِ خَیْرٌ لَهُ منْ أَنْ یَسْأَلَ رَجُلاً أَعْطَاهُ أَوْ مَنَعَهُ»:[۲]

و در روایت مسلم آمده: (اگر یکی از شما برود و بر پشت خود هیزم حمل کند و از این راه صدقه بدهد و خود را از مردم بی نیاز گرداند برایش از این که دست نیاز بسوی کسی دراز کند، بهتر است؛ آن هم معلوم نیست که بدهد یا ندهد!).

۲۵۵- عَنِ الزُّبَیْرِ بْنِ الْعَوَّامِ‌رضی الله عنه عَنِ النَبیﷺ قَالَ «لأَنْ یَأْخُذَ أَحَدُکُمْ حَبْلَهُ فَیَأْتیَ بحُزْمَة الْحَطَبِ عَلَی ظَهْرِهِ فَیَبِیعَهَا فَیَکُفَّ اللّهُ بِهَا وَجْهَهُ، خَیْرٌ لَهُ منْ أَنْ یَسْأَلَ النَاسَ أَعْطَوْهُ أَوْ مَنَعُوهُ».[۳]

زبیر بن عوام روایت می‌کند که پیامبر فرمود: اگر یکی از شما طنابش را بردارد و (برود و با آن) بار هیزمی را برپشت خود حمل کند و (در بازار) بفروشد که خداوند بدینوسیله آن آبروی او را حفظ کند، برایش از این‌که از مردم چیزی بخواهد، که بدهند یا ندهند، بهتر است).

۲۵۶- عَنْ عَبْداللّه بْن‌عُمَرَ أَنَ رَسُولَ اللّهﷺ قَالَ وَهُوَ عَلَی الْمنْبَر، وَذَکَرَ الصَّدَقَةَ وَالتَعَفُّفَ وَالْمَسْأَلَةَ «الْیَدُ الْعُلْیَا خَیْرٌ منَ الْیَد السُّفْلَی، فَالْیَدُ الْعُلْیَا هیَ الْمُنْفقَةُ، وَالسُّفْلَی هِیَ السَّائلَةُ».[۴]

---

[۱]. صحیح: صحیح بخاری/۱۴۷۰ و مالک (۲/۹۹۸، ش۱۸۱۵)، نسائی (۵/۹۶، ش۲۵۸۹). وبیهقی در شعب الإیمان (۳/۲۶۹، ش۳۵۰۸).

[۲]. صحیح: صحیح مسلم/۱۰۴۲ و ترمذی/۶۸۰ به همین معنا

[۳]. صحیح: صحیح بخاری/۱۴۷۱ و ابن ماجه/۱۸۳۶

[۴]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۱۴۲۹ مسلم/۲۳۴۹) مالک/۲۸۵۱، أحمد/۵۳۴۴). عبد بن حمید/۷۷۵ دارمی/۱۶۵۲ أبو داود/ ۱۶۴۸ نسائی الکبری/ ۲۳۲۴

عبدالله بن عمر روایت می کند که رسول‌الله روی منبر درباره‌ی صدقه‌دادن، خودداری کردن از درخواست کمک و سوال کردن از دیگران، سخنرانی کرد و فرمود: دست بالا از دست پایین بهتر است، دست بالا، دست انفاق کننده است و دست پایین، دست سوال کننده است [که صدقه و خیرات می گیرد].

فضیلت خود داری از سوال کردن(گدایی)

۲۵۷– عَنْ حَكِيمِ بْنِ حِزَامٍ قَالَ سَأَلْتُ النَّبِىَّ ﷺ فَأَعْطَانِى، ثُمَّ سَأَلْتُهُ فَأَعْطَانِى، ثُمَّ سَأَلْتُهُ فَأَعْطَانِى، ثُمَّ قَالَ « هَذَا الْمَالُ - وَرُبَّمَا قَالَ سُفْيَانُ قَالَ لِى يَا حَكِيمُ - إِنَّ هَذَا الْمَالَ خَضِرَةٌ حُلْوَةٌ، فَمَنْ أَخَذَهُ بِطِيبِ نَفْسٍ بُورِكَ لَهُ فِيهِ، وَمَنْ أَخَذَهُ بِإِشْرَافِ نَفْسٍ لَمْ يُبَارَكْ لَهُ فِيهِ، وَكَانَ كَالَّذِى يَأْكُلُ وَلاَ يَشْبَعُ، وَالْيَدُ الْعُلْيَا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى»:[1]

حکیم بن حزام روایت می کند که از پیامبر درخواست (صدقه) کردم، به من داد، دوباره درخواست کردم، به من داد، بار سوم که درخواست کردم و به من(صدقه) داد. گفت: ای حکیم! مال دنیا، جذاب و شیرین است، هر کس آن را با خوشنودی بگیرد، برایش با برکت می گردد، و هر کس آن را با حرص و طمع جمع کند، در آن برکتی نیست و مانند: کسی است که می‌خورد و سیر نمی‌شود و دست بالا از دست پایین بهتر است.

۲۵۸– عن عَوْفُ بْنُ مَالِكٍ الأَشْجَعِىُّ قَالَ كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ تِسْعَةً أَوْ ثَمَانِيَةً أَوْ سَبْعَةً فَقَالَ «أَلاَ تُبَايِعُونَ رَسُولَ اللَّهِ» وَكُنَّا حَدِيثَ عَهْدٍ بِبَيْعَةٍ فَقُلْنَا قَدْ بَايَعْنَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ. ثُمَّ قَالَ «أَلاَ تُبَايِعُونَ رَسُولَ اللَّهِ». فَقُلْنَا قَدْ بَايَعْنَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ. ثُمَّ قَالَ «أَلاَ تُبَايِعُونَ رَسُولَ اللَّهِ». قَالَ فَبَسَطْنَا أَيْدِيَنَا وَقُلْنَا قَدْ بَايَعْنَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَعَلاَمَ نُبَايِعُكَ قَالَ «عَلَى أَنْ تَعْبُدُوا اللَّهَ وَلاَ تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَالصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ وَتُطِيعُوا - وَأَسَرَّ كَلِمَةً خَفِيَّةً - وَلاَ تَسْأَلُوا النَّاسَ شَيْئًا ». فَلَقَدْ رَأَيْتُ بَعْضَ أُولَئِكَ النَّفَرِ يَسْقُطُ سَوْطُ أَحَدِهِمْ فَمَا يَسْأَلُ أَحَدًا يُنَاوِلُهُ إِيَّاهُ.[2]

---

[1]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۱۴۷۲و صحیح مسلم/۱۰۳۵

[2]. صحیح: صحیح مسلم/۲۴۵۰ و أبوداود/۱۶۴۲ و نسائی/۴۵۹

عوف بن مالک أشجعی می گوید: نه، هشت و یا هفت نفر پیش پیامبر بودیم که خطاب به ما گفت: آیا با رسول خدا بیعت نمی کنید؟ گفتیم: ای رسول خدا ما با شما بیعت کردیم. دوباره گفت: آیا با رسول‌خدا بیعت نمی کنید؟ گفتیم: ای رسول خدا ما [قبلا] با شما بیعت کردیم، بر چه چیز با شما بیعت کنیم؟ فرمود: (با من بیعت کنید که) الله را عبادت کنید و هیچ چیز را شریک او نسازید، نمازهای پنج گانه را ادا کنید، از حاکمان (مسلمان‌تان) اطاعت نمایید - یک جمله‌ی آهسته گفت- و از مردم چیزی نخواهید. (راوی گوید) یکی از همان افراد را دیدم که (سوار بر مرکب بود و) شلاق از دستش افتاد و از کسی نخواست شلاقش را بدهد.

۲۵۹- عن ابْنِ مَسْعُود قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَنْ أَصَابَتْهُ فَاقَةٌ فَأَنْزَلَهَا بِالنَّاسِ لَمْ تُسَدَّ فَاقَتُهُ وَمَنْ أَنْزَلَهَا بِاللَّهِ أَوْشَكَ اللَّهُ لَهُ بِالْغِنَى إِمَّا بِمَوْتٍ عَاجِلٍ أَوْ غِنًى عَاجِلٍ».[۱]

از ابن مسعود روایت است که رسول الله فرمود: (هر کس مبتلا به دست‌تنگی و فقر شدید شود، اما از مردم کمک بخواهد، نیازمندی‌اش بر طرف نخواهد شد اما هر کس (در صورت مبتلا شدن به فقر و تنگ دستی) از الله بخواهد کمکش کند (و نیازش را طرف نماید) بزودی الله او را بی‌نیاز خواهد کرد، چه با مرگ زود هنگام (در صورتی که مرگش فرا رسیده باشد) یا بزودی او را (با کمک و یاری خود) بی نیاز می گرداند).

۲۶۰- عن ثَوْبَانُ مَوْلَى رَسُول اللَّه قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَنْ تَكَفَّلَ لِي أَنْ لاَ يَسْأَلَ النَّاسَ شَيْئًا وَأَتَكَفَّلَ لَهُ بِالْجَنَّةِ». فَقَالَ ثَوْبَانُ أَنَا. فَكَانَ لاَ يَسْأَلُ أَحَدًا شَيْئًا.[۲]

ثوبان مولای رسول‌الله روایت می کند که پیامبر فرمود: (هر کس به من تضمین دهد که از مردم چیزی نخواهد (گدایی نکند) من ضمانت می کنم (که خداوند) بهشت را به او عطا کند. ثوبان گوید، من گفتم: من تعهد می کنم (که از کسی چیزی نخواهم) لذا او هیچ گاه از مردم چیزی درخواست نمی کرد).

---

[۱]. صحیح: صحیح ابوداود/۱۶۴۷، ترمذی ش/۲۳۲۶ و می‌گوید: حسن، صحیح غریب و الصحیحة/۲۷۸۷

[۲]. صحیح: صحیح ابوداود/۱۶۴۳، طبرانی (۹۸/۲ ، ش ۱۴۳۳) ، حاکم (۵۷۱/۱ ، ش ۱۵۰۰) ، و مسند أحمد (۲۷۵/۵ ، ش۲۲۴۲۰) .

۲۶۱- عَنْ سَمُرَةَ بْنِ جُنْدَب قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِﷺ «إِنَّ الْمَسْأَلَةَ كَدٌّ يَكُدُّ بِهَا الرَّجُلُ وَجْهَهُ إِلاَّ أَنْ يَسْأَلَ الرَّجُلُ سُلْطَانًا أَوْ فِى أَمْرٍ لاَ بُدَّ مِنْهُ»:[۱]

سمره‌بن جندب می گوید، پیامبر فرمود: گدایی کردن مانند: این است که شخص (با هر بار سوال نمودن) در چهره‌اش زخمی(خراشی) ایجاد می کند، بجز آن شخصی که از حاکم و یا از روی ناچاری چیزی طلب می کند.

۲۶۲- عَنْ عَائذ بْنِ عَمْرو أَنَّ رَجُلاً أَتَى النَّبِىَّﷺ فَسَأَلَهُ فَأَعْطَاهُ فَلَمَّا وَضَعَ رِجْلَهُ عَلَى أُسْكُفَّةِ الْبَابِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِﷺ «لَوْ تَعْلَمُونَ مَا فِى الْمَسْأَلَةِ مَا مَشَى أَحَدٌ إِلَى أَحَد يَسْأَلُهُ شَيْئًا».[۲]

عائذ بن عامر می گوید: (مردی خدمت پیامبر آمد و درخواست کمک کرد، پیامبر به او(مقداری از مال صدقه) داد.(آن مرد خواست برود) همین که پایش را روی چارچوبه در گذاشت (که خارج شود) فرمود: اگر می‌دانستید سوال کردن چقدر بد است، هرگز کسی نزد کسی دیگر برای خواستن چیزی (به عنوان گدایی) نمی‌رفت).

فضیلت نیکی به پدر و مادر

۲۶۳- عن عَبْد اللَّه قَالَ سَأَلْتُ النَّبِىَّﷺأَىُّ الْعَمَل أَحَبُّ إِلَى اللَّه قَالَ «الصَّلاَةُ عَلَى وقْتها». قَالَ ثُمَّ أَىٌّ قَالَ «ثُمَّ برُّ الْوَالدَيْن». قَالَ ثُمَّ أَىّ قَالَ «الْجِهَادُ فِى سَبِيلِ اللَّه». قَالَ حَدَّثَنِى بِهِنَّ وَلَو اسْتَزَدْتُهُ لَزَادَنى.[۳]

عبدالله‌بن مسعود می گوید، از رسول‌اللهﷺ پرسیدم: (چه عملی نزد خداوند متعال محبوب‌تر است؟ فرمود: ادا کردن نماز در وقتش، گفتم: بعد از آن چه عملی محبوب‌تر است؟ فرمود نیکی کردن به پدر و مادر. گفتم: بعد از آن؟ فرمود: جهاد

---

[۱]. صحیح: صحیح ترمذی/۶۸۱) و می گوید: حسن صحیح. نسائی (۵/۱۰۰، ش۲۶۰۰)، و ابن حبان (۸/۱۸۱، ش ۳۳۸۶)

[۲]. حسن: صحیح وضعیف سنن النسائی/۲۵۸۶ و التعلیق الرغیب (۳ / ۳)

[۳]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۵۹۷۱ وکتاب مواقیت الصلاة: باب فضل الصلاة لوقتها، اللؤلؤ والمرجان فیما اتفق علیه الشیخان/۵۲ و مسلم/۸۵

در راه خدا. گفت این‌ها را رسول‌خدا به من گفت، اگر بیشتر سوال می کردم، چیزهای بیشتر می گفت).

۲۶۴- عَنْ أَبی‌هُرَیْرَةَ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَی رَسُول اللَّهﷺ فَقَالَ یَا رَسُولَ اللَّـه مَـنْ أَحَقُّ بِحُسْنِ صَحَابَتِی قَالَ «أُمُّکَ». قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ «أُمُّکَ». قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ «أُمُّکَ». قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ «ثُمَّ أَبُوکَ».[1]

ابوهریره می گوید، مردی پیش پیامبر آمد و گفت: (ای رسول‌خدا! چه کسی از همه سزاوارتر است که به او خوبی کنم؟ فرمود: مادرت. گفت: بعد از او؟ گفت: مادرت. گفت: بعد از او؟ فرمود: پدرت!)

۲۶۵- و فی لفظ مسلم عَنْ أَبی‌هُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَجُلٌ یَا رَسُولَ اللَّـه مَـنْ أَحَـقُّ بِحُسْنِ الصُّحْبَة قَالَ «أُمُّکَ ثُمَّ أُمُّکَ ثُمَّ أُمُّکَ ثُمَّ أَبُوکَ ثُمَّ أَدْنَاکَ أَدْنَاکَ».[2]

و در روایت مسلم آمده: از ابوهریره روایت است که مردی پیش پیامبر آمد و گفت: (ای رسول‌خدا! چه کسی از همه سزاوارتر است که به او خوبی کنم؟ فرمود: مادرت، سپس مادرت، سپس مادرت، بعد از او پدرت. و بعد از این دو به ترتیب هرکس در خویشاوندی به تو نزدیک‌تر است).

۲۶۶- عَنْ عَبْد اللَّه بْنِ عَمْرو قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَی [3] لِلنَّبِیﷺ أُجَاهِدُ قَالَ: «أَلَکَ أَبَوَانِ». قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: «فَفِیهِمَا فَجَاهِدْ».[4]

عبدالله بن عمرو روایت می کند که: (مردی به رسول‌الله گفت: آیا می‌توانم به جهاد بروم؟ فرمود: آیا پدر و مادر داری؟ گفت: آری. فرمود: در خدمت کردن به آن دو جهاد کن).

۲۶۷- عَنْ أَبی‌هُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهﷺ «رَغِمَ أَنْفُهُ ثُمَّ رَغِمَ أَنْفُهُ ثُمَّ رَغِمَ أَنْفُهُ». قِیلَ مَنْ یَا رَسُولَ اللَّه قَالَ «مَنْ أَدْرَکَ وَالِدَیْه عِنْدَ الْکِبَرِ أَحَدَهُمَا أَوْ کِلَیْهِمَا ثُمَّ لَمْ یَدْخُلِ الْجَنَّةَ».[1]

---

[1]. صحیح: صحیح بخاری/۵۹۷۱ و صحیح مسلم/۲۵۴۸ و این متن روایت بخاری است.
[2]. صحیح: صحیح مسلم/۶۶۶۵
[3]. در بخاری و مسلم باین صورت است: « جَاءَ رَجُلٌ إِلَی النَّبِیِّ »
[4]. صحیح: صحیح بخاری/۳۰۰۴، ابوداود/۲۵۳۱ و در صحیح مسلم/۲۵۴۹ با اندک تفاوتی در الفاظ

ابوهریره روایت می کند که پیامبر فرمود: (بینی‌اش خاک‌آلود باد! بینی‌اش خاک‌آلود باد! پرسیدند: بینی چه کسی (خاک‌آلود باد) ای رسول‌خدا؟ فرمود: کسی که پدر یا مادر یا هر دو آن‌ها را در پیری دریابد و (به خاطر نیکی به آن‌ها) وارد بهشت نشود).

۲۶۸- عَن عبدالله ابْنِ عُمَرَ. قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ «إِنَّ مِنْ أَبَرِّ الْبِرِّ صِلَةَ الرَّجُلِ أَهْلَ وُدِّ أَبِيهِ بَعْدَ أَنْ يُوَلِّيَ»:[۲]

عبدالله بن‌عمر می گوید، شنیدم رسول الله می‌فرماید: (یکی از بهترین نوع پیوند خویشاوندی این است که بعد از وفات پدر، رابطه دوستی با دوستان پدرش را حفظ کنند).

۲۶۹- عن مُعَاوِيَةَ بْنِ حَيْدَةَ الْقُشَيْرِيُّ قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ أَبَرُّ قَالَ «أُمَّكَ». قَالَ قُلْتُ ثُمَّ مَنْ قَالَ «أُمَّكَ». قَالَ قُلْتُ ثُمَّ مَنْ قَالَ «أُمَّكَ». قَالَ قُلْتُ ثُمَّ مَنْ قَالَ «ثُمَّ أَبَاكَ ثُمَّ الأَقْرَبَ فَالأَقْرَبَ»:[۳]

معاویه بن حیده قشیری روایت می کند که گفتم: (ای رسول‌خدا به چه کسی نیکی کنم؟ فرمود: مادرت. گوید: گفتم: بعد از او؟ فرمود: مادرت. گوید: گفتم: بعد از او؟ فرمود: مادرت. گوید: گفتم: بعد از او؟ فرمود: پدرت و بعد از او به ترتیب به کسانی که در خویشاوندی به تو نزدیک‌ترند).

۲۷۰- عَنْ عَبْدِاللَّهِ بْنِ عَمْرٍو عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ «رِضَا الرَّبِّ فِي رِضَا الْوَالِدِ وَسَخَطُ الرَّبِّ فِي سَخَطِ الْوَالِدِ»:[۴]

---

[۱]. صحیح: صحیح مسلم/۲۵۵۱ و ترمذی /۳۵۴۵

[۲]. صحیح: صحیح مسلم/۲۵۵۲ و ابوداود/۵۱۴۳

[۳]. حسن: سنن ترمذی/۲۰۱۸ و أبوداود (۴/۳۳۶ ش۵۱۳۹) و ترمذی (۴/۳۰۹، ش۱۸۹۷) و می گوید: حسن است. و المشکاة (۴۹۲۹)

[۴]. حسن: صحیح و ضعیف الترمذی/۱۸۹۹ مختصر کتاب (تراجع العلامة الألبانی فیما نص علیه تصحیحا وتضعیفا) می‌گوید: با مجموع طرق به درجه‌ی حسن می‌رسد. نگا: صحیح الترغیب/۲۵۰۱ و الادب المفرد/۲/ وصحیح الجامع/۳۵۰۶.

از عبدالله بن عمرو روایت است که پیامبر فرمود: (خوشنودی پروردگار به خشنودی پدر و مادر بستگی دارد و ناراضی خداوند به عدم رضایت پدر و مادر بستگی دارد).

۲۷۱- عَنْ أَبِی‌الدَّرْدَاءِ أَنَّ رَجُلاً أَتَاهُ فَقَالَ إِنَّ لِی امْرَأَةً وَإِنَّ أُمِّی تَأْمُرُنِی بِطَلاَقِهَا. قَالَ أَبُوالدَّرْدَاء سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ «الْوَالِدُ أَوْسَطُ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَإِنْ شِئْتَ فَأَضِعْ ذَلِکَ الْبَابَ أَوِ احْفَظْهُ».[1]

از ابودردا روایت است که مردی پیش او آمد و گفت: (من همسری دارم که مادرم، از من خواسته او را طلاق دهم. ابودردا گفت: شنیدم پیامبر می‌فرمود: پدر(و مادر) دروازه‌ی وسطی بهشت است، (با توست که) آن را ضایع یا حفظ کنی).

فضیلت نیکی به خاله

۲۷۲- عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ عَنِ النَّبِیِّ ﷺ قَالَ «الْخَالَةُ بِمَنْزِلَةِ الأُمِّ».[2]

از براء بن‌عازب روایت است که پیامبر فرمود: خاله بمنزله‌ی مادر است.

۲۷۳- عَنِ ابْنِ عُمَرَ أَنَّ رَجُلاً أَتَى النَّبِیَّ ﷺ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّی أَصَبْتُ ذَنْبًا عَظِيمًا فَهَلْ لِی مِنْ تَوْبَةٍ قَالَ «هَلْ لَکَ مِنْ أُمٍّ». قَالَ لاَ. قَالَ «هَلْ لَکَ مِنْ خَالَةٍ». قَالَ نَعَمْ. قَالَ «فَبِرَّهَا».[3]

ابن عمر روایت می کند که مردی نزد پیامبر آمد و گفت: (ای رسول‌خدا! من مرتکب گناه بزرگی شده‌ام، آیا می‌توانم توبه کنم؟ فرمود: آیا مادر داری؟ گفت: خیر. دوباره گفت: آیا خاله داری؟ گفت: آری، فرمود: پس به او نیکی کن).

---

[1]. صحیح: صحیح و ضعیف الترمذی/۱۹۰۰، الصحیحة (۹۱۰) و المشکاة (۴۹۲۸ / التحقیق الثانی)

[2]. صحیح: بخاری (۲/۹۶۰، ش۲۵۵۲)در بخاری در دو جا ضمن روایت طولانی به روایت براءب عازب آمده است. صحیح ترمذی/۲۰۲۶، والترمذی (۳۱۳/۴، ش ۱۹۰۴) و می گوید: صحیح . وابن حبان (۲۲۹/۱۱، ش۴۸۷۳)، نسائی در الکبری (۱۶۸/۵، ش ۸۵۷۸)، و بیهقی (۵/۸، ش ۱۵۵۴۶)

[3]. صحیح: ضحیح ترمذی/۲۰۲۷ و صحیح الترغیب والترهیب/ ۲۵۰۴

فضیلت رعایت پیوند خویشاوندی(نیکی به خویشاوندان)

۲۷۴- عَنْ أَنَس بْن مَالک قَالَ سَمعْتُ رَسُولَ اللَّهﷺ يَقُولُ «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُبْسَطَ لَهُ رِزْقُهُ أَوْ يُنْسَأَ لَهُ فِي أَثَرِه فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ».[۱]

انس‌بن مالك روايت مى كند كه رسول‌اللهﷺ فرمود: هر كس مى‌خواهد روزى‌اش زياد شود و عمرش طولانى گردد، بايد صله‌ى رحم (پيوند خويشاوندى) را رعايت كند.

۲۷۵- عن جُبَيْرَ بْنَ مُطْعِمٍ أَخْبَرَهُ أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ «لاَ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعٌ».[۲]

از جبيربن مطعم روايت است كه پيامبر فرمود: هر كس رابطه‌ى خويشاوندى (صله‌ى رحم) را قطع كند، وارد بهشت نمى‌شود.

۲۷۶- عَنْ عَبْد الرَّحْمَن بْن عَوْف قَالَ سَمعْتُ رَسُولَ اللَّهﷺيَقُولُ «قَالَ اللَّهُ أَنَا الرَّحْمَنُ وَهِيَ الرَّحِمُ شَقَقْتُ لَهَا اسْمًا مِنَ اسْمِي مَنْ وَصَلَهَا وَصَلْتُهُ وَمَنْ قَطَعَهَا بَتَتُّهُ».[۳]

عبدالرحمان بن عوف مى‌گويد، شنيدم رسول‌الله مى‌فرمايد: الله تعالى فرموده است، من رحمان هستم و اين رحم است كه براى آن نامى از نام خودم گرفتم، لذا هركس پيوند خويشاوندى(صله‌ى رحم) را بر قرار كند، من با وى رابطه بر قرار مى‌كنم و هركس قطع صله‌ى رحم كند، من با او قطع رابطه مى‌كنم).

۲۷۷- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ سَمعْتُ رَسُولَ اللَّهﷺ يَقُولُ «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُبْسَطَ لَهُ فِي رِزْقِه، وَأَنْ يُنْسَأَ لَهُ فِي أَثَرِه، فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ»[۴]

ابوهريره روايت مى‌كند كه شنيدم پيامبر فرمود: هر كس مى‌خواهد: روزى‌اش زياد و نسلش بابركت شود، صله‌ى رحم (پيوند خويشاوندى را) رعايت كند).

---

۱. صحيح: متفق عليه: صحيح بخارى/۲۰۶۷ و صحيح مسلم/۲۵۵۶.
۲. صحيح: متفق عليه: صحيح بخارى/۵۶۳۸، ومسلم (۴/۱۹۸۱، ش ۲۵۵۶)، والترمذى (۴/۳۱۶، ش ۱۹۰۹)
۳. صحيح: صحيح ابوداود/۱۶۹۶و السلسلة الصحيحة مختصرة/۵۲۰
۴. صحيح: صحيح بخارى/۵۶۳۹ و صحيح الترغيب/۲۵۲۰

۲۷۸- عَنْ أَبِی‌هُرَیْرَةَ عَنِ النَّبِیِّ ﷺ قَالَ «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْخَلْقَ حَتَّى إِذَا فَرَغَ مِنْ خَلْقِه، قَالَتِ الرَّحِمُ هَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِکَ مِنَ الْقَطِیعَة. قَالَ نَعَمْ أَمَا تَرْضَیْنَ أَنْ أَصِلَ مَنْ وَصَلَکَ. وَأَقْطَعَ مَنْ قَطَعَکَ. قَالَتْ بَلَى یَا رَبِّ. قَالَ فَهُوَ لَکِ». قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «فَاقْرَءُوا إِنْ شِئْتُمْ (فَهَلْ عَسَیْتُمْ إِنْ تَوَلَّیْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِی الأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَکُمْ).[1]

ابوهریره روایت می کند که رسول الله فرمود: خداوند مخلوقات را آفرید تا این که از آفرینش آن‌ها فارغ شد، رحم گفت: این مقام پناه آورنده به تو از قطع صله‌ی رحم است، خداوند فرمود: آری (همین طور است) آیا به این راضی نیستی که هرکس تو را وصل کند با او رابطه برقرار کنم و هرکس تو را قطع کند، با او قطع رابطه کنم؟ گفت: آری (راضی هستم) خداوند فرمود: این برایت محفوظ خواهد ماند).

پیامبر فرمود: اگر خواستید این آیه را تلاوت کنید: «فَهَلْ عَسَیْتُمْ إِنْ تَوَلَّیْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِی الأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَکُمْ»: (آیا اگر روی گردان شوید، جز این انتظار دارید که در زمین، فساد و قطع صله‌ی رحم کنید.) «سوره‌ی محمد/۲۲»

۲۷۹- عَنْ أَبِی‌هُرَیْرَةَ رضی الله عنه عَنِ النَّبِیِّ ﷺ قَالَ «إِنَّ الرَّحِمَ شُجْنَةٌ مِنَ الرَّحْمَنِ، فَقَالَ اللَّهُ مَنْ وَصَلَکَ وَصَلْتُهُ، وَمَنْ قَطَعَکَ قَطَعْتُهُ».[2]

ابوهریره روایت می کند که پیامبر ﷺ فرمود: رحم از رحمان گرفته شده است، لذا خداوند متعال فرمود: هرکس تو را وصل کند با او رابطه برقرار می کنم و هر کس تو را قطع نکند با او قطع رابطه می کنم.

۲۸۰- عَنْ عَائِشَةَ رضی الله عنها زَوْجِ النَّبِیِّ عَنِ النَّبِیِّ ﷺ قَالَ «الرَّحِمُ شِجْنَةٌ، فَمَنْ وَصَلَهَا وَصَلْتُهُ، وَمَنْ قَطَعَهَا قَطَعْتُهُ».[3]

---

[1]. صحیح: صحیح بخاری/۵۹۸۷ و مسلم/۱۵۵۴ به همین معنا
[2]. صحیح: صحیح بخاری/۵۹۸۸ و مشکاة المصابیح/۴۹۲۰
[3]. صحیح: صحیح بخاری/۵۹۸۹

عائشه روایت می کند که پیامبر فرمود: رحم از رحمان گرفته شده است، هر کس آن را وصل کند با او رابطه برقرار می کنم و هر کس آن(صلهی رحم) را قطع کند، با او قطع رابطه می کنم.

۲۸۱- عَنْ عَبْدِاللَّه بْنِ عَمْرو عَنِ النَّبِیِّ قَالَ «لَیْسَ الْوَاصِلُ بِالْمُکَافِئ، وَلَکِنِ الْوَاصِلُ الَّذِی إِذَا قَطَعَتْ رَحِمُهُ وَصَلَهَا»[1]

عبدالله‌بن عمرو روایت می کند که رسول‌الله فرمود: (وصل کننده‌ی(صله‌ی رحم) آن کسی نیست که فقط جبران کند (یعنی: اگر خویشاوندان با او رابطه برقرارکنند او نیز متقابلاً با آن‌ها رابطه بگیرد) بلکه وصل کننده کسی است که هرگاه پیوند خویشاوندی قطع شود آن را وصل کند).

۲۸۲- عَنْ أَبِی‌هُرَیْرَةَ أَنَّ رَجُلاً قَالَ یَا رَسُولَ اللَّه إِنَّ لِی قَرَابَةً أَصِلُهُمْ وَیَقْطَعُونِی وَأُحْسِنُ إِلَیْهِمْ وَیُسِیئُونَ إِلَیَّ وَأَحْلُمُ عَنْهُمْ وَیَجْهَلُونَ عَلَیَّ. فَقَالَ «لَئِنْ کُنْتَ کَمَا قُلْتَ فَکَأَنَّمَا تُسِفُّهُمُ الْمَلَّ وَلاَ یَزَالُ مَعَکَ مِنَ اللَّه ظَهِیرٌ عَلَیْهِمْ مَا دُمْتَ عَلَی ذَلِکَ».[2]

ابوهریره روایت می کند، که مردی به رسول‌الله گفت: (ای رسول‌خدا! من خویشاوندانی دارم که با آن‌ها رابطه می گیرم، آن‌ها با من قطع رابطه می کنند، به آن‌ها خوبی می کنم آن‌ها به من بدی می کنند، من بردباری می کنم و آن‌ها نسبت به من جهالت و بی‌احترامی می کنند. فرمود: اگر آن‌ها این‌گونه‌اند که تو گفتی، چنان به نظر می‌رسد که آن‌ها افراد بی‌خردی هستند و همواره تا این‌گونه باشی، یاری و کمک الله با توست).

۲۸۳- عَنْ عَبْد اللَّه بْنِ عَمْرو قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «الرَّاحِمُونَ یَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ ارْحَمُوا مَنْ فِی الأَرْضِ یَرْحَمْکُمْ مَنْ فِی السَّمَاءِ الرَّحِمُ شُجْنَةٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَمَنْ وَصَلَهَا وَصَلَهُ اللَّهُ وَمَنْ قَطَعَهَا قَطَعَهُ اللَّهُ»[3] قَالَ أَبُو عِیسَی هَذَا حَدِیثٌ حَسَنٌ صَحِیحٌ.

---

[1]. صحیح: صحیح بخاری/۵۹۹۱، أبوداود (۱۳۳/۲، ش ۱۶۹۷) ، ترمذی (۳۱۶/۴ ، ش ۱۹۰۸) و مسند أحمد (۱۹۳/۲ ، ش ۶۸۱۷).

[2]. صحیح: صحیح مسلم/۲۵۵۸) و ابن حبان (۱۹۵/۲، ش ۴۵۰) .

[3]. صحیح: صحیح ترمذی/۲۰۴۹، صحیح وضعیف سنن أبی داود/۴۹۴۱، صحیح الترمذی (۲۰۰۶) و صحیح الجامع (۳۵۲۲)

عبدالله بن عمر گوید، رسول‌الله فرمود: (خداوند رحمن به افراد مهربان و دل‌سوز، ترحم می‌کند، پس به کسانی که در زمین هستند، رحم کنید، آن ذاتی که در آسمان است، به شما رحم می‌کند، و رحم از رحمن گرفته شده است، هر کس آن را وصل کند، خداوند با او رابطه برقرار می‌کند و هر کس آن را قطع کند خداوند با او قطع رابطه می‌کند).

۲۸۴- عَنْ أَبِی‌هُرَیْرَةَ عَنِ النَّبِیِّ ﷺ قَالَ «تَعَلَّمُوا مِنْ أَنْسَابِکُمْ مَا تَصِلُونَ بِهِ أَرْحَامَکُمْ فَإِنَّ صِلَةَ الرَّحِمِ مَحَبَّةٌ فِی الأَهْلِ مَثْرَاةٌ فِی الْمَالِ مَنْسَأَةٌ فِی الأَثَرِ».[۱] قَالَ أَبُو عِیسَى هَذَا حَدِیثٌ غَرِیبٌ مِنْ هَذَا الْوَجْهِ. وَمَعْنَى قَوْلِهِ «مَنْسَأَةٌ فِی الأَثَرِ». یَعْنِی: زِیَادَةً فِی الْعُمُرِ.

ابوهریره روایت می‌کند که پیامبر فرمود: (نسب شناسی را که بوسیله آن پیوند خویشاوندی‌تان را برقرار می‌کنید، بیاموزید، چون صله‌ی رحم موجب می‌شود پیوند دوستی در خانواده ایجاد شود و مال‌تان نیز افزون خواهد شد و عمرتان طولانی می‌گردد).

فضیلت تلاش برای کمک به بیوه زنان، یتیمان، دختران و خواهران

۲۸۵- عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «السَّاعِی عَلَى الأَرْمَلَةِ وَالْمِسْکِینِ کَالْمُجَاهِدِ فِی سَبِیلِ اللَّهِ - وَأَحْسِبُهُ قَالَ- کَالْقَائِمِ لاَ یَفْتُرُ، وَکَالصَّائِمِ لاَ یُفْطِرُ»[۲]

و فی لَفظ البخاری «أَوْ کَالَّذِی یَصُومُ النَّهَارَ وَیَقُومُ اللَّیْلَ»[۳]

از ابوهریره روایت است که پیامبر فرمود: (کسی که تلاش می‌کند به بیوه زنان و مساکین کمک کند، همانند کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند، گمان می‌کنم فرمود: و مانند کسی است که شب‌ها تا صبح بدون خستگی عبادت می‌کند و روزها روزه است).

---

[۱]. صحیح: سنن ترمذی/۲۱۰۷، صحیح وضعیف سنن الترمذی ۱۹۷۹ و الصحیحة (۲۷۶)

[۲]. صحیح: صحیح بخاری/۶۰۰۷ و صحیح مسلم/۲۹۸۲

[۳]. صحیح بخاری/۵۵۴۷ بَاب السَّاعِی عَلَى الْأَرْمَلَةِ و صحیح و ضعیف سنن ترمذی/۱۹۶۹ البته راوی این قسمت از روایت صفوان بن سلیم است.

و در روایتی در بخاری آمده: (یا مانند: کسی که روزها روزه می گیرد و شب‌ها عبادت می کند)

۲۸۶- عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «کَافِلُ الْیَتِیمِ لَهُ أَوْ لِغَیْرِهِ أَنَا وَهُوَ کَهَاتَیْنِ فِی الْجَنَّةِ». وَأَشَارَ [مَالِکٌ] بِالسَّبَّابَةِ وَالْوُسْطَى»:[۱]

ابوهریره روایت می کند که رسول‌الله فرمود: (سرپرست یتیم؛ چه یتیم از خودش باشد و یا از کسی دیگر، با من در بهشت همانند این دو انگشت (نزدیک) است).

۲۸۷- عَنْ سَهْلٍ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «أَنَا وَکَافِلُ الْیَتِیمِ فِی الْجَنَّةِ هَکَذَا. وَأَشَارَ بِالسَّبَّابَةِ وَالْوُسْطَى»[۲]

سهل‌بن سعد گوید، رسول‌الله فرمود: من و سرپرست یتیم در بهشت این گونه هستیم. با دو انگشت: سبابه و وسطی اشاره کرد.

۲۸۸- عن عَائِشَةَ زَوْجَ النَّبِیِّ ﷺ قَالَتْ جَاءَتْنِی امْرَأَةٌ مَعَهَا ابْنَتَانِ تَسْأَلُنِی، فَلَمْ تَجِدْ عِنْدِی غَیْرَ تَمْرَةٍ وَاحِدَةٍ، فَأَعْطَیْتُهَا إِیَّاهَا، فَقَسَمَتْهَا بَیْنَ ابْنَتَیْهَا، ثُمَّ قَامَتْ فَخَرَجَتْ، فَدَخَلَ النَّبِیُّ فَحَدَّثْتُهُ فَقَالَ «مَنْ بُلِیَ مِنْ هَذِهِ الْبَنَاتِ شَیْئًا فَأَحْسَنَ إِلَیْهِنَّ کُنَّ لَهُ سِتْرًا مِنَ النَّارِ»:[۳]

عائشه روایت می کند که: (زنی با دو دختر به خانه من آمد و درخواست چیزی کرد، بجز یک دانه خرما چیزی در خانه من نبود، آن را به او دادم. آن زن خرما را بین دو دخترش تقسیم کرد و خودش چیزی نخورد و رفت. پیامبر که آمد ماجرا را برایش تعریف کردم، فرمود هرکس به وسیله چند دختر مورد آزمایش قرار گیرد و به آن‌ها خوبی کند (و به خوبی آن‌ها را تربیت نماید) آن‌ها برایش مانعی در برابر آتش جهنم می‌شوند).

---

[۱]. صحیح: صحیح مسلم/۷۵۷۸) و مسند أحمد ۳۷۵/۲ (۸۸۶۸)
[۲]. صحیح: صحیح بخاری/۶۰۰۵ و مسند أحمد (۳۳۳/۵، ش۲۲۸۷۱)
[۳]. صحیح: صحیح بخاری/۵۹۹۵ در بخاری بدون «إِیَّاهَا» و با لفظ «یَلِی» به جای «بُلِیَ» و صحیح مسلم/۲۶۲۹ با اندک تفاوتی در الفاظ

۲۸۹- عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِک قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَنْ عَالَ جَارِيَتَيْنِ حَتَّى تَبْلُغَا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَا وَهُوَ». وَضَمَّ أَصَابِعَهُ.[1]

انس‌بن مالک روایت می‌کند که رسول‌الله فرمود: (هرکس دو دختر را تا سن بلوغ سرپرستی و مراقبت کند، در روز قیامت در حالی حشر می‌شود که با من این‌گونه است و هر دو انگشتش را بهم چسباند).

و فی الترمذی «مَنْ عَالَ جَارِيَتَيْنِ دَخَلْتُ أَنَا وَهُوَ الْجَنَّةَ كَهَاتَيْنِ». وَأَشَارَ بِأَصْبُعَيْهِ.[2]

و در ترمذی آمده: («هر کس دو دختر را سرپرستی کند، من با او همانند این دو انگشت [در کنار هم] وارد بهشت می‌شویم». با دو انگشت خود اشاره کرد).

۲۹۰- عن عُقْبَةَ بْنَ عَامر يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ «مَنْ كَانَ لَهُ ثَلَاثُ بَنَات فَصَبَرَ عَلَيْهِنَّ وَأَطْعَمَهُنَّ وَسَقَاهُنَّ وَكَسَاهُنَّ مِنْ جِدَتِهِ - كُنَّ لَهُ حِجَابًا مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»[3]

عقبه‌بن عامر گوید، شنیدم رسول‌الله فرمود: (هرکس سه دختر داشته باشد و (در تربیت‌شان) صبر کند و از دست‌رنج خود به آن‌ها غذا و آب دهد و لباس بپوشاند، در روز قیامت مانعی برایش از رفتن به جهنم خواهد شد).

۲۹۱- عَنْ ابْنِ عَبَّاس قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْه وَسَلَّمَ «مَا مِنْ رَجُلٍ تُدْرِكُ لَهُ ابْنَتَانِ فَيُحْسِنُ إِلَيْهِمَا مَا صَحِبَتَاهُ أَوْ صَحِبَهُمَا إِلَّا أَدْخَلَتَاهُ الْجَنَّةَ»:[4]

ابن عباس روایت می‌کند که رسول الله می‌فرماید: (هر مردی که دو دختر نصیبش شود و تا با او هستند یا او را همراهی کنند، به آن‌ها خوبی کند، او را وارد بهشت می‌گردانند).

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۲۶۳۱) و ترمذی (۴/۳۱۹، ش۱۹۱۴) و می‌گوید: «حسن غریب»

[2]. صحیح: سنن ترمذی/۲۰۳۸ و می‌گوید: «حَسَنٌ غَرِيبٌ»

[3]. صحیح: صحیح ابن ماجه/۳۸۰۰ و صحیح الجامع۶۳۶۴ و الصحیحة/۲۹۳ و۱۰۲۷

[4]. حسن: مختصرکتاب (الإعلام بآخر أحكام الألباني الإمام)ش۲۰۸ می‌نویسد: ابتدا در ضعیف الجامع/۵۲۱۶ ضعیف دانسته و سپس در الصحیحة/۲۷۷۶ حسن دانسته است.

فضیلت قرض دادن به مؤمنان

۲۹۲- عَنِ ابْنِ مَسْعُود أَنَّ النَّبِیَّﷺ قَالَ «مَا مِنْ مُسْلِمٍ یُقْرِضُ مُسْلِمًا قَرْضًا مَرَّتَیْنِ إِلاَّ کَانَ کَصَدَقَتِهَا مَرَّةً»[1]

ابن مسعود روایت می‌کند که رسول‌الله فرمود: هیچ مسلمانی نیست که به (برادر) مسلمانش قرض بدهد، مگر این‌که برایش ثواب صدقه دادن یک بار نوشته خواهد شد).

فضیلت کسی که بده‌کاری را مهلت دهد، یا طلب خود را ببخشد

۲۹۳- عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِﷺ قَالَ «کَانَ الرَّجُلُ یُدَایِنُ النَّاسَ، فَکَانَ یَقُولُ لِفَتَاهُ إِذَا أَتَیْتَ مُعْسِرًا فَتَجَاوَزْ عَنْهُ، لَعَلَّ اللَّهُ أَنْ یَتَجَاوَزَ عَنَّا. قَالَ فَلَقِیَ اللَّهَ فَتَجَاوَزَ عَنْهُ»[2]

ابوهریره روایت می‌کند که پیامبر فرمود: (مردی (ثروتمند) به مردم قرض می‌داد و به خدمت‌کارانش می‌گفت: هرگاه فردی آمد و قرض گرفت، قرضش را به او ببخش، امید است خداوند از ما درگذرد وگناهان ما را ببخشد، (آن مرد) در حالی خداوند را ملاقات کرد که گناهانش را عفو کرده بود).

۲۹۴- عَنْ أَبِی قَتَادَةَ أَنَّه طَلَبَ غَرِیمًا لَهُ فَتَوَارَى عَنْهُ ثُمَّ وَجَدَهُ فَقَالَ إِنِّی مُعْسِرٌ. فَقَالَ آللَّه قَالَ آللَّه. قَالَ فَإِنِّی سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّه ﷺ یَقُولُ «مَنْ سَرَّهُ أَنْ یُنْجِیَهُ اللَّهُ مِنْ کُرَبِ یَوْمِ الْقِیَامَة فَلْیُنَفِّسْ عَنْ مُعْسِر أَوْ یَضَعْ عَنْهُ»[3]

ابوقتاده روایت می‌کند که: (از شخصی طلبکار بودم رفتم طلبم را بگیرم، خودش را از من پنهان کرد، بعداً او را دیدم گفت: به خدا سوگند! دست‌تنگم و ندارم. من گفتم: تو را به خدا سوگند!؟ گفت: به خدا سوگند! گوید: گفتم: (حال که چنین است) من از رسول‌الله شنیدم می‌فرماید: هرکس دوست دارد، خداوند او

---

[1]. صحیح: سنن ابن ماجه/۳۶۶۹ شیخ آلبانی در صحیح وضعیف سنن ابن ماجة / ۲۴۳۰ می‌نویسد: قسمت مرفوع این روایت حسن است. الإرواء/۱۳۸۹) و در صحیح الجامع/۵۷۶۹ می‌نویسد: صحیح است.

[2]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۲۰۷۸ و صحیح مسلم/۹۳۷۴

[3]. صحیح: صحیح مسلم/۱۵۶۱، صحیح کنوز السنة/۲۰۰ و صحیح الترغیب ۹۰۳

را از گرفتاری‌های روز قیامت نجات دهد، به افراد بده‌کار خود مهلت دهد و یا قرضش را ببخشد).

۲۹۵- عَنْ أَبِی‌مَسْعُود قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «حُوسِبَ رَجُلٌ مِمَّنْ کَانَ قَبْلَکُمْ فَلَمْ یُوجَدْ لَهُ مِنَ الْخَیْرِ شَیْءٌ إِلاَّ أَنَّهُ کَانَ یُخَالِطُ النَّاسَ وَکَانَ مُوسِراً فَکَانَ یَأْمُرُ غِلْمَانَهُ أَنْ یَتَجَاوَزُوا عَنِ الْمُعْسِرِ قَالَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نَحْنُ أَحَقُّ بِذَلِکَ مِنْهُ تَجَاوَزُوا عَنْهُ»[1]

ابن‌مسعود روایت می‌کند که پیامبر فرمود: (خداوند مردی از امت‌های پیشین را محاسبه کرد که هیچ گونه خیری در نامه‌ی اعمالش نیافتند، جز این که او با مردم داد وستد می‌کرد و چون فردی توانگر (ثروتمند) بود، به خدمت‌کارانش دستور می‌داد که از افراد تنگدست درگذرند (قرض‌شان را ببخشند) بنابراین خداوند فرمود: ما از او به عفو و بخشش سزاوارتریم و او را بخشید).

۲۹۶- عَنْ حُذَیْفَةَ عَنِ النَّبِیِّ ﷺ «أَنَّ رَجُلاً مَاتَ فَدَخَلَ الْجَنَّةَ فَقِیلَ لَهُ مَا کُنْتَ تَعْمَلُ قَالَ فَإِمَّا ذَکَرَ وَإِمَّا ذُکِّرَ. فَقَالَ إِنِّی کُنْتُ أُبَایِعُ النَّاسَ فَکُنْتُ أُنْظِرُ الْمُعْسِرَ وَأَتَجَوَّزُ فِی السِّکَّةِ أَوْ فِی النَّقْدِ. فَغُفِرَ لَهُ»[2] فَقَالَ أَبُو مَسْعُودٍ وَأَنَا سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

از حذیفه روایت است که رسول‌الله ﷺ فرمود: (مردی وفات کرد و وارد بهشت شد، به او گفتند: (در دنیا) چه عملی انجام دادی؟ -از او سوال کردند یا خود او یادآور شد- و گفت: من با مردم معامله می‌کردم و به افراد تنگدست مهلت می‌دادم و در کالا یا پول نقد از آن‌ها چشم پوشی می‌کردم، لذا خداوند او را بخشید. ابومسعود (یکی دیگر از اصحاب پیامبر) گوید: من خودم این حدیث را از پیامبر شنیدم).

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم (۳/۱۱۹۵ ش۱۵۶۱، ترمذی (۳/۵۹۹، ش۱۳۰۷) و می‌گوید: «حسن صحیح» أحمد (۴/۱۲۰، ش۱۷۱۲۴، بخاری در أدب المفرد (۱/۱۱۰، ش۲۹۳.

[2]. صحیح: صحیح مسلم/۳۹۷۱ و در بخاری/۲۰۷۷ به همین معنا و ابن ماجه/۲۴۲۰

۲۹۷– عن أَبِی الْیَسَر فَأَشْهَدُ بَصَرُ عَیْنَیَّ هَاتَیْنِ – وَوَضَعَ إِصْبَعَیْه عَلَی عَیْنَیْه – وَسَمْعُ أُذُنَیَّ هَاتَیْنِ وَوَعَاهُ قَلْبِی هَذَا – وَأَشَارَ إِلَی مَنَاط قَلْبه – رَسُولَ اللَّهﷺ وَهُوَ یَقُولُ «مَنْ أَنْظَرَ مُعْسراً أَوْ وَضَعَ عَنْهُ أَظَلَّهُ اللَّهُ فی ظلِّه»:[1]

ابو یسر در حالی که به چشمانش اشاره می کرد، گفت: (با این چشمانم گواهی می‌دهم که این گوش‌هایم شنیده و با اشاره به قلبش گفت: با این قلبم فهمیدم که رسول‌الله فرمود: هر کسی تنگدستی را مهلت دهد یا از او درگذرد خدا او را (در روز قیامت) زیر سایه‌اش قرار می‌دهد).

۲۹۸– عَنْ بُرَیْدَةَ الأَسْلَمِیِّ عَنِ النَّبِیِّ ﷺ قَالَ «مَنْ أَنْظَرَ مُعْسراً کَانَ لَهُ بِکُلِّ یَوْمٍ صَدَقَةٌ وَمَنْ أَنْظَرَهُ بَعْدَ حلِّه کَانَ لَهُ مثْلُهُ فی کُلِّ یَوْم صَدَقَةٌ»[2]

از بریده‌ی اسلمی روایت است که پیامبر فرمودند: هرکس تنگدستی را مهلت دهد، در برابر هر روزی که به او مهلت می‌دهد، صدقه‌ای برایش ثبت خواهد شد و هرکس تنگدستی را بعد از فرا رسیدن زمان پرداخت باز هم مهلت دهد، برایش به اندازه (پول یا کالایش) در هر روز صدقه‌ای نوشته می‌شود.

۲۹۹– و لفظ الامام أحمد: «مَنْ أَنْظَرَ مُعْسراً فَلَهُ بِکُلِّ یَوْم مثْله صَدَقَةٌ قَالَ ثُمَّ سَمعْتُهُ یَقُولُ مَنْ أَنْظَرَ مُعْسراً فَلَهُ بِکُلِّ یَوْم مثْلَیْه صَدَقَةٌ قُلْتُ سَمعْتُکَ یَا رَسُولَ اللَّه تَقُولُ مَنْ أَنْظَرَ مُعْسراً فَلَهُ بِکُلِّ یَوْم مثْله صَدَقَةٌ ثُمَّ سَمعْتُکَ تَقُولُ مَنْ أَنْظَرَ مُعْسراً فَلَهُ بِکُلِّ یَوْم مثْلَیْه صَدَقَةٌ قَالَ لَهُ بِکُلِّ یَوْمٍ صَدَقَةٌ قَبْلَ أَنْ یَحلَّ الدَّیْنُ فَإِذَا حَلَّ الدَّیْنُ فَأَنْظَرَهُ فَلَهُ بِکُلِّ یَوْم مثْلَیْه صَدَقَةٌ»:[3]

متن روایت امام احمد به این صورت است:

(هر کس تنگ‌دستی را مهلت دهد برایش در برابر هر روز به همان اندازه صدقه محسوب می‌شود. گوید: سپس شنیدم می‌فرماید: هر کس تنگ‌دستی را

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۳۰۰۶ و ابن ماجه/۲۴۱۹

[2]. صحیح: صحیح ابن ماجه/۲۴۱۸ ومسند احمد/۲۳۳۵۸ زوائد السنن/۶۰۳۷ و می‌گوید: صحیح است. و الصحیحة (۸۶)

[3]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۲۶ و ۱۵۱۹ و صحیح مسلم/۸۳، صحیح مسند احمد/۲۳۷۴۸ و الصحیحة/۸۶

مهلت دهد برایش در مقابل هر روز دو برابر صدقه محسوب می‌شود. گوید: گفتم: ای رسول خدا قبلا از شما شنیده بودم که در برابر هر روز به همان اندازه صدقه محسوب می‌شود و باز شنیدم که می‌فرمایید: هر کس تنگ‌دستی را مهلت دهد برایش در مقابل هر روز دو برابر صدقه محسوب می‌شود؟! فرمود: برایش تا زمانی که موعد پرداخت نرسد در برابر هر روز به اندازه آن صدقه محسوب می‌شود اما بعد از فرارسیدن موعد پرداخت در هر روز دو برابر صدقه محسوب می‌شود).

کتاب فضایل حج

فضایل حج

۳۰۰- عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ أَنَ رَسُولَ اللهﷺ سُئِلَ أَیُّ الْعَمَلِ أَفْضَلُ فَقَالَ «إِیمَانٌ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ». قِیلَ ثُمَّ مَاذَا قَالَ «الْجِهَادُ فِی سَبِیلِ اللَّهِ ». قِیلَ ثُمَّ مَاذَا قَالَ «حَجٌّ مَبْرُورٌ»:[1]

ابوهریره روایت می کند که از رسول‌الله پرسیدند: (کدام یک از اعمال فضیلت بیشتری دارد؟ فرمود: ایمان به خدا و پیامبرش. گفتند بعد از این؟ فرمود: جهاد در راه خدا. گفتند: بعد از این؟ فرمود حجی که مورد قبول خداوند متعال واقع شود).

۳۰۱- عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ رضی الله عنه قَالَ سَمِعْتُ النَّبِیَّﷺ یَقُولُ «مَنْ حَجَّ لِلَّهِ فَلَمْ یَرْفُثْ وَلَمْ یَفْسُقْ رَجَعَ کَیَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ»:[2]

ابوهریره روایت می کند که شنیدم رسول‌الله می‌فرماید: (هرکس به خاطر خدا حج کند و (هنگام احرام) از آمیزش جنسی و مقدمات آن پرهیز نماید و مرتکب گناه نشود. (از حج) چنان(بدون گناه) برمی گردد که از مادر متولد شده است).

۳۰۲- عن ابْنُ عَبَّاس قَالَ رَسُولُ اللَّهﷺ «تَابِعُوا بَیْنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ فَإِنَّهُمَا یَنْفِیَانِ الْفَقْرَ وَالذُّنُوبَ کَمَا یَنْفِی الْکِیرُ خَبَثَ الْحَدِیدِ»:[3]

---

[1]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۲۶ و ۱۵۲۱ و صحیح مسلم/۸۳

[2]. صحیح: صحیح بخاری/۱۴۴۹ صحیح مسلم/۱۳۵۰ با لفظ: «من اتی البیت...»

[3]. صحیح: سنن نسائی/۲۶۴۲ صحیح وضعیف سنن النسائی/۲۶۳۰، الصحیحة (۱۲۰۰) و صحیح الجامع (۲۹۰۰)

از ابن عباس روایت است که پیامبرﷺ فرمود: (پی‌درپی حج و عمره کنید، زیرا آن دو گناهان و فقر را از بین می‌برند، همان طور که دم آهن گر، مواد ناخالصی و زائد را از بین می‌برد).

۳۰۳– عَنْ عَبْد اللَّه بْنِ مَسْعُود قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِﷺ «تَابِعُوا بَيْنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَالذُّنُوبَ كَمَا يَنْفِي الْكِيرُ خَبَثَ الْحَدِيدِ وَالذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَلَيْسَ لِلْحَجَّةِ الْمَبْرُورَةِ ثَوَابٌ إِلاَّ الْجَنَّةُ»:[1]

عبدالله بن مسعود روایت می‌کند که رسول‌اللهﷺ فرمود: (پیاپی حج و عمره کنید که این دو فقر و گناهان را از بین می‌برند، همان طور که دم آهنگر مواد ناخالصی و زائد آهن، طلا و نقره را از بین می‌برند و حج مقبول پاداشی جز بهشت ندارد).

۳۰۴– عَنِ ابْنِ عُمَرَ عَنِ النَّبِيِّﷺقَالَ «الْغَازِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْحَاجُّ وَالْمُعْتَمِرُ وَفْدُ اللَّهِ دَعَاهُمْ فَأَجَابُوهُ وَسَأَلُوهُ فَأَعْطَاهُمْ»:[2]

ابن‌عمر روایت می‌کند که پیامبر فرمود: (مجاهد در راه خدا و کسی که به حج و عمره می‌رود، مهمان خداوند هستند که خداوند آنا را دعوت کرده و آن‌ها اجابت کردند، و آن‌ها اگر از خداوند بخواهند(دعا کنند)، خداوند (دعای‌شان را) اجابت می‌کند).

۳۰۵– عَنْ أَبِي‌هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِﷺ قَالَ «الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا، وَالْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلاَّ الْجَنَّةُ»:[3]

ابوهریره روایت می‌کند که پیامبر فرمود: عمره تا عمره کفاره(ی گناهان) بین آن دو است و حج مقبول، پاداشی جز بهشت ندارد.

۳۰۶– عن أَبِي هُرَيْرَةَ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِﷺ«وَفْدُ اللَّهِ ثَلاَثَةٌ الْغَازِي وَالْحَاجُّ وَالْمُعْتَمِرُ»:[4]

---

[1]. حسن صحیح: سنن ترمذی/۸۱۵، صحیح وضعیف سنن الترمذی/۸۱۰ ابن ماجة (۲۸۸۷)
[2]. حسن: صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۲۸۹۳، التعلیق الرغیب (۲ / ۱۰۸) و الصحیحة (۱۸۲۰)
[3]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۱۷۷۳ و صحیح مسلم/۱۳۴۹
[4]. صحیح: سنن نسائی(۵/۱۱۳ش ۲۶۲۵)، المشکاة (۲۵۳۷/ التحقیق الثانی) وابن حبان (۹/۴۴۷ ش ۳۶۹۲)، حاکم (۱/۶۰۸ ش۱۶۱۱) و می‌گوید: بر شرط مسلم صحیح است.

ابوهریره روایت می کند که رسول الله فرمود: (مهمان‌های خداوند سه گروه ستند: مجاهدان در راه خدا و کسانی که به حج و عمره می‌روند).

۳۰۷- عَنْ عُمَرَ عَنْ النَّبیِّ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْه وَسَلَّمَ قَالَ: «تَابعُوا بَیْنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ إِنَّ الْمُتَابَعَةَ بَیْنَهُمَا تَنْفی الْفَقْرَ وَالذُّنُوبَ كَمَا یَنْفی الْكیرُ خَبَثَ الْحَدید»:[1]

عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت می کند که پیامبر فرمود: (حج و عمره ا[در صورت توان] پیاپی انجام دهید که پیاپی ادا کردن این دو، فقر و گناهان را لوری از بین می‌برد که دم آهنگر ناخالصی آهن را از بین می‌برد).

ضیلت لبیک گفتن

۳۰۸- عَنْ زَیْد بْنِ خَالد الْجُهَنیِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهﷺ«جَاءَنی جبْریلُ فَقَالَ یَا حَمَّدُ مُرْ أَصْحَابَكَ فَلْیَرْفَعُوا أَصْوَاتَهُمْ بالتَّلْبیَة فَإِنَّهَا منْ شعَار الْحَجِّ»:[2]

زیدبن‌خالد می گوید، رسول‌الله فرمود: (جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمد ، یارانت دستور بده با صدای بلند لبیک بگویند، چون لبیک از شعار حج است).

۳۰۹- عَنْ سَهْل بْنِ سَعْد قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهﷺ «مَا منْ مُسْلم یُلَبِّی إِلاَّ لَبَّی مَنْ نْ یَمینه أَوْ عَنْ شمَاله منْ حَجَرٍ أَوْ شَجَرٍ أَوْ مَدَرٍ حَتَّی تَنْقَطِعَ الأَرْضُ منْ هَا هُنَا هَا هُنَا»:[3]

سهل بن سعد گوید، رسول اللهﷺ فرمود: (هیچ مسلمانی نیست که لبیک ُوید، مگر این که تمام مخلوقات سمت راست و چپش از سنگ، درخت و کلوخ تمام شدن زمین از این طرف و آن طرف، لبیک می گویند).

۳۱۰- عَنْ أَبِی بَكْرٍ الصِّدِّیقِ أَنَّ النَّبِیَّﷺ سُئلَ أَیُّ الْحَجِّ أَفْضَلُ قَالَ «الْعَجُّ الثَّجُّ»:[4]

---

[1] صحیح: صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۲۸۸۷،المشکاة (۲۵۲۴ و ۲۵۲۵)، الصحیحة (۱۲۰۰)، وأبو یعلی /۱۷۶ ش ۱۹۸)، والضیاء (۱/۲۵۲، ش ۱۴۳)

[2] صحیح: سنن ابن ماجه/۳۰۳۵ و صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۲۹۲۳ و الصحیحة (۸۳۰)

[3] صحیح: سنن ترمذی/۸۳۶ و المشکاة (۲۵۵۰)

[4] صحیح: صحیح ترمذی/۸۲۷ صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۲۹۲۴، الصحیحة (۱۵۰۰)، تخریج المختارة (۶۱)

ابوبکرصدیق رضي الله عنه روایت می کند که از رسول الله پرسیدند: (کدام یک از اعمال فضیلت بیشتری دارد؟ فرمود: با آواز بلند لبیک گفتن در حج و عمره و قربانی کردن در حج).

فضیلت وقوف در عرفه

۳۱۱- عن عَائشَةُ إنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ «مَا منْ يَوْم أَكْثَرَ منْ أَنْ يُعْتقَ اللَّهُ فيه عَبْدًا منَ النَّار منْ يَوْمِ عَرَفَةَ وإِنَّهُ لَيَدْنُو ثُمَّ يُبَاهِي بِهِمُ الْمَلاَئكَةَ فَيَقُولُ مَا أَرَادَ هَؤُلاَء»:[1]

از عائشه روایت است که رسول الله فرمود: در هیچ روزی خداوند به اندازه روز عرفه بندگانش را از آتش جهنم آزاد نمی کند، در این روز خداوند به بندگانش نزدیک می‌شود، سپس به وسیله‌ی بندگانش (که در آن روز برای عبادتش گرد آمده‌اند) به فرشتگان فخر می‌فروشد و می‌فرماید این‌ها چه می‌خواهند؟!

فضیلت استلام دو رکن

۳۱۲- عن ابْنَ عَبَّاس قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَيَأْتيَنَّ هَذَا الْحَجَرُ يَوْمَ الْقيَامَة ولَهُ عَيْنَان يُبْصرُ بهمَا ولسَانٌ يَنْطقُ به يَشْهَدُ عَلَى مَنْ يَسْتَلمُهُ بحَقٍّ»:[2]

ابن عباس می گوید، پیامبر فرمود: (قطعاً این سنگ در روز قیامت در حالی می‌آید که دو چشم دارد که با آن می‌بیند و زبانی دارد که با آن حرف می‌زند و در حق کسانی که آن را استلام کرده‌اند، به حق گواهی می‌دهد).

۳۱۳- عَن ابْنِ عَبَّاس قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «نَزَلَ الْحَجَرُ الأَسْوَدُ منَ الْجَنَّة وَهُوَ أَشَدُّ بَيَاضًا منَ اللَّبَنِ فَسَوَّدَتْهُ خَطَايَا بَنِي آدَمَ»[3]

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۱۳۴۸، نسائی (۲۵۱/۵ش۳۰۰۳)، ابن ماجه (۱۰۰۳/۲ ، ش۳۰۱۴) . ونیز ابن خزیمة (۲۵۹/۴ ، ش ۲۸۲۷)، دارقطنی (۳۰۱/۲) ، طبرانی در الأوسط (۶۴/۹ ، ش ۹۱۳۴) . بیهقی در السنن الکبری (۱۱۸/۵ ، ش ۹۲۶۳) ، و در شعب الإیمان (۴۶۱/۳ ، ش ۴۰۶۸) .

[2]. صحیح: صحیح ابن ماجه/۳۰۵۷ صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۲۹۴۴، المشكاة (۲۵۷۸) و التعليق على ابن خزيمة (۲۷۳۵ و ۲۷۳۶)

[3]. صحیح: صحیح وضعیف سنن الترمذی/۸۷۷، الصحیحة/۲۶۱۸ و المشكاة (۲۵۷۷)

ابن‌عباس روایت می کند که رسول‌اللهﷺ فرمود: (حجرالاسود از بهشت آمده در حالی که از شیر سفیدتر بوده اما گناهان انسان‌ها آن را سیاه کرده است).

۳۱۴- عَن ابن عمر أَنَ رَجُلاً قَالَ يَا أَبَا عَبْد الرَحْمَن مَا أَرَاکَ تَستَلمُ إلاَ هَـذَيْنِ الرُكْنَيْنِ قَالَ إنِّي سَمعْتُ رَسُولَ اللهِﷺ يَقُولُ «إنَ مَسْحَهُمَا يَحُطَان الْخَطِيئَةَ».[1]

از ابن عمر روایت است که مردی به او گفت: (ای ابو عبدالرحمان تو را می‌بینیم که فقط این دو رکن را استلام می کنی؟ گفت: (علت این است که) شنیدم رسول اللهﷺ می‌فرماید: لمس کردن این دو موجب بخشش گناهان شود).

۳۱۵- عن عَبْدَاللَه بْنَ عَمْرو يَقُولُ سَمعْتُ رَسُولَ اللَـهﷺ يَقُـولُ «إنَ الـرُكْنَ وَالْمَقَامَ يَاقُوتَتَان منْ يَاقُوت الْجَنَة طَمَـسَ اَللَـهُ نُورَهُمَـا ولَـوْ لَـمْ يَطْمـسْ نُورَهُمَـا لأَضَاءَتَا مَا بَيْنَ الْمَشْرق وَالْمَغْرب».[2] قَالَ أَبُو عيسَى هَذَا يُرْوَى عَـنْ عَبْـد اللَـه بْـنِ عَمْرو مَوْقُوفًا قَوْلُهُ. وَفيه عَنْ أَنَس أَيْضًا وَهُوَ حَديثٌ غَرِيبٌ.

عبدالله‌بن عمر می گوید، شنیدم رسول الله می‌فرماید: (رکن و مقام، دو یاقوت از یاقوت‌های بهشت هستند که خداوند نورشان را گرفته است، اگر نور این دو را نمی گرفت، بین مغرب و مشرق را روشن می کردند).

فضیلت طواف بیت الله(کعبه)

۳۱۶- عَنْ عَبْد اللَه بْن عُمَرَ قَالَ سَمعْتُ رَسُولَ اللَهِﷺ يَقُولُ «مَنْ طَافَ بِالْبَيْـت وَصَلَى رَكْعَتَيْنِ كَانَ كَعتْق رَقَبَة».[3]

عبدالله‌بن عمر روایت می کند که شنیدم رسول الله می‌فرماید: (هرکس خانه کعبه را طواف کند و دو رکعت نماز بخواند، ثوابش، برابر با آزاد کردن یک برده است).

۳۱۷- عن عبيد بن عميرأن ابْنَ عُمَرَ كَانَ يُزَاحمُ عَلَى الرُكْنَيْن زحَامًا مَا رَأَيْـتُ أَحَدًا منْ أَصْحَاب النَبيِّ يَفْعَلُهُ. فَقُلْتُ يَا أَبَا عَبْد الرَحْمَن إنكَ تُزَاحمُ عَلَـى الـرُكْنَيْن زحَامًا مَا رَأَيْتُ أَحَدًا منْ أَصْحَاب النَبيِّ يُزَاحمُ عَلَيْه. فَقَـالَ إنْ أَفْعَـلْ فَـإنِّي سَـمعْتُ

[1]. صحيح: صحيح وضعيف سنن النسائی/۲۹۱۹ و التعليق على ابن خزيمة (۲۷۲۹)
[2]. صحيح: سنن ترمذی/۸۸۷ و صحيح الجامع/۱۶۳۳
[3]. صحيح: صحيح وضعيف سنن ابن ماجة/۲۹۵۶ و الصحيحة (۲۷۲۵)

رَسُولَ اللَه يَقُولُ «إنَ مَسْحَهُمَا كَفَارَةٌ للْخَطَايَا». وَسَمعْتُهُ يَقُولُ «مَنْ طَافَ بهَذَا الْبَيْت أُسْبُوعًا فَأَحْصَاهُ كَانَ كَعتْق رقَبَة». وَسَمعْتُهُ يَقُولُ «لاَ يَضَعُ قَدَمًا ولاَ يَرْفَعُ أُخْرَى إلاَ حَطَ اللَهُ عَنْهُ بهَا خَطيئَةً وَكَتَبَ لَهُ بهَا حَسَنَةً»:[1]

عبید بن عمیر گوید: (ابن عمر تلاش می کرد (در هرشوط طواف) خودش را به دو رکن برساند وآن دو رکن را لمس کند به او گفتم: شما بقدری این دو رکن را لمس می کنی که کسی دیگر از اصحاب ﷺ را ندیدم این کار را بکند؟ گفت: من شنیدم رسول‌الله ﷺ می‌فرماید: لمس کردن این دو موجب کفاره‌ی گناهان می‌شود. و شنیدم که می گوید: هر کس این خانه(کعبه) را هفت بار طواف کند و بشمارد، ثوابش همانند: آزاد کردن برده است. و می گوید: شنیدم رسول‌الله می‌فرماید: (طواف کننده) هیچ قدمی نمی گذارد و قدم دیگرش را بر نمی‌دارد مگر این که خداوند با آن‌ها گناهی از گناهانش را می‌بخشد و برایش حسنه‌ای نوشته می‌شود.

۳۱۸- عَن ابْن عَبَاس أَنَ النَبيَ ﷺ قَالَ «الطَوَافُ حَوْلَ الْبَيْت مثْلُ الصَلاَة إلاَ أَنَكُمْ تَتَكَلَمُونَ فيه فَمَنْ تَكَلَمَ فيه فَلاَ يَتَكَلَمَن إلاَ بخَيْر»:[2]

از ابن عباس روایت است که رسول‌الله فرمود: (طوًاف دور خانه(کعبه) مانند نماز است، با این تفاوت که در طواف صحبت می کنید، لذا هر کس در هنگام طواف صحبت کرد، بجز خیر چیزی نگوید).

فضیلت عمره‌ی در رمضان

۳۱۹- عَن ابْن عَبَاس أَنَ النَبيَ ﷺ قَالَ لامْرَأَة منَ الأَنْصَار يُقَالُ لَهَا أُمُّ سنَان «مَا مَنَعَك أَنْ تَكُوني حَجَجْت مَعَنَا». قَالَتْ نَاضحَان كَانَا لأَبي فُلاَن - زَوْجهَا - حَجَ هُوَ وَابْنُهُ عَلَى أَحَدهمَا وكَانَ الآخَرُ يَسْقي عَلَيْه غُلاَمُنَا. قَالَ «فَعُمْرَةٌ في رَمَضَانَ تَقْضي حَجَةً. أَوْ حَجَةً مَعي»[3]

---

[1]. صحیح: صحیح وضعیف سنن الترمذی/ ۹۵۹، المشکاة (۲۵۸۰) ، التعلیق الرغیب (۲ / ۱۲۰)

[2]. صحیح: صحیح وضعیف سنن الترمذی/۹۶۰، الإرواء (۱۲۱) ، المشکاة (۲۵۷۶) ، التعلیق الرغیب (۲ / ۱۲۱) ، التعلیق علی ابن خزیمة (۲۷۳۹)

[3]. صحیح: صحیح مسلم/۱۲۵۶

ابن عباس روایت می کند که: (رسول‌الله به یکی از زنان انصار بنام ام‌سنان گفت: چه چیز مانع می‌شود که با ما به حج بیایی؟ آن زن گفت: ابوفلان (شوهر آن زن) دو شتر دارد که با یکی خودش با پسرش به حج می‌رود و با شتر دیگر برای نخل‌ها آب می کشیم. فرمود: پس (بدان) که عمره‌ای در رمضان حج به حساب می‌آید یا حجی به همراه من به حساب می‌آید).

فضیلت تراشیدن سر در حج

۳۲۰ – عَنْ عَبْدِاللَّه بْنِ عُمَرَ أَنَ رَسُولَ‌اللَهﷺ قَالَ «اللَّهُمَّ ارْحَمِ الْمُحَلِّقِينَ». قَالُوا وَالْمُقَصِّرِينَ يَا رَسُولَ اللَّه. قَالَ «اللَّهُمَّ ارْحَمِ الْمُحَلِّقِينَ». قَالُوا وَالْمُقَصِّرِينَ يَا رَسُولَ اللَّه. قَالَ «وَالْمُقَصِّرِينَ»:[1]

عبدالله بن عمر روایت می کند که رسول‌الله فرمود: (پروردگارا! به کسانی که (در حج) موهای سرشان را می‌تراشند، رحم فرما». پرسیدند: ای رسول خدا! کسانی که کوتاه می کنند، چی؟ رسول الله دوباره فرمود: «پروردگارا! به کسانی که سرشان را می‌تراشند، رحم فرما». دوباره پرسیدند: ای رسول خدا! کسانی که کوتاه می کنند، چی؟ فرمود: «بر کوتاه کنندگان نیز رحم فرما).

مالک «والمقصرین» را در بار سوم ذکر کرده است، اما عبیدالله در بار چهارم ذکر کرده است که بخاری و مسلم حدیث مالک را تخریج کرده‌اند. مسلم روایت عبیدالله را تخریج کرده است و در بخاری هم به آن اشاره شده است.

۳۲۱–عَنْ أَبِى هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهﷺ «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُحَلِّقِينَ». قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّه وَلِلْمُقَصِّرِينَ قَالَ «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُحَلِّقِينَ». قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّه وَلِلْمُقَصِّرِينَ قَالَ «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُحَلِّقِينَ». قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّه وَلِلْمُقَصِّرِينَ قَالَ «وَلِلْمُقَصِّرِينَ»:[2]

ابوهریره روایت می کند که رسول‌الله فرمود: خداوندا! کسانی که سرهایشان را (در حج) می‌تراشند، مغفرت کن. گفتند: ای‌رسول‌خدا! کسانی که موهای‌شان را کوتاه می کنند، چی؟ فرمود: خداوندا! کسانی که موهای‌شان را می‌تراشند، مغفرت

[1]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری (۲/۶۱۶ ش۱۶۴۰)، مسلم (۲/۹۴۵ . ش۱۳۰۱) و مؤطا/۸۹۲
[2]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۱۷۲۸ و صحیح مسلم/۱۳۰۲

کن. گفتند: ای‌رسول‌خدا کسانی که موهای‌شان را کوتاه می‌کننـد، چـی؟ فرمـود: خداوندا! کسانی را که موهای‌شان را کوتاه می‌کنند، مغفرت کن).

۳۲۲- عَنْ أم الْحُصَيْنِ أَنَهَا سَمِعَتِ النَبِیَّﷺ فِی حَجَّةِ الْوَدَاعِ دَعَا لِلْمُحَلَقِينَ ثَلاَثًا وَلِلْمُقَصِّرِينَ مَرَةً»:[1]

از ام حصین روایت است که: (شنیدم پیامبر در حجه الـوداع بـرای کـسانی کـه موی‌شان را می‌تراشند سه بار و برای کسانی که کوتا می‌کنند یک بار دعا کرد).

۳۲۳- عَنْ ابْنِ عُمَرَ أَنَ رَسُولَ اللَه صَلَى اللَهُ عَلَيْهِ وَسَلَمَ «حَلَقَ رَأْسَهُ فِی حَجَّـةِ الْوَدَاعِ»:[2]

ابن عمر روایت می‌کند که: (رسول الله در حجه الوداع سرش را تراشید)

فضیلت آب زمزم

۳۲۴- عن جَابِرَ بْنَ عَبْدِاللَه يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَهِﷺ يَقُولُ «مَـاءُ زَمْـزَمَ لِمَـا شُرِبَ لَهُ»:[3]

جابر بن عبدالله می‌گوید، شنیدم رسول‌الله می‌فرماید: (آب زمزم بـرای هـر نیتـی نوشیده شود، برآورده می‌شود).

فضیلت درود وسلام فرستادن به رسول‌اللهﷺ

۳۲۵- عَنْ أَبِی هُرَيْرَةَ أَنَ رَسُولَ اللَه صَلَى اللَهُ عَلَيْهِ وَسَلَمَ قَالَ: «مَـا مِـنْ أَحَـدٍ يُسَلَمُ عَلَیَّ إِلَا رَدَّ اللَهُ عَلَیَّ رُوحِی حَتَى أَرُدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ»:[4]

ابوهریره روایت می‌کند که رسول‌الله فرمود: (هیچ کس بر من سلام نمی‌فرستد، مگر این‌که خداوند متعال روحم را به بـدنم برمـی‌گردانـد، تـا جـواب سـلامش را بدهم).

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۱۳۰۲
[2]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۱۴۴۸ و صحیح مسلم/۱۳۰۴
[3]. صحیح: صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۳۰۶۲ و الإرواء (۱۱۲۳)
[4]. حسن: صحیح وضعیف سنن أبی داود/۲۰۴۱، و بیهقی (۲۴۵/۵، ش۱۰۰۵۰).

فضیلت نماز در مکه

۳۲۶- عَنْ الأَرْقَمِ أَنَهُ جَاءَ إِلَى رَسُولِ اللَهﷺ فَسَلَمَ عَلَيْه فَقَالَ « أَيْنَ تُرِيدُ». قَالَ أَرَدْتُ يَا رَسُولَ اللَه هَا هُنَا. وَأَوْمَأَ بِيَدِه إِلَى حَيِّزِ بَيْتِ الْمَقْدس. قَالَ «مَا يُخْرِجُكَ إِلَيْه أَتِجَارَةٌ». قَالَ قُلْتُ لاَ وَلَكنْ أَرَدْتُ الصَّلاَةَ فيه. قَالَ «فَالصَّلاَةُ هَا هُنَا – وَأَوْمَأَ إِلَى مَكَةَ بِيَدِه – خَيْرٌ منْ أَلْف صَلاَة»: وَأَوْمَأَ بِيَدِه إِلَى الشَام.[1]

ارقم گوید: (نزد پیامبر آمدم [که از ایشان خدا حافظی کنم] سلام کردم، پرسید: می‌خواهی کجا بروی؟ گفتم: ای رسول‌خدا می‌خواهم آن‌جا بروم(با دستش به سمت بیت‌المقدس اشاره کرد) پرسید: به چه هدفی آن جا می‌روی؟ آیا به تجارت می‌روی؟ گوید: گفتم: خیر، می‌خواهم بروم در آن (مسجدالاقصی) نماز بخوانم. فرمود: نماز درآن جا- با اشاره به مکه- بهتر از هزار نماز در آن جا-با اشاره به طرف شام- است).

فضلیت دورد بر رسول اللهﷺ[2]

۳۲۷- عَنْ أَبِی هُرَيْرَةَ أَنَ رَسُولَ الله صَلَى اللَهُ عَلَيْه وَسَلَمَ، قَالَ: «مَا مِنْ أَحَدٍ يُسَلَمُ عَلَيَّ إِلَا رَدَّ اللهُ عَلَيَّ رُوحِي حَتَى أَرُدَّ عَلَيْه السَّلَامَ»:[3]

ابوهریره روایت می کند که رسول‌الله فرمود: هیچ کسی نیست که بر من سلام بفرستد مگر این که خداوند متعال روحم را بر من بر می گرداند تا جواب سلام او را بدهم.

فضلیت نماز در مسجد النبیﷺ

۳۲۸- عَنْ أَبِی هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَهﷺ «صَلاَةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ صَلاَةٍ فِي غَيْرِه مِنَ الْمَسَاجِدِ إِلاَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ»:[4]

---

[1]. الأحاديث الساقطة من مسند الإمام أحمد بن حنبل/۲۴۲۱۸ و الآحاد والمثانی لابن أبی عاصم/۶۳۹ هیثمی در مجمع الزوائد (۵/۴) درباره‌ی این روایت می‌نویسد: رجال طبرانی ثقه هستند اما در بین رجال أحمد یحیی بن عمران است که أبوحاتم می‌گوید: مجهول است. و شیخ آلبانی در الصحیحة تحت حدیث ش/۲۹۰۲ روایاتی آورده که همین معنا را تأیید می‌کند.

[2]. لازم به ذکر است که این عنوان از مترجم است، و عنوانی که مؤلف گذاشته بود «فضیلت زیارت قبر مصطفی» بود؛ چون روایاتی که آورده بود همه ضعیف و یا جعلی بود لذا پس از حذف آن روایات فقط همین حدیث ماند که با عنوان هم‌خوانی نداشت؛ بنابراین عنوان فوق را گذاشتم.

[3]. حسن:صحیح و ضعیف ابوداود (۲۱۸/۲ ، ش۲۰۴۱) و بیهقی (۲۴۵/۵ ، ش۱۰۰۵۰)

[4]. صحیح: صحیح مسلم/۱۳۹۴ و معجم الکبیر طبرانی/۱۵۳۷

ابوهریره می گوید، پیامبر فرمود: (خواندن یک نماز در مسجد من بهتر از هزار نماز در مساجد دیگر بجز مسجدالحرام است).

۳۲۹- عَنِ ابْنِ عُمَرَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ «صَلاَةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ صَلاَةٍ فِيمَا سِوَاهُ إِلاَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ»:[1]

ابن عمر روایت می کند که پیامبر فرمود: (خواندن یک نماز در این مسجد من بهتر از هزار نماز در سایر مساجد است، بجز در مسجدالحرام).

۳۳۰- عن مَيْمُونَةَ و ذكرت مَسْجِد الرسُول ﷺ فقالت سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّه ﷺ يَقُولُ «صَلاَةٌ فيه أَفْضَلُ مِنْ أَلْف صَلاَة فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الْمَسَاجِد إِلاَّ مَسْجِدَ الْكَعْبَة»:[2]

میمونه درباره‌ی مسجد پیامبر حرف می‌زد و گفت، شنیدم رسول‌الله می‌فرماید: (نماز در آن مسجد بهتر از هزار نماز در مساجد دیگر است، بجز کعبه).

۳۳۱- عن أَبِي سَعِيد الْخُدْرِيِّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى رَسُول اللَّه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْه وَسَلَّمَ فِي بَيْت بَعْض نسَائه فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّه أَيُّ الْمَسْجِدَيْنِ الَّذِي أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى قَالَ فَأَخَذَ كَفًّا مِنْ حَصْبَاءَ فَضَرَبَ بِه الْأَرْضَ ثُمَّ قَالَ هُوَ مَسْجِدُكُمْ هَذَا لِمَسْجِدِ الْمَدِينَة»:[3]

از ابوسعید خدری روایت است که: نزد رسول‌الله در حالی رفتم که در خانه‌ی یکی از همسرانش بود. گفتم: ای رسول خدا! کدام مسجد بر اساس تقوا بنا شده است؟ گوید: مشتی شن برداشت و به زمین زد و فرمود: (مسجدی که بر اساس تقوا بنا شده است، همین مسجد شماست، مسجدی که در مدینه است.

فضیلت مساجد سه‌گانه (مسجدالحرام، مسجد النبی و مسجدالاقصی)

۳۳۲- عن أَبِي سَعِيد قَالَ أَرْبَعٌ سَمِعْتُهُنَّ مِنْ رَسُول اللَّه صَلَّى اللَّهُ عَلَيْه وَسَلَّمَ فَأَعْجَبْنَنِي وَآنَقْنَنِي أَنْ لَا تُسَافِرَ امْرَأَةٌ مَسِيرَةَ يَوْمَيْنِ لَيْسَ مَعَهَا زَوْجُهَا أَوْ ذُو مَحْرَمٍ وَلَا صَوْمَ يَوْمَيْنِ الْفِطْرِ وَالْأَضْحَى وَلَا صَلَاةَ بَعْدَ صَلَاتَيْنِ بَعْدَ الْعَصْرِ حَتَّى تَغْرُبَ

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۱۳۹۵
[2]. صحیح: صحیح مسلم/۱۳۹۶ و صحیح و ضعیف سنن نسائی/۶۹۱
[3]. صحیح: صحیح مسلم/۱۳۹۸ و ترمذی/۳۰۹۹

الشَمْسُ وَبَعْدَ الصُّبْحِ حَتَى تَطْلُعَ الشَمْسُ وَلَا تُشَدُّ الرِحَالُ إِلَا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ مَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَسْجِدِي وَمَسْجِدِ الْأَقْصَى»:[۱]

ابوسعید خدری می گوید: (چهار چیز شگفت‌انگیز از پیامبر شنیدم و به آن‌ها یقین دارم: زن بدون شوهر و محرم مسیر دو روز راه، را به مسافرت نرود، روزه گرفتن دو روز عید فطر و قربانی جایز نیست، بعد از خواندن نماز عصر تا غروب و بعد از خواندن نماز صبح تا طلوع خورشید، نماز [مستحبی] خواندن جایز نیست و بار سفر بسته نشود مگر، برای رفتن به سه مسجد، مسجدالحرام و این مسجد من و مسجدالاقصی).

۳۳۳- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ النَبِيُّ صَلَى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَمَ لَا تُشَدُّ الرِحَالُ إِلَا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ مَسْجِدِي هَذَا وَمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَسْجِدِ الْأَقْصَى»:[۲]

ابوهریره می گوید، رسول‌الله فرمود: (بار سفر(زیارتی و عبادی) بسته نشود، مگر به سه مسجد، این مسجد من، مسجدالحرام و مسجدالاقصی).

فضیلت مسجدالاقصی و نماز خواندن در آن

۳۳۴- عَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَه صَلَى اللَهُ عَلَيْهِ وَسَلَمَ أَيُّ مَسْجِد وُضِعَ فِي الْأَرْضِ أَوَلُ قَالَ الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ قُلْتُ ثُمَّ أَيٌّ قَالَ ثُمَّ الْمَسْجِدُ الْأَقْصَى قُلْتُ كَمْ بَيْنَهُمَا قَالَ أَرْبَعُونَ سَنَةً قُلْتُ ثُمَّ أَيٌّ قَالَ ثُمَّ حَيْثُمَا أَدْرَكْتَ الصَلَاةَ فَصَلِ فَكُلُّهَا مَسْجِدٌ»:[۳]

ابوذر می گوید: (از رسول‌خدا سوال کردم که کدام مسجد اولین بار در زمین ساخته شده است، فرمود: مسجدالحرام. گفتم: بعد از آن (کدام مسجد ساخته شده است؟) فرمود: مسجدالاقصی. گفتم: فاصله‌ی ساخت بین این دو مسجد چند سال

---

[۱]. صحیح: صحیح بخاری/۱۱۹۷ و مسلم/۸۲۷ و۴۱۵ به همین معنا و ترمذی/۳۲۶

[۲]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۱۱۸۹ و صحیح مسلم/۳۳۷۰

[۳]. صحیح: صحیح مسند احمد/۲۰۳۷۰و ۲۱۳۷۱ شعیب أرناؤوط می‌گوید: إسناد این حدیث مطابق شرط شیخین صحیح است. مؤلف می‌گوید: بخاری و مسلم به همین معنا روایت کرده‌اند. شایان ذکر است که متن صحیحین تفاوت اندکی با متنی که مؤلف آورده دارد. نگا: بخاری/۳۳۶۶ و مسلم/۵۲۰

بوده است؟ فرمود: چهل سال. گفتم: بعد از این دو؟ فرمود: هرجا بودی وقت نماز فرا رسید نماز بخوان که تمام زمین مسجد است).

۳۳۵- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّ سُلَيْمَانَ بْنَ دَاوُدَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمَّا بَنَى بَيْتَ الْمَقْدِسِ سَأَلَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خِلَالًا ثَلَاثَةً سَأَلَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حُكْمًا يُصَادِفُ حُكْمَهُ فَأُوتِيَهُ وَسَأَلَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ فَأُوتِيَهُ وَسَأَلَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حِينَ فَرَغَ مِنْ بِنَاءِ الْمَسْجِدِ أَنْ لَا يَأْتِيَهُ أَحَدٌ لَا يَنْهَزُهُ إِلَّا الصَّلَاةُ فِيهِ أَنْ يُخْرِجَهُ مِنْ خَطِيئَتِهِ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ»:[1]

عبدالله‌بن عمرو روایت می‌کند که رسول‌الله فرمود: (بعد از این‌که سلیمان‌بن داود مسجدالاقصی را ساخت. از خداوند متعال خواست سه خصلت به او عطا کند:

۱- قضاوتی که با قضاوت خداوند متعال مطابق باشد؛ خداوند این را به او عنایت کرد. ۲- از خداوند خواست به او حاکمیت و سلطنتی بدهد که بعد از او شایسته هیچ کس نباشد، خداوند این را نیز به او عنایت کرد. ۳- بعد از ساخت مسجدالاقصی از خداوند خواست که هر کس فقط به نیت نماز خواندن در این مسجد بیاید، (بعد از نماز خواندن در این مسجد) او را از گناهانش چنان پاک کن که در روز تولد از مادر بوده است).

فضیلت مسجد قباء

۳۳۶- عَنِ ابْنِ عُمَرَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ «كَانَ يَزُورُ قُبَاءً رَاكِبًا وَمَاشِيًا»:[2]

از ابن عمر روایت است که رسول الله ﷺ (همواره پیاده و سواره، به زیارت مسجد قبا می‌رفت).

---

[1]. صحیح: صحیح سنن نسائی/۶۸۶، أحمد (۲/۱۷۶، ش ۶۶۴۴)، ونسائی (۲/۳۴، ش ۶۹۳)، حافظ در الفتح (۶/۴۰۸) می‌گوید: نسائی بإسناد صحیح روایت کرده است. و ابن ماجه (۱/۴۵۲، ش ۱۴۰۸) بوصیری (۲/۱۴) می‌گوید: این إسناد ضعیف است. وحکیم (۱/۳۷۰) وابن حبان (۱۴/۳۳۰، ش۶۴۲۰)، وحاکم (۱/۸۴، ش ۸۳)، و بیهقی در شعب الإیمان (۳/۴۹۴، ش ۴۱۷۵)، و ابن خزیمة (۲/۲۸۸، ش۱۳۳۴)، والدیلمی (۱/۲۲۴، ش۸۶۰). آلبانی این حدیث را صحیح دانسته است.

[2]. صحیح: صحیح مسلم/۳۴۵۵ و در صحیح بخاری با لفظ: «یأتی» بجای «یزور» آمده است.

۳۳۷- و فی روایة قَالَ كَانَ النَبِیﷺ یَـأْتِی مَسْجِدَ قُبَاءٍ كُلَ سَبْتٍ مَاشِیًا وَرَاكِبًا»:[۱]

عبدالله‌بن عمر می گوید: (رسول‌الله در هر شنبه سواره و پیاده به مسجد قباء می‌آمد). و عبدالله خودش همین کار را می کرد.

۳۳۸- عن سَهْل بْنِ حُنَیْف قَالَ قَالَ أَبی قَالَ رَسُولُ اللَه «مَنْ خَرَجَ حَتَی یَأْتِیَ هَذَا الْمَسْجِدَ مَسْجِدَ قُبَاء فَصَلَی فیه كَانَ لَهُ عدلَ عُمْرَة»:[۲]

سهل‌بن حنیف گوید، رسول‌الله فرمود: (هر کس از خانه‌اش (به نیت) مسجد قباء بیرون شود و به این مسجد بیاید و نماز بخواند، ثواب آن با یک عمره برابر است).

۳۳۹- عن أُسَیْدَ بْنَ ظُهَیْر الأَنْصَاریَّ عَن النَبیِّ قَالَ «الصَّلَاةُ فی مَسْجِد قُبَاء كَعُمْرَة»[۳] و قال: ولَا نَعْرِفُ لأُسَیْد بْنِ ظُهَیْر شَیْئًا یَصِحُّ غَیْرَ هَذَا الْحَدِیث

اسید بن‌ظهیر انصاری از پیامبر روایت می کند که: (نماز خواندن در مسجد قبا (در ثواب) مانند: ادای یک عمره است).

و ترمذی می گوید: از اسید بن ظهیر حدیث صحیحی غیر از این سراغ نداریم.

فضیلت قربانی

۳۴۰- عَنْ أَنَس قَالَ ضَحَّی النَبیﷺ: «بكَبْشَیْنِ أَمْلَحَیْنِ أَقْرَنَیْن، ذَبَحَهُمَا بیَده، وَسَمَّی وَكَبَّرَ وَوَضَعَ رجْلَهُ عَلَی صفَاحهمَا»:[۴]

انس بن مالک می گوید: رسول‌الله دو قوچ (با رنگ) سیاه مایل به سفیدی و شاخ‌دار با دستش در حالی که پایش را روی گردن آن‌ها می گذاشت، با گفتن بسم‌الله و الله اکبر، ذبح (قربانی) کرد.

---

[۱]. صحیح: صحیح بخاری/۱۱۹۳
[۲]. صحیح: صحیح وضعیف سنن النسائی/۶۹۹ و ابن ماجة (۱۴۱۲)
[۳]. صحیح: صحیح وضعیف سنن الترمذی/۳۲۴ و ابن ماجة (۱۴۱۱)
[۴]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۵۵۶۵ و صحیح مسلم/۱۹۶۶

۳۴۱- عَنْ عَائِشَةَ أَنَ رَسُولَ اللهِ ﷺ أَمَرَ بِكَبْشٍ أَقْرَنَ يَطَأُ فِي سَوَادٍ وَيَبْرُكُ فِي سَوَادٍ وَيَنْظُرُ فِي سَوَادٍ فَأُتِيَ بِهِ لِيُضَحِّيَ بِهِ فَقَالَ لَهَا «يَا عَائِشَةُ هَلُمِّي الْمُدْيَةَ». ثُمَّ قَالَ «اشْحَذِيهَا بِحَجَرٍ». فَفَعَلَتْ ثُمَّ أَخَذَهَا وَأَخَذَ الْكَبْشَ فَأَضْجَعَهُ ثُمَّ ذَبَحَهُ ثُمَّ قَالَ «بِاسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنْ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمِنْ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ»: ثُمَّ ضَحَّى بِهِ[1]

عائشه روایت می کند که رسول‌الله ﷺ دستور داد: (قوچی که در علف‌زار راه می‌رفت و می‌خوابید و در علف‌زار بود (کنایه از قوچ چاق است) آوردند تا قربانی کند، و به وی گفت: ای عائشه کارد را بیاور و با سنگ تیز کن، من این کار را کردم و آن را گرفت و قوچ را به پهلو خواباند و سپس ذبح کرد و (در هنگام ذبح) گفت: بسم الله خداوندا! این را از محمد وآل محمد و امت محمد، قبول کن! و سپس آن را ذبح کرد).

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۱۹۶۷ و ابوداود/۲۷۹۲

کتاب(بخش) فضایل جهاد

فضیلت رفتن یک صبح یا شام در راه الله (حضور در جبهه جنگ علیه کفار)

۳۴۲- عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالک عَنِ النَّبِیِّ ﷺ قَالَ «لَغَدْوَةٌ فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَوْ رَوْحَةٌ خَیْرٌ منَ الدُّنْیَا وَمَا فِیهَا»:[1]

وَلَهُمَا عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ[2] بنحوه

انس‌بن مالک روایت می‌کند که رسول‌الله ﷺ فرمود: (صبح و شامی در راه خدا (به جهاد) رفتن از دنیا و آنچه در دنیا وجود دارد، بهتر است).

و بخاری و مسلم حدیثی به همین معنا از ابوهریره روایت کرده‌اند.

۳۴۳- عَنْ سَهْل بْنِ سَعْد السَّاعدیِّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ «الْغَدْوَةَ یَغْدُوهَا الْعَبْدُ فِی سَبِیلِ اللَه خَیْرٌ منَ الدُّنْیَا وَمَا فِیهَا»:[3]

سهل بن سعد روایت می‌کند که پیامبر فرمود: (یک روز صبح که بنده در راه خدا (به جهاد) می‌رود از دنیا و آن‌چه در دنیا وجود دارد، بهتر است).

۳۴۴- عن أَبِی أَیُّوبَ یَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَهِ ﷺ «غَدْوَةٌ فِی سَبِیلِ اللَه أَوْ رَوْحَةٌ خَیْرٌ ممَّا طَلَعَتْ عَلَیْه الشَّمْسُ وَغَرَبَتْ»:[4]

---

[1]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۲۶۳۹و صحیح مسلم/۱۸۸۰

[2]. صحیح بخاری/۲۶۱۴ و صحیح مسلم/۱۸۸۲

[3]. صحیح: صحیح مسلم/۱۸۸۱ و مسند احمد/۱۵۶۰۵

[4]. صحیح: صحیح مسلم (۳/۱۵۰۰، ش ۱۸۸۳، مسند أحمد (۵/۴۲۲، ش ۲۳۶۳۴)، عبد بن حمید (ص ۱۰۴، ش ۲۲۵)، ابن أبی شیبة (۴/۲۰۱، ش ۱۹۳۰۵)، طبرانی (۴/۱۸۲، ش۴۰۷۹) و طبرانی در الأوسط (۸/۲۹۱، ش۸۶۶۷)

ابوایوب می‌گوید، رسول‌الله ﷺ فرمود: (یک صبح یا یک شام در راه خدا(به‌جهاد) رفتن از آنچه خورشید برآن طلوع و از آن غروب کرده، بهتر است).

فضیلت جهاد در راه خداوند متعال

۳۴۵- عن أَبِی هُرَیْرَةَ عَنِ النَّبِیِّ ﷺ قَالَ «انْتَدَبَ اللَّهُ لِمَنْ خَرَجَ[1] فِی سَبِیلِهِ لاَ یُخْرِجُهُ إِلاَّ إِیمَانٌ بِی وَتَصْدِیقٌ بِرُسُلِی أَنْ أُرْجِعَهُ بِمَا نَالَ مِنْ أَجْرٍ أَوْ غَنِیمَةٍ، أَوْ أُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ، وَلَوْلاَ أَنْ أَشُقَّ عَلَى أُمَّتِی مَا قَعَدْتُ خَلْفَ سَرِیَّةٍ، وَلَوَدِدْتُ أَنِّی أُقْتَلُ فِی سَبِیلِ اللَّهِ ثُمَّ أُحْیَا، ثُمَّ أُقْتَلُ ثُمَّ أُحْیَا، ثُمَّ أُقْتَلُ»[2]

از ابوهریره روایت است که رسول‌الله ﷺ فرمود: (خداوند برای کسی که در راه او خارج شود(یعنی به جهاد برود) و تنها به خاطر ایمان به من(الله) و تصدیق پیامبرانم خارج شود، ضمانت کرده است که او را با پاداش یا مال غنیمت (به خانه) برگرداند یا او را وارد بهشت گرداند، و اگر بر امتم دشوار نبود به تمام سریه‌ها شرکت می‌کردم و من دوست دارم که در راه الله کشته شوم و زنده شوم و کشته شوم).

۳۴۶- و فی روایة لهما «وَلَکِنِّی لاَ أَجِدُ مَا أَحْمِلُهُمْ عَلَیْهِ وَلاَ یَجِدُونَ مَا یَتَحَمَّلُونَ عَلَیْهِ فَیَخْرُجُونَ وَیَشُقُّ عَلَیْهِمْ أَنْ یَتَخَلَّفُوا بَعْدِی فَوَدِدْتُ أَنِّی أُقَاتِلُ فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَأُقْتَلُ ثُمَّ أُحْیَا فَأُقْتَلُ ثُمَّ أُحْیَا فَأُقْتَلُ»؛[3]

و در روایتی دیگر در بخاری و مسلم آمده: (اما وسایل جنگی(مانند: مرکب و اسلحه) در اختیار ندارم (که همه‌ی شما را) با خود به جهاد ببرم و آن‌ها هم چنین وسایلی در اختیار ندارند که به جهاد بروند، لذا برای آنان(مسلمانان) مشکل خواهد بود که پس از(شرکت) من (به جهاد) در خانه بمانند. و من دوست دارم در راه خدا بجنگم و کشته شوم و زنده شوم و کشته شوم).

۳۴۷- عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ قَالَ قِیلَ لِلنَّبِیِّ ﷺ مَا یَعْدِلُ الْجِهَادَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ «لاَ تَسْتَطِیعُونَهُ». قَالَ فَأَعَادُوا عَلَیْهِ مَرَّتَیْنِ أَوْ ثَلاَثًا کُلُّ ذَلِکَ یَقُولُ «لاَ تَسْتَطِیعُونَهُ». وَقَالَ فِی الثَّالِثَةِ «مَثَلُ الْمُجَاهِدِ فِی سَبِیلِ اللَّهِ کَمَثَلِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ

---

[1]. واژه‌ی خرج، اخرجت و خروج در قرآن از اصطلاحات جنگی و نظامی است که متاسفانه امروزه آن را تحریف می‌کنند. (مترجم)

[2]. صحیح: صحیح بخاری/۳۶باب الجهاد من الایمان و ش۷۲۲۶ و مسلم/۱۰۶ و مؤطا ص۳۹۶

[3]. صحیح: موطأ مالک/۸۸۳ و در بخاری/۶۷۹۹ و مسلم/۱۰۶-۱۰۳ به همین معنا

الْقَانت بآيَات اللَه لاَ يَفْتُرُ منْ صيَامٍ ولاَ صَلاَةٍ حَتَى يَرْجِعَ الْمُجَاهِدُ فِـي سَـبِيلِ اللَّـهِ تَعَالَى»:[۱]

از ابوهریره روایت است که گفتند: (ای رسول‌خدا! به ما عملی معرفی کن (که ثوابش) با جهاد در راه خدا برابر باشد. فرمود: نمی‌توانید آن را انجام دهیـد. گفتنـد می‌توانیم. راوی گوید: نمی‌دانم بار سوم یا چهارم فرمود: مثال مجاهـد در راه خـدا مانند کسی است که همواره بدون خستگی در حال روزه است، افطـار نمـی‌کنـد و همیشه در نماز است، تا مجاهد در راه خدا (از جهاد) برگردد).

۳۴۸– عن أبی هُرَیْرَةَ رضی الله عنه قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إلَی رَسُول اللّـه صلی الله علیه وسلم فَقَـالَ دُلَّنـی عَلَـی عَمَلٍ یَعْدلُ الْجهَادَ. قَالَ «لاَ أَجدُهُ هَلْ تَسْتَطیعُ إذَا خَرَجَ الْمُجَاهدُ أَنْ تَـدْخُلَ مَـسْجِداً فَتَقُومَ وَلاَ تَفْتُرَ وَتَصُومَ وَلاَ تُفْطرَ قَالَ وَمَنْ یَسْتَطیعُ ذَلکَ»:[۲]

از ابوهریره روایت است که مردی نزد پیامبر آمد و گفت: (انجام عملی بـه مـن معرفی کن که(ثوابش) با جهاد برابر باشد. فرمـود: چنـین عملـی سـراغ نـدارم. آیـا می‌توانی هنگامی که مجاهد، به جهاد می‌رود، تو به مسجدی بروی و همواره بدون خستگی نماز بخوانی و روزه بگیری، گفت: چه کسی می‌تواند این‌گونـه(عبـادت) کند؟!).

۳۴۹– عَنْ أَبی سَعید الْخُدْریِّ أَنَ رَجُلاً أَتَی النَبیَّ صلی الله علیه وسلم فَقَـالَ أَیُّ النَـاسِ أَفْـضَلُ فَقَالَ «رَجُلٌ یُجَاهدُ فی سَبِیل اللَّه بمَاله وَنَفْسه» قَالَ ثُمَّ مَنْ قَالَ «مُؤْمنٌ فِـی شِـعْبٍ منَ الشّعَاب یَعْبُدُ اللَهَ رَبَّهُ وَیَدَعُ النَّاسَ منْ شَرّه»:[۳]

ابوسعید خدری روایت می‌کند که مردی نزد پیامبرآمد و گفت: (چه کـسی از همه‌ی مردم بهتر است؟ فرمود: کسی که در راه خدا با مال و جـانش جهـاد کنـد و فرمود: بعد از او(مجاهد)، مومنی که در یکی از درّه‌ها خداوند را عبادت می‌کند و مردم از او آزاری نمی‌بینند، از همه بهتر است).

---

[۱]. صحیح: صحیح مسلم/۱۸۷۸ و سنن ترمذی۱۶۱۹ البته با الفاظی که مؤلف نقل کرده و به مسلم نـسبت داده فقط در شعب الایمان بیهقی وجود داشت. اما متن فوق در صحیح مسلم و ترمذی است

[۲]. صحیح: صحیح وضعیف سنن النسائی/۳۱۲۸ و در صحیح بخاری/۲۶۳۳ با اندک تفاوتی در الفاظ

[۳]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۲۷۸۶ و صحیح مسلم/۱۸۸۸

۳۵۰- عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ عَنْ رَسُول اللهِ ﷺ أَنهُ قَالَ «مِنْ خَیْرِ مَعَاشِ النَاسِ لَهُمْ رَجُلٌ مُمْسِکٌ عِنَانَ فَرَسه فِی سَبِیلِ اللَهِ یَطِیرُ عَلَى مَتْنه کُلمَا سَمِعَ هَیْعَةً أَوْ فَزْعَةً طَارَ عَلَیْه یَبْتَغِی الْقَتْلَ وَالْمَوْتَ مَظَانَهُ أَوْ رَجُلٌ فِی غُنَیْمَة فِی رَأْسِ شَعَفَةٍ مِنْ هَذه الشَعَفِ أَوْ بَطْنِ وَادٍ مِنْ هَذه الأَوْدِیَة یُقِیمُ الصَلاَةَ وَیُؤْتِی الزَکَاةَ وَیَعْبُدُ رَبَهُ حَتَى یَأْتِیَهُ الْیَقِینُ لَیْسَ مِنَ النَاسِ إِلاَ فِی خَیْرٍ»:[1]

ابوهریره از رسول‌الله روایت می‌کند که فرمود: (بهترین زندگی را کسی دارد که لگام اسبش را در دست دارد و در راه خدا(جهاد) است و هرگاه خبری از جنگ بشنود، بسرعت خودش را به آن جا می‌رساند و در پی جنگ و مرگ (به خاطر خداست) و دیگر کسی که با گوسفندانش در دامنه کوهی داخل دره‌ای نماز می‌خواند، زکات می‌دهد و در میان مردم بجز برای کار خیر نمی‌رود، و تا مرگ الله را عبادت می‌کند).

۳۵۱- عن عُثْمَانُ بْنُ عَفَانَ رَضِیَ اللَهُ عَنْهُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ ﷺ یَقُولُ «یَوْمٌ فِی سَبِیلِ اللَهِ خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ یَوْمٍ فِیمَا سِوَاهُ»:[2]

عثمان‌بن عفان روایت می‌کند که شنیدم رسول‌الله ﷺ می‌فرماید: (یک روز در راه الله (جهاد) از هزار روز در دیگر(عبادت‌ها) بهتر است).

الله تعالی برای مجاهدان در بهشت صد طبقه آماده کرده است.

۳۵۲- عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ ﷺ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَهِ ﷺ «مَنْ آمَنَ بِاللَهِ وَبِرَسُولِه وَأَقَامَ الصَلاَةَ وَصَامَ رَمَضَانَ، کَانَ حَقًّا عَلَى اللهِ أَنْ یُدْخِلَهُ الْجَنَةَ جَاهَدَ فِی سَبِیلِ اللَهِ، أَوْ جَلَسَ فِی أَرْضِهِ الَتِی وُلِدَ فِیهَا». فَقَالُوا یَا رَسُولَ اللهِ أَفَلاَ نُبَشرُ النَاسَ. قَالَ «إِنَ فِی الْجَنَة مِائَةَ دَرَجَة أَعَدَهَا اللَهُ لِلْمُجَاهِدِینَ فِی سَبِیلِ اللهِ، مَا بَیْنَ الدَرَجَتَیْنِ کَمَا بَیْنَ السَمَاءِ وَالأَرْضِ، فَإِذَا سَأَلْتُمُ اللَهَ فَاسْأَلُوهُ الْفِرْدَوْسَ، فَإِنَهُ أَوْسَطُ الْجَنَة

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۱۸۸۹ و ابن ماجه/۳۹۷۷ و بیهقی/۱۸۹۶۷

[2]. صحیح: صحیح نسائی/۳۱۸۳، طیالسی (ص ۱۵، ش۸۷)، حاکم (۲/۷۷ ش۲۳۸۱) و می‌گوید: بر شرط بخاری صحیح است. و بیهقی (۹/۱۶۱، ش۱۸۲۸۶). و نیز بخاری در التاریخ (۲/۱۴۸)، و نسائی (۶/۴۰، ش ۳۱۷۰)، ابن حبان (۱۰/۴۶۹، ش ۴۶۰۹) و ضیاء (۱/۴۵۲، ش ۳۲۷).

وَأَعْلَى الْجَنَة، أُرَاهُ فَوقَهُ عَرْشُ الرحْمَن، وَمِنْهُ تَفجَّرُ أَنْهَارُ الْجَنَـة». قَـالَ مُحَمَّـدُ بْـنُ فُلَيْح عَنْ أَبِيهِ «وَفَوقَهُ عَرْشُ الرحْمَن وَمِنْهُ تَفَجَّرُ أَنْهَارُ الْجَنَة »:[1]

أبوهریره روایت می کند که رسول‌الله فرمود: (هر کس به الله و رسولش ایمان بیاورد، نماز را اقامه کند، و ماه رمضان را روزه گیرد، شایسته است که خداوند او را وارد بهشت نماید، برابر است که در راه خدا جهاد کند یا در سرزمینی که متولد شده است، بماند. گفتند: ای رسول‌خدا! آیا به مردم، مژده ندهیم؟ فرمود: در بهشت صد طبقه وجود دارد که خداوند آن‌ها را برای مجاهدان در راه الله، آماده کرده است و فاصله هر طبقه تا طبقه دیگر، به اندازه فاصله‌ی بین آسمان و زمین است. پس هر گاه از خداوند(چیزی) خواستید، فردوس را بخواهید، زیرا در وسط بهشت و بهترین طبقه آن است. (راوی می گوید:) فکر می کنم رسول‌خداﷺ فرمود: عرش خداوند روی آن است و نهرهای بهشت از آن سرچشمه می گیرد).

۳۵۳- عَنْ أَبِی‌سَعِید الْخُدْرِیٍّ أَنَ رَسُولَ اللَهﷺ قَالَ «يَا أَبَـا سَـعِيد مَـنْ رَضِـيَ بِاللَه رَبًّا وَبِالإِسْلاَمِ دِينًا وَبِمُحَمَّد نَبِيًّا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَةُ». فَعَجِبَ لَهَا أَبُـو سَـعِيد فَقَـالَ أَعِدْهَا عَلَيَّ يَا رَسُولَ اللَه فَفَعَلَ ثُمَّ قَالَ «وَأُخْرَى يُرْفَعُ بِهَا الْعَبْدُ مِائَةَ دَرَجَة فِي الْجَنَة مَا بَيْنَ كُلِ دَرَجَتَيْنِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاء وَالأَرْضِ». قَالَ وَمَا هِـيَ يَـا رَسُـولَ اللَّـه قَـالَ «الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَه الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَه»:[2]

از ابوسعید خدری‌ رضی الله عنه روایت است که رسول‌اللهﷺ فرمود: ای ابوسعید هر کس به این خوشنود باشد که الله پروردگارش، اسلام دینش و محمد پیامبرش است، (رفتن به) بهشت بر او واجب می گردد، ابوسعید شگفت زده شد و گفت: ای‌رسول‌خدا دوباره تکرار کن، پیامبر تکرار کرد و سپس فرمود: و عبادت دیگری نیز وجود دارد که خداوند با آن‌ها بنده‌اش را صد درجه بالا می‌برد، که فاصله هر درجه با درجه‌ی دیگر به اندازه فاصله بین آسمان‌ها و زمین است. گفت ای‌رسول‌خدا آن چیست؟ فرمود: جهاد در راه الله).

[1]. صحیح: صحیح بخاری (۳/۱۰۲۸ ، ش ۲۶۳۷) و مسند أحمد/۸۴۵۵)، و ابن حبان (۱۰/۴۷۱ ، ش ۴۶۱۱)

[2]. صحیح: صحیح مسلم/۱۸۸۴ و نسائی/۳۱۳۱

جهاد از أفضل اعمال است

۳۵۴- عن عَبْدالله بْنِ مَسْعُود قَالَ سَأَلْتُ رَسُولَ اللهﷺ أَیُّ الأَعْمَال أَفْضَلُ قَالَ «الصَّلاَةُ أَوَّلُ وَقْتِهَا». قُلْتُ ثُمَّ مَاذَاَ قَالَ «الْجِهَادُ فِی سَبِیلِ اللَه». قُلْتُ ثُمَّ مَاذَا قَالَ «بِرُ الْوَالِدَیْنِ».[1]

عبدالله‌بن مسعود می‌گوید: (از رسول‌خدا پرسیدم کدام یک از اعمال افضل است؟ فرمود: نماز در اول وقت، گفتم: بعد از آن؟ فرمود: جهاد در راه الله. گفتم بعد از آن؟ فرمود: نیکی کردن به پدر و مادر).

۳۵۵ - عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ قَالَ سُئِلَ النَّبِیُّﷺ أَیُّ الأَعْمَال أَفْضَلُ قَالَ «إِیمَانٌ بِاللَه وَرَسُولِه». قِیلَ ثُمَّ مَاذَا قَالَ «جِهَادٌ فِی سَبِیلِ اللَه». قِیلَ ثُمَّ مَاذَا قَالَ «حَجٌّ مَبْرُورٌ».[2]

ابوهریره روایت می‌کند که از رسول‌اللهﷺ سوال شد: چه عملی افضل است؟ فرمود: ایمان به خداوند متعال پرسیدند: بعد از آن چه عملی؟ فرمود: جهاد در راه الله. پرسیدند: بعد ازآن؟ فرمود: حج مقبول.

۳۵۶- عن نعْمَان بْنُ بَشِیر قَالَ کُنْتُ عِنْدَ مِنْبَرِ رَسُولِاللهﷺ فَقَالَ رَجُلٌ مَا أُبَالِی أَنْ لاَ أَعْمَلَ عَمَلاً بَعْدَ الإِسْلاَمِ إِلاَ أَنْ أُسْقِیَ الْحَاجَّ. وَقَالَ آخَرُ مَا أُبَالِی أَنْ لاَ أَعْمَلَ عَمَلاً بَعْدَ الإِسْلاَمِ إِلاَ أَنْ أَعْمُرَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ. وَقَالَ آخَرُ الْجِهَادُ فِی سَبِیلِ اللَه أَفْضَلُ مِمَّا قُلْتُمْ. فَزَجَرَهُمْ عُمَرُ وَقَالَ لاَ تَرْفَعُوا أَصْوَاتَکُمْ عِنْدَ مِنْبَرِ رَسُولِ اللَه وَهُوَ یَوْمُ الْجُمُعَةِ وَلَکِنْ إِذَا صَلَّیْتُ الْجُمُعَةَ دَخَلْتُ فَاسْتَفْتَیْتُهُ فِیمَا اخْتَلَفْتُمْ فِیه. فَأَنْزَلَ اللَهُ عَزَ وَجَلَ (أَجَعَلْتُمْ سِقَایَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ کَمَنْ آمَنَ بِاللَه وَالْیَوْمِ الآخِرِ[3] وَجَاهَدَ فِی سَبِیلِ الله لاَ یَسْتَوُونَ عِنْدَ الله...).[4]

نعمان‌بن بشیر می‌گوید: (نزدیک منبر رسول‌الله نشسته بودم که مردی گفت: بعد از این‌که مسلمان شدم دیگر پروایی ندارم جز این‌که حاجیان(زائران خانه‌ی

---

[1]. صحیح: دار قطنی/۹۷۹ و در صحیحین به همین معنا وجود دارد. نگا: بخاری/۵۲۷ (الصَّلَاةُ عَلَى مِيقَاتِهَا/۲۷۸۲) و (الصَّلَاةُ لوقتها/۵۰۴) و مسلم/۸۵ (الصَّلَاةُ لوقتها) و تخریج این روایت قبلا ذکر شد.
[2]. صَحیح: متفق علیه: صحیح بَخاری/۲۶ و ۱۵۲۱ و صحیح مَسلم/۸۳ و در اول فضایل حج ذکر شده است.
[3]. در صحیح مسلم آیه را تا « وَالْيَوْمِ الآخِرِ» آورده ولی مؤلف تاجایی که در متن ذکر کردم آورده بود.
[4]. صحیح: صحیح مسلم/۱۸۷۹

کعبه) را آب بدهم (یعنی از نظر آن شخص این عمل بعد از ایمان به خدا و پیامبر بهترین بود) یکی دیگر گفت: (از نظر من) آبادانی و ساخت مسجدالحرام افضل است. سومی گفت: جهاد در راه خدا از این چیزی که شما گفتید، افضل است. گوید: عمر آن‌ها را توبیخ کرد و گفت: صداهای‌تان را کنار مبنر رسول‌الله، بلند نکنید. و آن روز جمعه بود. (و توافق کردند و گفت:) بعد از نماز جمعه خدمت پیامبر رفتیم و سوال کردیم. آیه‌ی:« آیا آب دادن (پذیرایی) حاجیان و آبادانی مسجدالحرام را مانند (عمل کسی) قرار می‌دهید که به الله و روز آخرت ایمان آورده و در راه خدا جهاد نموده است... تا جایی که می‌فرماید: نزد خداوند، برابر نیستد» نازل شد).

۳۵۷- عَنْ مُعَاذ بْن جَبَل عَن النَبیﷺ قَالَ «مَنْ قَاتَلَ فِی سَبِیلِ اللَـهِ مِنْ رَجُلٍ مُسْلِمٍ فُوَاقَ نَاقَة وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَةَ»:[۱]

مُعَاذ بن جبلٌ روایت می کند که پیامبرﷺ فرمود: (هر کس به اندازه‌ی یک بار دوشیدن شتر تا بار دیگر در راه خدا جهاد کند بهشت بر او واجب می گردد).

فضیلت مرزبانی در راه الله و ثواب مرگ در حال مرزبانی

۳۵۸- عَنْ سَلْمَانَ الفارسی قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَهﷺ يَقُولُ «رِبَاطُ يَـوْمٍ وَلَيْلَـةٍ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَقِيَامِهِ وَإِنْ مَاتَ جَرَى عَلَيْهِ عَمَلُهُ الَذِی كَانَ يَعْمَلُهُ وَأُجْرِیَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ وَأَمِنَ الْفَتَانَ»:[۲]

سلمان فارسی روایت می‌کند که پیامبرﷺ فرمود: (یک شبانه روز نگهبانی(مرزبانی) در راه خدا، از روزه گرفتن و شب زنده داری یک ماه بهتر است، و اگر در حال نگهبانی بمیرد، ثواب آن عملی که انجام می‌داده برایش نوشته می‌شود و رزقش را به او می‌دهند و از فتنه‌های(قبر) در امان می‌ماند).

---

[۱]. صحیح: صحیح ترمذی/۱۶۵۷، صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۲۷۹۲ و صحیح أبي داود (۲۲۹۱)

[۲]. صحیح: صحیح مسلم (۳/۱۵۲۰ ، ش ۱۹۱۳) ، وابن حبان (۱۰/۴۸۵ ، ش ۴۶۲۶) . و نیز أبو عوانة (۴/۴۹۷ ، ش۷۴۶۸) .

۳۵۹- عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدِ السَّاعِدِيِّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ «رِبَاطُ يَوْمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا، وَمَوْضِعُ سَوْطِ أَحَدِكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا، وَالرَّوْحَةُ يَرُوحُهَا الْعَبْدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوِ الْغَدْوَةُ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا»:[۱]

سهل‌بن سعد ساعدی روایت می‌کند که رسول‌الله ﷺ فرمود: (یک روز نگهبانی در راه خدا از دنیا و آنچه در آن وجود دارد، بهتر است و اندازه جای شلاق هر یک از شما (که در راه خدا می‌زنید) در بهشت از دنیا و آنچه در دنیا وجود دارد، بهتر است، و هر گامی که هر یک از شما شام‌گاهان یا بامدادان در راه خدا بر می‌دارد، از دنیا و آنچه در دنیاست، بهتر است).

۳۶۰- عَنْ فَضَالَةَ بْنِ عُبَيْدٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «مَا مِنْ مَيِّتٍ يَمُوتُ إِلا خُتِمَ عَلَى عَمَلِهِ، إِلا مَنْ مَاتَ مُرَابِطًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَإِنَّهُ يَنْمُو لَهُ عَمَلُهُ، وَأَمِنَ مِنْ فِتْنَةِ الْقَبْرِ»:[۲]

فضاله بن عبید می‌گوید: (هیچ کس نیست که بمیرد و پرونده‌ی اعمالش بسته نشود بجز کسی که در حال مرزبانی در راه الله می‌میرد، چون [هرکس در حال نگهبانی بمیرد] عملش تا روز قیامت اضافه می‌شود، و از فتنه‌ی(عذاب) قبر در امان است).

۳۶۱- عَنْ عُثْمَانُ بْنُ عَفَانَ قال سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ «مَنْ رَابَطَ لَيْلَةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ كَانَتْ كَأَلْفِ لَيْلَةٍ صِيَامِهَا وَقِيَامِهَا»:[۳]

---

[۱]. صحیح: صحیح بخاری (۱۰۵۹/۳، ش ۲۷۳۵)، ترمذی (۱۸۸/۴، ش۱۶۶۴) و أحمد (۳۳۹/۵، ش ۲۲۹۲۳).

[۲]. المعجم الکبیر طبرانی/۱۵۱۶۷ و الجهاد ابن أبی عاصم/۲۷۲ اما روایت ابوداود که مؤلف پس از ذکر روایت به ابوداود و ترمذی به معنای آن نسبت داده است به این شرح است: «كُلُّ الْمَيِّتِ يُخْتَمُ عَلَى عَمَلِهِ إِلاَّ الْمُرَابِطَ فَإِنَّهُ يَنْمُو لَهُ عَمَلُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَيُؤَمَّنُ مِنْ فَتَّانِ الْقَبْرِ»: (رسول‌الله فرمود: هرکس بمیرد، عملش تمام می‌شود. بجز کسی که در حال نگهبانی می‌میرد، چون (هرکس در حال نگهبانی بمیرد) عملش تا روز قیامت اضافه می‌شود، و از فتنه‌ی(عذاب) قبر در امان است). و صحیح است: نگا: صحیح وضعیف ابوداود/۲۵۰۰ و صحیح الجامع/۴۵۶۲

[۳]. حسن: صحیح ابن ماجه/۲۷۶۶، در مختصرکتاب (الإعلام بآخر أحكام الألبانی الإمام/۲۲۳ می‌نویسد: در ضعیف الجامع (۵۶۰۴) چاپ اول ضعیف جدا و سپس در صحیح الترغیب والترهیب (۱۲۲۴) حسن دانسته است.

عثمان بن عفان رضی الله عنه می گوید، شنیدم رسول‌الله ﷺ می‌فرماید: (هر کس یک شب در راه خدا نگهبانی دهد، برایش همانند: هزار شب عبادت که روزها را هم روزه باشد، محسوب می‌شود).

۳۶۲- عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ عَنْ رَسُول اللَّه ﷺ قَالَ «مَنْ مَاتَ مُرَابطًا فی سَبیل اللَّه أَجْرَى عَلَیْه أَجْرَ عَمَله الصَّالح الَذی کَانَ یَعْمَلُ وَأَجْرَى عَلَیْه رزْقَهُ وَأَمنَ منَ الْفَتَان وَبَعَثَهُ اللَّهُ یَوْمَ الْقیَامَة آمنًا منَ الْفَزَع»:[1]

ابوهریره روایت می کند که رسول‌الله فرمود: (هر کس در حال نگهبانی در راه خدا بمیرد، عمل صالحی که در زندگی انجام می‌داده برایش ثبت می‌شود و رزقش را هم می‌دهند و از فتنه‌ها(ی قبر) در امان می‌ماند و در روز قیامت خداوند او را در حالی بر می‌انگیزد، که از وحشت آن روز در امان است).

فضیلت انفاق در راه الله

۳۶۳- عَنْ أَبِی مَسْعُود الأَنْصَارِیِّ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ بنَاقَة مَخْطُومَة فَقَالَ هَذه فی سَبیل اللَه. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «لَکَ بهَا یَوْمَ الْقیَامَة سَبْعُمَائَة نَاقة کُلُهَا مَخْطُومَةٌ»:[2]

ابومسعود انصاری می گوید: (مردی شتر جهاز شده‌ای را آورد و گفت: این [وقف] در راه الله است. پیامبر ﷺ فرمود: در برابر این شتر جهاز شده، هفت صد شتر جهاز شده به او داده خواهد شد).

۳۶۴- عَنْ خُرَیْم بْن فَاتک قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَه صلی‌الله‌علیه‌وسلم «مَنْ أَنْفَقَ نَفَقَةً فی سَبیل اللَه کُتبَتْ لَهُ بسَبْعمائَة ضعْف»:[3]

خریم بن فاتک می گوید، رسول الله ﷺ فرمود: (هر کس در راه الله نفقه‌ای کند برایش هفت صد برابر[پاداش] نوشته می‌شود).

---

[1]. صحیح: صحیح ابن ماجه/۲۸۷۲ صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۲۷۶۷، الروض النضیر (۱۰۱۳) ، التعلیق الرغیب (۲ / ۱۵۱)

[2]. صحیح: صحیح مسلم (۱۵۰۵/۳ ، ش۱۸۹۲)، نسائی (۴۹/۶ ، ش۳۱۸۷)، احمد (۱۲۱/۴، ش۱۷۱۳۵) وابن حبان (۵۰۶/۱۰ ، ش ۴۶۴۹)

[3]. صحیح: والنسائی (۴۹/۶ ش۳۱۸۶)، ترمذی (۱۶۷/۴ ش ۱۶۲۵) و می گوید: حسن . و أحمد (۳۴۵/۴ ، ش۱۹۰۵۷) ،

۳۶۵- عَنْ أَبِی أُمَامَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِﷺ « أَفْضَلُ الصَّدَقَات ظِـلُّ فُـسْطَاط فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَمَنِیحَةُ خَادِمٍ فِی سَبِیلِ اللَّهِ أَوْ طَرُوقَةُ فَحْلٍ فِی سَبِیلِ اللَّهِ»:[1]

ابوامامه می گوید: رسول‌الله فرمود: (با فضیلت‌ترین صدقات، سایه‌ی خیمه‌ای است که در راه الله می‌دهند و بخشیدن غلام و اهدا کردن شتری در راه الله می‌باشد).

[منظور این است که هر کس خیمه‌ای در راه الله اهدا کند یا غلام خود را به جهاد بفرستد تا بجای او جهاد کند یا به مجاهدی وسیله‌ی سواری برای جهاد بدهد که بوسیله‌ی آن جهاد کند، عمل بسیار با ارزش و حتی بهترین عمل نیک را انجام داده است]. مترجم

فضیلت گرد و غبار در راه الله و ثواب کسی که پاهایش در راه الله غبار آلود شود

۳۶۶- عن أَبِی عَبْس عبدالرحمن بن جبر قَالَ رَسُولُ اللَّـه ﷺ «مَنِ اغْبَرَتْ قَدَمَاهُ فِی سَبِیلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَرَّمَهُمَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى النَّار»:[2]

ابوعبس، عبدالرحمان بن جبر می گوید: رسول الله ﷺ فرمود: (پاهای هر کس در راه الله غبار آلود شود، الله سوزاندن آنها را بر دوزخ حرام می گرداند).

۳۶۷- عَنْ أَبِی‌هُرَیْرَةَ عَنِ النَّبِیِّ قَالَ «لاَ یَجْتَمِعُ غُبَارٌ فِی سَبِیلِ اللَّـهِ وَدُخَانُ جَهَنَّمَ فِی وَجْهِ رَجُلٍ أَبَدًا وَلاَ یَجْتَمِعُ الشُّحُّ وَالإِیمَانُ فِی قَلْبِ عَبْدٍ أَبَدًا»:[3]

ابوهریره می گوید پیامبرﷺ فرمود: (هرگز غباری که در راه الله بر بدن انسان می‌نشیند با دود دوزخ در چهره‌ی کسی جمع نخواهد شد و هرگز بخل و ایمان یک جا در قلب کسی جمع نمی‌شود).

---

[1]. حسن: ترمذی (۴/۱۶۸، ش ۱۶۲۷) می‌گوید: حسن صحیح غریب . و طبرانی (۸/۲۳۴ ، ش۷۹۱۶) أحمد (۵/۲۶۹ ، ش۲۲۳۷۵) در نسخه‌ی تحقیق دکتر مصطفی محمد حسین ذهبی ش/۱۶۲۷ کتاب الجهاد باب ما جاء فی فضل الخدمة فی سبیل الله

[2]. صحیح: مسند احمد/۱۶۳۵۶ و بیهقی از جابر ش/۱۸۹۸۶ متن فوق را مؤلف به بخاری نسبت داده است اما متن حدیث بخاری به این شرح است: «مَنْ اغْبَرَّتْ قَدَمَاهُ فِی سَبِیلِ اللَّهِ حَرَّمَهُ اللَّهُ عَلَى النَّار»: (پاهای هر کس در راه الله غبار آلود شود، الله سوزاندن آن را بر دوزخ حرام می‌گرداند) بخاری (۱/۳۰۸ ش ۸۶۵) و ترمذی (۴/۱۷۰ش۱۶۳۲)

[3]. صحیح: صحیح وضعیف سنن النسائی/۳۱۱۰ و المشکاة (۳۸۲۸)

۳۶۸- عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ أَنَ النَبِیَّصلی‌الله علیه‌وسلم قَالَ «لاَ یَجْتَمِعُ غُبَارٌ فِی سَبِیلِ اللَه وَدُخَانُ جَهَنَمَ فِی جَوْف عَبْد مُسْلم»:[1]

ابوهریره می گوید، پیامبرﷺ فرمود: (هرگز غبار در راه الله با دود دوزخ در درون فرد مسلمان جمع نخواهد شد).

۳۶۹- عَنْ أَنَس بْن مَالک قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَهﷺ «مَنْ رَاحَ رَوْحَةً فِی سَبِیلِ اللَه كَانَ لَهُ بمثْل مَا أَصَابَهُ منَ الْغُبَار مسْكًا یَوْمَ الْقیَامَة»:[2]

انس بن مالک می گوید، رسول الله فرمود: هر کس یک شامگاه در راه الله برود به همان اندازه که از غبار روی بدنش بنشیند، در روز قیامت مشک عنبر به او داده خواهد شد.

فضیلت نگهبانی در راه الله(جهاد)

۳۷۰- عن أَبِی رَیْحَانَةَ یَقُولُ: «سَمعْتُ رَسُولَ اللَه صَلَی اللَهُ عَلَیْه وَسَلَمَ یَقُولُ حُرِمَتْ عَیْنٌ عَلَی النَار سَهرَتْ فی سَبیلِ اللَه»:[3]

ابو ریحانه روایت می کند که شنیدم رسول الله می‌فرماید: (چشمی که در راه الله(در جهاد) بیداری کشیده بر دوزخ سوزاندن آن حرام شده است).

فضیلت روزه‌ی در جهاد

۳۷۱- عَنْ أَبِیهُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَهﷺ «مَنْ صَامَ یَوْماً فِی سَبِیلِ اللَه بَاعَدَهُ اللَهُ منْ جَهَنَمَ مَسیرَةَ سَبْعینَ خَرِیفاً»:[4]

---

[1]. صحیح: صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۲۷۷۴ و المشكاة (۳۸۲۸)

[2]. حسن: الصحیحة (۲۳۳۸)، ابن ماجه (۲/۹۲۷، ش۲۷۷۵) ، طبرانی در الأوسط (۲/۹۳، ش۱۳۵۹)، والضیاء (۶/۱۸۳، ش۲۱۹۲)

[3]. صحیح: صحیح وضعیف سنن النسائی/۳۱۱۷ و التعلیق الرغیب (۲ / ۱۵۵)

[4]. صحیح: مسند احمد/۸۹۲۴ و در صحیح مسلم/ ۱۱۵۳با لفظ: «مَنْ صَامَ یَوْمًا فِی سَبِیلِ اللَّه بَاعَدَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَنْ النَّار سَبْعِینَ خَرِیفًا» که تقریبا به همین معناست، روایت کرده است. و در بخاری نیز به همین معنا وجود دارد.

ابوهریره می گوید، پیامبر فرمود: (هر کس یک روز در راه الله روزه گیرد، الله او را از دوزخ به اندازه‌ی فاصله‌ی هفتاد سال راه دور می گرداند).

۳۷۲- عَنْ أَبِی أُمَامَةَ الْبَاهلیِّ عَن النَّبیّ ﷺ قَالَ «مَنْ صَامَ یَوْمًا فِی سَبِیلِ اللَّهِ جَعَلَ اللَّهُ بَیْنَهُ وَبَیْنَ النَّار خَنْدَقًا كَمَا بَیْنَ السَّمَاء وَالأَرْض».[1]

ابوامامه‌ی باهلی می گوید، پیامبر ﷺ فرمود: (هر کس یک روز در راه الله روزه گیرد الله بین او و دوزخ خندقی به اندازه‌ی فاصله‌ی آسمان‌ها تا زمین قرار می‌دهد).

فضیلت تیر اندازی در راه الله

۳۷۳- عَنْ أَبِی نَجِیح السُّلَمیِّ و هو عَمْرُو بْنَ عَبَسَةَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ یَقُولُ «مَنْ رَمَی بِسَهْم فِی سَبِیلِ اللَّه فَبَلَغَ فَهُوَ عدلُ مُحَرَر».[2] وَ رَوَی الترمذی طَرفا منه و صححه و روایةً للنسائی و ابن ماجه: «فَبَلَغَ الْعَدُوَّ أَخْطَأَ أَوْ أَصَابَ كَانَ لَهُ كَعدلِ رَقَبَة».[3] و فی روایة للنسائی: « بَلَغَ الْعَدُوَّ أَوْ لَمْ یَبْلُغْ كَانَ لَهُ كَعتْقِ رَقَبَة».[4]

ابونجیح سلمی -که همان عمرو بن عبسه است- می گوید: شنیدم رسول‌الله می‌فرماید: (هر کس در راه الله تیری شلیک کند که به دشمن برسد، برایش به اندازه‌ی ثواب آزاد کردن یک برده پاداش داده خواهد شد). ترمذی قسمتی از این را روایت کرده است. در روایت نسائی و ابن ماجه چنین آمده است: (...به میدان دشمن برسد، برابر است که به آنها اصابت کند یا به خطا رود، برایش به اندازه‌ی آزاد کردن یک برده پاداش داده خواهد شد).

و در روایتی دیگر در نسائی آمده: (به میدان دشمن برسد یا نرسد برایش به اندازه‌ی آزاد کردن یک برده پاداش داده خواهد شد).

---

[1]. صحیح: صحیح وضعیف سنن الترمذی/۱۶۳۸ و ابن ماجة (۲۸۱۲)
[2]. صحیح: صحیح نسائی/۳۱۵۶ و صحیح الجامع/۶۱۴۳
[3]. صحیح: صحیح نسائی/۳۱۵۸
[4]. صحیح: صحیح وضعیف سنن النسائی/۳۱۴۲، صحیح الترمذی (۱۷۰۰) و المشکاة (۴۴۵۹)

۳۷۴- عَنْ كَعْب بْنِ مُرَةَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِصلى‌الله‌عليه‌وسلم قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ «ارْمُوا مَنْ بَلَغَ الْعَدُوَّ بِسَهْمٍ رَفَعَهُ اللَّهُ بِهِ دَرَجَةً». قَالَ ابْنُ النَّحَّامِ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الدَّرَجَةُ قَالَ «أَمَا إِنَّهَا لَيْسَتْ بِعَتَبَةِ أُمِّكَ وَلَكِنْ مَا بَيْنَ الدَّرَجَتَيْنِ مِائَةُ عَامٍ».[۱]

کعب بن مره می گوید شنیدم رسول الله می‌فرماید: (شلّیک کنید که هرکس تیرش به دشمن برسد، الله او را یک درجه(پله) بالا می‌برد. ابن نحّام گفت: ای رسول خدا! آن درجه چقدر است؟ فرمود: آن درجه همانند: پلکان خانه‌ی مادرت نیست! بلکه از هر پله تا پله‌ی دیگر صد سال راه است).

فضیلت زخمی شدن در راه الله

و فضیلت کسی که در راه الله به اندازه‌ی فاصله‌ی دوشیدن یک بار حیوان تا بار دیگر(صبح تا شب) در راه الله باشد.

۳۷۵- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ «لاَ يُكْلَمُ أَحَدٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ - وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَنْ يُكْلَمُ فِي سَبِيلِهِ - إِلاَّ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَجُرْحُهُ يَثْعَبُ اللَّوْنُ لَوْنُ دَمٍ وَالرِّيحُ رِيحُ مِسْكٍ».[۲]

ابوهریره می گوید پیامبر ﷺ فرمود: (هیچ کس در راه الله زخمی نمی‌شود- و خدا می‌داند که چه کسی در راه الله زخمی می‌شود!- مگر این که روز قیامت در حالی می‌آید که از زخم‌اش خون جاری است، اما رنگ، رنگ خون است و بو، بوی مشک).

۳۷۶- عَنْ أَبِي أُمَامَةَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ «لَيْسَ شَىْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ قَطْرَتَيْنِ وَأَثَرَيْنِ قَطْرَةٌ مِنْ دُمُوعٍ فِي خَشْيَةِ اللَّهِ وَقَطْرَةُ دَمٍ تُهَرَاقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. وَأَمَّا الأَثَرَانِ فَأَثَرٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَثَرٌ فِي فَرِيضَةٍ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ».[۳]

ابوامامه می گوید، پیامبر ﷺ فرمود: (هیچ چیز از دو قطره و دو نشانه در نزد الله محبوب‌تر نیست؛ آن دو قطره (عبارتند از) قطره‌ی اشکی که از ترس الله می‌ریزد و

---

[۱]. صحیح: صحیح وضعیف سنن النسائی/۳۱۴۴ و صحیح الجامع (۶۳۰۷)
[۲]. صحیح: صحیح مسلم/۱۸۷۶ و در صحیح بخاری/۲۸۰۳ با الفاظ متفاوت
[۳]. حسن: صحیح وضعیف سنن الترمذی/۱۶۶۹، المشکاة (۳۸۳۷) ، التعلیق الرغیب (۲ / ۱۸۰)

قطره‌ی خونی که در راه الله ریخته می‌شود. و آن دو نشانه (عبارتند از) نشانه‌ای که در راه الله روی بدن می‌ماند و نشانه‌ای که در اثر انجام یکی از فرایض الهی روی بدن می‌ماند).

۳۷۷- عنَ مُعَاذَ بْنَ جَبَل أَنَهُ سَمعَ رَسُولَ اللَه ﷺ يَقُولُ «مَنْ قَاتَلَ فی سَبيل اللَه عَزَ وَجَلَ منْ رَجُل مُسْلم فُوَاقَ نَاقَة وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَةُ وَمَنْ سَأَلَ اللَهَ الْقَتْلَ منْ عنْد نَفْسه صَادقًا ثُمَّ مَاتَ أَوْ قُتلَ فَلَهُ أَجْرُ شَهيد وَمَنْ جُرحَ جُرْحًا فی سَبيل اللَه أَوْ نُكبَ نَكْبَةً فَإِنَهَا تَجيءُ يَوْمَ الْقيَامَة كَأَغْزَر مَا كَانَتْ لَوْنُهَا كَالزَعْفَرَان وَريحُهَا كَالْمسْک وَمَنْ جُرحَ جُرْحًا فی سَبيل اللَّه فَعَلَيْه طَابَعُ الشُهَدَاء»[1] و فی روایة الترمذی: «وَمَنْ خَرَجَ به خُرَاجٌ فی سَبيل اللَه فَإِنَ عَلَيْه طَابَعَ الشُهَدَاء»[2]

وروی منه الترمذی الی قوله كَالْمسْک و قال هَذَا حَديثٌ صَحيحٌ و فی روایة: «وَمَنْ خَرَجَ به خُرَاجٌ فی سَبيل اللَهَ فَإِنَ عَلَيْه طَابَعَ الشُهَدَاء»[3]

معاذ بن جبل می گوید: شنیدم پیامبر می‌فرماید: (هر مسلمانی که به اندازه‌ی فاصله یک بار دوشیدن حیوان تا بار دیگر [یعنی: از صبح تا غروب] در راه الله بجنگد، بهشت بر او واجب می گردد و هر کس صادقانه از صمیم قلب از الله بخواهد که در راه الله کشته شود. سپس بمیرد یا کشته شود به او پاداش شهید داده می‌شود و هر کس در راه الله زخمی بردارد یا تیری به او اصابت کند، روز قیامت در حالی آورده می‌شود که از اول تازه‌تر است و رنگ آن رنگ زعفران و بوی آن بوی مشک است. و هر کس در راه الله[یعنی: در جنگ مسلحانه با دشمن] زخمی شود بر وی مهر شهدا را می‌زنند. و ترمذی تا (بوی مشک) روایت کرده است و می گوید: صحیح است).

در روایتی دیگر آمده: (هر کس در جهاد باشد و بدنش زخمی شود یا دانه‌ای از بدنش بیرون شود، بر وی مهر شهدا زده می‌شود.

---
[1]. صحیح: صحیح و ضعیف ابوداود/۲۵۴۱ و صحیح نسائی/۳۱۵۴
[2]. صحیح: صحیح ترمذی/۲۵۴۳ و ابوداود ش/۲۵۴۱
[3]. صحیح: صحیح وضعیف سنن أبی داود/۲۵۴۱

۳۷۸- عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ قَالَ مَرَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللهِ ﷺ بشعْب فیه عُیَیْنَةٌ مِنْ مَاء عَذْبَةٌ فَأَعْجَبَتْهُ لطیبهَا فَقَالَ لَو اعْتَزَلْتُ النَاسَ فَأَقَمْتُ فِی هَذَا الشِّعْبِ وَلَنْ أَفْعَلَ حَتَی أَسْتَأْذنَ رَسُولَ اللهِ ﷺ فَذَكَرَ ذَلکَ لرَسُول اللَه فَقَالَ «لاَ تَفْعَلْ فَإِنَّ مَقَامَ أَحَدكُمْ فِی سَبِیلِ اللَه أَفْضَلُ مِنْ صَلاَته فِی بَیْتِه سَبْعِینَ عَامًا أَلاَ تُحِبُّونَ أَنْ یَغْفِرَ اللَهُ لَكُمْ وَیُدْخِلَكُمُ الْجَنَةَ اغْزُوا فِی سَبِیلِ اللَهِ مَنْ قَاتَلَ فِی سَبِیلِ اللَه فُوَاقَ نَاقَةٍ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَةُ».[1]

ابوهریره می‌گوید: (مردی از اصحاب پیامبر از درّه‌ای می‌گذشت؛ به چشمه‌ی آب بسیار شیرین و گوارا برخورد که از خوبی آن شگفت زده شد. لذا با خود گفت: چه خوب است! که از زندگی در جمع مردم کناره گیری کنم، به این جا بیایم! اما تا از پیامبر اجازه نگیرم، هرگز این کار را نخواهم کرد. بنابراین خدمت پیامبر آمد و ماجرا را به ایشان بازگو کرد. پیامبر فرمود: این کار را نکن، چرا که مقام هر یک از شما در راه الله از نماز هفتاد سال در خانه‌اش بهتر است. مگر دوست ندارید که الله گناهان‌تان را مغفرت کند و شما را وارد بهشت گرداند؟! در راه الله جهاد کنید که هر کس در راه الله با اندازه‌ی فاصله‌ی یک بار دوشیدن حیوان تا بار دیگر جهاد کند، بهشت بر او واجب می گردد).

فضیلت جنگ دریایی

۳۷۹- عَنْ أَنَس بْن مَالک أَنَ رَسُولَ اللهِ ﷺ كَانَ یَدْخُلُ عَلَى أُمِّ حَرَام بِنْتِ مِلْحَانَ فَتُطْعِمُهُ وَكَانَتْ أُمُّ حَرَامٍ تَحْتَ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامت فَدَخَلَ عَلَیْهَا رَسُولُ اللَهِ ﷺ یَوْمًا فَأَطْعَمَتْهُ ثُمَّ جَلَسَتْ تَفْلِی رَأْسَهُ فَنَامَ رَسُولُ اللَه ثُمَّ اسْتَیْقَظَ وَهُوَ یَضْحَكُ قَالَتْ فَقُلْتُ مَا یُضْحِكُكَ یَا رَسُولَ اللَه قَالَ «نَاسٌ مِنْ أُمَّتِی عُرِضُوا عَلَیَّ غُزَاةً فِی سَبِیلِ اللَه یَرْكَبُونَ ثَبَجَ هَذَا الْبَحْرِ مُلُوكًا عَلَى الأَسِرَةِ أَوْ مِثْلَ الْمُلُوک عَلَى الأَسِرَةِ». یَشُكُّ أَیُّهُمَا قَالَ قَالَتْ فَقُلْتُ یَا رَسُولَ اللَه ادْعُ اللَهَ أَنْ یَجْعَلَنِی مِنْهُمْ فَدَعَا لَهَا ثُمَّ وَضَعَ رَأْسَهُ فَنَامَ ثُمَّ اسْتَیْقَظَ وَهُوَ یَضْحَكُ قَالَتْ فَقُلْتُ مَا یُضْحِكُكَ یَا رَسُولَ اللَه قَالَ «نَاسٌ مِنْ أُمَّتِی عُرِضُوا عَلَیَّ غُزَاةً فِی سَبِیلِ اللَه». كَمَا قَالَ فِی الأُولَى قَالَتْ فَقُلْتُ

[1]. حسن: صحیح ترمذی/ ۲۶۵۰ و ترمذی هم می‌گوید: حسن است

يَا رَسُولَ اللَّهَ ادْعُ اللَّهَ أَنْ يَجْعَلَنِي مِنْهُمْ قَالَ «أَنْتِ مِنَ الأَوَّلِينَ». فَرَكِبَتْ أُمُّ حَرَامٍ بِنْتُ مِلْحَانَ الْبَحْرَ فِي زَمَنِ مُعَاوِيَةَ فَصُرِعَتْ عَنْ دَابَّتِهَا حِينَ خَرَجَتْ مِنَ الْبَحْرِ فَهَلَكَتْ.[1]

انس بن مالک می گوید: (رسول خدا [گاهی] به خانه‌ی ام حرام دختر ملحان می‌رفت. ام حرام که همسر عباده بن صامت بود، به ایشان غذا می‌داد. روزی رسول‌الله به خانه‌ی وی رفت، به ایشان غذا داد. سپس نشست که سر مبارک را از شپش [اگر داشته باشد] تمیز کند در همین حال رسول الله را خواب برد. سپس بیدار شد در حالی که تبسم می کرد [ام‌حرام] گوید: پرسیدم ای رسول خدا، چرا می‌خندید؟! فرمود: گروهی از امت من به من نشان داده شدند که در راه الله در حالی به جهاد می‌روند که همانند پادشاهان روی تخت [سلطنتی خود] می‌نشینند یا مثل این که پادشاهان روی تخت [سلطنتی خود] نشسته‌اند. (راوی شک دارد که کدام یک را گفت)آن‌ها روی این دریا حرکت می کنند. ام‌حرام گوید: گفتم: ای رسول‌خدا، دعا کن که الله من را از آنها قرار دهد! پیامبر برایش دعا کرد. سپس سر خود را گذاشت و خوابید، باز در حالی بیدار شد که تبسم می کرد! [ام‌حرام] گوید: پرسیدم: ای رسول خدا، چرا می‌خندید؟! فرمود: گروهی از امتم به من نشان داده شدند که در راه الله در حالی جهاد می کنند... و همان جمله‌ی اول را تکرار فرمود، ام‌حرام گوید: گفتم ای رسول‌خدا، دعا کن که الله من را از آنها قرار دهد! پیامبر فرمود: تو از اولین نفرهای آن گروه هستی).

راوی گوید: (ام حرام در زمان معاویه سوار بر کشتی شد و در هنگام خارج شدن از دریا از سواری خود افتاد و وفات کرد).

فضیلت کسی که مجاهدی را برای جهاد مجهز کند یا مخارج خانواده‌اش را به عهده گیرد

۳۸۰- عَنْ زَيْدِ بْنِ خَالِدٍ الْجُهَنِيِّ قَالَ قَالَ نَبِيُّ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وسلم «مَنْ جَهَّزَ غَازِيًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَقَدْ غَزَا وَمَنْ خَلَفَهُ فِي أَهْلِهِ بِخَيْرٍ فَقَدْ غَزَا».[2]

---

[1]. صحیح: صحیح بخاری ۲۷۸۸، مسلم/۱۹۱۲، ابن ماجه به همین معنا ۲۷۷۶، نسائی ۳۱۶۸ و مؤطا ص۴۰۱
[2]. صحیح: صحیح مسلم/۱۸۹۵ به همین معنا در بخاری و دیگری کتاب‌های آورده‌اند.

زیدبن خالد جهنی می گوید، پیامبر خدا فرمود: (هر کس مجاهدی را مجهّز کند بیقین که جهاد کرده است و هر کس خانواده‌ی مجاهدی را به خوبی سرپرستی کند، قطعاً جهاد کرده است).

یاری رسیدن به مسلمانان از برکت وجود افراد ضعیف(از نظر مالی و...) است

۳۸۱- عَنْ سَعْد بن ابی وقاص أنه رَأَی أَنَ لَهُ فَضْلاً عَلَی مَنْ دُونَهُ، فَقَالَ النَبِیُّ «هَلْ تُنْصَرُونَ وَتُرْزَقُونَ إلاَ بِضُعَفَائكُمْ»[1]

و زاد النسائی «بِدَعْوَتِهِمْ وَصَلاَتِهِمْ وَإِخْلاَصِهِمْ».[2]

سعد بن ابی وقاص گوید: من تصور می کردم که از افراد پایین‌تر از خود برترم تا این که رسول‌الله ﷺ فرمود: مگر غیر از این است که شما بخاطر ضعفاء و مساکین‌تان، یاری می‌شوید و روزی می‌خورید».

و در روایت نسائی این افزوده آمده است: «دعاها، نمازها و اخلاص آن‌ها موجب پیروزی و خیر و برکت در رزق و روزی شما می‌شود».

۳۸۲- عن أَبی‌الدَّرْدَاء يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ‌اللَهِ ﷺ يَقُولُ: «ابْغُونِی الضُعَفَاءَ فَإِنَمَا تُرْزَقُونَ وَتُنْصَرُونَ بِضُعَفَائكُمْ»[3]

قَالَ أَبُو عِيسَى هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ

و قَالَ الترمذی: «فَإِنَمَا تُرْزَقُونَ وَتُنْصَرُونَ بِضُعَفَائكُمْ»[4]

«مرا در میان ضعیفان‌تان جستجو کنید که شما بخاطر ضعفاء و مساکین‌تان، یاری می‌شوید و روزی می‌خورید».

---

[1]. صحیح: صحیح بخاری/۲۷۳۹
[2]. صحیح: صحیح نسائی/۳۱۷۸
[3]. صحیح: صحیح ابوداود/۲۵۹۶
[4]. صحیح: صحیح ترمذی/۱۸۰۳

در روایت ترمذی آمده: «شما بخاطر ضعفاء و مساکین‌تان، یاری می‌شوید و روزی می‌خورید».

فضیلت کشته شدن در راه الله

۳۸۳- عن أَبِی‌قَتَادَةَ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَی النَّبِیِّ صلی‌الله‌علیه‌وسلم فَقَالَ یَا رَسُولَ اللَّهِ إِنْ قُتِلْتُ فِی سَبِیلِ اللَّهِ صَابِراً مُحْتَسِباً مُقْبِلاً غَیْرَ مُدْبِرٍ کَفَّرَ اللَّهُ بِهِ خَطَایَایَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وسلم «إِنْ قُتِلْتَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ صَابِراً مُحْتَسِباً مُقْبِلاً غَیْرَ مُدْبِرٍ کَفَّرَ اللَّهُ بِهِ خَطَایَاکَ إِلاَّ الدَّیْنَ کَذَلِکَ قَالَ لِی جِبْرِیلُ عَلَیْهِ السَّلاَمُ».[1]

ابوقتاده می‌گوید، مردی خدمت پیامبر آمد و گفت: (ای رسول خدا اگر من در راه الله صابرانه و به نیت ثواب رو به دشمن نه پشت به آن، کشته شوم، الله گناهانم را می‌بخشد؟ فرمود: اگر در راه الله صابرانه و به نیت ثواب رو به دشمن نه پشت به آن؛ کشته شوی، الله گناهانت را می‌بخشد، بجز قرض! جبرئیل این گونه به من گفت).

۳۸۴-عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ أَنَّ النَّبِیَّ صلی‌الله‌علیه‌وسلم قَالَ «الْقَتْلُ فِی سَبِیلِ اللَّهِ یُکَفِّرُ کُلَّ شَیْءٍ إِلاَّ الدَّیْنَ»[2]

عبدالله بن عمرو می‌گوید پیامبر فرمود: کشته شدن در راه الله موجب می‌شود تمام گناهان جز قرض بخشیده شود.

۳۸۵- عن أَنَسَ بْنَ مَالِکٍ عَنِ النَّبِیِّ صلی‌الله‌علیه‌وسلم قَالَ «مَا مِنْ أَحَدٍ یَدْخُلُ الْجَنَّةَ یُحِبُّ أَنْ یَرْجِعَ إِلَی الدُّنْیَا وَأَنَّ لَهُ مَا عَلَی الأَرْضِ مِنْ شَیْءٍ غَیْرُ الشَّهِیدِ فَإِنَّهُ یَتَمَنَّی أَنْ یَرْجِعَ فَیُقْتَلَ عَشْرَ مَرَّاتٍ لِمَا یَرَی مِنَ الْكَرَامَةِ».[3]

---

[1]. صحیح: مسند احمد/۲۳۲۹۵ اصل این روایت در صحیح مسلم/۱۸۸۵ است اما متنی که مؤلف نقل کرده فقط در الآحاد والمثانی ابن أبی عاصم/۱۶۶۷ بود.

[2]. صحیح: صحیح مسلم/۱۸۸۶.

[3]. صحیح: صحیح مسلم/۴۹۷۶ و در صحیح بخاری/۲۸۱۷ «کتاب الجهاد والسیر: باب تمنی المجاهد أن یرجع إلی الدنیا» با اندک تفاوتی در الفاظ

انس بن مالک می گوید، پیامبر فرمود: (هیچ کس نیست که [پس از مردن] وارد بهشت شود و در روی زمین چیزی داشته باشد و دوست داشته باشد که به زمین برگردد، جز شهید که آرزو می کند به دنیا برگردد و دهها بار کشته شود [این به سبب] آن همه احترامی است که می‌بیند).

۳۸۶- عَنِ الْمِقْدَامِ بْنِ مَعْدِيكَرِبَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وسلم «لِلشَّهِيدِ عِنْدَ اللَّهِ سِتُّ خِصَالٍ يُغْفَرُ لَهُ فِي أَوَّلِ دَفْعَةٍ وَيَرَى مَقْعَدَهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَيُجَارُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَيَأْمَنُ مِنَ الْفَزَعِ الأَكْبَرِ وَيُوضَعُ عَلَى رَأْسِهِ تَاجُ الْوَقَارِ الْيَاقُوتَةُ مِنْهَا خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا وَيُزَوَّجُ اثْنَتَيْنِ وَسَبْعِينَ زَوْجَةً مِنَ الْحُورِ الْعِينِ وَيُشَفَّعُ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَقَارِبِهِ»[1] قَالَ صَحِيحٌ غَرِيبٌ.

مقدام بن معدیکرب می گوید، رسول خدا فرمود: (شهید در نزد الله شش امتیاز دارد؛ در همان اولین لحظه‌ی شهادت گناهانش بخشیده می‌شود، جایگاه خود را در بهشت می‌بیند، از عذاب قبر پناه داده می‌شود، از آن هراس بزرگ در امان می‌ماند، بر سرش تاج وقاری نهاده می‌شود که یک دانه از یاقوت‌های آن از دنیا و آنچه در آن است، بهتر است. هفتاد دو تن از حوریان بهشتی به عقد او در می آیند و به او اجازه داده می‌شود که هفتاد تن از خویشاوندنش را شفاعت کند).

۳۸۷- عن ابی الدردا قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِصلی‌الله‌علیه‌وسلم «يُشَفَّعُ الشَّهِيدُ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَهلِ بَيْتِه»[2]

ابودردا می گوید رسول خدا فرمود: (شهید [به اذن الهی] می‌تواند هفتاد تن از خویشاوندنش را شفاعت کند).

۳۸۸- عَنْ مَسْرُوقٍ قَالَ سَأَلْنَا عَبْدَ اللَّهِ عَنْ هَذِهِ الآيَةِ (وَلاَ تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ) قَالَ أَمَا إِنَّا قَدْ سَأَلْنَا عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ «أَرْوَاحُهُمْ فِي جَوْفِ طَيْرٍ خُضْرٍ لَهَا قَنَادِيلُ مُعَلَّقَةٌ بِالْعَرْشِ تَسْرَحُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ شَاءَتْ ثُمَّ تَأْوِي إِلَى تِلْكَ الْقَنَادِيلِ فَاطَّلَعَ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمُ اطِّلاَعَةً فَقَالَ هَلْ

---

[1]. صحیح: صحیح ترمذی/۱۶۶۳، ابن ماجه/۲۷۹۹ و صحیح الترغیب والترهیب/۱۳۷۵

[2]. صحیح: صحیح الجامع الصغیر ش/۷۹۴۹، تخریج ترغیب ۲/۱۹۲ و ابوداود ش/۲۵۲۲ و بیهقی در سنن کبری ۲/۱۶۴

تَشْتَهُونَ شَيْئًا قَالُوا أَيَّ شَيْءٍ نَشْتَهِي وَنَحْنُ نَسْرَحُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ شِئْنَا فَفَعَلَ ذَلِكَ بِهِمْ ثَلاَثَ مَرَّاتٍ فَلَمَّا رَأَوْا أَنَّهُمْ لَنْ يُتْرَكُوا مِنْ أَنْ يَسْأَلُوا قَالُوا يَا رَبِّ نُرِيدُ أَنْ تَرُدَّ أَرْوَاحَنَا فِي أَجْسَادِنَا حَتَّى نُقْتَلَ فِي سَبِيلِكَ مَرَّةً أُخْرَى. فَلَمَّا رَأَى أَنْ لَيْسَ لَهُمْ حَاجَةٌ تُرِكُوا»[۱]

مسروق می‌گوید: (از عبدالله بن مسعود درباره‌ی تفسیر آیه‌ی: ﴿لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله أمواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون﴾ سوال کردیم، گفت: ما هم تفسیر این را سوال کردیم [رسول خدا فرمودند: ارواح آنان در شکم پرندگان سبزرنگی قرار دارد که چلچراغ‌های آویزان به عرش دارند و به هرجای بهشت که بخواهند می‌روند، سپس به همان چلچراغ‌ها بر می‌گردند. در همین حال پروردگارشان به آنها رو می‌کند و می‌گوید: آیا چیزی می‌خواهید؟ می‌گویند: چه چیز بخواهیم حال آن که به هر جای بهشت که بخواهیم می‌رویم؟! الله تعالی سه بار این را تکرار می‌کند. وقتی می‌بینند ناگزیر باید چیزی بخواهند. می‌گویند: پروردگارا می‌خواهیم که ارواح ما را به بدن‌مان برگردانی تا بار دیگر در راه تو کشته شویم! آنگاه که پروردگار می‌بیند به هیچ چیز نیاز ندارند آنها را رها می‌کند).

۳۸۹- عَنْ كَعْبِ بْنِ مَالِكٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ «إِنَّ أَرْوَاحَ الشُّهَدَاءِ فِي طَيْرٍ خُضْرٍ تَعْلُقُ مِنْ ثَمَرَةِ الْجَنَّةِ أَوْ شَجَرِ الْجَنَّةِ»[۲]

كعب بن مالك می‌گوید، پیامبر فرمود: (ارواح شهدا در شکم پرندگان سبز رنگی قرار دارد که به میوه‌های بهشت یا درختان بهشت آویزانند).

۳۹۰- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ «الشَّهِيدُ لاَ يَجِدُ مَسَّ الْقَتْلِ إِلاَّ كَمَا يَجِدُ أَحَدُكُمُ الْقَرْصَةَ يُقْرَصُهَا»[۳]

ابوهریره می‌گوید، پیامبر فرمود: (شهید [از ضربات سرنیزه، تیر و...در] هنگام کشته شدن جز به اندازه‌ی درد نیشگونی که از وی بگیرند، احساس نمی‌کند).

---

[۱]. صحیح: صحیح مسلم/۱۸۸۷ و ترمذی/۳۰۱۱

[۲]. صحیح: صحیح وضعیف سنن الترمذی/۱۶۴۱ و ابن ماجة (۴۲۷۱)

[۳]. صحیح: نسائی (۶/۳۶ ، ش۳۱۶۱) ، والبیهقی (۹/۱۶۴ ، ش۱۸۳۰۶)

۳۹۱- عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ«مَا تَعُدُّونَ الشَّهِیدَ فِیکُمْ». قَالُوا یَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ قُتِلَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَهُوَ شَهِیدٌ قَالَ «إِنَّ شُهَدَاءَ أُمَّتِی إِذًا لَقَلِیلٌ». قَالُوا فَمَنْ هُمْ یَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ «مَنْ قُتِلَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَهُوَ شَهِیدٌ وَمَنْ مَاتَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَهُوَ شَهِیدٌ وَمَنْ مَاتَ فِی الطَّاعُونِ فَهُوَ شَهِیدٌ وَمَنْ مَاتَ فِی الْبَطْنِ فَهُوَ شَهِیدٌ وَالْغَرِیقُ شَهِیدٌ»[۱] و فی روایة «صَاحِبُ الْهَدْمِ شَهِید»[۲]

ابوهریره می گوید، پیامبر فرمود: شما چه کسانی را شهید می‌دانید؟ گفتند: ای رسول خدا ما کسانی که در راه الله کشته می‌شوند را شهید می‌دانیم. فرمود: در این صورت شهدای امت من کم خواهند بود. گفتند: ای رسول خدا! پس شهدا چه کسانی هستند؟ فرمود: هر کس در راه الله کشته شود، شهید است: هر کس در راه الله [به مرگ طبیعی] بمیرد شهید است، هر کس در بیماری طاعون(وبا) بمیرد شهید است، هر کس به بیماری شکم بمیرد شهید است، هر کس غرق شود و بمیرد شهید است. در روایتی دیگر آمده: هر کس زیر آوار بمیرد شهید است.

۳۹۲- عَنْ بْنِ جَابِرِ بْنِ عَتِیک. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ«الشَّهَادَةُ سَبْعٌ سِوَى الْقَتْلِ فِی سَبِیلِ اللَّهِ الْمَطْعُونُ شَهِیدٌ وَالْغَرِقُ شَهِیدٌ وَصَاحِبُ ذَاتِ الْجَنْبِ شَهِیدٌ وَالْمَبْطُونُ شَهِیدٌ وَصَاحِبُ الْحَرِیقِ شَهِیدٌ وَالَّذِی یَمُوتُ تَحْتَ الْهَدْمِ شَهِیدٌ وَالْمَرْأَةُ تَمُوتُ بِجُمْعٍ شَهِیدٌ»[۳]

جابر بن عتیک می گوید، پیامبر فرمود: جز کشته شدن در راه الله (در میدان جنگ با دشمن) هفت نوع شهادت دیگر نیز داریم؛ هر کس در بیماری طاعون(وبا) بمیرد شهید است، هر کس غرق شود و بمیرد شهید است، هر کس با بیماری ذات‌الجنب[پهلو درد] بمیرد شهید است، هر کس به بیماری شکم بمیرد شهید است، هر کس در آتش سوزی بمیرد شهید است، هر کس زیر آوار بمیرد شهید است، هر زنی که بر سر زا[تولد بچه] بمیرد شهید است.

---

۱. صحیح: صحیح مسلم/۱۹۱۵ و ترمذی/۱۰۶۳
۲. صحیح: صحیح مسلم/۱۹۱۴
۳. صحیح: أبوداود (۱۸۸/۳ ، ش ۳۱۱۱)، نسائی (۱۳/۴ ، ش ۱۸۴۶) ، و ابن ماجه (۹۳۷/۲ ، ش ۲۸۰۳) قسمتی از را روایت کرده است

۳۹۳- عَنْ عَبْدِ اللَهِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ سَمِعْتُ النَبِیَّ ﷺ یَقُولُ «مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِیدٌ».[1]

عبدالله بن عمرو می گوید، شنیدم پیامبر ﷺ می‌فرمود: (هر کس در دفاع از مال خود کشته، شود شهید است).

۳۹۴- عَنْ سَعِیدِ بْنِ زَیْدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَهِ ﷺ «مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِیدٌ وَمَنْ قُتِلَ دُونَ أَهْلِهِ فَهُوَ شَهِیدٌ وَمَنْ قُتِلَ دُونَ دِینِهِ فَهُوَ شَهِیدٌ وَمَنْ قُتِلَ دُونَ دَمِهِ فَهُوَ شَهِیدٌ».[2]

سعید بن زید می گوید، پیامبر ﷺ فرمود: (هر کس در دفاع از مال خود کشته شود شهید است، هر کس در دفاع از خانواده‌اش کشته شود شهید است، هر کس در دفاع از دین خود کشته شود شهید است، هر کس در دفاع از جان خود کشته شود، شهید است).

۳۹۵- عن سُوَیْدِ بْنِ مُقَرِنٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَهِ ﷺ «مَنْ قُتِلَ دُونَ مَظْلَمَتِهِ فَهُوَ شَهِیدٌ».[3]

سوید بن مقرن می گوید، پیامبر ﷺ فرمود: (هر کس در دفاع از حق خود کشته شود شهید است).

بهشت زیر سایه‌ی شمشیرهاست

۳۹۶- عن أَبِی موسی قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَهِ ﷺ «إِنَ أَبْوَابَ الْجَنَةِ تَحْتَ ظِلَالِ السُیُوفِ».[4]

ابوموسی می گوید، پیامبر ﷺ فرمود: (دروازه‌های بهشت زیر سایه‌ی شمشیرهاست).

۳۹۷- عن عَبْدُ اللَه بْنُ أَبِی أَوْفَی رَضِیَ اللَهُ عَنْهُ إِنَ رَسُولَ اللَهِ ﷺ کَانَ فِی بَعْضِ أَیَّامِهِ الَتِی لَقِیَ فِیهَا الْعَدُوَّ انْتَظَرَ حَتَی مَالَتِ الشَمْسُ ثُمَّ قَامَ فِی النَاسِ فَقَالَ:

---

[1]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۲۴۸۰ وصحیح مسلم/۱۴۱
[2]. صحیح: نسائی/۴۰۹۵ و مسند احمد/۱۶۵۲
[3]. صحیح: صحیح وضعیف سنن النسائی/۴۰۹۶ و صحیح الجامع الصغیر (۶۴۴۷)
[4]. صحیح: مسلم (۳/۱۵۱۱ ، ش ۱۹۰۲) ، والترمذی (۴/۱۸۶ ، ش۱۶۵۹) و می گوید: صحیح غریب

«يَا أَيُّهَا النَاسُ لاَ تَتَمَنَوْا لقاءَ الْعَدُوِّ وَسَلُوا اللَـهَ الْعَافيَـةَ فَـإِذَا لَقيتُمُـوهُمْ فَاصْبرُوا وَاعْلَمُوا أَنَ الْجَنَةَ تَحْتَ ظلاَل السُّيُوف». ثُمَّ قَالَ: «اللَّهُـمَّ مُنْـزِلَ الْكتَـاب وَمُجْـرِيَ السَّحَاب وَهَازِمَ الأَحْزَاب اهْزِمْهُمْ وَانْصُرْنَا عَلَيْهِمْ»[1]

عبدالله بن ابی‌اوفا مـی گویـد: (رسـول خـدا در یکـی از روزهـایی کـه در برابـر دشمن قرار داشت [در یکی از جنگ‌ها] تا زوال خورشید صبر نمود، سپس در میان مردم برخواست و گفت: ای مردم! هرگز آرزوی رویا رویی با دشمن را نکنید و از الله عافیـت را بخواهید اما هرگاه با آنان روبرو شدید پایداری کنید و بقین بدانیـد که بهشت زیر سایه‌ی شمشیرهاست. سپس این‌گونه دعـا کـرد: خداونـدا! ای نـازل کننـده‌ی کتـاب[قرآن] و بـه حرکـت درآورنـده‌ی ابرهـا و ای شکـست دهنـده‌ی احزاب آنان را شکست بده و ما را علیه آنان یاری ده).

کافر با قاتل خود یک جا(در دوزخ) جمع نخواهنـد شـد، مشروط بـه آن کـه قاتلش بر ایمان استوار بماند

۳۹۸- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَ رَسُولَ اللَهِ ﷺ قَالَ «لاَ يَجْتَمِعُ كَافِرٌ وَقَاتِلُهُ فـي النَّـار أَبَدًا»:[2] و في رواية: «لاَ يَجْتَمِعَان في النَّار اجْتمَاعًا يَضُرُّ أَحَدُهُمَا الآخَرَ». قِيلَ مَـنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَه قَالَ «مُؤْمِنٌ قَتَلَ كَافراً ثُمَّ سَدَّدَ»:[3]

ابوهریره رضی الله عنه می گوید، رسول الله فرمود: (هرگز کافر با قاتل خود یـک جـا در دوزخ جمع نخواهد شد). و در روایتی دیگر می گوید: (هرگـز در دوزخ یـک جـا جمع نمی‌شوند که به یک‌دیگر ضرر داشته باشند). پرسیدند: ای رسول خدا آن‌هـا چه کسانی هستند؟ فرمود: (آن مؤمنی که کافری را بکشد و سپس بـر ایمـان خـود استوار مانده باشد).

---

[1]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۲-۳۳۰۲-۳۰۲۴، صحیح مسلم/۱۷۴۲ و این متن روایت مسلم است.
[2]. صـحیح: صـحیح مـسلم (۳/۱۵۰۵، ش۱۸۹۱)، وأبـو داود (۳/۷، ش۲۴۹۵)، وابـن حبـان (۱۰/۵۲۱، ش۴۶۶۵)
[3]. صحیح: صحیح مسلم (۳/۱۵۰۵، ش ۱۸۹۲) أحمد (۲/۳۵۳، ش ۸۶۲۲)، و نیز أبو عوانـة (۴/۴۷۶، ش ۷۳۹۴).

ثواب کسی که صادقانه از الله شهادت را بخواهد

۳۹۹- عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِک قَالَ قَالَ رَسُولُ‌اللهﷺ«مَنْ طَلَبَ الشَهَادَةَ صَادِقًا أُعْطِيَهَا وَلَوْ لَمْ تُصِبْهُ».[1]

انس بن مالک می‌گوید رسول خداﷺ فرمود: (هرکس صادقانه از الله شهادت را بخواهد به او می‌دهد، هر چند به شهادت نرسد).

۴۰۰- عن سَهْلِ بْنِ حُنَيْف أَنَ النَبِيَّﷺقَالَ «مَنْ سَأَلَ اللَهَ الشَهَادَةَ بِصِدْقٍ بَلَغَهُ اللَهُ مَنَازِلَ الشُهَدَاءِ وَإِنْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ».[2]

سهل بن حنیف می‌گوید پیامبرﷺ فرمود: (هرکس صادقانه از الله شهادت را بخواهد، الله او را به درجات شهدا می‌رساند، حتی اگر در خانه‌اش بمیرد).

۴۰۱- عن مُعَاذَ بْنَ جَبَل سَمِعَ رَسُولَ اللَهِﷺ يَقُولُ «مَنْ سَأَلَ اللَهَ الْقَتْلَ مِنْ عِنْدِ نَفْسِهِ صَادِقًا ثُمَّ مَاتَ أَوْ قُتِلَ فَلَهُ أَجْرُ شَهِيدٍ».[3]

معاذ بن جبل می‌گوید: شنیده است رسول‌خدا می‌فرماید: (هرکس از صمیم قلب از الله بخواهد که در راه الله کشته شود سپس [به مرگ طبیعی] بمیرد یا کشته شود، به او پاداش شهید داده خواهد شد).

فضیلت پرورش اسب برای جهاد در راه الله

۴۰۲- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنْ رَسُولِ اللَهِﷺقَالَ «مَنِ احْتَبَسَ فَرَسًا فِي سَبِيلِ اللَهِ إِيمَانًا بِاللَهِ وَتَصْدِيقًا لِوَعْدِ اللَهِ كَانَ شِبَعُهُ وَرِيُّهُ وَبَوْلُهُ وَرَوْثُهُ [حَسَنَاتٍ] فِي مِيزَانِهِ».[4]

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم(۳/۱۵۱۷، ش۱۹۰۸) أبو یعلی (۶/۱۰۶، ش۳۳۷۲) . و نیز ابن أبی عاصم در الجهاد (۲/۴۹۱ ش ۱۸۳) وأبو عوانة (۴/۴۹۱، ش۷۴۴۹) .

[2]. صحیح: صحیح مسلم (۳/۱۵۱۷ ، ش۱۹۰۹) ،أبو داود (۲/۸۵ ، ش۱۵۲۰)، ترمذی (۴/۱۸۳ ، ش۱۶۵۳). والنسائی (۶/۳۶ ، ش ۳۱۶۲)

[3]. صحیح: صحیح وضعیف سنن النسائی/۳۱۴۱ و ابن ماجة (۲۷۹۲)

[4]. صحیح: صحیح بخاری/۲۸۵۳ و نسائی/۳۵۹۷ لازم به ذکر است که در صحیح بخاری فقط کلمه‌ی «حَسَنَات» نیست. و در روایت نسائی آمده است.

ابوهریره رضی الله عنه می گوید رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمود: (هر کس در راه الله با ایمان به او تعالی و تصدیق به وعده‌اش اسبی پرورش دهد. علف، آب و ادرار و سرگین آن [به عنوان] نیکی‌هایی در ترازوی اعمالش خواهد بود).

۴۰۳- عَنْ أَبِی‌هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه وسلم قَالَ «الْخَيْلُ لِرَجُلٍ أَجْرٌ، وَلِرَجُلٍ سِتْرٌ، وَعَلَى رَجُلٍ وِزْرٌ، فَأَمَّا الَّذِى لَهُ أَجْرٌ فَرَجُلٌ رَبَطَهَا فِى سَبِيلِ اللَّهِ، فَأَطَالَ بِهَا فِى مَرْجٍ أَوْ رَوْضَةٍ، فَمَا أَصَابَتْ فِى طِيَلِهَا ذَلِکَ مِنَ الْمَرْجِ أَوِ الرَّوْضَةِ كَانَتْ لَهُ حَسَنَاتٍ، وَلَوْ أَنَّهُ انْقَطَعَ طِيَلُهَا فَاسْتَنَّتْ شَرَفًا أَوْ شَرَفَيْنِ كَانَتْ آثَارُهَا وَأَرْوَاثُهَا حَسَنَاتٍ لَهُ، وَلَوْ أَنَّهَا مَرَّتْ بِنَهَرٍ فَشَرِبَتْ مِنْهُ وَلَمْ يُرِدْ أَنْ يَسْقِىَ كَانَ ذَلِکَ حَسَنَاتٍ لَهُ، فَهِىَ لِذَلِکَ أَجْرٌ، وَرَجُلٌ رَبَطَهَا تَغَنِّيًا وَتَعَفُّفًا ثُمَّ لَمْ يَنْسَ حَقَّ اللَّهِ فِى رِقَابِهَا وَلاَ ظُهُورِهَا، فَهِىَ لِذَلِکَ سِتْرٌ، وَرَجُلٌ رَبَطَهَا فَخْراً وَرِيَاءً وَنِوَاءً لأَهْلِ الإِسْلاَمِ، فَهِىَ عَلَى ذَلِکَ وِزْرٌ»[1] الْبخَارى[2] و المسلم بمعناه

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمود: (نگهداری اسب برای بعضی باعث ثواب، برای برخی باعث نجات و برای بعضی باعث گناه می‌شود:

---

[1]. صحیح: صحیح بخاری/۲۳۷۱

[2]. ۲۸۹۴ – نص روایت بخاری به این شرح است:
عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وسلم « الْخَيْلُ لِثَلاَثَةٍ فَهِيَ لِرَجُلٍ أَجْرٌ وَلِرَجُلٍ سِتْرٌ وَعَلَى رَجُلٍ وِزْرٌ فَأَمَّا الَّذِى هِىَ لَهُ أَجْرٌ فَالرَّجُلُ يَتَّخِذُهَا فِى سَبِيلِ اللَّهِ وَيُعِدُّهَا لَهُ فَلاَ تُغَيِّبُ شَيْئًا فِي بُطُونِهَا إِلاَّ كُتِبَ لَهُ أَجْرٌ وَلَوْ رَعَاهَا فِي مَرْجٍ مَا أَكَلَتْ شَيْئًا إِلاَّ كُتِبَ لَهُ بِهَا أَجْرٌ وَلَوْ سَقَاهَا مِنْ نَهَرٍ جَارٍ كَانَ لَهُ بِكُلِّ قَطْرَةٍ تُغَيِّبُهَا فِى بُطُونِهَا أَجْرٌ – حَتَّى ذَكَرَ الأَجْرَ فِي أَبْوَالِهَا وَأَرْوَاثِهَا – وَلَو اسْتَنَّتْ شَرَفًا أَوْ شَرَفَيْنِ كُتِبَ لَهُ بِكُلِّ خَطْوَةٍ تَخْطُوهَا أَجْرٌ. وَأَمَّا الَّذِى هِىَ لَهُ سِتْرٌ فَالرَّجُلُ يَتَّخِذُهَا تَكَرُّمًا وَتَجَمُّلاً وَلاَ يَنْسَى حَقَّ ظُهُورِهَا وَبُطُونِهَا فِى عُسْرِهَا وَيُسْرِهَا. وَأَمَّا الَّذِى هِىَ عَلَيْهِ وِزْرٌ فَالَّذِى يَتَّخِذُهَا أَشَرًا وَبَطَرًا وَبَذَخًا وَرِيَاءً لِلنَّاسِ فَذَلِکَ الَّذِى هِىَ عَلَيْهِ وِزْرٌ»:
از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول‌الله صلی الله علیه وسلم فرمود: سه نفر اسب نگهداری می‌کنند که برای یکی باعث ثواب، برای دیگری باعث نجات و برای سومی باعث گناه می‌شود: برای کسی که آن را بخاطر جهاد در راه الله نگهداری نماید و آن را در چراگاه بزرگ یا باغچه‌ای با طنابی بلند ببندد، تا جایی که آن اسب می‌چرد، برای صاحبش اجر محسوب می‌گردد. و اگر طنابش کَنده شود و آن اسب یک یا دو تپه را پشت سر بگذارد، در برابر هر قدم و هر سگین، به صاحبش اجر می‌رسد. و اگر از نهری بگذرد و آب بخورد، هر چند صاحبش قصد آب دادن آن را نداشته باشد، باز هم برایش اجر به حساب می‌آید؛ زیرا این کار هم برایش اجر دارد. و برای کسی که اسب را بخاطر بی‌نیاز شدن و عدم سوال از دیگران، نگهداری و حق الله را در آن، فراموش ننماید، باعث نجات می‌شود. و کسی که اسب را بخاطر فخر و ریا و دشمنی با مسلمانان، نگهداری کند، برای او باعث گناه خواهد شد. ابن ماجه

برای کسی که آن را بخاطر جهاد در راه الله نگهداری نماید و آن را در چراگاه بزرگ یا باغچه‌ای با طنابی بلند ببندد، تا جایی که آن اسب می‌چرد، برای صاحبش اجر محسوب می‌گردد. اگر طنابش کَنْده شود و آن اسب یک یا دو تپه را پشت سر بگذارد، در برابر هر قدم و هر سگین، به صاحبش اجر می‌رسد. اگر از نهری بگذرد و آب بخورد، هر چند صاحبش قصد آب دادن آن را نداشته باشد، باز هم برایش اجر بحساب می‌آید؛ زیرا این کار هم برایش اجر دارد. برای کسی که اسب را بخاطر بی‌نیاز شدن و عدم سوال از دیگران، نگهداری کند و حق الله را در آن، فراموش ننماید، باعث نجات او می‌شود. و کسی که اسب را بخاطر فخر، ریا و دشمنی با مسلمانان، نگهداری کند، برای او باعث گناه خواهد شد). معنای این روایت در بخاری و مسلم آمده است).

گفتن سخن حق جهاد بشمار می‌رود

۴۰۴- عَنْ أَبِی سَعِيد الْخُدْرِیِّ أَنَّ النَّبِیَّ ﷺ قَالَ «إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْجِهَادِ كَلِمَةَ عَدْلٍ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ».[1]

ابوسعید خدری می گوید، پیامبر ﷺ فرمود: (همانا از بزرگ‌ترین انواع جهاد گفتن حق در برابر حاکم ستم گر است).

[1]. صحیح: صحیح وضعیف سنن الترمذی/۲۱۷۴ و ابن ماجة (۴۰۱۰)

کتاب نکاح(ازواج) و...

ضایل نکاح(ازدواج)

۴۰۵– عن عَبْدُ اللَه بن مسعود أن رَسُول اللَهﷺقال: «يَا مَعْشَرَ الشَبَاب مَن سْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَهُ أَغَضُّ لِلْبَصَرِ وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ الصَّوْمِ فَإِنَهُ لَهُ وِجَاءٌ»:[1]

عبدالله بن مسعودؓ می گوید، رسول‌خداﷺ فرمودند: ای جوانان هر کس از شما توان دارد، باید ازدواج کند، چرا که ازدواج چشم را [از نگاه به حرام] بهتر حفاظت می کند. و بهترین راه برای حفظ شرم گاه است، اما هر کس توان ازدواج ا ندارد، روزه بگیرد که روزه در کم نمودن نیروی جنسی، تاثیر خاصی دارد.

۴۰۶– عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَهِﷺ«النِكَاحُ مِنْ سُنَتِي فَمَنْ لَمْ يَعْمَلْ سُنَتِي فَلَيْسَ مِنِي وَتَزَوَّجُوا فَإِنِي مُكَاثِرٌ بِكُمُ الأُمَمَ وَمَنْ كَانَ ذَا طَوْلٍ فَلْيَنْكِحْ وَمَنْ مْ يَجِدْ فَعَلَيْهِ بِالصِّيَامِ فَإِنَ الصَّوْمَ لَهُ وِجَاءٌ»:[2]

عایشه روایت می کند که رسول خداﷺ فرمود: (نکاح از سنت(دین) من است ذا هر کس به سنت(قوانین دین)من عمل نکند از [امت] من نیست. و ازدواج کنید که من با کثرت شما در برابر دیگر امت‌ها افتخار می کنم، و هر کس توانایی مالی

---

[1]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۱۹۰۵، صحیح مسلم/۱۴۰۰، ابو داود (۲/۲۱۹ ش۲۰۴۶) ترمذی ۳/۳۹۲ ش۱۰۸۱) نسائی (۴/۱۷۰ش۲۲۴۲) ، ابن ماجه (۱/۵۹۲ ش۱۸۴۵) ، و ابن حبان (۹/۳۳۵ ، ش ۴۰۲۶).

[2]. حسن: صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۱۸۴۶ والصحیحة (۲۳۸۳)

دارد باید ازواج کند اما هر کس چنین توانایی ندارد، باید روزه گیرد، که روزه در کنترل قوای جنسی مؤثر است).

۴۰۷- عَنْ ثَوْبَانَ قَالَ لَمَّا نَزَلَ فِي الْفِضَّةِ وَالذَّهَبِ مَا نَزَلَ قَالُوا فَأَيَّ الْمَالِ نَتَّخِذُ قَالَ: «لِيَتَّخِذْ أَحَدُكُمْ قَلْبًا شَاكِرًا وَلِسَانًا ذَاكِرًا وَزَوْجَةً مُؤْمِنَةً تُعِينُ أَحَدَكُمْ عَلَى أَمْرِ الآخِرَةِ»:[1]

ثوبان می گوید: (آنگاه که درباره‌ی نقره و طلا آنچه قرار بود نازل شود، نازل شد. [صحابه] گفتند: پس چه نوع مالی برای خود پس انداز کنیم؟ فرمود: هر یک شما باید قلبی شاکر و زبانی ذکر گویان داشته باشد و همسری مؤمن برای خود پیدا کند تا او را در امور آخرت یاری نماید).

۴۰۸- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ «إِنَّمَا الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَلَيْسَ مِنْ مَتَاعِ الدُّنْيَا أَفْضَلَ مِنَ الْمَرْأَةِ الصَّالِحَةِ»:[2]

عبدالله بن عمرو روایت می کند که رسول خدا ﷺ فرمود: (دنیا چیزی جز کالا نیست و از کالای دنیا چیزی بهتر از زن نیکوکار نیست).

۴۰۹- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ «تُنْكَحُ الْمَرْأَةُ لأَرْبَعٍ لِمَالِهَا وَلِحَسَبِهَا وَجَمَالِهَا وَلِدِينِهَا، فَاظْفَرْ بِذَاتِ الدِّينِ تَرِبَتْ يَدَاكَ»:[3]

از ابوهریره روایت است که پیامبر فرمود: (زن بخاطر چهار چیز برای ازواج انتخاب می‌شود: مال و دارایی، اصل و نسب، زیبایی و دیانت، دست‌هایت خاک آلود بادا زن دین دار انتخاب کن).

۴۱۰- عَنْ مَعْقِلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ إِنِّي أَصَبْتُ امْرَأَةً ذَاتَ حَسَبٍ وَمَنْصَبٍ إِلاَّ أَنَّهَا لاَ تَلِدُ أَفَأَتَزَوَّجُهَا فَنَهَاهُ ثُمَّ أَتَاهُ الثَّانِيَةَ فَنَهَاهُ ثُمَّ أَتَاهُ الثَّالِثَةَ فَنَهَاهُ فَقَالَ «تَزَوَّجُوا الْوَلُودَ الْوَدُودَ فَإِنِّي مُكَاثِرٌ بِكُمْ»:[1]

---

[1]. صحیح: صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۱۸۵۶، الروض النضیر (۱۷۹) و الصحیحة (۲۱۷۶)

[2]. صحیح: صحیح مسلم/۱۴۶۷ با متن«الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَخَيْرُ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ » و صحیح و ضعیف ابن ماجه/۱۸۵۵ با افزوده‌ی کلمه «شئ» و نسائی/۳۲۳۲

[3]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری (۵/۱۹۵۸ ش۴۸۰۲)، مسلم (۲/۱۰۸۶ ، ش۱۴۶۶) ، وأبو داود (۲/۲۱۹، ش۲۰۴۷)

معقل بن یسار می‌گوید، مردی خدمت پیامبرﷺ آمد و گفت: من زنی پیدا کردم که دارای منصب و نسب بالاست، اما بچه نمی‌آورد آیا با او ازدواج کنم؟ پیامبرﷺ او را منع فرمود. باز دوبار آمد و همین خواسته‌اش را تکرار کرد. پیامبر او را منع فرمود. سپس برای بار سوم آمد و این موضوع را مطرح کرد! فرمود: با زنان شوهر دوستی که بسیار بچه می‌آورند، ازدواج کنید که در میان امت‌ها به کثرت شما افتخار می‌کنم.

خداوند متعال فردی را که به خاطر پاک دامنی ازدواج کند، یاری می‌دهد

۴۱۱- أَبِی‌هُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِﷺ«ثَلاَثَةٌ حَقٌّ عَلَى اللَّـه عَوْنُهُمُ الْمُجَاهِدُ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَالْمُكَاتَبُ الَّذِى يُرِيدُ الأَدَاءَ وَالنَّاكِحُ الَّذِى يُرِيدُ الْعَفَافَ».[۲]

از ابوهریره روایت است که پیامبر فرمود: شایسته است که الله سه گروه را یاری دهد؛ مجاهد در راه خدا، برده‌ی مکاتبی که قصد دارد آنچه با مولای خود در برابر آزادی‌اش تعیین کرده، ادا کند و فردی که به قصد پاکدامنی ازدواج می‌کند.

ثواب کسی که کنیز خود را آزاد و سپس با وی ازدواج می‌کند

۴۱۲- عن أَبِی‌مُوسَى أَنَ رَسُولَ اللَّهِﷺ قَالَ «ثَلاَثَةٌ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنَ بِنَبِيِّهِ وَأَدْرَكَ النَّبِىَّ ﷺ فَآمَنَ بِهِ وَاتَّبَعَهُ وَصَدَّقَهُ فَلَهُ أَجْرَانِ وَعَبْدٌ مَمْلُوكٌ أَدَّى حَقَّ اللَّهِ تَعَالَى وَحَقَّ سَيِّدِهِ فَلَهُ أَجْرَانِ وَرَجُلٌ كَانَتْ لَهُ أَمَةٌ فَغَذَاهَا فَأَحْسَنَ غِذَاءَهَا ثُمَّ أَدَّبَهَا فَأَحْسَنَ أَدَبَهَا ثُمَّ أَعْتَقَهَا وَتَزَوَّجَهَا فَلَهُ أَجْرَانِ»[۳]

ابوموسی می‌گوید رسول اللهﷺ فرمود: (به سه گروه دوبار پاداش کامل داده می‌شود؛ فردی از اهل کتاب که به پیامبر خود ایمان آورده و دوران بعثت این

---

[۱]. حسن صحیح: صحیح وضعیف سنن النسائی/۳۲۲۷، الإرواء (۱۷۸۴) ، آداب الزفاف (۱۶) ، صحیح أبی داود (۱۷۸۹)

[۲]. حسن: سنن ترمذی (۱۸۴/۴ ، ش ۱۶۵۵) ، وقال : حسن . والنسائی (۱۵/۶ ، ش ۳۱۲۰) ، وابن ماجه (۸۴۱/۲ ، ش ۲۵۱۸) ، احمد (۴۳۷/۲ ، ش ۹۶۲۹)

[۳]. صحیح: صحیح بخاری/۴۰۴ و در صحیح مسلم/۱۵۴ به همین معنا لازم به ذکر است که مؤلف متنی را که به بخاری نسبت داده بود با متن بخاری متفاوت بود لذا متن بخاری در این جا آورده شده است.

پیامبر را هم دریافته است و به ایشان هم ایمان آورده، از وی پیروی و ایشان را تصدیق کند، به چنین فردی دوبار پاداش داده خواهد شد. برده‌ای که حق الله و مولای خود را ادا کند، دو پاداش دارد. و مردی که کنیزی داشته که به نحو احسن به او غذا داده است و سپس به نحو احسن او را تربیت نماید و بعد او را آزاد کرده و با وی ازدواج کرده است، دو بار پاداش دارد).

پاداش برده‌ای که الله و صاحب خود را اطاعت کند

۴۱۳– عن أَبی هُرَیْرَةَ قَالَ رَسُولُ اللَّهﷺ«لِلْعَبْد الْمَمْلُوک الْمُصْلِحِ أَجْرَان»:[۱]

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول خداﷺ فرمود: (برده‌ی خوب و فرمان‌بردار دو پاداش دارد).

ارزش و فضیلت کار

۴۱۴– عَنِ الْمِقْدَامِ رضی الله عنه عَنْ رَسُول اللَّهﷺ قَالَ «مَا أَكَلَ أَحَدٌ طَعَامًا قَطُّ خَيْرًا مِنْ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ عَمَلِ يَدِه، وَإِنَ نَبِيَّ اللَّه دَاوُدَعَلَيْه السَّلاَمُ كَانَ يَأْكُلُ مِنْ عَمَلِ يَدِه»:[۲]

مقدام می‌گوید، رسول خداﷺ فرمود: هیچ کس هرگز غذایی پاک‌تر از حاصل دست رنج خود نخورده است و [بدانید که] پیامبر خدا داودعَلَیْهِ‌السَّلاَمُ از دست رنج خود می‌خورد.

۴۱۵– عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهﷺ«إِنَّ أَطْيَبَ مَا أَكَلَ الرَّجُلُ مِنْ كَسْبِهِ يده وَإِنَ وَلَدَهُ مِنْ كَسْبِه»:[۳]

عایشه می‌گوید، رسول خداﷺ فرمود: حلال‌ترین رزقی که انسان می‌خورد، همان است که از دست رنج خودش باشد، و فرزند فرد از دست رنج خودش است.

---

[۱]. صحیح: صحیح مسلم/۱۶۶۵ و در صحیح بخاری/۲۴۱۰ با لفظ«الصالح» بجای «مصلح» است.

[۲]. صحیح: صحیح بخاری/۲۰۷۲ و بیهقی در شعب الایمان/۱۲۳۸

[۳]. صحیح: نسائی (۲۴۱/۷ ، ش۴۴۵۲) و ابن ماجه (۷۲۳/۲ ، ش۲۱۳۷)

خرید و فروش زمانی برکت دارد که خریدار و فروشنده صداقت داشته باشند

۴۱۶- عن حَكيم بْن حزَام رضی الله عنه قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّه ﷺ «الْبَيِّعَان بالْخيَار مَا لَمْ يَتَفَرقَا فَإنْ صَدَقَا وَبَيَّنَا بُورِكَ لَهُمَا فِي بَيْعهِمَا وَإنْ كَذَبَا وَكَتَمَا مُحقَتْ بَرَكَةُ بَيْعهمَا»:[۱]

حکیم بن حزام می‌گوید، رسول‌الله ﷺ فرمود: (خریدار و فروشنده تا زمانی که از یک‌دیگر جدا نشده‌اند، اختیار(حق پشیمانی) دارند معامله را فسخ کنند، اگر در معامله راست بگویند و حقیقت را توضیح دهند، در آن معامله‌ی‌شان برکت داده خواهد شد. اما اگر دروغ بگویند برکت از معامله‌ی‌شان برداشته خواهد شد).

پاداش کسی که قرض خود را به نحوه احسن ادا کند

۴۱۷- عَنْ أَبى رَافع أَنَ رَسُولَ اللَّه ﷺ اسْتَسْلَفَ منْ رَجُل بَكْرًا فَقَدمَتْ عَلَيْه إبلٌ منْ إبل الصَّدَقَة فَأَمَرَ أَبَا رَافع أَنْ يَقْضيَ الرجُلَ بَكْرَهُ فَرَجَعَ إلَيْه أَبُورَافع فَقَالَ لَمْ أَجدْ فيهَا إلاَ خيَارًا رَبَاعيًا. فَقَالَ «أَعْطه إيَّاهُ إنَ خيَارَ النَاس أَحْسَنُهُمْ قَضَاءً».[۲]

ابورافع می‌گوید: (رسول خدا ﷺ از مردی شتری را به قرض گرفت[بعد از مدتی] شتران صدقه را آوردند. ایشان به ابورافع دستور دادند که شتری همانند شتر آن مرد را به او بدهد، [ابورافع رفت اما شتری همانند شتر آن مرد نبود لذا به خدمت پیامبر] برگشت و گفت: جز شتری بهتر ازآن نیافتم فرمود: بهتر از شترش را به او بده، که بهترین مردم کسی است که قرض خود را به نحو احسن ادا کند).

۴۱۸- عَنْ أَبي‌هُرَيْرَةَ قَالَ اسْتَقْرَضَ رَسُولُ اللَّه ﷺ سنًّا فَأَعْطَى سنًّا فَوْقَهُ وَقَالَ «خيَارُكُمْ مَحَاسنُكُمْ قَضَاءً»:[۳]

ابوهریره می‌گوید: (پیامبر شتری را به قرض گرفت هنگام پرداخت شتر بهتری داد و فرمود: بهترین شما کسی است که قرض خود را به نحو احسن ادا کند).

---

[۱]. صحیح: صحیح بخاری/ ۲۱۱۰ و مسلم/۱۵۳۲

[۲]. صحیح: صحیح مسلم/۴۱۹۲ ، صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۲۲۸۵ و الإرواء (۱۳۷۱) ،

[۳]. صحیح: صحیح مسلم/۱۶۰۱

۴۱۹- عن عِرْبَاضَ بْنَ سَارِيَةَ يَقُولُ كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ أَعْرَابِيٌّ اقْضِنِي بَكْرِي. فَأَعْطَاهُ بَعِيرًا مُسِنًّا فَقَالَ الأَعْرَابِيُّ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا أَسَنُّ مِنْ بَعِيرِي. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «خَيْرُ النَّاسِ خَيْرُهُمْ قَضَاءً»[1]

عرباض بن ساریه رضی الله عنه می‌گوید: خدمت پیامبر ﷺ بودم که صحرا نشینی گفت: آن شتری که به تو قرض داده بودم بده! پیامبر ﷺ شتر بهتری به او داد. صحرانشین گفت: ای رسول خدا این از شتر من بهتر است! فرمود: بهترین مردم کسی است که قرض خود را به نحو احسن ادا کند.

ثواب قبول فسخ معامله

۴۲۰- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَنْ أَقَالَ مُسْلِمًا أَقَالَهُ اللَّهُ عَثْرَتَهُ»[2]

ابوهریره رضی الله عنه می گوید، رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس از مسلمانی، پشیمانی در معامله را بپذیرد، الله [پشیمانی او را] از گناهانش می‌پذیرد).[و توبه‌اش را قبول می‌کند]

فضیلت گذشت در خرید و فروش

۴۲۱- عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَانَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «أَدْخَلَ اللَّهُ عَزَ وَجَلَ رَجُلاً الْجَنَةَ كَانَ سَهْلاً مُشْتَرِيًا وَبَائِعًا»[3]

عثمان بن عفان رضی الله عنه می گوید رسول خدا ﷺ فرمود: (الله مردی را که در خرید و فروش آسان گیر بود، وارد بهشت گردانید).

۴۲۲- عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا سَمْحًا إِذَا بَاعَ سَمْحًا إِذَا اشْتَرَى سَمْحًا إِذَا اقْتَضَى»[1]

[1]. صحیح: صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۲۲۸۶ و الإرواء (۵ / ۲۲۴ - ۲۲۵)
[2]. صحیح: صحیح ابوداود/۳۴۶۲ صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۲۱۹۹ ، الإرواء (۱۳۳۴) ، المشکاة (۲۸۸۱) ، الصحیحة (۲۶۱۴) ، أحادیث بیوع
[3]. صحیح: نسائی/۴۷۱۳ ، صحیح وضعیف سنن النسائی/۴۶۹۶، ابن ماجة (۲۲۰۲) و صحیح الجامع (۲۴۳)

جابربن عبدالله رضی الله عنه می گوید رسول خدا ﷺ فرمود: (الله به آن بنده رحم کند که وقتی می‌فروشد یا می‌خرد یا قرض خود را پرداخت می کند، با گذشت است).

۴۲۳- عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ أَنَ رَسُولَ اللَهِ ﷺ قَالَ «إِنَ اللَهَ یُحِبُّ سَمْحَ الْبَیْعِ سَمْحَ الشِّرَاءِ سَمْحَ الْقَضَاءِ»:[۲]

ابوهریره رضی الله عنه می گوید رسول خدا ﷺ فرمود: (الله گذشت در خرید، فروش و پرداخت قرض را دوست دارد).

فضیلت وزن کردن مواد خوراکی که به یک‌دیگر قرض می‌دهید

۴۲۴- عَن مِقْدَامِ بْنِ مَعْدِیکَرِبَ رضی الله عنه عَنِ النَبِیِّ ﷺ قَالَ «کِیلُوا طَعَامَکُمْ یُبَارِکْ لَکُمْ فِیهِ»:[۳]

مقدام بن معدیکرب می گوید، پیامبر فرمود: ([در قرض دادن به یک‌دیگر] مواد غذایی‌تان را کیل[وزن] کنید تا برای‌تان برکت داشته باشد).

۴۲۵- عَنْ عَبْدِ اللَهِ بْنِ بُسْرٍ الْمَازِنِیِّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَهِ ﷺ یَقُولُ «کِیلُوا طَعَامَکُمْ یُبَارِکْ لَکُمْ فِیهِ»:[۴]

عبدالله بن بسر مازنی می گوید، شنیدم رسول‌الله می‌فرماید: ([در قرض دادن به یکدیگر] مواد غذایی‌تان را کیل[وزن] کنید که برای شما برکت می کند).

فضیلت صبح زود رفتن به سر کار

۴۲۶- عَنْ صَخْرٍ الْغَامِدِیِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَهِ ﷺ «اللَهُمَّ بَارِکْ لأُمَّتِی فِی بُکُورِهَا»:[۱]

---

[۱]. صحیح: صحیح بخاری/۲۰۷۶ با متن «رَحِمَ اللَّهُ رَجُلًا سَمْحًا..» و ابن ماجه (۲/۷۴۲، ش ۲۲۰۳)، وابن حبان (۱۱/۲۶۷، ش ۴۹۰۳).

[۲]. صحیح: صحیح وضعیف سنن الترمذی/۱۳۱۹ و الصحیحة (۸۹۰۹)

[۳]. صحیح: صحیح بخاری/۲۱۲۸ و ابن ماجه/۲۲۳۱

[۴]. صحیح: سنن ابن ماجه (۲/۷۵۰، ش۲۲۳۱)، والضیاء (۹/۶۱، ش۴۴). و نیز طبرانی در مسند الشامیین (۲/۱۷۴، ش ۱۱۳۵)

صخر غامدی می‌گوید رسول‌الله فرمود: (خداوندا! در صبح زود [به سر کار رفتن] برای امت من برکت بده).

فضیلت خریدن گوسفند

۴۲۷- عَنْ أُمِّ هَانِئٍ أَنَ النَبیَّ ﷺ قَالَ لَهَا «اتَخذی غَنَمًا فَإِنَ فیهَا بَرَکَةً»:[۲]
ام هانی می‌گوید، پیامبر (به من) فرمود: (گوسفندی بخر که برکت دارد).

۴۲۸- عَنِ ابْنِ عُمَرَ رضی الله عنه قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَه ﷺ «الشَاةُ مِنْ دَوَابِّ الْجَنَة»:[۳]
ابن عمر می‌گوید، پیامبر فرمود: (گوسفند از حیوانات بهشتی است).

۴۲۹- عَنْ عُرْوَةَ الْبَارِقیِّ یَرْفَعُهُ قَالَ «الإبِلُ عِزٌّ لأَهْلِهَا وَالْغَنَمُ بَرَکَةٌ وَالْخَیْرُ مَعْقُودٌ فِی نَوَاصی الْخَیْلِ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَة»:[۴]
عروه‌ی بارقی[۵] می‌گوید رسول خدا ﷺ فرمود: شتر موجب عزت برای صاحب خود می‌شود، گوسفند برای صاحب خود برکت دارد و در پیشانی اسب تا قیامت خیر وجود دارد.

فضیلت آزاد کردن برده

۴۳۰- عَنْ أَبی هُرَیْرَةَ قَالَ سَمعْتُ رَسُولَ اللَه ﷺ یَقُولُ «مَنْ أَعْتَقَ رَقَبَةً مُؤْمنَةً أَعْتَقَ اللَهُ بِکُلِّ عُضْو منْهُ عُضْوًا منَ النَارِ حَتَی یُعْتَقَ فَرْجَهُ بِفَرْجِه»:[۶]

---

[۱]. صحیح: صحیح والضعیف سنن ترمذی/۱۲۱۲، أبو داود (۳/۳۵، ش ۲۶۰۶) و می‌گوید: حسن است. و أحمد (۳/۴۳۱ ش ۱۵۵۹۵)، والدارمی (۲/۲۸۳، ش۲۴۳۵)، وابن حبان (۱۱/۶۲، ش ۴۷۵۴). و نیز الطیالسی (ص ۱۷۵، ش۱۲۴۶)، والبیهقی (۹/۱۵۱، ش ۱۸۲۳۷)

[۲]. صحیح: صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۲۳۰۴ و الصحیحة (۷۷۳) أحادیث بیوع

[۳]. صحیح: صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۲۳۰۶ و الصحیحة (۱۱۲۸)

[۴]. صحیح: صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۲۳۰۵ و الصحیحة (۱۷۶۳

[۵]. مؤلف می‌گوید: عروه‌ی بارقی عروة بن جعد بن ابی الجعد، صحابی و در کوفه ساکنت داشته است.

[۶]. صحیح: صحیح مسلم/۳۷۵۴ و این متن مسلم است و در صحیح البخاری/۶۳۳۷ با لفظ:«أَعْتَقَ رَقَبَةً مُسْلمَةً أَعْتَقَ...»

ابوهریره‌ﷺ می گوید شنیدم رسول خداﷺ می‌فرمود: (هر کس مرد یا زن مؤمنی را آزاد کند، الله تعالی در برابر هر عضو او، عضوی را از آتش دوزخ آزاد می گرداند، تا جایی که در برابر شرم گاه او شرم گاهش را آزاد می گرداند).

۴۳۱- عَنْ أَبِي أُمَامَةَ عَنِ النَّبِيِّﷺقَالَ «أَيُّمَا امْرِئٍ مُسْلِمٍ أَعْتَقَ امْرَأً مُسْلِمًا كَانَ فَكَاكَهُ مِنَ النَّارِ يُجْزِئُ كُلُّ عُضْوٍ مِنْهُ عُضْوًا مِنْهُ وَأَيُّمَا امْرِئٍ مُسْلِمٍ أَعْتَقَ امْرَأَتَيْنِ مُسْلِمَتَيْنِ كَانَتَا فَكَاكَهُ مِنَ النَّارِ يُجْزِئُ كُلُّ عُضْوٍ مِنْهُمَا عُضْوًا مِنْهُ وَأَيُّمَا امْرَأَةٍ مُسْلِمَةٍ أَعْتَقَتِ امْرَأَةً مُسْلِمَةً كَانَتْ فَكَاكَهَا مِنَ النَّارِ يُجْزِئُ كُلُّ عُضْوٍ مِنْهَا عُضْوًا مِنْهَا».[۱]

ابوامامه‌ﷺ می گوید رسول خداﷺ فرمود: هر مسلمانی که مسلمان دیگری را از بند آزاد گرداند [موجب] آزادی او از آتش دوزخ خواهد شد و در برابر هر عضو آن، عضوی از فرد آزاد کننده از آتش آزاد خواهد شد، و هر مسلمانی که دو زن مسلمان را آزاد کند در برابر هر عضو از آن‌ها، عضوی از این فرد از آتش دوزخ آزاد می‌شود، و هر زن مسلمانی که یک زن مسلمانی را آزاد کند در برابر هر عضو آن عضو از اعضای بدنش آزاد خواهد شد.

فضیلت حاکم عادل

۴۳۲- عَنْ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِﷺ «إِذَا حَكَمَ الْحَاكِمُ فَاجْتَهَدَ ثُمَّ أَصَابَ فَلَهُ أَجْرَانِ وَإِذَا حَكَمَ فَاجْتَهَدَ ثُمَّ أَخْطَأَ فَلَهُ أَجْرٌ».[۲]

عمرو بن عاص می گوید: رسول خداﷺ فرمود: (هرگاه حاکم از روی اجتهاد حکمی را صادر کند و حکمش درست باشد، دو پاداش دارد. اما هرگاه از روی اجتهاد حکمی صادر کند که اشتباه کند به او یک پاداش داده می‌شود).

---

[۱]. صحیح: صحیح و ضعیف ترمذی/۱۵۴۷ و گوید: «حَسَنٌ صَحِيحٌ غَرِيبٌ» و صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۲۵۲۲ و الروض النضير (۳۵۳)

[۲]. صحیح: صحیح بخاری/۶۹۱۹ و این متن بخاری است و در مسلم/۱۷۱۶ با اندک تفاوتی در الفاظ و صحیح ابودود/۳۵۷۶

۴۳۳- عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ «إِذَا حَكَمَ الْحَاكِمُ فَاجْتَهَدَ فَأَصَابَ فَلَهُ أَجْرَانِ وَإِذَا اجْتَهَدَ فَأَخْطَأَ فَلَهُ أَجْرٌ»[1]

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید رسول خدا ﷺ فرمود: (هرگاه حاکم از روی اجتهاد حکمی را صادر کند و حکمش درست باشد، دو پاداش دارد. اما هرگاه از روی اجتهاد حکمی صادر کند که اشتباه کند به او یک پاداش داده می‌شود).

۴۳۴- عَنْ عَبْدِاللهِ بْنِ عَمْرو عن النَّبِیِّ ﷺ قَالَ «إِنَّ الْمُقْسِطِینَ عِنْدَ اللَّهِ عَلَى مَنَابِرَ مِنْ نُورٍ عَنْ یَمِینِ الرَّحْمَنِ عَزَّ وَجَلَّ وَكِلْتَا یَدَیْهِ یَمِینٌ الَّذِینَ یَعْدِلُونَ فِی حُكْمِهِمْ وَأَهْلِیهِمْ وَمَا وَلُوا»[2]

عبدالله بن عمرو رضی الله عنه می‌گوید پیامبر ﷺ فرمود: (عدالت کنندگان [در قیامت] روی منبرهایی از نور سمت راست خداوند رحمان هستند و هر دو دست الله تعالی راست است، این‌ها همان کسانی هستند که در محدوده‌ی حاکمیت و در خانواده‌ی خود و هر جا که مسؤلیتی را بپذیرند عدالت می‌کنند).

خداوند متعال با قاضی عادل است

۴۳۵-عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِی أَوْفَى قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الْقَاضِی مَا لَمْ یَجُرْ فَإِذَا جَارَ تَخَلَّى عَنْهُ وَلَزِمَهُ الشَّیْطَانُ»[3]

عبدالله بن ابی أوفا می‌گوید، رسول‌الله ﷺ فرمود: الله با قاضی است تا زمانی که ظلم نکند هرگاه ظلم کند الله او را رها می‌کند و شیطان با او همراه می‌شود.

---

[1]. صحیح: سنن ابوداود/۲۵۷۴ ، سنن نسائی/۵۳۹۸ و ترمذی/۱۳۲۶

[2]. صحیح: صحیح مسلم (۱۴۵۸/۳ ، ش ۱۸۲۷) و نسائی (۲۲۱/۸ ، ش ۵۳۷۹)

[3]. حسن: سنن ترمذی (۶۱۸/۳ ش۱۳۳۰) و می‌گوید: «حسن غریب» و بیهقی(۱۳۴/۰ ش۲۰۲۳۸) و ابن حبان (۴۴۸/۱۱ ش۵۰۶۲) .

کتاب فضایل قرآن

فضیلت یادگیری و یاد دادن قرآن

۴۳۶- عَنْ عُثْمَانَ رضی الله عنه عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: «خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ»:[۱]

عثمان رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود: (بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و به دیگران یاد بدهد).

۴۳۷- عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ قَالَ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَنَحْنُ فِي الصُّفَّةِ فَقَالَ: «أَيُّكُمْ يُحِبُّ أَنْ يَغْدُوَ كُلَّ يَوْمٍ إِلَى بُطْحَانَ أَوْ إِلَى الْعَقِيقِ فَيَأْتِيَ مِنْهُ بِنَاقَتَيْنِ كَوْمَاوَيْنِ فِي غَيْرِ إِثْمٍ وَلاَ قَطْعِ رَحِمٍ». فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ نُحِبُّ ذَلِكَ. قَالَ «أَفَلاَ يَغْدُو أَحَدُكُمْ إِلَى الْمَسْجِدِ فَيَعْلَمَ أَوْ يَقْرَأَ آيَتَيْنِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ خَيْرٌ لَهُ مِنْ نَاقَتَيْنِ وَثَلاَثٌ خَيْرٌ لَهُ مِنْ ثَلاَثٍ وَأَرْبَعٌ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَرْبَعٍ وَمِنْ أَعْدَادِهِنَّ مِنَ الإِبِلِ»:[۲]

عقبه بن عامر می گوید: (رسول‌الله ﷺ در حالی به نزد ما آمد که ما در صُفه بودیم. فرمود: کدام یک از شما دوست دارد که هر روز صبح به بطحان یا عقیق برود و بدون آن که مرتکب گناهی یا قطع روابط خویشاوندی شود، دو شتر چاق بیاورد؟ گفتیم: ای رسول خدا! همه‌ی ما دوست داریم. فرمود: پس چرا هر یک از شما به مسجدی نمی‌رود که در آن یک یا دو آیه از کتاب الله را بخواند یا یاد بگیرد تا برایش از دو شتر بهتر باشد، اگر سه آیه یاد بگیرد از سه شتر بهتر است و چهار آیه از چهارتا بهتر است. به همین ترتیب به تعداد آیاتی که یاد بگیرد از شترها بهتر هستند.

---

[۱]. صحیح: صحیح بخاری/۵۰۲۷ و سنن دارمی/۳۳۸۱

[۲]. صحیح: صحیح مسلم/۸۰۳، أحمد (۱۵۴/۴ ، ش۱۷۴۴۴) و ابن أبی شیبة (۱۳۳/۶ ، ش۳۰۰۷۴)

فضیلت مهارت در قرآن

۴۳۸- عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِﷺ «الْمَاهِرُ بِالْقُرْآنِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ وَالَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَتَتَعْتَعُ فِيهِ وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌّ لَهُ أَجْرَانِ»[۱]

عایشه می گوید رسول‌الله فرمود: کسی که در قرآن مهارت داشته باشد با فرشته‌های سفید روی با کرامت نیکوکار همراه خواهد بود. اما آن کسی که قرآن می‌خواند و خواندن برایش سخت است و «تَ تَ» می کند(یعنی: زبانش گیر می کند) دو پاداش دارد.

ثواب کسی که قرآن تلاوت می‌کند و نزول آرامش به تلاوت کنندگان قرآن

۴۳۹- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِﷺ »مَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَيَتَدَارَسُونَهُ بَيْنَهُمْ إِلاَّ نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَغَشِيَتْهُمُ الرَّحْمَةُ وَحَفَّتْهُمُ الْمَلاَئِكَةُ وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ»[۲]

ابوهریره﷛ می گوید رسوالله‌ﷺ فرمود: (هیچ قومی نیست که در یکی از خانه‌ی الله[مساجد] جمع شوند و با هم قرآن تلاوت کنند، مگر این که سکینه[آرامشی از جانب الله] برای‌شان فرود می‌آید و رحمت الهی آن‌ها را فرا می گیرد و فرشتگان آن‌ها را پوشش می‌دهند و الله آن‌ها را در میان کسانی که نزد او هستند، یاد می کند).

۴۴۰- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِﷺ «أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ إِذَا رَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ أَنْ يَجِدَ فِيهِ ثَلاَثَ خَلِفَاتٍ عِظَامٍ سِمَانٍ». قُلْنَا نَعَمْ. قَالَ «فَثَلاَثُ آيَاتٍ يَقْرَأُ بِهِنَّ أَحَدُكُمْ فِي صَلاَتِهِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ ثَلاَثِ خَلِفَاتٍ عِظَامٍ سِمَانٍ»[۳]

---

۱. صحیح: صحیح مسلم/۱۸۹۸ و در صحیح بخاری/۴۶۵۳ با تفاوت اندک در متن
۲. صحیح: صحیح مسلم/۲۶۹۹ و ابوداود/۱۴۵۵
۳. صحیح: صحیح مسلم (۱/ ۵۵۲، ش۸۰۲)، وابن ماجه (۲/ ۱۲۴۳، ش ۳۷۸۲)

ابوهریره ﷺ می گوید رسوالله ﷺ فرمود: (آیا دوست دارید که وقتی به خانه‌ی‌تان می‌روید، سه تکه گوشت چاق آن جا باشد؟ گفتیم: آری. فرمود: هرگاه کسی از شما سه آیه در نماز خود بخواند، برایش از سه تکه گوشت چاق بهتر است).

کسانی که همواره با قرآن انس دارند، دوستان و محبوبان خصوصی الله هستند

۴۴۱- عَنْ أَنَس قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّه ﷺ «إن للَه عَزَ وَجَلَ أَهْلِينَ منَ النَاس». قَالَ قيلَ مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَه قَال «أَهْلُ الْقُرآنِ هُمْ أَهْلُ اللَه وَخَاصَتُهُ»:[1]

انس بن مالک ﷺ روایت می کند که رسول‌الله ﷺ فرمود: (بدانید که الله برای خود از میان مردمان دوستانی دارد». گوید: گفته شد: ای رسول خدا! آن‌ها چه کسانی هستند؟ فرمود: «کسانی که همواره با قرآن انس دارند، دوستان و خاصان الله هستند).

[1]. صحیح: صحیح و ضعیف سنن ابن ماجه (۷۸/۱، ش۲۱۵) مسند أحمد (۱۲۷/۳ش۱۲۳۰۱) نسائی در الکبری (۱۷/۵ ش۸۰۳۱) والدارمی (۵۲۵/۲، ش۳۳۲۶)

فضایل قرآن

فضیلت تلاوت قرآن

۴۴۲- عن عَبْدَاللَّه بْنَ مَسْعُود قال قَالَ رَسُولُ اللَّهﷺ «مَنْ قَرَأَ حَرْفًا منْ كتَاب للَّه فَلَهُ بِه حَسَنَةٌ وَالْحَسَنَةُ بعَشْرِ أَمْثَالهَا لاَ أَقُولُ الم حَرْفٌ وَلَكنْ أَلفٌ حَرْفٌ وَلاَمٌ حَرْفٌ وَميمٌ حَرْفٌ»:[1] قَالَ حَسَنٌ صَحيحٌ غَرِيبٌ

عبدالله بن مسعود روایت می کند که رسول‌الله فرمود: هرکس یک آیه از قرآن بخواند در برابر آن برایش یک نیکی داده می‌شود و آن نیکی ده برابر می‌شود، من نمی گوییم «الم» یک حرف است، بلکه الف یک حرف، لام یک حرف و میم یک حرف است.

۴۴۳- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّﷺ قَالَ «يَجِيءُ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقيَامَة فَيَقُولُ يَا رَبِّ حَلِّه فَيُلْبَسُ تَاجَ الْكَرَامَة ثُمَّ يَقُولُ يَا رَبِّ زِدْهُ فَيُلْبَسُ حُلَّةَ الْكَرَامَة ثُمَّ يَقُولُ يَا رَبِّ ارْضَ عَنْهُ فَيَرْضَى عَنْهُ فَيُقَالُ لَهُ اقْرَأْ وَارْقَ وَتُزَادُ بِكُلِّ آيَة حَسَنَةً»:[2]

ابوهریرهؓ روایت می کند که رسوالله‌ﷺ فرمود: روز قیامت قرآن می‌آید و می گوید: پروردگارا! این فردی که همواره با قرآن مأنوس بوده است را لباس زینت بپوشان، به آن فرد تاجی از کرامت پوشانده می‌شود، سپس می گوید: پروردگارا برایش بیشتر بده، لباس کرامت بر او پوشانده می‌شود. سپس می گوید:

---

[1]. صحیح: صحیح و ضعیف سنن ترمذی/۲۹۱۰، تخریج الطحاویة (۱۳۹) و المشکاة (۲۱۳۷)

[2]. حسن: صحیح و ضعیف سنن ترمذی/۲۹۱۵ قَالَ حَسَنٌ صَحِيحٌ و سنن دارمی ش/۳۳۱۱ و صحیح الترغیب والترهیب/۱۴۲۵

پروردگارا! از او راضی شو، آنگاه به او می گویند: بخوان و بالا برو و با تلاوت هر آیه برایش حسنه‌ای افزوده می‌شود.

۴۴۴- عَنْ عَبْد اللَه بْن عَمْرو عَن النَبی ﷺ قَالَ «یُقَالُ لصَاحب الْقُرآن اقْرَأْ وَارْتَق وَرَتِّلْ کَمَا کُنْتَ تُرَتِّلُ فِی الدُّنْیَا فَإِنَ مَنْزلَتکَ عنْدَ آخر آیَة تَقْرَأُ بهَا»[1]

عبدالله بن عمرو روایت می کند که رسول‌الله فرمود: ([در قیامت] به صاحب قرآن گفته می‌شود؛ بخوان و بالا برو و با ترتیل بخوان، همان‌طور که در دنیا با ترتیل می‌خواندی که مقام تو در همان جایی است که آخرین آیه آن را بخوانی).

فضیلت سوره‌ی فاتحه

۴۴۵- عَنْ أَبی هُرَیْرَةَ عَنِ النَبی ﷺ أَنَهُ قَالَ فی أُمِّ الْقُرآنِ «هِیَ أُمُّ الْقُرآنِ وَهِیَ السَّبْعُ الْمَثَانی وَهِیَ الْقُرآنُ الْعَظیمُ»[2]

ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند که رسول‌الله ﷺ درباره‌ی سوره‌ی فاتحه فرمود: این[سوره] ام‌القرآن، هفت آیه‌ی تکرار شونده و قرآن عظیم است.

۴۴۶-عَن ابْن عَبَّاس أَنَ نَفَراً منْ أَصْحَاب النَبی ﷺ مَرُّوا بمَاء فیهمْ لَدیغٌ - أَوْ سَلیمٌ - فَعَرَضَ لَهُمْ رَجُلٌ منْ أَهْل الْمَاء فَقَالَ هَلْ فیکُمْ منْ رَاق إِنَ فی الْمَاء رَجُلاً لَدیغًا أَوْ سَلیمًا. فَانْطَلَقَ رَجُلٌ منْهُمْ فَقَرَأَ بفَاتحَة الْکتَاب عَلَی شَاء، فَبَرَأَ، فَجَاءَ بالشَاء إِلَی أَصْحَابه فَکَرِهُوا ذَلکَ وَقَالُوا أَخَذْتَ عَلَی کتَاب اللَه أَجْراً. حَتَی قَدمُوا الْمَدینَةَ فَقَالُوا یَا رَسُولَ اللَه أَخَذَ عَلَی کتَاب اللَه أَجْراً. فَقَالَ رَسُولُ اللَه ﷺ «إِنَ أَحَقَ مَا أَخَذْتُمْ عَلَیْه أَجْراً کتَابُ اللَه»[3]

ابن عباس می گوید: گروهی از اصحاب پیامبر ﷺ از کنار آبادی گذر کردند که در میان‌شان فردی را حشره‌ای[عقرب یا مار] گزیده بود. لذا یکی از اهالی آن آبادی به نزد آنان آمد و گفت: آیا در میان شما کسی هست که دَم کردن بلد

---

[1]. حسن صحیح: صحیح وضعیف سنن الترمذی/۲۹۱۴، المشکاة (۲۱۳۴) وأبو داود (۲/۷۳، ش ۱۴۶۴)

[2].صحیح: مسند احمد/۹۷۸۷ و در صحیح بُخاری/۴۷۰۴ با اندک تفاوتی در الفاظ، امام بخاری در جزء القراءة خلف الإمام/۱۴۹، أبو داود/۱۴۵۷و ترمذی/۳۱۲۴

[3]. صحیح: صحیح بخاری/۵۷۳۷

باشد، چون در آبادی ما مردی را حشره‌ای نیش زده است؟ یکی از آن‌ها رفت و سوره‌ی فاتحه را در برابر تعدادی گوسفند خواند و بر آن فرد دَم کرد، آن مرد بهبود یافت و آن صحابی گوسفندان را به نزد یاران خود آورد. یارانش آن عمل وی را ناپسند دانستند و گفتند: در برابر [تلاوت] قرآن مزد گرفتی؟! به مدینه بازگشتند و گفتند: ای رسول خدا در برابر کتاب خدا مزد گرفته است؟! فرمود: این شایسته‌ترین مزدی است که در برابر کتاب خدا گرفته‌اید).

۴۴۷- عَنْ أَبِی‌سَعِید الْخُدْرِیِّ أَنَ نَاسًا مِنْ أَصْحَاب رَسُول اللَّهِﷺ كَانُوا فی سَفَر فَمَرُّوا بحَیٍّ منْ أَحْیَاء الْعَرَب فَاسْتَضَافُوهُمْ فَلَمْ یُضیفُوهُمْ. فَقَالُوا لَهُمْ هَلْ فیكُمْ رَاقٍ فَإِنَ سَیِّدَ الْحَیِّ لَدیغٌ أَوْ مُصَابٌ. فَقَالَ رَجُلٌ منْهُمْ نَعَمْ فَأَتَاهُ فَرَقَاهُ بفَاتحَة الْكتَاب فَبَرَأَ الرَجُلُ فَأُعْطیَ قَطیعًا منْ غَنَم فَأَبَی أَنْ یَقْبَلَهَا. وَقَالَ حَتَی أَذْكُرَ ذَلكَ للنَبیِّﷺ فَأَتَی النَبیَّ فَذَكَرَ ذَلكَ لَهُ. فَقَالَ یَا رَسُولَ الله وَالله مَا رَقَیْتُ إلاَ بفَاتحَة الْكتَاب. فَتَبَسَّمَ وَقَالَ «وَمَا أَدْرَاكَ أَنَهَا رُقْیَةٌ». ثُمَّ قَالَ «خُذُوا منْهُمْ وَاضْرِبُوا لی بسَهْمٍ مَعَكُمْ»[1]

ابوسعید خدری می‌گوید: (گروهی از اصحاب رسول‌اللهﷺ در سفری از کنار آبادی یکی از قبایل عرب می‌گذشتند که از آن‌ها خواستند، پذیرایی‌شان کنند. اما پذیرایی‌شان نکردند. لیکن به این‌ها گفتند: آیا در میان شما کسی هست که دم کند، که سردار قبیله‌ی ما را حشره‌ای[عقرب یا مار] نیش زده است؟ یکی از اصحاب گفت: آری، به این ترتیب به نزد آن [فردی که نیش زده شده بود] رفت و او را با خواندن سوره‌ی فاتحه دَم کرد و بهبود یافت لذا تعدادی گوسفند به او داد. لیکن آن صحابه از قبول گوسفندان خود داری کرد و گفت تا به پیامبر اطلاع دهم [و اجازه ندهد نمی‌پذیرم] لذا به نزد پیامبر آمد، ماجرا را به اطلاع ایشان رساند و گفت: ای رسول‌خدا فقط با سوره‌ی فاتحه او را دم کردم. پیامبرﷺ تبسمی کرد و فرمود: از کجا فهمیدی که این سوره برای دم کردن مؤثر است؟ سپس فرمود: از آن‌ها بگیرید و برای من هم سهمی جدا کنید).

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۲۲۰۱ و این متن روایت مسلم است و صحیح بخاری/۵۷۳۶

فضیلت سوره‌ی بقره و آیه‌ی کرسی

۴۴۸- عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ قَالَ «لاَ تَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قُبُوراً وَإِنَّ الْبَيْتَ الَّذِی تُقْرَأُ فِيهِ الْبَقَرَةُ لَا يَدْخُلُهُ الشَّيْطَانُ».[1]

ابوهریره می‌گوید پیامبر فرمود: (خانه‌های‌تان را به قبرستان تبدیل نکنید و در خانه‌ای که سوره‌ی بقره خوانده می‌شود؛ شیطان وارد نمی‌شود).

فضیلت دو آیه‌ی آخر سوره‌ی بقره

۴۴۹- عَنْ أَبِی مَسْعُود الْبَدْرِیِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ «الآيَتَانِ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ مَنْ قَرَأَهُمَا فِی لَيْلَةٍ كَفَتَاهُ».[2]

ابومسعود بدری روایت می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود: (هر کس دو آیه‌ی آخر سوره‌ی بقره را در شبی بخواند، او را کفایت می‌کند).

فضیلت سوره‌ی بقره و آل عمران

۴۵۰- عن أَبِی أُمَامَةَ الْبَاهِلِیُّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ ﷺ يَقُولُ «اقْرَءُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ يَأْتِی يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفِيعًا لأَصْحَابِهِ اقْرَءُوا الزَّهْرَاوَيْنِ الْبَقَرَةَ وَسُورَةَ آلِ عِمْرَانَ فَإِنَّهُمَا تَأْتِيَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَأَنَّهُمَا غَمَامَتَانِ أَوْ كَأَنَّهُمَا غَيَايَتَانِ أَوْ كَأَنَّهُمَا فِرْقَانِ مِنْ طَيْرٍ صَوَافَّ تُحَاجَّانِ عَنْ أَصْحَابِهِمَا اقْرَءُوا سُورَةَ الْبَقَرَةِ فَإِنَّ أَخْذَهَا بَرَكَةٌ وَتَرْكَهَا حَسْرَةٌ وَلاَ تَسْتَطِيعُهَا الْبَطَلَةُ».[3]

و قَالَ مُعَاوِيَةُ ابْنَ سَلَام : «بَلَغَنِی أَنَّ الْبَطَلَةَ السَّحَرَةُ».

ابوامامه‌ی باهلی روایت می‌کند که شنیدم رسول الله ﷺ می‌فرماید: قرآن بخوانید که در روز قیامت در حالی می‌آید که طرف‌داران خود را شفاعت می‌کند؛ آن دو نور درخشان، بقره و آل عمران را بخوانید که این دو، روز قیامت

---

[1]. صحیح وضعیف سنن ترمذی/۲۸۷۷، با لفظ «مَقَابِرَ» در صحیح مسلم/۱۸۵۱ به همین معنا با اندک تفاوتی در الفاظ، فقط در ابن أبی شَيْبَة ۲/۲۵۶(۶۴۵۸) «لاَ تَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قُبُورًا» است و مسند احمد/۹۱۵۰

[2]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۵۰۰۹ و صحیح مسلم/۸۰۸

[3]. صحیح: صحیح مسلم/۸۰۴ و مسند أحمد (۵/۲۴۹ ، ش ۲۲۲۰۰)

همانند دو تکه‌ی ابر یا دو سایه یا همانند دو دسته از پرندگان می‌آیند و از طرف‌داران خود[کسانی که این دو سوره را بخوانند و به آن عمل کنند] دفاع می‌کنند. سوره‌ی بقره را بخوانید که عمل به آن برکت است، ترک آن حسرت و افسوس در پی خواهد داشت و جادو گران توان این را ندارند که تلاوت کنندگان این دو سوره را جادو کنند).

و معاویه بن سلام (راوی) می‌گوید: (به من گفته‌اند: منظور از بطله، جادوگران است).

۴۵۱– عن النَوّاسَ بْنَ سَمْعَانَ الْكلاَبِيَّ يَقُولُ سَمِعْتُ النَبِيَّ ﷺ يَقُولُ «يُؤْتَى بِالْقُرْآنِ يَوْمَ الْقِيَامَة وَأَهْله الَذينَ كَانُوا يَعْمَلُونَ به تَقْدُمُهُ سُورَةُ الْبَقَرَة وَآلُ عمْرَانَ». وَضَرَبَ لَهُمَا رَسُولُ اللهِ ﷺ ثَلاَثَةَ أَمْثَال مَا نَسيتُهُنَ بَعْدُ قَالَ «كَأَنَهُمَا غَمَامَتَان أَوْ ظُلَتَانِ سَوْدَاوَانِ بَيْنَهُمَا شَرْقٌ أَوْ كَأَنَهُمَا حِزْقَانِ مِنْ طَيْرٍ صَوَافَّ تُحَاجَّانِ عَنْ صَاحِبِهِمَا»:[1]

نواس بن سمعان کلابی می‌گوید، شنیدم رسول‌الله ﷺ می‌فرماید: در قیامت قرآن و کسانی را که همواره به قرآن عمل می‌کنند می‌آورند، در حالی که دو سوره‌ی بقره و آل عمران پیشاپیش آن‌ها حرکت می‌کنند. رسول خدا ﷺ برای آن‌ها سه مثال زد که تا به حال فراموش نکردم. فرمود: آن دو سوره چنان هستند که گویا دو تکه‌ی ابر یا دو سایه‌ی سیاهی که بین‌شان فاصله است یا گویا دو دسته از پرندگان هستند که از صاحب خود دفاع می‌کنند).

فضیلت سوره‌ی کهف

۴۵۲– عَنْ أَبِي الدَّرْدَاء أَنَ النَبِيَّ ﷺ قَالَ «مَنْ حَفظَ عَشْرَ آيَات مِنْ أَوَّلِ سُورَة الْكَهْف عُصمَ منَ الدَّجَّال»:[2]

ابودردا روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود: (هر کس ده آیه‌ی اول سوره‌ی کهف را حفظ کند از (فتنه‌ی) دجال محفوظ می‌ماند).

---

۱. صحیح: صحیح مسلم/۸۰۵ و سنن ترمذی/۲۸۸۳
۲. صحیح: صحیح مسلم/۸۰۹ و مسند احمد/ ۲۱۷۶۰

فضیلت سوره‌ی ملک

۴۵۳- عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ عَنِ النَبِیِّ ﷺ قَالَ «إنَ سُورَةً مِنَ الْقُرآنِ ثَلاَثُونَ آیَةً شَفَعَتْ لِرَجُلِ حَتَی غُفِرَ لَهُ وَهِیَ سُورَةُ تَبَارَکَ الَذی بیَده الْمُلْکُ»:[1]

ابوهریره می گوید پیامبر فرمود: از قرآن سوره‌ای است که سی آیه دارد[این سوره] برای فردی [که آن را حفظ کند و بخواند و به آن عمل کند] آن قدر شفاعت می کند تا گناهانش مغفرت می‌شود؛ آن سوره، سوره‌ی ملک« تَبَارَکَ الَذی بیَده الْمُلْکُ» است.

فضیلت سوره‌ی کافرون

۴۵۴- عَنْ فَرْوَةَ بْن نَوْفَل رضی الله عنه أَنَهُ أَتَی النَبِیَّ ﷺ فَقَالَ یَا رَسُولَ الله عَلِّمْنی شَیْئًا أَقُولُهُ إذَا أَوَیْتُ إِلَی فِرَاشِی قَالَ «اقْرَأ (قُلْ یَا أَیُّهَا الْکَافِرُونَ) فَإنهَا بَرَاءَةٌ مِنَ الشِّرْکِ»:[2]

از فروه بن نوفل روایت است که نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: به من چیزی بیاموز که هر گاه به بستر خواب رفتم آن را بخوانم؟ فرمود: «قُلْ یَا أَیُّهَا الْکَافِرُونَ» را بخوان که اعلان بیزاری از شرک است.

فضیلت سوره‌ی إخلاص

۴۵۵- عَنْ أَبی سَعید الْخُدْرِیِّ رضی الله عنه قَالَ قَالَ النَبِیُّ ﷺ لأَصْحَابه «أَیَعْجِزُ أَحَدُکُمْ أَنْ یَقْرَأَ ثُلُثَ الْقُرآن فی لَیْلَة». فَشَقَ ذَلکَ عَلَیْهِمْ وَقَالُوا أَیُّنَا یُطِیقُ ذَلکَ یَا رَسُولَ اللَه فَقَالَ «قُلْ هوَ اللَهُ أَحَدٌ ثُلُثُ الْقُرآنِ»:[3]

---

[1]. حسن: صحیح و ضعیف سنن الترمذی (۱۶۴/۵، ش ۲۸۹۱)، أحمد (۲۹۹/۲، ش ۷۹۶۲) و نسائی در الکبری (۱۷۸/۶، ش ۱۰۵۴۶) ابن ماجه (۱۲۴۴/۲ ،ش ۳۷۸۶) ابن حبان (۶۷/۳، ش ۷۸۷)، وابن السنی در عمل یوم ولیلة (ص ۲۵۳، ش ۶۸۸).

[2]. صحیح: صحیح وضعیف سنن الترمذی/۳۴۰۳ و التعلیق الرغیب (۱ / ۲۰۹)

[3]. صحیح: صحیح بخاری/۵۰۱۵ به همین معنا و در صحیح مسلم/۱۸۸۳ با لفظ: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ تَعْدلُ ثُلُثَ الْقُرآن» از ابودردا و در سنن النسائی/۹۹۶ فقط «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثُلُثُ الْقُرآنِ» را از ابو ایوب روایت کرده است و صحیح است. نگا: التعلیق الرغیب (۲ / ۲۲۵)

ابوسعید خدری‌ﷺ می گوید، پیامبرﷺ خطاب به اصحاب فرمود: آیا هر یک از شما توان این را ندارد که یک سوم قرآن را در شب تلاوت کند؟ این برای اصحاب گران تمام شد و گفتند: ای رسول خدا! کدام یک از ما چنین توانی دارد؟ فرمود: قل هو الله احد، معادل یک سوم قرآن است.

۴۵۶- عَنْ قَتَادَةَ بْنُ النُّعْمَان: أَنَ رَجُلاً قَامَ فِی زَمَنِ رَسُولِ اللَهﷺ فَقَرَأَ (قُلْ هُوَ اللَهُ أَحَدٌ) السُّورَةَ كُلَهَا يُرَدِّدُهَا لاَ يَزِيدُ عَلَيْهَا قَالَ فَلَمَّا أَصْبَحْنَا قَالَ رَجُلٌ لِرَسُولِ اللَه: يَا رَسُولَ اللَه إِنَ رَجُلاً قَامَ لَيْلَةً يَقْرَأُ مِنَ السَّحَرِ (قُلْ هُوَ اللَهُ أَحَدٌ اللَهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ) يُرَدِّدُهَا لاَ يَزِيدُ عَلَيْهَا. قَالَ : كَأَنَ الرَجُلَ يَتَقَالُّهَا. قَالَ فَقَالَ رَسُولُ اللَه: «وَالَذِی نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِه إِنَهَا لَتَعْدِلُ ثُلُثَ الْقُرْآنِ»[۱]

قتاده بن نعمان می گوید: مردی در زمان رسول الله برخواست و (قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ) را [تا سحر] می‌خواند، هیچ چیز بر آن اضافه نمی کرد!؟ صبح که شد مردی به رسول‌الله گفت: ای رسول‌خداﷺ دیشب یک نفر تا سحر (قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ اللهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ) را بدون آن که به آن چیزی اضافه کند تکرار می کرد!؟ گویا این عمل را کم می‌شمارد. رسول خدا فرمود: سوگند به آن ذاتی که جانم در دست اوست! این سوره معادل یک سوم قرآن است.

۴۵۷- عَنْ أَبِی هُرَيْرَةَ قَالَ خَرَجَ إِلَيْنَا رَسُولُ اللَه ﷺ فَقَالَ «أَقْرَأُ عَلَيْكُمْ ثُلُثَ الْقُرْآنِ». فَقَرَأَ (قُلْ هُوَ اللَهُ أَحَدٌ اللَهُ الصَّمَدُ) حَتَى خَتَمَهَا»:[۲]

ابوهریره‌ﷺ می گوید پیامبرﷺ به نزد ما آمد و گفت: (اکنون برای‌تان یک سوم قرآن را تلاوت می کنم. سپس سوره‌ی قل هوالله را تا آخر خواند).

۴۵۸-عَنْ أَبِی الدَّرْدَاءِ عَنِ النَبِیِّ ﷺقَالَ «أَيَعْجِزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَقْرَأَ فِی لَيْلَةٍ ثُلُثَ الْقُرْآنِ». قَالُوا وَكَيْفَ يَقْرَأُ ثُلُثَ الْقُرْآنِ قَالَ «(قُلْ هُوَ اللَهُ أَحَدٌ) يَعْدِلُ ثُلُثَ الْقُرْآنِ»:[۳]

---

[۱]. صحیح: صحیح بخاری/۵۰۱۴ تا «أَصْبَحْنَا أَتَى الرَّجُلُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَحْوَهُ» بیهقی شعب الایمان/۴۹۵۴ در نیز در السنن الکبری/۱۰۵۳۵

[۲]. صحیح: صحیح مسلم/۸۱۲

[۳]. صحیح: صحیح مسلم/۸۱۱

ابودردا می گوید پیامبرﷺ فرمود: (آیا هر یک از شما نمی‌تواند یک سوم قرآن را تلاوت کند؟ گفتند: چگونه می‌تواند هر شب یک سوم قرآن را بخواند؟ فرمود: «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ» معادل یک سوم قرآن است).

۴۵۹- عَنْ أَنَس رضی الله عنه أَنَ رَجُلاً كَانَ يَلْزِمُ قراءة (قُلْ هُوَ اللَهُ أَحَدٌ) فی الصلوة مع كل سُورَةَ وَ هوَ يَؤُمّ أَصحابَهُ، فَقَالَ لَهُ رَسُولَ اللَه «ما يَلْزُمک هَذِهِ السُّورَةَ». قَالَ إِنِّي أُحِبُّهَا. قَالَ «حُبُّکَ إِيَّاهَا أَدْخَلَکَ الْجَنَةَ».[1]

انس بن مالک می گوید: (مردی همواره (قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ) را در نماز، در حال امامت به مقتدیان خود با یک سوره‌ی دیگر می‌خواند. رسول‌اللهﷺ پرسید: چه چیز باعث شده که همواره این سوره را در نماز بخوانی؟ گفت من این سوره را دوست دارم. فرمود: دوست داشتن این سوره موجب می‌شود وارد بهشت شوی).

۴۶۰- عَنْ عَائشَةَ أَنَ النَبیﷺ بَعَثَ رَجُلاً عَلَی سَرِيَّة، وَكَانَ يَقْرَأُ لأَصْحَابه فی صَلاَته فَيَخْتِمُ ب(قُلْ هُوَ اللَهُ أَحَدُ) فَلَمَّا رَجَعُوا ذَكَرُوا ذَلکَ للنَبیّ فَقَالَ «سَلُوهُ لأَیِّ شَیْء يَصْنَعُ ذَلکَ». فَسَأَلُوهُ فَقَالَ لأَنَها صِفَةُ الرَحْمَن، وَأَنَا أُحِبُّ أَنْ أَقْرَأَ بِهَا. فَقَالَ النَبیُّ «أَخْبِرُوهُ أَنَ اللَهَ يُحِبُّهُ».[2]

عایشه می گوید: (پیامبرﷺ مردی را به عنوان امیر سریه‌ای[به مأموریت جهادی] فرستاد او که برای یاران خود پیش‌نمازی می‌داد همواره علاوه بر [حمد و] سوره‌ای که می‌خواند سوره‌ی قل هوالله را نیز می‌خواند. پس از بازگشتن این ماجرا را به اطلاع رسول‌اللهﷺ رساندند. فرمود: از او بپرسید چرا این کار را می کند؟ از وی سوال کردند، گفت چون در این سوره الله توصیف شده است من دوست دارم این سوره را بخوانم. پیامبرﷺ فرمود: به او خبر دهید که الله تعالی او را دوست دارد).

[1]. حسن صحیح: صحیح و ضعیف الترمذی/۲۹۰۱ به صورت طولانی و بخاری به صورت معلق/۷۷۴ و التعلیق الرغیب (۲ / ۲۲۴) و صفة الصلاة (۸۵)

[2]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۷۳۷۵ و صحیح مسلم/۱۸۸۷ و سنن نسائی/۹۹۳

فضیلت معوذتین

۴۶۱- عَنْ عَبْدِاللَه بْنِ خُبَيْبٍ أَنَّهُ قَالَ خَرَجْنَا فِى لَيْلَةِ مَطَرٍ وَظُلْمَةٍ شَدِيدَةٍ نَطْلُبُ رَسُولَ اللَهِ ﷺ لِيُصَلِّيَ لَنَا فَأَدْرَكْنَاهُ فَقَالَ «أَصَلَّيْتُمْ». فَلَمْ أَقُلْ شَيْئًا فَقَالَ «قُلْ». فَلَمْ أَقُلْ شَيْئًا ثُمَّ قَالَ «قُلْ». فَلَمْ أَقُلْ شَيْئًا ثُمَّ قَالَ «قُلْ». فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَهِ مَا أَقُولُ قَالَ «(قُلْ هُوَ اللَهُ أَحَدٌ) وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ حِينَ تُمْسِي وَحِينَ تُصْبِحُ ثَلاَثَ مَرَاتٍ تَكْفِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ»[1]

عبدالله بنِ خبیب رضی الله عنه می گوید: در شبی بارانی و بسیار تاریک دنبال رسول الله ﷺ رفتیم که بیاید و برای ما نماز بخواند، ایشان را پیدا کردیم، فرمود: بگو! چیزی نگفتم. باز گفت: بگو! چیزی نگفتم. سپس گفت: بگو! گفتم: ای رسول خدا چه بگم؟ فرمود: در هر صبح و شام قل هوالله و دو سوره‌ی فلق و ناس را سه بار بخوان تو را از همه چیز کفایت می کند.

۴۶۲- عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَهِ ﷺ «أَلَمْ تَرَ آيَاتٍ أُنْزِلَتِ اللَّيْلَةَ لَمْ يُرَ مِثْلُهُنَ قَطُّ (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) وَ (قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَاسِ)»[2]

عقبه بن عامر رضی الله عنه می گوید رسول خدا ﷺ فرمود: (ندیدی که دیشب بر من آیاتی نازل شد که هرگز مثل آن‌ها دیده نشده است؛ دو سوره‌ی فلق و ناس است).

۴۶۳- عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ قَالَ كُنْتُ أَمْشِى مَعَ رَسُولِ اللَهِ ﷺ فَقَالَ «يَا عُقْبَةُ قُلْ». فَقُلْتُ مَاذَا أَقُولُ يَا رَسُولَ اللَهِ فَسَكَتَ عَنِّى ثُمَّ قَالَ «يَا عُقْبَةُ قُلْ». قُلْتُ مَاذَا أَقُولُ يَا رَسُولَ اللَه فَسَكَتَ عَنِّى فَقُلْتُ اللَهُمَّ ارْدُدْهُ عَلَيَّ فَقَالَ «يَا عُقْبَةُ قُلْ». قُلْتُ مَاذَا أَقُولُ يَا رَسُولَ اللَه فَقَالَ «(قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) فَقَرَأْتُهَا حَتَى أَتَيْتُ عَلَى آخِرِهَا ثُمَّ قَالَ «قُلْ». قُلْتُ مَاذَا أَقُولُ يَا رَسُولَ اللَه قَالَ «(قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَاسِ)». فَقَرَأْتُهَا حَتَى أَتَيْتُ عَلَى آخِرِهَا ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَهِ ﷺ عِنْدَ ذَلِكَ «مَا سَأَلَ سَائِلٌ بِمِثْلِهِمَا وَلاَ اسْتَعَاذَ مُسْتَعِيذٌ بِمِثْلِهِمَا»[3]

---

[1]. حسن: ترمذی/۳۵۷۵، ابوداود/۵۰۸۲، نسائی۵۴۳۸ و زوائد السنن/۸۵۱
[2]. صحیح: صحیح مسلم/۱۸۸۸ و ترمذی/۲۹۰۲ و نسائی/۹۵۳
[3]. صحیح: صحیح وضعیف سنن النسائی/۵۴۳۸ و صحیح أبی داود (۱۳۱۶) و سنن دارمی ۳۴۴۰

عقبه بن عامرؓ می گوید، داشتم با رسول اللهﷺ می‌رفتم که فرمود: ای عقبه بگو! گفتم: ای رسول خدا چه بگم؟ سکوت فرمود. سپس گفت: ای عقبه بگو! گفتم: ای رسول خدا چه بگم؟ باز سکوت کرد! با خودم گفتم: خداوندا! کاری کن که باز تکرار کند! سپس گفت: ای عقبه بگو! گفتم: ای رسول خدا چه بگم؟ فرمود: بگو به پروردگار سپیده دم پناه می‌برم... این سوره را تا آخر تلاوت کردم. سپس گفت: ای عقبه بگو! گفتم: ای رسول خدا چه بگم؟ فرمود: بگو به پروردگار مردمان پناه می‌برم... این سوره را هم تا آخر خواندم. سپس گفت: هیچ سوال کننده‌ای همانند این سوال نکرده و هیچ پناه برنده‌ای همانند این پناه نبرده است.

بخش فضایل علم

فضیلت کسی که در طلب علم می‌رود

۴۶۴- عَنْ أَبی هُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِﷺ «مَنْ سَلَکَ طَرِیقًا یَلْتَمِسُ فِیهِ عِلْمًا سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ بِهِ طَرِیقًا إِلَی الْجَنَّةِ»:[۱]

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید پیامبرﷺ فرمود: هر کس راهی را به قصد یادگیری علمی برود، الله برایش مسیر رفتن به بهشت را آسان می‌گرداند.

۴۶۵- عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِکٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ خَرَجَ فِی طَلَبِ الْعِلْمِ کَانَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ حَتَّی یَرْجِعَ»:[۲]

انس بن مالک روایت می‌کند که رسول الله فرمود: (هر کس برای طلب و یادگیری علم برود تا برگردد، در راه الله است.)

۴۶۶- عَنْ زِرِّ بْنِ حُبَیْشٍ قَالَ : جِئْتُ صَفْوَانَ بْنَ عَسَّالٍ الْمُرَادِیَّ فَقَالَ : مَا جَاءَ بِکَ؟ فَقُلْتُ: جِئْتُ أَطْلُبُ الْعِلْمَ. قَالَ : فَإِنِّی سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِﷺ یَقُولُ :«مَا مِنْ خَارِجٍ یَخْرُجُ مِنْ بَیْتِهِ فِی طَلَبِ الْعِلْمِ إِلاَّ وَضَعَتْ لَهُ الْمَلاَئِکَةُ أَجْنِحَتَهَا رِضًا بِمَا یَصْنَعُ»:[۳]

---

[۱]. صحیح: صحیح مسلم/۲۶۹۹ و ابوداود/۳۶۴۳

[۲]. حسن: مختصر کتاب (الإعلام بآخر أحکام الألبانی الإمام/۲۲۰ شیخ آلبانی در الضعیفة (۲۰۳۷) می‌گوید: ضعیف و سپس در صحیح الترغیب والترهیب (۸۸) می‌نویسد: حسن است و ترمذی (۲۹/۵ ، ش ۲۶۴۷) و می‌گوید: حسن غریب . ضیاء (۱۲۴/۶ ، ش ۲۱۱۹) و می‌گوید: إسناد آن حسن است . و نیز طبرانی در الصغیر (۲۳۴/۱ ، ش ۳۸۰) ،

[۳]. حسن: صحیح الترغیب و الترهیب ش/۶۹ در ابن ماجه ش/۲۲۶ «أَنبِطُ الْعِلْمَ» بجای «أَطْلُبُ الْعِلْمَ» و مسند احمد (۲۴۰/۴)

زربن حبیش می گوید: به نزد صفوان بن عسال مرادی رفتم و گفت: چه چیز تو را به این جا آورد؟ گفتم: آمدم علم بیاموزم. گفت: [حال که چنین است بدان که] من از رسول الله ﷺ شنیده‌ام می‌فرماید: هیچ کس نیست که از خانه‌اش به هدف طلب علم خارج شود مگر این که ملائکه بال‌های خود را بخاطر رضایت از کار طلبه‌ی علم، برایش فرش می کند.

۴۶۷- عَنْ أَبِی الدَّرْدَاء قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ «مَنْ سَلَکَ طَرِيقًا يَطْلُبُ فِيه عِلْمًا سَلَکَ اللَّهُ بِهِ طَرِيقًا مِنْ طُرُقِ الْجَنَّةِ وَإِنَّ الْمَلَائِکَةَ لَتَضَعُ أَجْنِحَتَهَا رِضًا لِطَالِبِ الْعِلْمِ»[1]

ابو دردا می گوید، شنیدم رسول خدا ﷺ می‌فرماید: هر کس راهی را به نیت طلب علم برود، الله او را به راهی از راه‌های بهشت می‌برد. و ملائکه بال‌های خود را بخاطر رضایت از طلبه‌ی علم[شریعت زیر پاهایش] فرش می کنند.

حدیث: «من یرد الله به خیرا یفقهه فی الدین»: (به هر کس الله اراده‌ی خیر کند او را فقیه در دین می‌گرداند)

۴۶۸- عن مُعَاوِيَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَنْ يُرِدْ اللَّهُ بِه خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِی الدِّينِ وَإِنَّمَا أَنَا قَاسِمٌ وَاللَّهُ يُعْطِي وَلَنْ تَزَالَ هَذِهِ الْأُمَّةُ قَائِمَةً عَلَى أَمْرِ اللَّهِ لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَالَفَهُمْ حَتَى يَأْتِیَ أَمْرُ اللَّهِ»:[2]

معاویه رضی الله عنه می گوید، پیامبر ﷺ فرمود: (به هر کس الله اراده‌ی خیر کند او را فقیه در دین می گرداند، دهنده الله است و من تقسیم کننده‌ام و همواره گروهی از امت من بر مخالفان خود پیروز هستند تا فرمان الهی[قیامت] فرا رسد، هم چنان پیروز هستند).

۴۶۹- عَنْ أَبِی هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِی الدِّينِ»:[1]

---

[1]. صحیح: صحیح وضعیف سنن/۳۹۴۱ و ترمذی/۲۶۹۱ و می‌گوید: «و فی روایة: طَرِیقًا إِلَی الْجَنَّةِ» ابن ماجه/۲۲۳ و می‌گوید: «سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ به طَرِيقًا»

[2]. صحیح: صحیح بخاری/۷۱ و در صحیح مسلم/۱۰۳۷ بدون لفظ: « وَلَنْ تَزَالَ هَذِه»

ابوهریره می گوید، پیامبرﷺ فرمود: (به هر کس الله اراده‌ی خیر کند او را فقیه در دین می گرداند).

۴۷۰- عَنِ ابْنِ عَبَّاس أَنَ النَبیﷺ قَالَ «مَنْ یُرِد اللَهُ به خَیْراً یُفَقِّهْهُ فِی الدِّینِ»:[2]

ابن عباس می گوید پیامبرﷺ فرمود: (به هر کس الله اراده‌ی خیر کند او را فقیه در دین می گرداند).

فضیلت کسی که علم دین را به دیگران می‌آموزد

۴۷۱- عَنْ سَهْل بْنُ سَعْد أَنَ رَسُولَ اللَهﷺ قال لعَلیُّ بْنُ أَبی طَالب «وَاللَه لَأَنْ یَهْدِیَ اللَهُ بکَ رَجُلًا وَاحدًا خَیْرٌ لَکَ منْ أَنْ یَکُونَ لَکَ حُمْرُ النَّعَم »:[3]

سهل بن سعد می گوید: رسول خدا به علی بن ابی‌طالب گفت: به خدا سوگند! اگر الله بوسیله‌ی تو یک نفر را هدایت کند، برایت از شتران سرخ مو بهتر است.

۴۷۲- عَنْ أَبی مُوسَی عَنِ النَبیﷺ قَالَ «إنَ مَثَلَ مَا بَعَثَنی اللَهُ به عَزَ وَجَلَ منَ الْهُدَی وَالْعلْمِ کَمَثَل غَیْث أَصَابَ أَرْضًا فَکَانَتْ منْهَا طَائفَةٌ طَیِّبَةٌ قَبلَتَ الْمَاءَ فَأَنْبَتَت الْکَلأَ وَالْعُشْبَ الْکَثیرَ وَکَانَ منْهَا أَجَادبُ أَمْسَکَتَ الْمَاءَ فَنَفَعَ اللَهُ بهَا النَاسَ فَشَرِبُوا منْهَا وَسَقَوْا وَرَعَوْا وَأَصَابَ طَائفَةً منْهَا أُخْرَی إنَمَا هیَ قیعَانٌ لاَ تُمْسکُ مَاءً وَلاَ تُنْبتُ کَلأً فَذَلکَ مَثَلُ مَنْ فَقُهَ فی دینِ اللَه وَنَفَعَهُ بمَا بَعَثَنی اللَهُ به فَعَلمَ وَعَلَمَ وَمَثَلُ مَنْ لَمْ یَرْفَعْ بذَلکَ رَأْسًا وَلَمْ یَقْبَلْ هُدَی اللَه الَذی أُرْسلْتُ به»:[4]

ابوموسی روایت می کند که پیامبر فرمود: مثال هدایت و علمی که خداوند مرا با آن مبعوث کرده، مانند بارانی است که به زمینی می‌بارد. قسمتی از آن که مرغوب است آب را در خود جذب می کند. سپس در آن گیاه و دانه‌ی فراوان می‌روید. و قسمتی از آن که سخت است باران را روی خود نگه می‌دارد. و الله بوسیله‌ی آن آب به بندگانش نفع می‌رساند؛ از آن می‌نوشند، به دیگران هم

---

[1]. صحیح: صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/ ۲۲۰ و الصحیحة (۱۱۹۴ – ۱۱۹۵) ، الروض النضیر (۱۱۶۰)

[2]. صحیح: صحیح وضعیف سنن الترمذی/۲۶۴۵ و مسند احمد/۲۸۴۳

[3]. صحیح: صحیح مسلم/۲۴۰۶ و این حدیث بصورت طولانی در صحیح بخاری در شماره‌های ۲۹۴۲،۳۰۰۹، ۳۷۰۱، ۴۲۱۰ تکرار شده است.

[4]. صحیح: صحیح متفق علیه: بخاری ش/۷۹ مسلم/۶۰۹۳ و مسند احمد ش/۲۸۰۰

می‌دهند و کشت و زرع خود را نیز آبیاری می کنند. قسمت دیگری از زمین هست که شوره‌زار است، وقتی باران ببارد نه آب را در خود نگه می‌دارد و نه از آن گیاهی می‌روید. زمین اولی مثال کسی است که احکام الهی را فرا گیرد و الله او را بوسیله‌ی آنچه مرا بخاطر آن مبعوث کرده است، هدایت می کند و دین را یاد می گیرد و به دیگران یاد می‌دهد. و زمین شوره زار همانند کسی است که به احکام الهی توجهی نکند و آنچه من بخاطر آن فرستاده شده‌ام نمی‌پذیرد.

۴۷۳- عَنْ أَبِي الدَّرْدَاء قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ «إِنَ الْعَالِمَ لَيَسْتَغْفِرُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الأَرْضِ وَالْحِيتَانُ فِي جَوْفِ الْمَاء وَإِنَ فَضْلَ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ عَلَى سَائِرِ الْكَوَاكِب وَإِنَ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الأَنْبِيَاء وَإِنَ الأَنْبِيَاءَ لَمْ يُوَرِّثُوا دِينَارًا وَلاَ دِرْهَمًا وَرَّثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَخَذَهُ أَخَذَ بِحَظٍّ وَافِر»:[۱]

ابو دردا می گوید، شنیدم رسول الله ﷺ می‌فرماید: (برای عالم[به معنای واقعی و صحیح کلمه] تمام آسمانیان و زمینیان حتی ماهیان دریا طلب مغفرت می کنند. و بدانید که فضیلت عالم بر عابد همانند برتری ماه شب چهارده به بر دیگر ستارگان است. و علما ورثه‌ی انبیا هستند. انبیا درهم و دینار به ارث نمی گذارند بلکه علم را به ارث می گذارند لذا هر کس بهره‌اش علم باشد به بهره‌ی کاملی دست‌یافته است.

۴۷۴- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ «مَنْ جَاءَ مَسْجِدِي هَذَا لَمْ يَأْتِهِ إِلاَ لِخَيْرٍ يَتَعَلَّمُهُ أَوْ يُعَلِّمُهُ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَنْ جَاءَ لِغَيْرِ ذَلِكَ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ الرَّجُلِ يَنْظُرُ إِلَى مَتَاعِ غَيْرِهِ»:[۲]

ابوهریره می گوید شنیدم پیامبر ﷺ می‌فرمود: هر کس به این مسجد من فقط به هدف یادگیری و یاد دهی خیر[علم] بیاید، همانند کسی است که در راه الله جهاد می کند. اما هر کس به هدفی غیر از این بیاید، بمنزله‌ی کسی است که به کالای کسی دیگر نگاه می کند).

---

[۱]. صحیح: صحیح وضعیف سنن أبی داود/۳۶۴۱، ترمذی/۲۶۹۱ و صحیح ترغیب ش۶۸

[۲]. صحیح: صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۲۲۷، صحیح الترغیب والترهیب (۸۳) و أحمد (۴۱۸/۲ ، ش ۹۴۰۹)، ابن ماجه (۸۲/۱ ، ش۲۲۷) ، وأبو یعلی (۳۵۹/۱۱، ش۶۴۷۲)

۴۷۵- عَنْ أَبِی أُمَامَةَ، عَنِ النَّبِیِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمْ قَالَ:«مَنْ غَدَا إِلَى الْمَسْجِدِ لا يُرِيدُ إِلا أَنْ يَتَعَلَّمَ خَيْراً أَوْ يَعْلَمَهُ، كَانَ لَهُ كَأَجْرِ حَاجٍّ تَامًّا حِجَّتُهُ»:[1]

ابوامامه روایت می‌کند که رسول الله فرمود: (هر کس به مسجد برود و هدفی جز این نداشته باشد که خیر(علم) بیاموزد، برایش پاداشی همانند ثواب حاجی که حج‌اش کامل است، داده می‌شود).

فضیلت کسی که به هدایت(قرآن و سنت صحیح) دعوت می‌دهد

۴۷۶- عَنْ أَبِی هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ «مَنْ دَعَا إِلَى هُدًى كَانَ لَهُ مِنَ الأَجْرِ مِثْلُ أُجُورِ مَنْ تَبِعَهُ لاَ يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْئًا وَمَنْ دَعَا إِلَى ضَلاَلَةٍ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الإِثْمِ مِثْلُ آثَامِ مَنْ تَبِعَهُ لاَ يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ آثَامِهِمْ شَيْئًا»:[2]

ابوهریره می‌گوید پیامبر ﷺ فرمود: هر کس به خیری دعوت دهد برایش ثوابی همانند ثواب کسانی که از وی پیروی کنند، داده می‌شود بدون آن که از ثواب آن‌ها کم شود. و هر کس به گناهی و انحرافی دعوت دهد، برایش گناهی همانند گناه مرتکب شوند‌گان نوشته می‌شود آن هم بدون آن که از گناه‌شان چیزی کاسته شود.

۴۷۷- عَنِ ابْنِ جَرِيرِ بْنِ عَبْدِاللَّهِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَنْ سَنَّ سُنَّةَ خَيْرٍ فَاتُّبِعَ عَلَيْهَا فَلَهُ أَجْرُهُ وَمِثْلُ أُجُورِ مَنِ اتَّبَعَهُ غَيْرَ مَنْقُوصٍ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْئًا وَمَنْ سَنَّ سُنَّةَ شَرٍّ فَاتُّبِعَ عَلَيْهَا كَانَ عَلَيْهِ وِزْرُهُ وَمِثْلُ أَوْزَارِ مَنِ اتَّبَعَهُ غَيْرَ مَنْقُوصٍ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْئًا»[3]

جریربن عبدالله رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول‌الله ﷺ فرمود: (هر کس سنت خیری را پایه گذاری کند و مردم از وی پیروی کنند، ثواب آن عمل و بمانند:

---

[1]. حسن صحیح: صحیح الترغیب والترهیب/۸۶، طبرانی (۹۴/۸، ش ۷۴۷۳)، هیثمی (۱۲۳/۱) و می‌گوید: همه‌ی رجال آن ثقه هستند. و حاکم (۱۶۹/۱، ش ۳۱۱) وأبونعیم در الحلیة (۹۷/۶)، وابن عساکر (۴۵۶/۱۶) ..

[2]. صحیح: صحیح مسلم (۲۰۶۰/۴، رقم ۲۶۷۴)، وأبو داود (۲۰۱/۴، ش ۴۶۰۹)، والترمذی (۴۳/۵، ش ۲۶۷۴) و می‌گوید: حسن صحیح

[3]. صحیح: صحیح وضعیف سنن الترمذی/۲۶۷۵، ابن ماجة (۲۰۳) و در صحیح مسلم/۱۰۱۷ به همین معنا

پاداش کسانی که به پیروی از او عمل کرده‌اند، بدون آن که چیزی از پاداش‌شان کم شود به او داده خواهد شد، و هر کس راه و رسم بدی را پدید آورد که دیگران از وی پیروی کنند گناه آن و بمانند آن از گناه کسانی که به آن عمل کنند، بدون آن که چیزی از گناه‌شان کم شود، برایش نوشته می‌شود).

دعای پیامبرﷺ برای کسی که از ایشان حدیثی به مردم برساند

۴۷۸- عَنْ زَيْد بْنِ ثَابت قَالَ سَمعْتُ رَسُولَ اللَهﷺ يَقُولُ «نَضَرَ اللَهُ امْرأً سَمِعَ منَا حَديثًا فَحَفظَهُ حَتَى يُبَلِّغَهُ فَرُبَّ حَامل فقْه إِلَى مَنْ هُوَ أَفْقَهُ منْهُ وَرُبَّ حَامل فقْه لَيْسَ بفَقيه»:[1]

زیدبن ثابت می گوید، شنیدم رسول‌اللهﷺ می‌فرماید: (الله شاداب و خرم بدارد کسی را که از ما حدیثی بشنود و حفظ کند و به دیگران ابلاغ کند و چه بسا کسانی که یک مسئله‌ی دینی را به کسی که از وی از فهم بیشتری برخوردار است، نقل می کند).

۴۷۹- عن عَبْد اللَه بْن مَسْعُود قَالَ قَالَ سَمعْتُ النَبىﷺ يَقُولُ «نَضَرَ اللَهُ امْرأً سَمِعَ منَا شَيْئًا فَبَلَغَهُ كَمَا سَمِعَ فَرُبَّ مُبَلَغ أَوْعَى منْ سَامِع»:[2]

عبدالله بن مسعود می گوید، شنیدم رسول‌اللهﷺ می‌فرماید: (الله شاداب و خرم بدارد کسی را که از ما چیزی بشنود و آن را همان گونه که شنیده به دیگران ابلاغ کند. و چه بسا مخاطبانی که از [عموم] شنوندگان از فهم بیشتری برخوردارند).

۴۸۰- عَنْ أَنَس بْن مَالک قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَهﷺ «إِنَ منَ النَاس مَفَاتيحَ للْخَيْر مَغَاليقَ للشَرِّ وَإِنَ منَ النَاس مَفَاتيحَ للشَرِّ مَغَاليقَ للْخَيْر فَطُوبَى لمَنْ جَعَلَ اللَهُ مَفَاتيحَ الْخَيْر عَلَى يَدَيْه وَوَيْلٌ لمَنْ جَعَلَ اللَهُ مَفَاتيحَ الشَرِّ عَلَى يَدَيْه»:[3]

---

[1]. صحیح: صحیح و ضعیف سنن ابوداود/۳۶۶۰، الترمذی (۳۳/۵، ش ۲۶۵۶) و می‌گوید: حسن. و نسائی (۴۳۱/۳ ، ش۵۸۴۷) .

[2]. صحیح: صحیح وضعیف سنن الترمذی/۲۶۷۵ أَبُوعِيسَى می‌گوید: این حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيح و ابن ماجة (۲۳۲).

[3]. حسن: صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۲۳۷، الصحیحة (۱۳۳۲)

انس بن مالک می گوید، رسول خداﷺ فرمود: (برخی از مردم کلیدها خیر و مسدود کنندگان مسیر شر هستند، اما برخی دیگر از مردم کلید باز کننده‌ی شرارت‌ها هستند و مسدود کنندگان راه‌های خیر، خوشا به حال کسانی که الله کلیدهای خیر را در دستان‌شان قرار داده است! و وای بر کسی که در دستانش کلیدهای شر قرار دارد!)

باب فضیلت ذکر

خداوند متعال می‌فرماید: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ»: (مرا [با عبادت، ذکر و دعا] یاد کنید تا شما را یاد کنم). «بقره/۱۵۲»

۴۸۱–عَنْ أَبِي‌هُرَيْرَةَ‌ رضي الله عنه قَالَ قَالَ النَّبِيُّ‌ﷺ «يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي، وَأَنَا مَعَهُ إِذَا ذَكَرَنِي، فَإِنْ ذَكَرَنِي فِي نَفْسِهِ ذَكَرْتُهُ فِي نَفْسِي، وَإِنْ ذَكَرَنِي فِي مَلأٍ ذَكَرْتُهُ فِي مَلأٍ خَيْرٍ مِنْهُمْ، وَإِنْ تَقَرَّبَ إِلَيَّ بِشِبْرٍ تَقَرَّبْتُ إِلَيْهِ ذِرَاعًا، وَإِنْ تَقَرَّبَ إِلَيَّ ذِرَاعًا تَقَرَّبْتُ إِلَيْهِ بَاعًا، وَإِنْ أَتَانِي يَمْشِي أَتَيْتُهُ هَرْوَلَةً »:[1]

ابوهریره می گوید، پیامبرﷺ فرمود، الله تعالی می‌فرماید: (من با بنده‌ام بر اساس گمانی که نسبت به من دارد رفتار می کنم. هنگامی که مرا یاد کند من با او هستم. اگر مرا در تنهایی یاد کند، من او را در تنهایی یاد می کنم. و اگر مرا در میان جمع یاد کند، من او را در میان جمعی بهتر از آن یاد خواهم کرد. اگر به اندازه‌ی یک وجب به من نزدیک شود من به اندازه‌ی یک ذراع به او نزدیک خواهم شد و اگر به اندازه‌ی یک ذراع به من نزدیک شود، من به فاصله‌ی باز کردن دو دست به او نزدیک می‌شوم. اگر قدم زنان به سوی من بیاید من دوان دوان به سوی او خواهم آمد).

۴۸۲– عَنْ أَبِي‌هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ‌ﷺ «إِنَّ لِلَّهِ مَلاَئِكَةً يَطُوفُونَ فِي الطُّرُقِ، يَلْتَمِسُونَ أَهْلَ الذِّكْرِ، فَإِذَا وَجَدُوا قَوْمًا يَذْكُرُونَ اللَّهَ تَنَادَوْا هَلُمُّوا إِلَى حَاجَتِكُمْ. قَالَ فَيَحُفُّونَهُمْ بِأَجْنِحَتِهِمْ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا. قَالَ فَيَسْأَلُهُمْ رَبُّهُمْ وَهْوَ أَعْلَمُ

[1]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری (۶/۲۶۹۴ ، ش۶۹۷۰) و مسلم (۴/۲۰۶۱، ش۲۶۷۵)

مِنْهُمْ مَا يَقُولُ عِبَادِي قَالُوا يَقُولُونَ يُسَبِّحُونَكَ، وَيُكَبِّرُونَكَ، وَيَحْمَدُونَكَ وَيُمَجِّدُونَكَ. قَالَ فَيَقُولُ هَلْ رَأَوْنِي قَالَ فَيَقُولُونَ لاَ وَاللَّه مَا رَأَوكَ. قَالَ فَيَقُولُ وَكَيْفَ لَوْ رَأَوْنِي قَالَ يَقُولُونَ لَوْ رَأَوكَ كَانُوا أَشَدَّ لَكَ عِبَادَةً، وَأَشَدَّ لَكَ تَمْجِيدًا، وَأَكْثَرَ لَكَ تَسْبِيحًا. قَالَ يَقُولُ فَمَا يَسْأَلُونِي قَالَ يَسْأَلُونَكَ الْجَنَّةَ. قَالَ يَقُولُ وَهَلْ رَأَوْهَا قَالَ يَقُولُونَ لاَ وَاللَّه يَا رَبِّ مَا رَأَوْهَا. قَالَ يَقُولُ فَكَيْفَ لَوْ أَنَّهُمْ رَأَوْهَا قَالَ يَقُولُونَ لَوْ أَنَّهُمْ رَأَوْهَا كَانُوا أَشَدَّ عَلَيْهَا حِرْصًا، وَأَشَدَّ لَهَا طَلَبًا، وَأَعْظَمَ فِيهَا رَغْبَةً. قَالَ فَمِمَّ يَتَعَوَّذُونَ قَالَ يَقُولُونَ مِنَ النَّارِ. قَالَ يَقُولُ وَهَلْ رَأَوْهَا قَالَ يَقُولُونَ لاَ وَاللَّه مَا رَأَوْهَا. قَالَ يَقُولُ فَكَيْفَ لَوْ رَأَوْهَا قَالَ يَقُولُونَ لَوْ رَأَوْهَا كَانُوا أَشَدَّ مِنْهَا فِرَارًا، وَأَشَدَّ لَهَا مَخَافَةً. قَالَ فَيَقُولُ فَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ. قَالَ يَقُولُ مَلَكٌ مِنَ الْمَلاَئِكَةِ فِيهِمْ فُلاَنٌ لَيْسَ مِنْهُمْ إِنَّمَا جَاءَ لِحَاجَةٍ. قَالَ هُمُ الْجُلَسَاءُ لاَ يَشْقَى بِهِمْ جَلِيسُهُمْ»[1]

ابوهریره روایت می‌کند که پیامبرﷺ فرمود: الله تعالی فرشتگانی دارد که همواره راه‌ها را گشت می‌زنند و درپی ذکر کنندگان هستند. هر جا گروهی را بیابند که مشغول ذکر باشند یک‌دیگر را صدا می‌کنند و می‌گویند: بیایید که آن‌چه در پی آن هستید این جاست. فرمود: پس از این فرشتگان می‌آیند و با بال‌های خود آن‌ها را تا آسمان دنیا احاطه می‌کنند و فرمود: پروردگارشان از آن‌ها سوال می‌کند که بندگان من چه می‌گویند؟ فرشتگان در پاسخ می‌گویند: آن‌ها تسبیح، تکبیر، ستایش و بزرگی تو را می‌گویند. الله تعالی می‌گوید: مگر مرا دیده‌اند؟ می‌گویند: خیر! می‌پرسد: اگر مرا می‌دیدند [چه کار می‌کردند؟] می‌گویند: اگر شما را می‌دیدند بیشتر عبادت می‌کردند و بیشتر حمد، ثنا و پاکی‌ات را می‌گفتند. آنگاه الله تعالی می‌فرماید: از من چه می‌خواهند؟ فرشتگان می‌گویند: بهشت را می‌خواهند. می‌فرماید: آیا آن را دیده‌اند؟ می‌گویند: پروردگارا، نه! سوگند به خدا که آن را ندیده‌اند. می‌فرماید: اگر آن را می‌دیدند چه کار می‌کردند؟ می‌گویند: اگر آن را می‌دیدند بیشتر به آن علاقه‌مند می‌شدند،

[1]. صحیح: صحیح بخاری/۶۴۰۸ و مسلم/۶۷۸۰ به همین معنا

بیشتر به دنبال آن می‌رفتند و بیشتر به آن تمایل نشان می‌دادند. خداوند از آن‌ها می‌پرسد از چه چیز پناه می‌جویند؟ می‌گویند: از دوزخ. خداوند می‌فرماید: آیا آن را دیده‌اند؟ می‌گویند: سوگند به خدا که آن را ندیده‌اند. می‌فرماید: اگر آن را می‌دیدند، بیشتر از آن دوری می‌جستند و بیشتر می‌ترسیدند. سرانجام، خداوند می‌فرماید: شما گواه باشید که من آنان را بخشیدم. یکی از فرشتگان می‌گوید: در میان آن‌ها فلانی هست که جزو آنان نیست بلکه برای انجام کاری آمده؟ خداوند متعال می‌فرماید: آن‌ها کسانی هستند که همنشین‌شان[به برکت کارشان] بدبخت نمی‌شود).

۴۸۳- عَنْ أَبِي‌هُرَيْرَةَ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَه ﷺ يَسِيرُ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ فَمَرَّ عَلَى جَبَلٍ يُقَالُ لَهُ جُمْدَانُ فَقَالَ «سِيرُوا هَذَا جُمْدَانُ سَبَقَ الْمُفَرِّدُونَ». قَالُوا وَمَا الْمُفَرِّدُونَ يَا رَسُولَ اللَه قَالَ «الذَّاكِرُونَ اللَهَ كَثِيراً وَالذَّاكِرَاتُ»:[1]

ابوهریره می‌گوید: (پیامبر ﷺ داشت در راه مکه می‌رفت که گذرش بر کوهی افتاد که به آن جمدان می‌گفتند، فرمود: بروید که این جمدان است و مفرّدون سبقت گرفتند. گفتند: ای رسول خدا! مفرّدون چه کسانی هستند؟ فرمود: مردان و زنانی که الله را به کثرت ذکر می‌کنند).

۴۸۴- عن أَبِي‌هُرَيْرَةَ وَأَبِي‌سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ أَنَّهُمَا شَهِدَا عَلَى النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: «لاَ يَقْعُدُ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ اللَهَ عَزَّ وَجَلَّ إِلاَّ حَفَّتْهُمُ الْمَلاَئِكَةُ وَغَشِيَتْهُمُ الرَّحْمَةُ وَنَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَذَكَرَهُمُ اللَهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ»:[2]

ابوهریره و ابوسعید خدری می‌گویند: (ما دو نفر گواهی می‌دهیم که پیامبر ﷺ فرمود: هیچ گروهی نیست که برای ذکر الله تعالی بنشینند مگر این که ملائکه آن‌ها را احاطه می‌کنند و رحمت الهی آن‌ها را فرا می‌گیرد و بر آنان سکینه نازل می‌شود و الله آنان را در میان کسان نزد خود [فرشتگان] یاد می‌کند).

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم (۴/۲۰۶۲، ش۲۶۷۶) أحمد (۲/۴۱۱، ش۹۳۲۱) و ابن حبان (۳/۱۴۰، ش ۸۵۸). و طبرانی در الأوسط (۳/۱۵۵، ش ۲۷۷۳)

[2]. صحیح: صحیح مسلم (۴/۲۰۷۴، ش۲۷۰۰) ابوداود طیالسی (ص ۲۹۶، ش۲۲۳۳)، وأحمد (۳/۹۲، ش۱۱۸۹۳)، عبد بن حمید (ص ۲۷۲، ش۸۶۱)، أبو یعلی (۲/۴۴۴، ش۱۲۵۲) و ابن حبان (۳/۱۳۶، ش۸۵۵).

۴۸۵- عَنْ مُعَاوِيَةُ إنَ رَسُولَ اللهﷺ خَرجَ عَلَى حَلْقَةٍ مِنْ أَصْحَابه فَقَالَ مَا أَجْلَسَكُمْ قَالُوا جَلَسْنَا نَذْكُرُ اللهَ وَنَحْمَدُهُ عَلَى مَا هَدَانَا للْإِسْلَام وَمَنَ بِهِ عَلَيْنَا قَالَ: «آللَه مَا أَجْلَسَكُمْ إلَا ذَاكَ قَالُوا وَاللَه مَا أَجْلَسَنَا إلَا ذَاكَ قَالَ أَمَا إنِى لَمْ أَسْتَحْلفْكُمْ تُهْمَةً لَكُمْ ولَكنَهُ أَتَانِى جبْرِيلُ فَأَخْبَرَنِى أَنَ اللهَ عَزَ وَجَل يُبَاهى بكُمْ الْمَلَائكَةَ»[1]

معاویهؓ می گوید: رسول خداﷺ به مجلسی از اصحاب آمدند و فرمودند: برای چه نشسته‌اید؟ گفتند: نشسته‌ایم الله را ذکر و سپاس می گوییم که ما را به اسلام هدایت کرده و بر ما منت نهاده است. فرمود: شما را بخدا فقط به همین نیت نشسته‌اید؟ گفتند: فقط به همین خاطر نشسته‌ایم. فرمود: من شما را بخاطر این که در صداقت‌تان متهم بدانم سوگند ندادم بلکه اکنون جبرئیل به نزد من آمد و گفت: الله بخاطر [این نشست] شما، بر ملائکه افتخار می کند.

۴۸۶- عَنْ عَبْدالله بْن بُسْر أَنَ أَعْرَابيًّا قَالَ لرَسُول اللهﷺ إنَ شَرَائعَ الإسْلاَم قَدْ كَثُرَتْ عَلَيَّ فَأَنْبئْنِى منْهَا بِشَىْءٍ أَتَشَبَّثُ بِه. قَالَ «لاَ يَزَالُ لسَانُكَ رَطْبًا منْ ذكْرِ الله عَزَ وَجَل»:[2]

عبدالله بن بسر می گوید: صحرا نشینی به رسول اللهﷺ گفت: برنامه‌های عبادی اسلام بر من زیاد شده است پس به من چیزی بیاموز که همواره به آن پایبند باشم؟ فرمود: همواره زبانت مشغول ذکر الله تعالی باشد.

۴۸۷- عَن بُرَيْدَةَ الأسلمى عَن النَبىﷺ قَالَ «مَنْ قَالَ حينَ يُصْبحُ أَوْ حينَ يُمْسى اللَهُمَّ أَنْتَ رَبِّى لاَ إلَهَ إلاَ أَنْتَ خَلَقْتَنى وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَنَا عَلَى عَهْدكَ وَوَعْدكَ مَا اسْتَطَعْتُ أَعُوذُ بكَ منْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ أَبُوءُ بنعْمَتكَ وَأَبُوءُ بذَنْبى فَاغْفرْ لى إنَهُ لاَ يَغْفرُ الذُّنُوبَ إلاَ أَنْتَ. فَمَاتَ منْ يَوْمه أَوْ منْ لَيْلَته دَخَلَ الْجَنَةَ»:[3]

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۲۷۰۱ و ترمذی/۳۳۷۹ و می گوید: «حَسَنٌ غَرِيبٌ»

[2]. صحیح: ابن ماجه/۳۹۲۵ و ترمذی/۳۳۷۲ . نگا: الأذکار نووی با تحقیق محمد بشیر عیون تحت ش/۳۲ این روایت قبلا ذکر شد و از محدود روایات تکراری است.

[3]. صحیح: أبو داود (۳۱۷/۴ ، ش ۵۰۷۰)، الصحیحة (۱۷۴۷)، مسند أحمد (۳۵۶/۵ ، ش ۲۳۰۶۳)، نسائی در الکبری (۱۴۹/۶ ، ش۱۰۴۱۵)، ابن ماجه (۱۲۷۴/۲ ش۳۸۷۲)، ابن حبان (۳۰۸/۳، ش۱۰۳۵) ، حاکم (۶۹۶/۱ ، ش ۱۸۹۶) و می گوید: صحیح الإسناد

بریده‌ی اسلمی روایت می کند که پیامبرﷺ فرمود: هر کس صبح گاهان یا شام‌گاهان بگوید: «خداوندا! تو پروردگار منی، معبود برحقی جز تو نیست، مرا آفریدی و من بنده‌ی تویم و بر عهد و وعده‌ی تو پایبندم، از شر آنچه انجام داده‌ام به تو پناه می‌برم، با اعتراف به نعمتت و با اعتراف به گناهانم به نزد تو آمده‌ام پس مرا مغفرت کن که جز تو گناهان را نمی‌بخشد». اگر در آن روز یا شبی که این دعا را خوانده است نمیرد، وارد بهشت می‌شود.

۴۸۸- عَنْ أَبِی‌هُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِﷺ«مَا مِنْ دَعْوَةٍ یَدْعُو بِهَا الْعَبْدُ أَفْضَلَ مِنَ - اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الْمُعَافَاةَ فِی الدُّنْیَا وَالآخِرَةِ»:[1]

ابوهریره می گوید، پیامبرﷺ فرمود: (هیچ دعایی بهتر از این نیست که فرد بگوید: «خداوندا! من از تو در دنیا و آخرت عافیت و سلامتی را می‌خواهم).

۴۸۹- عَنِ ابْنِ عُمَرَ عَنِ النَّبِیِّﷺقَالَ «مَا سُئِلَ اللَّهُ شَیْئًا أَحَبَّ إِلَیْهِ مِنَ الْعَافِیَةِ»:[2]

ابن عمرؓ می گوید، پیامبرﷺ فرمود: (چیزی محبوب‌تر از طلب عافیت نزد خداوند، از او تعالی درخواست نشده است).

۴۹۰- عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ قَالَ قُلْتُ یَا رَسُولَ اللَّهِ عَلِّمْنِی شَیْئًا أَسْأَلُهُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ. قَالَ «سَلِ اللَّهَ الْعَافِیَةَ». فَمَکَثْتُ أَیَّامًا ثُمَّ جِئْتُ فَقُلْتُ یَا رَسُولَ اللَّهِ عَلِّمْنِی شَیْئًا أَسْأَلُهُ اللَّهَ. فَقَالَ لِی «یَا عَبَّاسُ یَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ سَلِ اللَّهَ الْعَافِیَةَ فِی الدُّنْیَا وَالآخِرَةِ»:[3]

عباس بن عبدالمطلب گوید: (گفتم ای رسول خدا! به من چیزی بیاموز که آن را از الله بخواهم؟ فرمود: «از الله عافیت را بخواه». چند روزی صبر کردم، سپس نزد ایشان رفتم و گفتم: به من چیزی بیاموز که آن را از الله بخواهم؟ خطاب به من فرمود: ای عباس، ای عموی رسول خدا! از الله بخواه که تو را در دنیا و آخرت عافیت دهد).

---

[1]. صحیح: صحیح ابن ماجه (۲/۱۲۶۶ ش۳۸۵۱) . بوصیری (۴/۱۴۳) می‌گوید: این إسناد صحیح رجال آن ثقه هستند. الصحیحة (۱۱۳۸) و نیز الدیلمی (۴/۴۶ ش ۶۱۴۵) .

[2]. صحیح: صحیح ترمذی/۳۸۹۴

[3]. صحیح: صحیح وضعیف سنن الترمذی/۳۵۱۴أبوعیسَی می‌گوید: این حَدیث صَحِیح است، المشکاة (۲۴۹۰ / التحقیق الثانی) و الصحیحة (۱۵۲۳)

۴۹۱- عَنْ عَبْدِاللَه بْنِ عَمْرو قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَه ﷺ «مَا عَلَى الأَرْض أَحَدٌ يَقُولُ لاَ إِلَهَ إِلاَ اللَهُ وَاللَهُ أَكْبَرُ وَلاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَ بِاللَه. إِلاَ كُفِّرَتْ عَنْهُ خَطَايَاهُ وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ»:[۱]

عبدالله بن عمرو می گوید، رسول‌الله ﷺ فرمود: (هیچ کس روی زمین نیست که بگوید: معبود برحقی جز الله نیست، خدا از همه بزرگ‌تر است، هیچ گونه تغییر و نیروی نیست مگر بوسیله‌ی الله، مگر این که گناهانش بخشیده می‌شود؛ هر چند به اندازه‌ی کف دریا باشد).

۴۹۲- عَنْ أَبِيسَعِيدِ الْخُدْرِيِّ وَأَبِيهُرَيْرَةَ أَنَ رَسُولَ اللَه ﷺ قَالَ «إِنَ اللَهَ اصْطَفَى مِنَ الْكَلاَمِ أَرْبَعاً سُبْحَانَ اللَه وَالْحَمْدُ لِلَه وَلاَ إِلَهَ إِلاَ اللَهُ وَاللَهُ أَكْبَرُ فَمَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَه كَتَبَ اللَهُ لَهُ عِشْرِينَ حَسَنَةً أَوْ حَطَ عَنْهُ عِشْرِينَ سَيِّئَةً وَمَنْ قَالَ اللَهُ أَكْبَرُ فَمِثْلُ ذَلِكَ وَمَنْ قَالَ لاَ إِلَهَ إِلاَ اللَهُ فَمِثْلُ ذَلِكَ وَمَنْ قَالَ الْحَمْدُ لِلَه رَبِّ الْعَالَمِينَ مِنْ قِبَلِ نَفْسِهِ كُتِبَتْ لَهُ ثَلاَثُونَ حَسَنَةً وَحُطَ عَنْهُ ثَلاَثُونَ سَيِّئَةً»:[۲]

ابوسعید خدری و ابوهریره می گویند، رسول‌الله ﷺ فرمود: (الله تعالی از بین حرف‌ها چهارتا را انتخاب کرده است [که عبارتند:] «سُبْحَانَ اللَه وَالْحَمْدُ لِلَه وَلاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَهُ وَاللَهُ أَكْبَرُ» لذا هر کس بگوید: «سُبْحَانَ اللَه»، الله برایش بیست نیکی می‌نویسد یا بیست گناه از او می‌بخشد و هر کس بگوید: «اللَهُ أَكْبَرُ»، الله همانند این به او می‌دهد. و هر کس بگوید: «لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللَهُ» الله همانند این به او می‌دهد. و هر کس از صمیم قلب بگوید: «الْحَمْدُلِلَه رَبِّ الْعَالَمِينَ» برایش سی نیکی نوشته می‌شود و سی گناه از او بخشیده می‌شود).

۴۹۳- عَنْ جَابِرٍ عَنِ النَبِيِّ ﷺ قَالَ «مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَه الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ غُرِسَتْ لَهُ نَخْلَةٌ فِي الْجَنَة»:[۳]

جابر می گوید پیامبر ﷺ فرمود، هر کس بگوید: «سُبْحَانَ اللَه الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» برایش در بهشت درختی کاشته می‌شود).

---

[۱]. صحیح: صحیح وضعیف سنن الترمذی/۳۴۶۰ و التعلیق الرغیب (۲ / ۲۴۹)
[۲]. صحیح وضعیف الجامع الصغیر/۲۵۹۸، صحیح الجامع/۱۷۱۸ و مسند احمد/۸۲۳۳
[۳]. صحیح: صحیح وضعیف سنن الترمذی/۳۴۶۴، الروض النضیر (۲۴۳) ، الصحیحة (۶۴)

۴۹۴- عن بُرَيْدَةَ الأَسْلَمِيِّ قَالَ سَمِعَ النَّبِيُّ ﷺ رَجُلاً يَدْعُو وَهُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ الأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. قَالَ فَقَالَ «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ سَأَلَ اللَّهَ بِاسْمِهِ الأَعْظَمِ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَابَ وَإِذَا سُئِلَ بِهِ أَعْطَى»:[1]

بریده‌ی اسلمی روایت می‌کند که از پیامبر ﷺ شنید مردی دعا می‌کند و می‌گوید: (خداوندا! من از تو می‌خواهم که من گواهی می‌دهم؛ الله تویی، معبود برحقی جز تو نیست، تو یکتای بی نیازی هستی که نزادی و زاده نشدی و برای تو همتایی نیست. گوید: فرمود سوگند به آن ذاتی که جانم در دست اوست! که از الله بوسیله‌ی اسم اعظم او تعالی درخواست نمود، همان اسمی که هرگاه با آن از وی خواسته شود اجابت می‌کند و هر گاه از او سوال کنند می‌دهد).

۴۹۵- عَنْ سَعْد بن ابی وقاص قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّه ﷺ «دَعْوَةُ ذِي النُّونِ إِذْ دَعَا وَهُوَ فِي بَطْنِ الْحُوتِ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ. فَإِنَّهُ لَمْ يَدْعُ بِهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ فِي شَيْءٍ قَطُّ إِلاَّ اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ»:[2]

سعد بن ابی وقاص می‌گوید، رسول خدا ﷺ فرمود: دعایی که ذی النون[یونس] در شکم ماهی می‌خواند این بود که می‌گفت: معبود بر حقی جز تو نیست، تو پاک و منزهی و من از ستم کارانم. هیچ مسلمانی نیست که این دعا را بخواند مگر این که الله تعالی دعایش را اجابت می‌کند).

۴۹۶- عَنْ أَنَس أَنَّهُ كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ جَالِسًا وَرَجُلٌ يُصَلِّي ثُمَّ دَعَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ الْمَنَّانُ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ يَا ذَا الْجَلاَلِ وَالإِكْرَامِ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ. فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ «لَقَدْ دَعَا اللَّهَ بِاسْمِهِ الْعَظِيمِ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَابَ وَإِذَا سُئِلَ بِهِ أَعْطَى»[3] و ابن ماجه و زاد «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ الْمَنَّانُ»[4] فلم يذكر: « يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ»

---

[1]. صحیح: صحیح وضعیف سنن ابوداود/۱۴۹۳، صحیح وضعیف سنن الترمذی/۳۴۷۵ و ابن ماجة (۳۸۵۷)

[2]. صحیح: صحیح وضعیف سنن الترمذی/۳۵۰۵، صحیح الکلم الطیب (۱۲۲ / ۷۹) ، التعلیق الرغیب (۲ / ۲۷۵ و ۳ / ۴۳) و المشکاة (۲۲۹۲ / التحقیق الثانی)

[3]. صحیح: صحیح و ضعیف سنن ابوداود/۱۴۹۵

[4]. حسن صحیح: صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۳۸۵۸، الروض النضیر (۱۳۳) و الصحیحه (۱۳۴۲)

انس می گوید: با رسول‌الله ﷺ نشسته بودم که مردی داشت نماز می‌خواند. سپس چنین دعا کرد: خداوندا! من از تو می‌خواهم که سپاس تو را سزاست، معبود برحقی جز تو نیست، تو آن ذات منانی هستی که پدید آورنده‌ی آسمان‌ها و زمین است، ای صاحب جلال و بزرگواری و ای زنده‌ی پایدار[نیاز مرا بر آورده کن و...] پیامبر ﷺ فرمود: به یقین الله را با نام اعظمش دعا کرد که هرگاه با آن دعا شود اجابت می کند و هر گاه با این نام از او بخواهند می‌دهد.

و ابن ماجه روایت کرده و در آن این آمده: (معبود برحقی جز تو نیست، یکتایی شریکی برای تو وجود ندارد ای خداوند منان) و یا «حی یا قیوم» در روایت ابن ماجه نیست.

۴۹۷- عَنْ أَنَس بْنِ مَالک قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَه ﷺ «مَنْ سَأَلَ اللَـهَ الْجَنَـةَ ثَـلاَثَ مَرَات قَالَت الْجَنَةُ اللَهُمَّ أَدْخلْهُ الْجَنَةَ وَمَن اسْتَجَارَ منَ النَار ثَلاَثَ مَرَات قَالَت النَـارُ اللَهُمَّ أَجرْهُ منَ النَار»[1]

انس بن مالك می گوید، رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس سه بار [پیاپی] از الله بهشت را بخواهد، بهشت می گوید: خداوندا! او را وارد بهشت گردان! و هر کس سه بار از آتش دوزخ به الله پناه برد، دوزخ می گوید: خداوندا! او را از آتش پناه ده!

ذکر هنگام دیدن فرد مصیبت زده

۴۹۸- عَن ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَه ﷺ «مَنْ فَجئَهُ صَاحبُ بَلاَء فَقَالَ الْحَمْـدُ للَه الَذی عَافَانی ممَّا ابْتَلاَکَ به وَفَضَلَنی عَلَى كَثير ممَّنْ خَلَقَ تَفْضيلاً - عُوفيَ مـنْ ذَلکَ الْبَلاَء كَائنًا مَا كَانَ».[2] و في الترمـذی زاد: «مَـا عَـاشَ... و عنـده مـن رأى صَاحب بلاء»[3] و رواه ابن ماجه هكذا من حديث ابن عمر و رواه الترمذی عن عمر و قال غريب.

---

[1]. صحیح: صحیح وضعیف سنن الترمذی/۲۵۷۲، المشکاة (۲۴۷۸ / التحقیق الثانی) ، التعلیـق الرغیـب (۴ / ۲۲۲) و صحیح نسائی/۵۵۳۸

[2]. حسن: صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۳۸۹۲، الصحیحة (۶۰۲) و الروض النضیر (۱۰۶۱)

[3]. حسن: صحیح و ضعیف سنن ترمذی/۳۴۳۱، در أبحاث غیر مکتملـة فـی التراجعـات/۳۵ شیخ آلبـانی در ضعیف الجامع ۵۵۸۹: می‌گوید: ضعیف است و سپس در صحیح سنن الترمذی: می‌گوید: حسن است.

ابن عمرﷺ می‌گوید، رسول خداﷺ فرمود: هر کس با فرد مصیبت زده‌ای روبرو شود و بگوید: سپاس خدایی را که مرا از آن‌چه به آن مبتلا شده‌ای عافیت داد و بر بسیاری از بندگانش برتری داد، برتری بسیار زیاد! از آن مصیبت هر چه که باشد، سالم خواهد ماند. و در روایت ترمذی آمده: تا زنده باشد... و در ترمذی آمده: هر کس مصیبت زده‌ای را ببیند...» ابن ماجه نیز به همین صورت از ابن عمر روایت کرده است. اما ترمذی از عمرﷺ روایت کرده و می‌گوید غریب است).

۴۹۹- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِﷺ «مَنْ رَأَى مُبْتَلًى فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلاَكَ بِهِ وَفَضَّلَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيلاً لَمْ يُصِبْهُ ذَلِكَ الْبَلاَءُ»:[1]

ابوهریره می‌گوید، پیامبر فرمود: هر کس فرد مصیبت زده‌ای را ببیند و بگوید: سپاس خدایی را که مرا از آنچه به آن مبتلا شده‌ای عافیت داد و بر بسیاری از بندگانش برتری داد، برتری بسیار زیاد! به آن مصیبت گرفتار نخواهد شد).

و قال الترمذی قَدْ رُوِيَ عَنْ أَبِي‌جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ أَنَّهُ قَالَ إِذَا رَأَى صَاحِبَ بَلاَءٍ فَتَعَوَّذَ مِنْهُ يَقُولُ ذَلِكَ فِي نَفْسِهِ وَلاَ يُسْمِعُ صَاحِبَ الْبَلاَءِ»:[2]

ترمذی می‌گوید: از ابوجعفر، محمدبن علیﷺ روایت شده که می‌گفت: هر گاه کسی فرد مصیبت زده‌ای را دید از آن مصیبت به الله پناه ببرد. البته آهسته بگوید بگونه‌ای که فرد مصیبت زده نشنود.

دعای هنگام بیدار شدن از ترس

۵۰۰- عَنْ عبدالله بن عَمْرٍو أَنَ رَسُولَ‌اللَهِﷺ قَالَ: «إِذَا فَزِعَ أَحَدُكُمْ فِي النَّوْمِ فَلْيَقُلْ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَهِ التَامَّةِ مِنْ غَضَبِهِ وَعِقَابِهِ وَشَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَيَاطِينِ وَأَنْ يَحْضُرُونِ. فَإِنَهَا لَنْ تَضُرَهُ»:[3]

---

[1]. صحیح: صحیح وضعیف سنن الترمذی/۳۴۳۲ الصحیحة (۲۷۳۷) وزوائد السنن/۴۲۸۹
[2]. حسن: صحیح ترمذی/۳۴۳۱ و الاذکار نووی/۹۴۳ با تحقیق بشیر محمد عیون
[3]. حسن: صحیح وضعیف سنن الترمذی/۳۵۲۸ و می‌گوید: حَسَنٌ غَرِیبٌ.

عبدالله بن عمروﷺ می گوید، رسول خداﷺ فرمود: هرگاه کسی از شما در خواب ترسید، باید بگوید: از خشم، عذاب و شر بندگان و از وسوسه‌های شیاطین و این که به نزد من بیایند؛ به کلمات تامه‌ی الله پناه می‌برم.[هر کس چنین بگوید] هرگز هیچ چیز به او ضرر نمی‌رساند.

دعای برای برادر مسلمان در غیاب او

۵۰۱- عَنْ أَبِی الدَّرْدَاء قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِﷺ«مَا مِنْ عَبْدٍ[1] مُسْلِمٍ يَدْعُو لأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ إِلاَ قَالَ الْمَلَكُ وَلَكَ بِمِثْلٍ»:[2]

ابودردا می گوید پیامبرﷺ فرمود: هیچ مسلمانی نیست که برای برادر مسلمان خود در غیاب وی دعا کند مگر این که فرشته‌ای می گوید: برای تو نیز همانند این داده شود.

فضیلت انجام اعمال نیک پس از گناه

خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ»: (قطعاً نیکی‌ها گناهان را از بین می‌برد).«هود۱۱۴»

۵۰۲- عَنْ أَبِی‌ذَرٍّ قَالَ قَالَ لِی رَسُولُ اللَّهِﷺ «اتَقِ اللَّهَ حَيْثُمَا كُنْتَ وَأَتْبِعِ السَّيِّئَةَ الْحَسَنَةَ تَمْحُهَا وَخَالِقِ النَاسَ بِخُلُقٍ حَسَنٍ»:[3]

ابوذر می گوید، پیامبرﷺ به من گفت: هر جا بودی از الله بترس و درپی هر گناهی که مرتکب شدی عمل نیکی انجام بده که آن را محو می کند و با مردم با اخلاق نیکو رفتار کن.

---

[1]. لازم به ذکر است که: در صحیح مسلم/۲۷۳۲ با لفظ: « مَا منْ عَبْد مُسْلم» است که نقل کریم اما مؤلف با لفظ: « مَا منْ مُسْلم » بدون لفظ«عَبْد» حدیث را آورده و به مسلم نسبت داده بود.

[2]. صحیح: صحیحُ مسلم (۲۰۹۴/۴ ش۲۷۳۲) ، وأبو داود (۸۹/۲ ، ش ۱۵۳۴) . و ابن حبان (۲۶۸/۳ ، ش۹۸۹) .

[3]. حسن: صحیح وضعیف سنن ترمذی/۱۹۸۷، مشکاة (۵۰۸۳)، الروض النضیر (۸۵۵) مسند أحمد (۱۵۳/۵ ، ش ۲۱۳۹۲) (و دارمی (۴۱۵/۲ ، ش۲۷۹۱)

عملی که با انجام آن فرد به عنوان صابر و شاکر ثبت می‌شود

۵۰۳- عَنْ أَبِي‌هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «انْظُرُوا إِلَى مَنْ هُوَ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَا تَنْظُرُوا إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكُمْ فَإِنَّهُ أَجْدَرُ أَنْ لَا تَزْدَرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ»:[۱]

ابوهریره می گوید، پیامبر فرمود: همواره به کسانی [که از نظر مالی] از شما پایین‌ترند نگاه کنید و به کسانی که از شما بالاترند نگاه نکنید که این شایسته‌ترین راه کم نشمردن نعمت‌های الهی است.

۵۰۴- عَنْ أَبِي‌هُرَيْرَةَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ «إِذَا نَظَرَ أَحَدُكُمْ إِلَى مَنْ فُضِّلَ عَلَيْهِ فِي الْمَالِ وَالْخَلْقِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ أَسْفَلَ مِنْهُ»:[۲]

ابوهریره می گوید پیامبر فرمود: هر گاه برتری مالی و ظاهری فردی نظر کسی را جلب کرد، لازم است به فردی که از خودش پایین‌تر است، توجه کند).

فضیلت اخلاق نیک

۵۰۵- عن عائشة قالت سَمِعْتُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «إِنَ الْمُؤمنَ لَيُدرک بِحُسْنِ خُلُقِه دَرَجَةَ الْصَائِمِ الْقَائِمِ»:[۳]

عایشه می گوید: شنیدم رسول الله ﷺ می‌فرماید: مؤمن با اخلاق نیکوی خود به درجه‌ی فرد روزه دار شب زنده دار، دست می‌یابد).

۵۰۶- عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ أَنَ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ «مَا شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي مِيزَانِ الْمُؤْمِنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ خُلُقٍ حَسَنٍ وَإِنَ اللَّهَ لَيَبْغَضُ الْفَاحِشَ الْبَذِيءَ»:[۴]

ابودرداء رضي الله عنه می گوید، پیامبر ﷺ فرمود: روز قیامت در ترازوی اعمال مؤمن هیچ چیز از اخلاق نیکو سنگین‌تر نیست و الله از فرد دشنام دهنده‌ی زشت‌گو متنفر است).

---

[۱]. صحیح: ترمذی (۴/۶۶۵، ش۲۵۱۳) می‌گوید: صحیح است. و در صحیح مسلم (۴/۲۲۷۵ش۲۹۶۳) بدون کلمه‌ی: «عَلَيْكُمْ» مسند احمد (۲/۲۵۴ش۷۴۴۲)، ابن ماجه (۲/۱۳۸۷ش۴۱۴۲). و طبرانی در الأوسط (۳/۲۲ ش۲۳۴۳).

[۲]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری (۵/۲۳۸۰، ش ۶۱۲۵)، مسلم (۴/۲۲۷۵، ش ۲۹۶۳) و مسند أحمد (۲/۳۱۴، ش۸۱۳۲)،

[۳]. صحیح: صحیح وضعیف سنن أبی داود/۴۷۹۸، زوائد السنن/۶۷۸۹ و المشکاة (۵۰۸۲)

[۴]. صحیح: صحیح وضعیف سنن الترمذی/۲۰۰۲، الصحیحة (۸۷۶) و الروض النضیر (۹۴۱)

و زاد الترمذی فی روایة له: «وَإِنَّ صَاحِبَ حُسْنِ الْخُلُقِ لَيَبْلُغُ بِهِ دَرَجَةَ صَاحِبِ الصَّوْمِ وَالصَّلَاةِ».[1]

و ترمذی در روایتی دیگر افزوده: (فرد خوش اخلاق به درجه‌ی فرد روزه دار شب زنده دار دست می‌یابد).

۵۰۷- عَنْ أَبِی هُرَيْرَةَ قَالَ سُئِلَ رَسُولُ اللهِ ﷺ عَنْ أَكْثَرِ مَا يُدْخِلُ النَّاسَ الْجَنَّةَ فَقَالَ «تَقْوَى اللهِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ». وَسُئِلَ عَنْ أَكْثَرِ مَا يُدْخِلُ النَّاسَ النَّارَ فَقَالَ «الْفَمُ وَالْفَرْجُ».[2]

ابوهریره می‌گوید از پیامبر ﷺ پرسیدند بیشترین چیزی که موجب می‌شود مردم به بهشت داخل شوند، چیست؟ فرمود: «تقوی و اخلاق نیک» و پرسیدند: بیشترین چیزی که سبب می‌شود مردم به دوزخ انداخته شوند، چیست؟ فرمود: «دهان و شرمگاه»

توصیف افراد باهوش

۵۰۸- عَنِ ابْنِ عُمَرَ أَنَّهُ قَالَ: كُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللهِ ﷺ فَجَاءَهُ رَجُلٌ مِنَ الأَنْصَارِ فَسَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ ثُمَّ قَالَ : يَا رَسُولَ اللهِ أَيُّ الْمُؤْمِنِينَ أَفْضَلُ قَالَ: «أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا». قَالَ فَأَيُّ الْمُؤْمِنِينَ أَكْيَسُ قَالَ: «أَكْثَرُهُمْ لِلْمَوْتِ ذِكْرًا وَأَحْسَنُهُمْ لِمَا بَعْدَهُ اسْتِعْدَادًا أُولَئِكَ الأَكْيَاسُ».[3]

ابن عمر رضی الله عنه می‌گوید: با رسول‌الله ﷺ بودم که مردی از انصار به نزد ایشان آمد و سلام عرض کرد، سپس گفت: ای رسول خدا ﷺ چه مؤمنی از همه بیشتر فضیلت دارد؟ فرمود: خوش اخلاق‌ترین‌شان! گفت: کدام مؤمن از همه زرنگ‌تر

---

[1]. صحیح: صحیح وضعیف سنن ترمذی/۲۰۰۳، الصحیحة (۸۷۶) و الإرواء (۹۴۱)

[2]. حسن: زوائد السنن/ ۷۹۰ و آلبانی در صحیح صحیح وضعیف سنن الترمذی/۲۰۰۴ می‌گوید: حسن الإسناد و ابن ماجه/۴۲۲۶

[3]. حسن: صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۴۲۵۱، الصحیحة (۱۳۸۴)؛ و حاکم (۵۸۳/۴ ، ش۸۶۲۳) و می‌گوید: صحیح الإسناد. أبو نعیم در الحلیة (۳۱۳/۱) . طبرانی در الأوسط (۶۱/۵ ، ش۴۶۷۱) ، بیهقی در شعب الإیمان (۳۵۱/۷ ، ش۱۰۵۵۰) ، و بیهقی در الزهد (۱۹۰/۲ ، ش۴۵۶) .

است؟ فرمود: آن مؤمنی که از همه بیشتر مرگ را یاد می‌کند و از همه برای پس از مرگ آمادگی بهتری دارد؛ اینان افراد زرنگ و باهوش هستند.

فضیلت سکوت

۵۰۹- عَنْ أَبی شریح الخُزاعی رضی الله عنه قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا، أَوْ لِيَصْمُتْ»[1]

ابوشریح خُزاعی می‌گوید پیامبر ﷺ فرمود: هر کس به الله و روز آخرت ایمان دارد، باید خیر بگوید یا سکوت کند.

۵۱۰- عَنْ أَبِي‌مُوسَى قَالَ قَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ أَيُّ الإِسْلاَمِ أَفْضَلُ قَالَ «مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ»:[2]

ابوموسی می‌گوید، پرسیدند: ای رسول خدا کدام اسلام افضل است؟ فرمود: [اسلام] کسی که مسلمانان از دست و زبانش آسوده باشند.

۵۱۱- عَنْ عَبْدِاللَّهِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَنْ صَمَتَ نَجَا»:[3]

عَبْدُاللَّه‌بن عَمْرو می‌گوید، رسول خدا ﷺ می‌فرماید: (هر کس سکوت اختیار کند، نجات می‌یابد).

فضیلت صبر

۵۱۲- عن أَبِی‌سَعید أَنَّ أُنَاسًا مِنَ الأَنْصَارِ سَأَلُوا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَلَمْ يَسْأَلْهُ أَحَدٌ مِنْهُمْ إِلاَّ أَعْطَاهُ حَتَّى نَفِدَ مَا عِنْدَهُ فَقَالَ لَهُمْ حِينَ نَفِدَ كُلُّ شَيْءٍ أَنْفَقَ بِيَدَيْهِ ثم قال: «مَا يَكُنْ عِنْدِي مِنْ خَيْرٍ لاَ أَدَّخِرْهُ عَنْكُمْ، وَإِنَّهُ مَنْ يَسْتَعِفَّ يُعِفَّهُ اللَّهُ، وَمَنْ يَتَصَبَّرْ يُصَبِّرْهُ اللَّهُ، وَمَنْ يَسْتَغْنِ يُغْنِهِ اللَّهُ، وَلَنْ تُعْطَوْا عَطَاءً خَيْرًا وَأَوْسَعَ مِنَ الصَّبْرِ»:[4]

---

[1]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۶۴۷۶ و صحیح مسلم/۴۷

[2]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۱۱ و صحیح مسلم/۴۲

[3]. صحیح: صحیح وضعیف سنن الترمذی/۲۵۰۱، الصحیحة (۵۳۵) و مسند أحمد (۱۵۹/۲ ،ش۶۴۸۱)، بیهقی در شعب الإیمان (۲۵۴/۴ ، ش۴۹۸۳). عبد بن حمید (ص۱۳۷،ش۳۴۵) و دارمی (۳۸۷/۲ ، ش۲۷۱۳)

[4]. صحیح: متفق علیه: صحیح بخاری/۱۴۶۹ و صحیح مسلم/۱۰۵۳ و ابوداود/۱۶۴۴ این روایت تکراری است.

ابوسعیدﷺ می گوید: گروهی انصار از پیامبرﷺ درخواست کمک کردند، هر یک که هر چه می‌خواست به او می‌داد، [پیامبر همچنان به همه داد] تا این که آن‌چه در اختیار داشت، تمام شد. سپس فرمود: هر چه از خیر در نزد من باشد ذخیره نمی کنم. اما هر کس از درخواست کمک خود داری کند، الله او را بی‌نیاز می گرداند و هر کس صبر پیشه نماید، الله به او صبر می‌دهد و هر کس خود را از مردم بی‌نیاز بداند، الله او را بی‌نیاز می گرداند. [و بدانید که] هرگز بخششی بهتر و وسیع‌تر از صبر به شما داده نخواهد شد.

فضیلت بردباری

۵۱۳- عَن ابْنِ عَبَّاس أن النَبِيَّﷺ قَالَ لأَشَجِّ عَبْدِ الْقَيْسِ «إنَ فِيكَ خَصْلَتَيْنِ يُحِبُّهُمَا اللهُ الْحِلْمُ وَالأَنَاةُ»:[1]

ابن‌عباس روایت می کند که پیامبرﷺ خطاب به اشج عبدالقیس فرمود: در تو دو خوبی است که الله آنها را دوست می‌دارد؛ بردباری و آرامش.

۵۱۴- عَنْ عَبْد الله بْن سَرْجِسَ الْمُزَنِيِّ أنَ النَبِيَّﷺ قَالَ «السَّمْتُ الْحَسَنُ وَالتُّؤَدَةُ وَالاقْتِصَادُ جُزْءٌ مِنْ أَرْبَعَةٍ وَعِشْرِينَ جُزْءًا مِنَ النُّبُوَّة»:[2]

عبدالله بن‌سرجس مزنی می گوید، پیامبر فرمود: سکوت به نیکی، آرامش و میانه‌روی، یکی از بیست و چهار شعبه‌ی نبوت است.

فضیلت نرمی در امور

۵۱۵- عَنْ عَائِشَةَ زَوْجِ النَبِيِّﷺ أنَ رَسُولَ اللهﷺ قَالَ «يَا عَائِشَةُ إنَ اللهَ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرِّفْقَ وَيُعْطِي عَلَى الرِّفْقِ مَا لاَ يُعْطِي عَلَى الْعُنْف وَمَا لاَ يُعْطِي عَلَى مَا سِوَاهُ، لَا يَكُونُ فِي شَيْءٍ إلَا زَانَهُ وَلَا يُنْزَعُ مِنْ شَيْءٍ إلَا شَانَهُ»[1]

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۱۷ لازم به ذکر است که مؤلف می‌گوید: اخرجاه یعنی: بخاری و مسلم این حدیث را روایت کرده‌اند، گر چه در صحیح بخاری اصل ماجرای آمدن وفد عبد القیس وجود دارد و حد اقل در چهار جای صحیح بخاری با شماره های: ۵۲۳،۱۳۹۸، ۳۰۹۵، ۳۵۱۰ تکرار شده اما خبری از این حدیث در آن نیست.

[2]. حسن:صحیح وضعیف سنن الترمذی/۲۰۱۰) و ترمذی می‌گوید : حسن غریب و ابن أبی عاصم در الآحاد والمثانی (۳۳۶/۲ ، ش۱۱۰۵) ، و ضیاء از طریق طبرانی (۴۰۴/۹ ، ش۳۷۸) و دیلمی (۳۴۶/۲ ، ش۳۵۶۷)

عایشه همسر پیامبرﷺ می گوید، رسول خداﷺ فرمود: ای عایشه الله نرم خو است، و نرم خویی را دوست دارد. و با نرمی چیزی را می‌دهد که هرگز با تندی و غیر آن نرمی نمی‌دهد، نرم خویی در هیچ کسی نیست، مگر این که آن را زینت می‌دهد و از هیچ کسی گرفته نمی‌شود، مگر این که آن را بی ارزش می گرداند).

۵۱۶- عَنْ جَرِير بن عبد الله عَن النَبِيِّﷺقَالَ «مَنْ يُحْرَمِ الرِّفْقَ يُحْرَمِ الْخَيْرَ»:[۲]

جریر بن‌عبدالله می گوید پیامبرﷺ فرمود: هر کس از اخلاق و رفتار نرم محروم شود، از خیر محروم شده است.

فضیلت اجرای حدود الهی

۵۱۷- عَن ابنْ عُمَرَ أَنَ رَسُولَ اللَهِﷺ قَالَ «إقَامَةُ حَدٍّ مِنْ حُدُودِ اللَه خَيْرٌ مِنْ مَطَرِ أَرْبَعينَ لَيْلَةً فِى بِلاَدِ اللَه عَزَ وَجَلَ»:[۳]

ابن عمرؓ می گوید پیامبرﷺ فرمود: اجرای یکی از حدود الهی از بارش چهل روز باران در شهرهای الله بهتر است.

۵۱۸- عن أَبى هُرَيْرَةَ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَهِﷺ«حَدٌّ يُعْمَلُ فِى الأَرْضِ خَيْرٌ لأَهْلِ الأَرْضِ مِنْ أَنْ يُمْطَرُوا ثَلاَثِينَ صَبَاحًا»:[۴]

ابوهریرهؓ روایت می کند که پیامبرﷺ فرمود: اجرای یک حد در زمین، برای اهالی آن از بارش سی روز باران بهتر است.

۵۱۹- عَنْ أَبِى هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَهِﷺ«بَدَأَ الإِسْلاَمُ غَرِيبًا وَسَيَعُودُ كَمَا بَدَأَ غَرِيبًا فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ»:[۵]

---

[۱]. صحیح: این حدیث را امام مسلم در دو حدیث پشت سرهم با شماره های ۲۵۹۴ و۲۵۹۳ روایت کرده است. در هیچ منبعی در یک حدیث یافت نشد.

[۲]. صحیح: صحیح مسلم/۲۵۹۲ و ابوداود/۴۸۰۸ و ابن ماجه/۳۶۸۷

[۳]. حسن: صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۲۵۳۷، صحیحة (۲۳۱) ، مشکاة (۳۵۵۸) ، و الروض النضیر (۱۰۶۸)

[۴]. صحیح: صحیح وضعیف سنن نسائی/۴۹۰۴)، ابن ماجه (۸۴۸/۲ ، ش۲۵۳۸) البته در روایت ابن ماجه لفظ: «اربعین صَبَاحًا» است ومسند أحمد (۴۰۲/۲ ش۹۲۱۵) و ابن الجارود (ص ۲۰۳ ش۸۰۱)

[۵]. صحیح: صحیح مسلم (۱۳۰/۱ش۱۴۵)، ابن ماجه (۱۳۱۹/۲، ش۳۹۸۶) و أبو یعلی (۵۲/۱۱ ، ش۶۱۹۰) .

ابوهریره ﷺ روایت می کند که پیامبر ﷺ فرمود: اسلام با غربت آغاز شده است و بزودی غریب خواهد شد، همان‌طور که با غربت شروع شده است، خوشا بحال غریبان!).

۵۲۰- عَنِ ابْنِ عُمَرَ عَنِ النَّبِیِّ ﷺ قَالَ «إِنَّ الإِسْلاَمَ بَدَأَ غَرِیبًا وَسَیَعُودُ غَرِیبًا کَمَا بَدَأَ»:[1]

ابن عمر ﷺ روایت می کند که پیامبر ﷺ فرمود: اسلام با غربت آغاز شده است و بزودی غریب خواهد شد، همان‌طور که با غربت شروع شده است.

۵۲۱- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُود قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «إِنَّ الإِسْلاَمَ بَدَأَ غَرِیبًا وَسَیَعُودُ غَرِیبًا کَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ»:[2]

عبدالله بن مسعود ﷺ می گوید پیامبر ﷺ فرمود: اسلام با غربت آغاز شده است و بزودی غریب خواهد شد، همان‌طور که با غربت شروع شده است، خوشا بحال غریبان!).

فضیلت زهد در دنیا و...

۵۲۲- عَنْ أَبِی هُرَیْرَةَ عَنِ النَّبِیِّ ﷺ قَالَ «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى یَقُولُ یَا ابْنَ آدَمَ تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِی أَمْلأْ صَدْرَکَ غِنًى وَأَسُدَّ فَقْرَکَ وَإِلاَّ تَفْعَلْ مَلأْتُ یَدَیْکَ شُغْلاً وَلَمْ أَسُدَّ فَقْرَکَ»:[3]

ابوهریره ﷺ روایت می کند که پیامبر ﷺ فرمود: الله تعالی می گوید: ای آدمی زاد! تو وقت خود را برای عبادت من خالی کن سینه‌ات را سرشار از بی‌نیازی می گردانم و راه دست‌تنگی را بر تو می‌بندم. اگر چنین نکنی دستانت را پر از کار می کنم[یعنی: آن قدر کار به سرت می‌ریزم که اصلا وقت نداشته باشی] و راه تنگدستی‌ات را هم نمی‌بندم.

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم/۳۷۱ و الصحیحة (۱۲۷۳)

[2]. صحیح: صحیح وضعیف سنن ترمذی/۲۶۲۹) و می‌گوید: حسن صحیح غریب، ابن ماجه (۲/۱۳۲۰، ش۳۹۸۸)و مسندأحمد (۱/۳۹۸، ش۳۷۸۴) ، ابن أبی شیبة (۷/۸۳، ش۳۴۳۶۶) ، دارمی (۲/۴۰۲، ش۲۷۵۵) ، والبزار (۵/۴۳۳ ، ش۲۰۶۹) ، وأبو یعلی (۸/۳۸۸ ، ش۴۹۷۵) .

[3]. صحیح: صحیح وضعیف سنن الترمذی/۲۴۶۶ و می گوید: «حَسَنٌ غَرِیبٌ» وابن ماجة (۴۱۰۷) و صحیح الجامع/۱۹۱۰

۵۲۳- عَنْ أَنَس بْنِ مَالک قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَه ﷺ «مَنْ كَانَت الآخرَةُ هَمَّهُ جَعَلَ اللَهُ غنَاهُ فِي قَلْبه وَجَمَعَ لَهُ شَمْلَهُ وَأَتَتْهُ الدُّنْيَا وَهِيَ رَاغمَةٌ وَمَنْ كَانَت الدُّنْيَا هَمَّهُ جَعَلَ اللَهُ فَقْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْه وَفَرقَ عَلَيْه شَمْلَهَ وَلَمْ يَأته منَ الدُّنْيَا إلاَ مَا قُدِّرَ لَهُ»:[1]

انس بن مالك می گوید، رسول خداﷺ فرمود: هر کس تمام هم و غمش آخرت باشد الله بی‌نیازی را در دلش قرار می‌دهد و توانایی‌هایش را متمرکز می گرداند و دنیا در حالی برایش داده می‌شود که او تمایل چندانی به آن ندارد. اما هر کس همّ و غمش جمع آوری مال دنیا باشد، الله تعالی فقرش را در برابر چشمانش قرار می‌دهد و توانایی‌هایش را پراکنده می گرداند و از مال دنیا به همان اندازه به وی داده می‌شود که برایش مقدر شده است.

۵۲۴- عَنْ أَبِي أَيُّوبَ رضي الله عنه قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَه عَلِّمْنِي وَأَوْجزْ. قَالَ «إِذَا قُمْتَ فِي صَلاَتک فَصَلِّ صَلاَةَ مُوَدِّعٍ وَلاَ تَكَلَّمْ بِكَلاَمٍ تَعْتَذرُ منْهُ وَأَجْمعِ الْيَأْسَ عَمَّا فِي أَيْدي النَّاسِ»:[2]

ابوایوب انصاری می گوید، مردی خدمت پیامبرﷺ آمد و گفت: (ای رسول خدا! (اسلام را) به من بیاموز و خلاصه کن! فرمود: هر گاه برای نماز بلند شدی چنان نماز بخوان که گویا نماز خدا حافظی است، و حرفی نزن که از آن معذرت خواهی کنی و بکلی از آن‌چه مردم دارند نا امید باش).

۵۲۵- عَنْ سَهْل بْنِ سَعْد السَّاعديِّ قَالَ أَتَى النَّبِيَّ ﷺ رَجُلٌ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَه دُلَّنِي عَلَى عَمَل إِذَا أَنَا عَمِلْتُهُ أَحَبَّنِيَ اللَهُ وَأَحَبَّنِيَ النَّاسُ فَقَالَ رَسُولُ اللَه ﷺ «ازْهَدْ فِي الدُّنْيَا يُحبَّكَ اللَهُ وَازْهَدْ فيمَا فِي أَيْدي النَّاسِ يُحبُّكَ النَّاس»:[3]

سهل بن سعد ساعدی می گوید: مردی خدمت پیامبرﷺ آمد و گفت: مرا به انجام عملی راهنمایی کن که چون آن را انجام دهم، الله و مردم مرا دوست داشته باشند، رسول‌اللهﷺ فرمود: در دنیا پارسا باش الله تو را دوست می‌دارد و نسبت به آنچه مردم دارند بی‌توجه باش، مردم تو را دوست می‌دارند.

[1]. صحیح: صحیح وضعیف سنن ترمذی/۲۴۶۵ و صحیح الجامع/۶۳۸۴
[2]. حسن: صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۴۱۷۱ و زوائد السنن/۶۵۹۲ و الصحیحة (۴۰۰)
[3]. صحیح: صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۴۱۰۲، زوائد السنن/۶۶۳۴، الصحیحة (۹۴۴)

۵۲۶- عَنْ أَبی‌هُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «یَا أَبَا هُرَیْرَةَ کُنْ وَرِعًا تَکُنْ أَعْبَدَ النَاسِ وَکُنْ قَنِعًا تَکُنْ أَشْکَرَ النَاسِ وَأَحِبَّ لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِکَ تَکُنْ مُؤْمِنًا وَأَحْسِنْ جِوَارَ مَنْ جَاوَرَکَ تَکُنْ مُسْلِمًا وَأَقِلَ الضَحِکَ فَإِنَ کَثْرَةَ الضَحِکِ تُمِیتُ الْقَلْبَ»:[1]

ابوهریره می‌گوید، پیامبر ﷺ خطاب به من فرمود: ای ابوهریره! پرهیزکار باش! عابدترین مردم خواهی شد، قانع باش شاکرترین مردم خواهی بود، و برای مردم همان را دوست بدار که برای خود دوست داری، مؤمن خواهی بود، و با همسایه‌ات- هر کس که باشد- خوبی کن، مسلمان خواهی بود، و کم بخند که کثرت خنده دل را می‌میراند).

رحمت الهی گسترده است

۵۲۷- عَنْ أَبی‌هُرَیْرَةَ عَنِ النَبیِّ ﷺ قَالَ «إِنَ لِلَّه مِائَةَ رَحْمَةٍ أَنْزَلَ مِنْهَا رَحْمَةً وَاحِدَةً بَیْنَ الْجِنِّ وَالإِنْسِ وَالْبَهَائِمِ وَالْهَوَامِّ فَبِهَا یَتَعَاطَفُونَ وَبِهَا یَتَرَاحَمُونَ وَبِهَا تَعْطِفُ الْوَحْشُ عَلَی وَلَدِهَا وَأَخَرَ اللَهُ تِسْعًا وَتِسْعِینَ رَحْمَةً یَرْحَمُ بِهَا عِبَادَهُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ»:[2]

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید پیامبر ﷺ فرمود: الله تعالی صد رحمت دارد که یکی از آنها را بین جن، انس، چهارپایان و حشرات نازل کرده است که بوسیله‌ی آن نسبت به یک‌دیگر عاطفه دارند و ترحم می‌کنند. حتی حیوانات وحشی بوسیله‌ی همین نسبت به بچه‌های خود عاطفه دارند. اما نود و نه تای دیگر رحمت خود را گذاشته تا با آن در قیامت به بندگان خود ترحم کند).

---

[1]. حسن: صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۴۲۱۷، صحیحة (۵۰۶ و ۹۲۷ و ۲۰۴۶)، بیهقی در شعب الإیمان (۵/۵۳ ، ش۵۷۵۰) . بوصیری (۴/۲۴۰) می‌گوید: این إسناد حسن است. أبویعلی (۱۰/۲۶۰ ، ش ۵۸۶۵) ، والقضاعی (۱/۲۱۵ ، ش ۳۸۵) .

[2]. صحیح: مسلم (۴/۲۱۰۸ ، ش۲۷۵۲)، مسند أحمد (۲/۴۳۴ ، ش۹۶۰۷) ، وابن ماجه (۲/۱۴۳۵ ، ش۴۲۹۳) . و در صحیح بخاری/۶۱۰۴ به همین معنا

۵۲۸- عَنْ سَلْمَانَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ «خَلَقَ يَوْمَ خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالأَرْضَ مِائَةَ رَحْمَةٍ كُلُّ رَحْمَةٍ طِبَاقَ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ فَجَعَلَ مِنْهَا فِي الأَرْضِ رَحْمَةً فَبِهَا تَعْطِفُ الْوَالِدَةُ عَلَى وَلَدِهَا وَالْوَحْشُ وَالطَّيْرُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَكْمَلَهَا بِهَذِهِ الرَّحْمَةِ»[1]

سلمان می‌گوید، رسول خدا ﷺ فرمود: (الله تعالی در روزی که آسمان‌ها و زمین را آفرید، صد رحمت آفرید که هر یک از آن‌ها به اندازه‌ی فاصله‌ی بین آسمان‌ها و زمین گستره دارد، یکی از این رحمت‌ها را در زمین قرار داده که بوسیله‌ی آن مادر نسبت به فرزند خود و حیوانات وحشی و پرندگان نسبت به یک‌دیگر محبت دارند. اما زمانی که قیامت برپا شود آن نود ونه رحمت را با همین رحمت بطور کامل نسبت به بندگان خود دارد).

۵۲۹- عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ ﷺ قَدِمَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ سَبْيٌ، فَإِذَا امْرَأَةٌ مِنَ السَّبْيِ قَدْ تَحْلُبُ ثَدْيَهَا تَسْقِي، إِذَا وَجَدَتْ صَبِيًّا فِي السَّبْيِ أَخَذَتْهُ فَأَلْصَقَتْهُ بِبَطْنِهَا وَأَرْضَعَتْهُ، فَقَالَ لَنَا النَّبِيُّ ﷺ «أَتَرَوْنَ هَذِهِ طَارِحَةً وَلَدَهَا فِي النَّارِ». قُلْنَا لاَ وَهِيَ تَقْدِرُ عَلَى أَنْ لاَ تَطْرَحَهُ. فَقَالَ «اللهُ أَرْحَمُ بِعِبَادِهِ مِنْ هَذِهِ بِوَلَدِهَا»[2]

عمر بن خطاب ﷺ می‌گوید: (گروهی از اسیران جنگی را خدمت پیامبر ﷺ آوردند، بین آنها زنی بود که پستان‌هایش پر شیر شده بود لذا هر بچه‌ای را که می‌دید آن را می‌گرفت به آغوش خود می‌فشرد و شیر می‌داد. پیامبر ﷺ به ما گفت: آیا گمان می‌کنید که این زن بچه‌ی خود را در آتش بیندازد؟ گفتیم: خیر اگر بتواند چنین کاری نمی‌کند. فرمود: الله تعالی از محبتی که این زن نسبت به فرزند خود دارد، به بندگانش بیشتر ترحم دارد).

---

[1]. صحیح: صحیح مسلم (۲۱۰۸/۴، ش۲۷۵۳) با «إِنَّ اللّٰهَ» در مسلم شروع شده است که مؤلف بدون آن آورده و به مسلم نسبت داده است. ومسند أحمد (۴۳۹/۵ش۲۳۷۷۱) وابن حبان (۱۴/۱۴ ش۶۱۴۶).

[2]. صحیح: صحیح بخاری/۵۹۹۹ و کتاب الأدب: باب رحمة الولد وتقبيله ومعانقته واللؤلؤ والمرجان فيما اتفق عليه الشيخان/۱۷۵۱ و در صحیح مسلم با تفاوت اندک در الفاظ

۵۳۰- أَبِی أُمَامَةَ الْبَاهِلِيَّ يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِﷺ يَقُولُ وَعَدَنِی رَبِّی سُبْحَانَهُ أَنْ يُدْخِلَ الْجَنَّةَ مِنْ أُمَّتِی سَبْعِينَ أَلْفًا لاَ حِسَابَ عَلَيْهِمْ وَلاَ عَذَابَ مَعَ كُلِّ أَلْفٍ سَبْعُونَ أَلْفًا وَثَلاَثُ حَثَيَاتٍ مِنْ حَثَيَاتِ رَبِّی عَزَّ وَجَلَّ»:[۱]

ابوامامهؓ می‌گوید، شنیدم رسول‌اللهﷺ می‌فرماید: الله تعالی به من وعده داده است که هفتاد هزار نفر و با هر هزار نفر، هفتاد هزار نفر از امت من، بدون حساب و عذاب وارد بهشت گرداند، علاوه بر این‌ها سه مشت از مشت‌های پروردگارم نیز وارد بهشت نماید).

در پایان

«إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِی إِلَّا بِاللَّه عَلَيْه تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْه أُنِيبُ»: (من جز اصلاح تا آن جا که بتوانم هدفی ندارم، و توفیق من جز از جانب الله نیست، بر او توکل کردم و به سوی اوست باز گشتم.) «هود/ ۸۸»

حامد فیروزی تربت جام

[۱]. صحیح: صحیح وضعیف سنن ابن ماجة/۴۲۸۶)، الصحیحة (۲۱۷۹)، مسند أحمد (۵/۲۶۸ ، ش۲۲۳۵۷) ، ترمذی (۴/۶۲۶ ، ش۲۴۳۷) و می‌گوید: حسن غریب . طبرانی (۸/ ۱۱۰ش۷۵۲۰) . ابن حبان (۱۶/ ۲۳۰ ، ش۷۲۴۶)، دارقطنی در الصفات (۱/ ۳۷ ، ش۵۰) . محاملی (۱/۲۶۵ ، ش۶۰) و دیلمی (۴/ ۳۸۲ ش ۷۱۱۳).

فهرست بن مایه یا اول احادیث کتاب

-ک-

-ل-

مسلمان باید آگاهی لازم را در مسیر انجام عبادت به دست آورد، و تلاش نماید به اندازه‌ی توانش، عبادت‌ها را به برترین و نیکوترین شیوه به جای آورد تا کامل ترین پاداش‌ها را از آفریدگار منان دریافت نماید.

در این کتاب فضایل اعمال بیان شده‌اند، لازم است که مسلمان آن‌ها را فرا گیرد و به آن‌ها چنگ بزند و عمل نماید تا در هر دو گیتی رستگار و سعادتمند گردد.





ISBN: 978-964-356-829-0
